

از عهد جدید چه می دانیم؟

جلد دوم



ریموند ای. براون

سطح الهیات

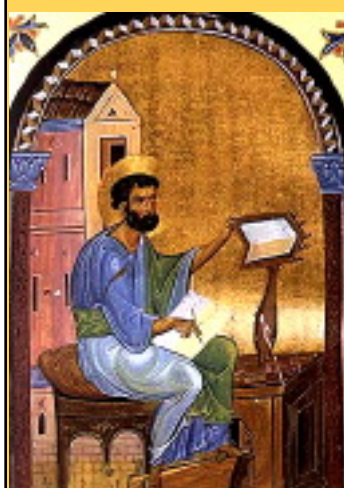
این کتاب ترجمه ای است از:

An Introduction To The New Testament

By: Raymond E. Brown



چهار انجیل نگار



عنوان: از عهد جدید چه می دانیم؟
نویسنده: ریچارد ای. براون

فهرست

۳۷۹	فصل پانزدهم: طبقه بندی و فرم نامه های عهد جدید
۳۸۰	(A) طبقه بندی
۳۸۲	(B) فرم، اندازه
۳۸۸	(C) چگونگی برخورد این جلد (کتاب) با تک تک نامه ها
۳۹۰	فصل شانزدهم: موضوعات کلی در زندگی و افکار پولس
۳۹۰	(A) زندگی پولس
۴۰۳	(B) الهیات پولس
۴۰۹	فصل هفدهم: ارج نهادن به پولس
۴۰۹	(A) تصاویر پولس
۴۱۱	(B) انگیزه پولس
۴۱۳	(C) میراث زندگی پولس
۴۱۹	فصل هجدهم: نامه اول به تسالونیکیان
۴۱۹	زمینه
۴۲۵	موضوعات و مسائلی برای تعمق
۴۲۸	فصل نوزدهم: نامه به غلاطیان
۴۲۸	زمینه
۴۳۱	تحلیل کلی پیام
۴۳۴	تأثیر نامه به غلاطیان در روند کاری پولس
۴۳۵	به کجا و چه زمان؟
۴۳۸	موضوعات و مسائلی برای تعمق
۴۴۲	فصل بیستم: نامه به فیلیپیان
۴۴۲	زمینه
۴۴۴	تحلیل کلی پیام
۴۵۱	از کجا و چه زمان؟
۴۵۴	اتحاد: یک یا دو یا سه نامه؟
۴۵۶	موضوعات و مسائلی برای تعمق

۴۵۹	فصل بیست و یکم : نامه به فیلمون
۴۵۹	زمینه
۴۶۲	تحلیل کلی پیام
۴۶۳	اهمیت اجتماعی نظر پولس درباره بردگی
۴۶۴	از کجا و چه زمانی؟
۴۶۵	روند شغلی بعدی انیسیمس
۴۶۶	موضوعات و مسائلی برای تعمق
۴۶۸	فصل بیست و دوم : نامه اول به قرنتیان
۴۶۸	زمینه
۴۷۲	تحلیل کلی پیام
۴۸۱	آنهایی که توسط پولس در قرنتس مورد انتقاد قرار گرفتند
۴۸۳	انتقاد پولس از زناکاران و هم جنس گرایان
۴۸۵	عطایا در قرنتس و امروز
۴۸۷	سرود محبت
۴۸۸	پولس و عیسی رستاخیز کرده
۴۹۰	موضوعات و مسائلی برای تعمق
۴۹۴	فصل بیست و سوم : نامه دوم به قرنتیان
۴۹۴	زمینه
۴۹۷	تحلیل کلی پیام
۵۰۱	یک نامه یا یک گردآوری از چندین نامه؟
۵۰۴	تجسم و تصور
۵۰۵	جمع آوری پول توسط پولس برای اورشلیم
۵۰۶	مخالفین یا رسولان کذب
۵۰۹	موضوعات و مسائلی برای تعمق
۵۱۱	فصل بیست و چهارم : نامه به رومیان
۵۱۱	زمینه
۵۱۶	تحلیل کلی پیام
۵۲۷	اتحاد رومیان
۵۲۷	عادل شمردگی / پرهیزکاری / راستی / عدالت
۵۲۹	نظر پولس درباره رعایت کردن شریعت یهود

۵۳۱	گناه اولیه
۵۳۲	موضوعات و مسائلی برای تعمق
۵۳۵	فصل بیست و پنجم : نام مستعار داشتن و نوشته های دوتروپولسی
۵۳۵	(A) مستعار نویسی به طور کلی
۵۳۷	مسائلی درباره مستعار بودن
۵۳۹	فصل بیست و ششم : نامه دوم به تسالونیکیان
۵۳۹	تحلیل کلی پیام
۵۴۱	آیا پولس نامه دوم به تسالونیکیان را نوشت؟
۵۴۳	هدف از نوشتن نامه دوم به تسالونیکیان
۵۴۵	موضوعات و مسائلی برای تعمق
۵۴۷	فصل بیست و هفتم : نامه به کولسیان
۵۴۷	زمینه
۵۴۹	تحلیل کلی پیام
۵۵۰	سرود مسیح شناسی
۵۵۲	تعلیم غلط
۵۵۵	قانون خانواده
۵۵۷	آیا پولس نامه به کولسیان را نوشت؟
۵۶۲	از کجا و چه زمان؟
۵۶۴	موضوعات و مسائلی برای تعمق
۵۶۶	فصل بیست و هشتم : نامه به افسسیان
۵۶۶	تحلیل کلی پیام
۵۷۰	کلیسا شناسی افسسیان و کاتولیسیم اولیه
۵۷۲	به چه کسی و توسط چه کسی؟
۵۷۶	سبک (نوع)؟
۵۷۹	زمینه ایده ها
۵۸۰	موضوعات و مسائلی برای تعمق
۵۸۳	فصل بیست و نهم : نامه شبانی به تیطس
۵۸۳	نامه های شبانی به طور کلی : عنوان، روابط متقابل

۵۸۵	زمینه
۵۸۷	تحلیل کلی پیام
۵۹۰	مشایخ / اسقفان در نامه های شبانی
۵۹۳	موضوعات و مسائلی برای تعمق
۵۹۵	فصل سی ام : نامه شبانی اول به تیموتائوس
۵۹۵	زمینه
۵۹۸	تحلیل کلی پیام
۶۰۴	چه کسی نامه به تیطس و نامه اول به تیموتائوس را نوشت؟
۶۰۹	معانی ضمنی مستعار نویسی برای نامه های شبانی
۶۱۱	موضوعات و مسائلی برای تعمق
۶۱۳	فصل سی و یکم : نامه شبانی دوم به تیموتائوس
۶۱۳	دوم تیموتائوس و امکانات درباره نامه های شبانی
۶۱۷	تحلیل کلی پیام
۶۱۹	کتاب مقدسه الهام شده
۶۲۰	موضوعات و مسائلی برای تعمق
۶۲۱	بخش چهارم : سایر نوشته های عهد جدید
۶۲۲	فصل سی و دوم : نامه به عبرانیان
۶۲۲	تحلیل کلی پیام
۶۲۸	سبک ادبی، ساختار
۶۲۹	محیط فکری
۶۳۱	توسط چه کسی، از کجا و چه زمان؟
۶۳۵	به کدام مخاطبین
۶۳۹	موضوعات و مسائلی برای تعمق
۶۴۲	فصل سی و دوم : نامه اول پطرس
۶۴۵	تحلیل کلی پیام
۶۴۹	درد و رنج توصیف شده : بیگانگی یا تعقیب و آزار امپراتوری
۶۵۰	نزول مسیح به هاویه
۶۵۲	ارتباط با سنت پولسی
۶۵۴	از چه کسی و به چه کسی، کجا و چه زمانی؟
۶۵۸	موضوعات و مسائلی برای تعمق

۶۶۰	فصل سی و چهارم : نامه یعقوب
۶۶۰	زمینه
۶۶۲	تحلیل کلی پیام
۶۶۷	درباره ایمان و اعمال
۶۶۸	درباره سنت عیسی
۶۷۰	تدهین بیماران
۶۷۲	سبک ادبی
۶۷۴	توسط چه کسی و به چه کسی، کجا و چه زمانی؟
۶۷۶	شرعی بودن رساله یعقوب
۶۷۸	موضوعات و مسائلی برای تعمق

۶۸۱	فصل سی و پنجم : نامه یهودا
۶۸۱	زمینه
۶۸۳	تحلیل کلی پیام
۶۸۷	استفاده رساله یهودا از ادبیات غیر شرعی
۶۸۷	سبک ادبی
۶۸۹	توسط چه کسی و به چه کسی، کجا و چه زمانی؟
۶۹۲	شرعی بودن رساله یهودا

۶۹۳	فصل سی و ششم : نامه دوم پطرس
۶۹۳	زمینه
۶۹۴	تحلیل کلی پیام
۶۹۸	توسط چه کسی و به چه کسی، کجا و چه زمانی؟
۷۰۰	شرعی بودن و کاتولیسم اولیه
۷۰۲	موضوعات و مسائلی برای تعمق

۷۰۴	فصل سی و هفتم : کتاب مکاشفه (آپوکالیپس)
۷۰۵	سبک ادبی مکاشفه ای
۷۱۰	تحلیل کلی پیام
۷۲۶	ساختار کتاب
۷۲۸	نقش نیایش
۷۳۰	هزاره گرایی
۷۳۲	تألیف

۷۳۴	تاریخ و وضعیت زندگی
۷۳۸	موضوعات و مسائلی برای تعمق
۷۴۲	ضمیمه ۱ : عیسی تاریخی
۷۴۲	دویست سال کاوش نوین
۷۴۴	بعد از ۱۹۸۰ : سمینار عیسی و محققین مربوطه
۷۴۷	بعد از ۱۹۸۰ : نظریات متفرقه
۷۵۰	بینش های ارزیابی کننده
۷۵۳	ضمیمه ۲ : نوشته های یهودی و مسیحی مربوط به عهد جدید
۷۵۳	نوشته های یهودی
۷۵۷	نوشته های مسیحی و گنوستیک
۷۶۲	زندگی نامه پروفیسور ریموند ای. براون
۷۶۳	نمایه

بخش سوم:

نامه های پولس

طبقه بندی و فرم نامه های عهد جدید
مطالب کلی در مورد زندگی و افکار پولس
ارج نهادن به پولس

اولین سری نامه های پولس (غیر قابل انکار) Proto Pauline

- ۱- تسالونیکیان
- غلاطیان
- فیلیپیان
- فیلمون
- ۱- قرنتیان
- ۲- قرنتیان
- رومیان

دومین سری نامه های پولس (احتمالاً مستعار نویسی) Deutero Pauline

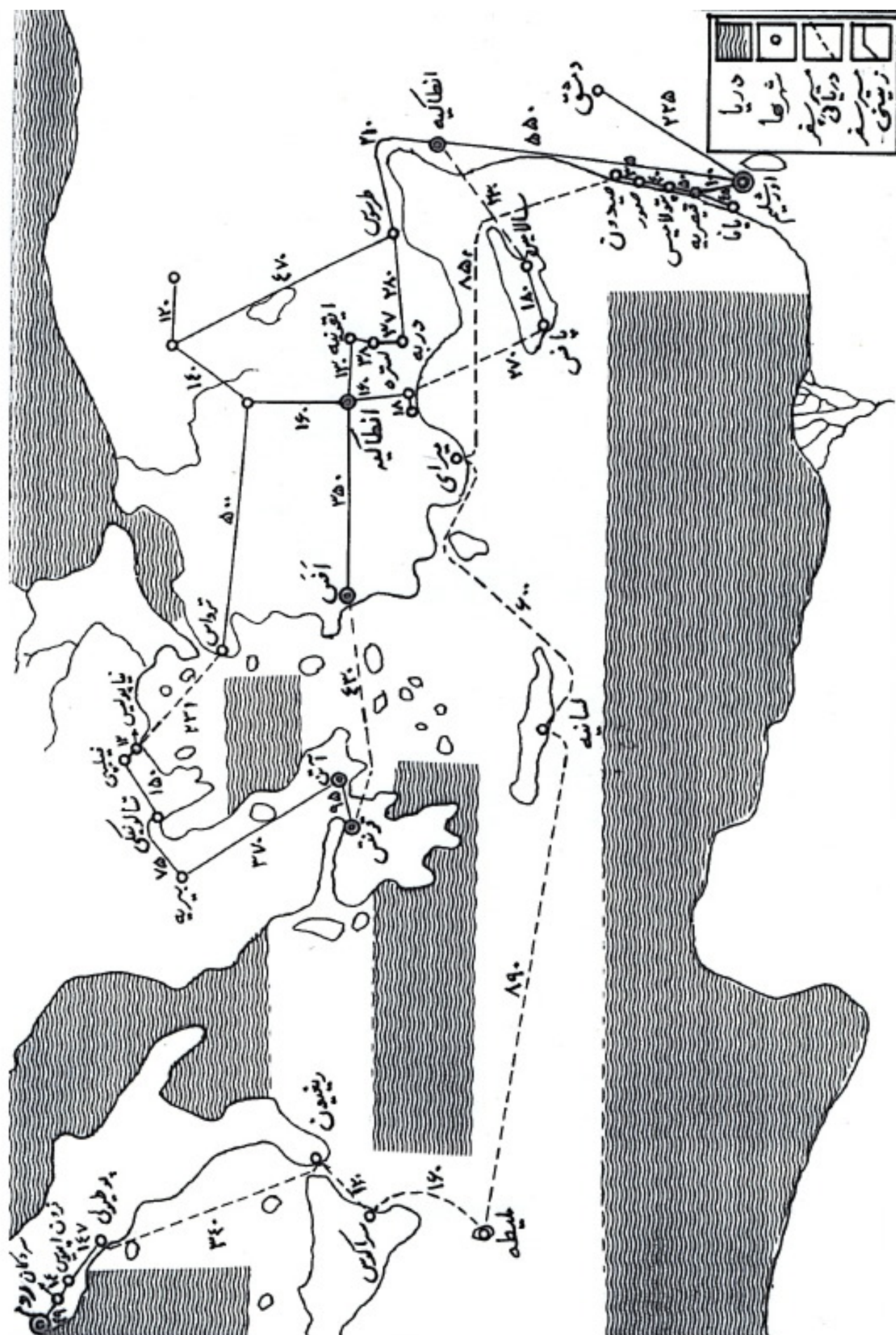
- ۲- تسالونیکیان
- کولسیان
- افسیان
- تیطس
- ۱- تیموتائوس
- ۲- تیموتائوس

جدول ۶ . ترتیب زمانی پولس

اصلاح طلبان	رویداد	سنتی
۳۰-۳۴ میلادی	تبدیل ایمان به مسیح	۳۶ میلادی
۳۳-۳۷	دیدار از اورشلیم بعد از دمشق	۳۹
بعد از ۳۷	در قیلیقه	۴۰-۴۴
بعد از ۳۷	در انطاکیه	۴۴-۴۵
بعد از ۳۷	اولین سفر بشارتی ، شروع در انطاکیه ، به قبرس و جنوب آسیای صغیر ، بازگشت به انطاکیه دومین سفر بشارتی ، شروع در انطاکیه ، از طریق آسیای صغیر به شمال غلاطیه ، مکادونیه ، قرنسس (اول تسالونیکیان) بازگشت به اورشلیم و انطاکیه	۴۶-۴۹ به پایین رجوع کنید
۴۱-۴۳ ()		
۴۷-۵۱	شورای اورشلیم	۴۹
به بالا رجوع کنید	دومین سفر بشارتی شروع در انطاکیه ، از طریق جنوب آسیای صغیر به شمال غلاطیه ، مکادونیه ، قرنسس (اول تسالونیکیان) بازگشت به اورشلیم و انطاکیه	۵۰-۵۲ (۵۱-۵۲)
غیر قابل تشخیص از دومی	سومین سفر بشارتی ، شروع از انطاکیه از طریق شمال غلاطیه به افسس ؛ سه سال اقامت در آنجا - زندانی شدن ؟ (غلاطیان ، فیلیپیان ، فیلمون ، اول قرنتیان) پولس از طریق مکادونیه به قرنسس می رود (اول قرنتیان ، غلا؟) ، زمستانها در قرنسس (رومیان) ، بازگشت به اورشلیم	۵۴-۵۸ (۵۴-۵۷) (تابستان ۵۷) (۵۷-۵۸)
۵۲-۵۵ یا ۵۶-۵۸	دستگیری در اورشلیم، دو سال زندانی در قیصریه (فیلیپیان؟) فرستادن به روم ، سفر دریایی طولانی	۵۸-۶۰ ۶۰-۶۱
	زندانی شدن در روم به مدت دو سال (فیلیپیان؟ فیلمون؟)	۶۱-۶۳
	وفات در روم تحت حکومت نرون	بعد از تابستان ۶۴

*** شهر هایی که پولس در آن اقامت طولانی داشته با حروف بزرگ نشان داده شده . عناوین نامه های پولس به صورت مخفف نوشته شده و در پرانتز قرار دارند : علامت سوال نشانگر این است که ممکن است اما چندان پذیرفته نیست . ترتیب زمانی سنتی با زمان های اصلی با حروف پررنگ نوشته شده است . ترتیب زمانی اصلاح طلبان با زمان های اصلی با حروف مایل نوشته شده اند .

مسافت سفرهای زمینی و دریایی پولس رسول



فصل پانزدهم

طبقه بندی و فرم نامه های عهدجدید

نیمی از بیست و هفت کتاب عهدجدید، با نام پولس همراه هستند، و همگی در فرم نامه می باشند. فصول ۱۸-۳۱ در ذیل به این نوشته ها به طور جداگانه خواهد پرداخت، اما قبل از آن در سه فصل تصویری کلی از این کتب خواهیم داشت. در فصل پانزدهم تحلیلی بر شکل و فرم نامه ای که ارتباطات پولس را شکل می داد و توضیح چگونگی نگریستن بر تک تک نامه ها را خواهیم داشت. فصل شانزدهم گزارشی است از آنچه که ما درباره زندگی پولس و بعضی جنبه های مهم تفکر او می دانیم. این دو فصل تاحدودی تکنیکی بازتاب موضوعاتی هستند که توسط اطلاعات موجود مطرح می شوند. سپس فصل هفدهم در سطحی انسانی تر ارج نهادن به پولس و به دست آوردن روح او را ارائه می دهد.

چنان که در فصل اول دیدیم، هفت نامه اولیه و بدون جروبحث پولسی (یا پروتو پولسی) احتمالاً اولین کتب تنظیم شده در عهدجدید بودند. این تا حدودی قابل توجیه است، زیرا مسیحیان اولیه فکر می کردند که مسیح بزودی باز خواهد گشت، و بدین دلیل فقط «ادبیات اضطراری» و در رابطه با مسائل موجود بودند اهمیت داشتند. با وجود این نوشتن نامه ها ادامه یافت، حتی زمانی که ادبیات دائمی تر (اناجیل، اعمال) شروع به ظهور نمودند. در واقع در جدول محتویات اناجیل چاپ شده بیست و یک کتاب از بیست و هفت کتاب عهدجدید «نامه ها» یا «رسالات» نامیده شده اند. آماری تعجب انگیز است هنگامی که می بینیم که هیچکدام از چهل و شش کتاب عهدعتیق^۱ این چنین نامیده نشده اند.

در نظم شرعی قانونی مورد قبول در اناجیل امروزی، تمام نامه های عهدجدید که توسط نام یا تاریخچه با رسولان مرتبط هستند، بعد از اعمال رسولان می آیند. ابتدا سیزده نامه/رساله که حاوی نام پولس می باشند که به دو مجموعه کوچکتر تقسیم شده اند، نه عدد از آنها خطاب به جوامع در مکانهای مختلف جغرافیایی هستند (رومیان، اول و دوم قرنتیان، غلاطیان، افسسیان، فیلمون، کولسیان، اول و دوم تسالونیکیان) و چهار عدد خطاب به افراد (اول و دوم تیموتائوس، تیطس، فیلمون). هر مجموعه بر حسب کوتاه تر شدن طول آن تنظیم یافته است. سپس رساله به عبرانیان^۲ که مدت های طولانی با نام پولس همراه بود، و بعد از آن رسالاتی

۱- سی و نه کتاب شرعی و قانونی و هفت کتاب شرعی متأخر اشاراتی به نامه ها دارند یا حاوی آنها می باشند (در بعضی از لیست ها از کتابهای جعلی نامه ارمیا بجای اینکه باب ششم باروخ باشد به عنوان کتابی جداگانه در نظر گرفته شده). این اشارات در بخش های عبری عهدعتیق، در دوم سموئیل ۱:۱۴-۱۵، اول پادشاهان ۸:۲۱-۱۰، ارمیا ۲۹:۱-۲۳ یافت می شوند. در بخش های آرامی عهدعتیق این نامه ها به طور کامل آمده اند، مثلاً عزرا ۴:۷-۲۲، ۱۱:۷-۲۶. و نیز در بخش های یونانی عهدعتیق، مثلاً اول مکابیان ۱۰:۱۸-۲۰، ۲۵-۴۵؛ دوم مکابیان ۱:۱-۲:۱۸، ۵:۱۰-۱۳، ۸:۲۱-۲۳؛ باروخ ۶. به اعمال ۲۶:۳۰-۳۰ و نیز به مکاشفه ۲-۳ رجوع کنید.

۲- یک استثنا این است که غلاطیان قبل از افسسیان می آید، با وجودی که افسسیان ۲۰۰ کلمه طولانی تر از غلاطیان است.

می آیند که رسالات کاتولیک نامیده می شوند و با یعقوب، پطرس، یوحنا و یهودا در ارتباط می باشند. نامهای سه نفر اول در این ترتیب در غلاطیان ۹:۲ یافت می شوند اما به نام یهودا در رسالات منسوب به پولس اشاره نشده.

(A) طبقه بندی

ما می توانیم با واژه «نامه» و «رساله» شروع کنیم. زیرا بسیاری از اینها قابل تعویض با یکدیگر هستند، اما آ. دیسمان که کتاب «نور شرق باستان» او سهم عمده ای در روشن کردن اهمیت نامه های پایروسی یونانی برای زمینه عهدجدید داشت، بین این دو واژه تمایزی قائل شد. «رساله» برای او تمرین ادبی هنرمندانه ای بود، که به طور کلی درسی اخلاقی به شنوندگان ارائه می نمود که به منظور انتشار یافتن بود، مثلاً *Epistulae Morales* نوشته سنکا. «نامه» وسیله ای غیرادبی برای تبادل اطلاعات است میان نویسنده و طرف مکالمه وی که توسط فاصله ای از یکدیگر جدا شده اند. با این معیار، از بیست و یک نوشته عهدجدید، تمام یا اکثر سیزده نوشته منتسب به پولس، همراه با دوم و سوم یوحنا را می توان به عنوان «نامه» طبقه بندی نمود، در حالی که عبرانیان و شاید اول و دوم پطرس، یعقوب، اول یوحنا و یهودا «رساله» می باشند.

به هر حال امروزه تقریباً تمام محققین این تمایز دیسمان را مطرح می کنند (و بسیاری آن را مردود می دانند). کتب راهنمای قدیمی طیفی گسترده از انواع نامه های یونانی- رومی را نشان می دهند، مثلاً نامه هایی که ابلاغ کننده ستایش، تصحیح، استدلال، اطلاعات و غیره هستند، به طوری که حتی یک موعظه به منظور تشویق نمودن را می توان در فرم نامه عرضه نمود. تعدادی از نامه های پولس (اول قرنثیان و رومیان) بقدری طولانی هستند که می توان آنها را به عنوان نامه - مقاله طبقه بندی نمود. همچنان که درباره شنونده، معلوم نیست که هیچکدام از نوشته های پولسی یا حتی آنهایی که «کاتولیک» (یا «کلی» یا «جهانی») لقب گرفته اند خطاب به مسیحیان در همه جا (حتی با وجودی که بعضی از آنها به راحتی می توانستند در خدمت تمام مسیحیان باشند) بوده باشند. درست است که فقط بعضی از نامه های عهدجدید خطاب به جوامعی در شهر یا شهرهایی خاص نوشته شده اند، اما نامه های دیگر می توانسته اند خطاب به مسیحیانی با میراثی خاص باشند، مثلاً مسیحیان یوحنایی (اول - سوم یوحنا)، مسیحیان پولسی (افسیسیان) و یا مسیحیانی با وابستگی های قوی به یهودیت (یعقوب و یهودا). من آثاری را که به نظرم به طور وضوح «نامه» هستند این گونه لقب خواهم داد. در مورد نمونه اول یوحنا، افسسیان، عبرانیان، یعقوب، یهودا و دوم پطرس هر دو عنوان «نامه» و «رساله» را در تیتیر فصول مربوطه قرار خواهم داد، و اول آن عنوانی را می آورم که صحیح تر است - به شرطی که آن دیگری (با اصلاحاتی) به استاندارد دیسمان ربط داشته باشد.

نامه‌ها را می‌توان به شیوه‌های مختلف نوشت، بعضی وقتها با دست خود فرستنده و گاهی توسط دیکته کردن. در مورد دوم هر عنوان می‌تواند توسط یک منشی ثبت شود و مصححی عبارات نامناسب را اصلاح نماید؛ یا پس از اینکه فرستنده به طرح کلی پیام اشاره نموده است، می‌توان اقتدار بیشتری برای فرموله کردن به کاتب، که خود تقریباً یک مؤلف یار است، واگذار نماید تا فرم نهایی را به وجود آورد. اما درباره پولس، او می‌تواند نامه کوتاهی مانند فیلمون را تماماً با دست خود نوشته باشد (آیه ۱۹). اشارات به سطور که با دست خود پولس نوشته شده در حروف بلندتر دیده می‌شود (۱- قرن ۱۶: ۲۱؛ ۲- ۱۱: ۶؛ ۳- ۱۷: ۳؛ کول ۴: ۱۸)، که به هر حال نشان می‌دهد که بقیه نامه توسط نویسنده‌ای دیگر نوشته شده، و به طور صریح رومیان ۲۲: ۱۶ سلامهایی دارد از «طرتیوس، کاتب رساله» (به اول پطرس ۵: ۱۲ برای نوشتن پطرس «از طریق سیلوانوس» مراجعه کنید). در تمام اینها به هر حال، ما نمی‌دانیم که چگونه پولس از نظر ادبی جمله بندیها را به کاتبان منتقل نموده است (و اینکه آیا او با منشی‌ها و یا مؤلف یاران کار می‌کرده). او ممکن است بعضی از نامه‌ها را به طور دقیق دیکته کرده و در برخی اجازه آزادی عمل داده باشد. مثلاً در کولسیان که سبکی بسیار متفاوت از نامه‌های پروتو پولسی دارد.^۳

در نامه‌های عهدجدید، مخصوصاً نامه‌های پولسی، خواننده شدن به صدای بلند به منظور ترغیب نمودن بوده است. نتیجتاً همانند موعظه‌ها، آنها را می‌توان به عنوان بلیغ داوری نمود، برحسب اقتدار نویسنده، کیفیت نوشته، و تأثیر مورد نظر بر شنوندگان. به طور خاص، نقد بلاغت یا شیوایی به انتخاب مطالب، ساختار، و شیوه بیان آنها توجه می‌کند از نظر هم واژه نگاری و هم سازمان دهی) به طوری که به سادگی تفهیم گردیده و به خاطر سپرده می‌شوند. ارسطو سه حالت از استدلال را در سخنوری تفکیک می‌نماید، و جدیداً محققین سعی کرده‌اند اینها را در مورد نامه‌های عهدجدید به کار بندند. (۱) استدلال قضایی یا دادگاهی، همانند آنهایی که در دادگاه‌های حقوقی یافت می‌شوند. به طور مثال، بعضی وقتها پولس از اتهاماتی که توسط کسانی که برضد سیاست او درباره ختنه کردن و شریعت موسی بودند به او وارد می‌آمد آگاه بود و از خدمت بشارتی خود و از آنچه که در گذشته انجام داده بود دفاع می‌نمود. (۲) استدلال مشورتی یا پندآمیز همانند آنچه که در اجتماعات سیاسی یا عمومی که مشغول بحث درباره آینده هستند یافت می‌شود. پولس در نوشتن به قرن‌تبان تأکید می‌کند که اگر از نامه او استقبال نکنند او خواهد آمد و شخصاً استدلال خواهد کرد (۲- قرن ۱۳: ۵-۱). (۳) استدلالی همانند سخنرانیهایی که در جشن‌های عمومی ایراد می‌شود. این طراحی شده برای خشنود نمودن مردم یا الهام بخشیدن به آنها، اعتقادات و ارزشهای عمومی

۳- بسیاری از محققین کولسیان را بعد از پولس می‌دانند (مثلاً نوشته شده توسط یک شاگرد پولس) زیرا نه فقط سبک بلکه محتوای آن نیز از نامه‌های قبل از پولسی متفاوت است.

را تأیید می کند و از حمایت در تلاشهای فعلی برخوردار می گردد. پولس اغلب نامه می نویسد تا نوایمانان خود را قوت قلب ببخشد، و ایمان و اطاعت آنها را بستاند. پوسکاس نامه های غلاطیان، اول قرن تیان و رومیان را به ترتیب به عنوان حقوقی، مشورتی و سخنوری طبقه بندی می کند و برای هر کدام مشابه هایی از یونانی - رومی ارائه می نماید.

با وجود این احتیاط درباره تلاشهایی جهت کشف طرح های ظریف حاکی از سخنوری توصیه شده. به هیچ طریق نمی توان مطمئن شد که پولس از تجزیه و تحلیل های کلاسیک معانی و بیان آگاه بوده و یا اینکه آگاهانه از آنها پیروی می نموده است. فرم های متفاوت استدلال ممکن است واکنش های ناآگاهانه به آن چیزهایی باشد که می بایستی انجام می شده. یا در واقع، بعضی ویژگیها ممکن است بازتاب طرح های عهدعتیق باشد، مثلاً جو بحث انگیز و پندآمیز (شبهت دارد با لفظی مشورتی و حقوقی). در بعضی عبارات نوشته های پولس ممکن است تحت تأثیر *itb* یا *itv* (دعوی حقوقی، عهد جایی که خدا قوم برگزیده را به دادگاه می برد: اش ۱۳:۳-۱۵؛ میک ۱:۶)، و نه (فقط) سخنوری یونانی - رومی باشد. تشخیص اغراق های عاطفی، مبالغه های ادیبانه، استدلال های آراسته و غیره برای تشخیص این که چه چیزی واقعاً گفته می شود لازم است؛ اما تشخیص ممکن است بدون دانستن قواعد رسمی سخنوری قدیم نیز انجام گردد.

(B) فرم، اندازه

دنیای هلنیستی برای ما نامه های ادبی بسیاری به لاتین و یونانی برجای گذارده، همین طور تکه هایی از پاپیروس مصر از هزاران نامه درباره دلمشغولی های زندگی معمولی (تجارت، مسائل حقوقی، دوستی ها و خانواده). نامه ها تمایلی به پیروی از یک فرم جا افتاده دارند، و کسی که اطلاعی از آن فرم ندارد می تواند به طور جدی یک نامه را سوء تعبیر کند (به طور مثال در یک نامه انگلیسی امروزی چنانچه خواننده نداند که واژه «عزیز» در ابتدای یک نامه واژه ای کلیشه ای است ممکن است در مورد روابط میان نویسنده و مخاطب سوء تعبیر نماید). همچنین، تأثیر فرم استاندارد نامه در نامه های عهدجدید عامل مهمی در تفسیر آنان است. در آنچه که در پی می آید من بر فرم کم و بیش استنادی که در بیشتر نامه های (یا رسالات) عهدجدید قابل کشف است تمرکز می کنم. به طور کلی چهار قسمت از نامه قابل تشخیص هستند. (۱) دستورالعمل افتتاحیه، (۲) شکرگزاری، (۳) مجموعه یا پیام، (۴) دستورالعمل اختتامیه. البته، تمایز معمولی قسمت ها بدین معنی نیست که نویسنده افکار خود را الزاماً به همین شکل تقسیم بندی نموده است. اما آنها چون توسط آداب و رسوم زمانه خود شکل یافته اند، به طور معمولی از این توالی پیروی می نمایند.

۱- دستور العمل افتتاحیه (*praescriptio*)

دستور العمل افتتاحیه نامه های یونانی- رومی شامل سه عنصر اساسی بود (فرستنده، مخاطب، درود و تهیات) با وجودی که بعضی وقتها عنصری دیگر سلام و درود را طولانی تر می کند، مثلاً شخص مخاطب را به یاد می آورد، و یا برای او آرزوی سلامتی می کند و درباره سلامتی (خوبی) خود نویسنده گزارش می دهد. حال بیابید هر کدام از این سه یا چهار عنصر سازنده را همانگونه که در نامه های اولیه مسیحیان ظاهر می شوند مفصلاً بررسی نمائیم.

فرستنده (*Superscriptio*). این حاوی نام شخصی نویسنده است، که بعضی وقتها برای برقراری اقتدار، نویسنده با یک لقب معرفی می شود. در نامه های اول و دوم تسالونیکیان ما می بینیم که پولس نه بار خود را به عنوان «یک رسول/از طریق مسیح عیسی» و دو بار «یک خادم مسیح عیسی» و در تیطس نیز به عنوان «خادم خدا» معرفی می کند.^۴ دوم و سوم یوحنا از نظر استفاده از یک لقب (شیخ، پیر) غیرعادی هستند زیرا نام شخصی فرستنده ذکر نمی شود. هشت نامه از سیزده نامه پولسی از کمک فرستنده در ترکیب های مختلف نام برده است، تیموتی (در شش)، سیلوانوس (دو) سوستنز (یک). روابطی خاص با جوامع مورد خطاب نمی توانند اضافه شدن این نامه ها را به اندازه کافی توجیه کنند؛ به هر طریق فرستنده ها به تنظیم این نوشته ها کمک کرده اند.

مخاطب (*Adscriptio*). ساده ترین فرم، یک نام شخصی است؛ اما در چند نامه عهدجدید و نامه های رسولی که به افراد نوشته شده اند، هویت بیشتری توضیح داده شده (مثلاً، «به پولیکارپ که اسقف است») و یا بیانی از محبت (مثلاً در سوم یوحنا «به غایس حبیب») ارائه گردید. مخاطبین در بیشتر نامه های عهدجدید و رسولی جوامعی هستند در نواحی اظهار شده. در پنج نامه پولسی (اول و دوم تسالونیکیان، اول و دوم قرنتیان، غلاطیان) مخاطبین به عنوان «کلیسا» و در چهار نامه (فیلیپیان، رومیان، کولسیان، افسسیان) به عنوان «مقدسین» معرفی شده اند- توجه کنید که جوامع در کولسیه و روم توسط پولس پایه گذاری نشده بودند. مخاطب دوم یوحنا «یک خاتون برگزیده»، احتمالاً نام گذاری نمادین برای یک کلیساست، اما این نامه به این جهت که اظهار نمی دارد که کلیسا در کجا واقع شده نامه ای غیرعادی است.

سلام و درود (*Salutatio*). گاهی این قسمت را حذف کرده اند. نامه های یهود این دوره به جایگزین کردن «سلام و درود» (یونانی *chairein* = لاتین *ave*، «درود») با «صلح» (یونانی *eirene*، بازتاب عبری *shalom*) و به فراگیرتر بودن در توصیف شخصیت های درگیر مثلاً «باروخ، پسر نریا، به برادرانی که به اسارت برده شدند، رحمت و صلح» (۲- بار ۷۸:۲)، تمایل دارند.

۴- در میان نامه ها/رسالات کاتولیک، واژه «رسول» در اول و دوم پطرس و واژه «خادم» در دوم پطرس، یعقوب و یهودا یافت می شود. در نامه های ایگناتیوس اهل انطاکیه می خوانیم: «ایگناتیوس که تئوفوروس [دارنده خدا] نیز نامیده شده است.

بعضی نمونه های عهدجدید دارای *chairein* معمولی است، مثلاً بعقوب ۱:۱ «به دوازده سبط که پراکنده هستند، خوش باشید». با وجود این نه «صلح» یهودی و نه «سلام و درودهای» یونانی ویژگی نامه های عهدجدید هستند، زیرا آنها از ترکیبی از دو یا سه اسم بهره می گیرند، همانند «فیض، صلح، رحمت، محبت» که به طور خاص از جانب خدای پدر (و عیسی مسیح) می آید. دوم یوحنا دارای «فیض، رحمت و صلح» است اما کاملاً به طور غیرعادی و به عنوان اظهار واقعیت موجود مسیحی، به جای اینکه یک آرزو باشد. سوم یوحنا هیچکدام از اینها را ندارد و واقعاً فاقد سلام و درود است.

یادآوری یا آرزوی سلامتی. در نامه های شخصی یونانی - رومی هنوز در دستور العمل افتتاحیه، سلام و درود اغلب به یادآوری یا آرزوی سلامتی بسط می یابد، به شکلی که فرستنده برای سلامتی مخاطب دعا می کند و از سلامتی خود اطمینان می دهد. یک نمونه از دستور العمل افتتاحیه با این عنصر چهارم این است: «سراپیون به برادران خود پتولمائوس و آپولونیوس، سلام ها و درودها، اگر شما سلامت هستید، عالی خواهد بود، من خودم هم خوب هستم». در اول تسالونیکیان یادآوری بخشی از شکرگزاری است به جای اینکه قسمتی از دستور العمل افتتاحیه باشد، زیرا بعد از «ما شکرگزاری می کنیم» در ۲:۱ نامه در ۳:۱ اینگونه ادامه می یابد: «به یاد می آوریم در برابر خدا و پدر خود اعمال ایمان شما را». سوم یوحنا بهترین و تنها نمونه واضح یک شروع با آرزوی سلامتی را در یک نامه عهدجدید می دهد: «عزیزان، من امیدوارم که شما در سلامتی کامل باشید». بیشتر نامه های عهدجدید در حالی که فاقد یادآوری و آرزوی سلامتی هستند، با ضمیمه کردن مقام و امتیازات عالی مسیحیان یک عنصر را در دستور العمل افتتاحیه بسط می دهند. رومیان، تیطس و دوم تیموتائوس به این شکل عنوان و لقب فرستنده، مثلاً پولس را بسط می دهند: «جدا شده برای انجیل خدا...»؛ اول قرنطیان و اول - دوم پطرس مخاطب را مثلاً به عنوان «تبعید شدگان در پراکندگی... انتخاب شده بر حسب پیش آگاهی خدای پدر به وسیله تقدیس روح القدس...» توصیف می کند؛ غلاطیان سلام و درود را بسط می دهد «فیض و سلامتی از خداوند عیسی مسیح که خود را برای گناهان ما داد...».

۲- شکرگزاری

در نامه های هلنیستی به دنبال دستورالعمل افتتاحیه اغلب گفته ای می آید که در آن فرستنده خدا را برای دلایلی خاص، مثلاً رهایی یافتن از فاجعه ای شکر می کند (*eucharistein*). دوم مکابیان ۱:۱۱ نمونه یهودی خوبی ارائه می دهد: «نجات یافته توسط خدا از خطرات مهیب، ما خدا را بسیار شکر می کنیم برای طرفداری از ما برضد پادشاه». بعضی وقتها دعایی وجود دارد که چنین حفاظتی در آینده نیز ادامه یابد. طرحی متفاوت در

شکرگزاریهای پولسی ظاهر می شود (که در غلاطیان و تیطس موجود نیست).^۵ جمله بندی مقدماتی معمولاً این گونه است «من/ما شکر می کنم (می کنیم) خدایم (خدایمان) را زیرا ...» دلیل تصریح شده برای شکرگزاری نه رهایی از فاجعه ای بلکه وفاداری جماعت مورد خطاب است، و استغاثه برای ادامه یافتن چنین وفاداری می باشد. اغلب بعضی موضوعات عمده در مجموعه نامه در شکرگزاری به طور مختصر پیش بینی شده. بدین سبب تذکرات یا یک لحن خاص اندرز گونه (درخواست کننده) می توانند در این بخش ظاهر شوند.^۶ در دوم و سوم یوحنا هیچ بیانی از شکرگزاری پس از دستور العمل افتتاحیه وجود ندارد، با وجودی که اظهار شادمانی یوحنایی همان عملی را انجام می دهد که شکرگزاری، یعنی تعریف و تحسین که خوانندگان را در حالت خوش روئی و حسن نیت قرار دهد تا پیام را (در مجموعه نامه) دریافت کنند که ممکن است حاوی خواسته ای و یا حتی اختطاری باشد.

۳- متن یا پیام

متن یک نامه گاهی از آنچه که ما بین دستور العمل افتتاحیه (+ شکرگزاری) و دستور العمل اختتامیه می آید توصیف می شود. این توصیف حاوی دو عامل است: اول، متنی که تا این اواخر عنصر رساله ای است که از نقطه نظر فرم کمتر مطالعه شده، دوم متنی که تصور شده دارای شکلی تا حدودی ثابت است.^۷ به هر حال، به مرور بیشتر به خاطر محققینی همانند فونک، مولینز، وایت در متن، مخصوصاً در جملات انتقالی در ابتدا (متن - افتتاحیه) و پایان (متن - اختتامیه)، بخشهای گسسته ای با ویژگیهای قاطع ظاهری تشخیص داده می شوند. در میان این دو، متن میانی وجود دارد که تحلیل آن از نقطه نظر ظاهری مشکل تر است. نامه های یونانی - رومی کمک اندکی به مطالعه ظاهری ویژگیهای متن بیشتر نامه های عهدجدید ارائه می کنند، زیرا متن نامه های عهدجدید، مخصوصاً آنهایی که در نامه های پولس و اول و دوم پطرس یافت می شوند، به طور قابل توجهی طولانی تر هستند تا متن نامه های عادی. به بیان دقیق تر، دوم و سوم یوحنا با اختصاری که توسط طول صفحه پایروس در آن تعیین شده بود می توانست به آداب و رسوم معمولی نزدیکتر باشد.

۵- باید به طور کلی صحبت کرد، زیرا شکرگزاریهای پولس به عنوان یک دستور العمل افتتاحیه چندان منظم نیست. می تواند فقط چند سطر باشد یا بیش از ۵۰ درصد نامه را در بر بگیرد (اول تسالونیکیان). در شکرگزاری دوم کورنتیان (۱۱-۳:۱) طلب فیض طولانی (۱۰-۳:۱) قبل از بیان شکرگزاری می آید (۱۱:۱)، همین طور در شکرگزاری افسسیان ۲۳-۳:۱، یک حمد و ثنا (۱۴-۳:۱) قبل از شکرگزاری (۲۳-۱۵:۱) یافت می شود. بعضی ها اظهار می دارند که شکرگزاری در غلاطیان با بیان حیرت و شگفتی در ۶:۱ جایگزین شده است.

۶- عنوان شده که پولس موعظه شفاهی خود را با شکرگزاری به خدا شروع کرد و این روش اثر خود را در استفاده از شکرگزاری در نامه ها بجای گذاشت. رسم پولسی شاید بازتاب زمینه ای در حیات نیایشی یهود، با تبرک های خدا در آن، باشد.

۷- بسیاری درباره دو قسمت از مجموعه نامه های پولسی صحبت می کنند: اول شرح آموزه (نشان پولسی)، و سپس اصول اخلاقی، پند و اندرزها (الزامات پولسی). این تجزیه و تحلیل هر چقدر هم درست باشد، بر اساس محتویات بنا شده تا فرم و به ویژگیهای کلیشه ای در آغاز و پایان مجموعه توجهی نمی کند.

متن - افتتاحیه. چون این عنصر فرصتی برای نوشتن نامه فراهم می کند، تمایل دارد که از یک اشاره به اینکه چه چیزی در رابطه مابین نویسنده و مخاطب معمولی است شروع کرده و به پیش رود. و بدین ترتیب طیفی باریک از جملات افتتاحیه در متن نامه های دنیوی وجود دارد «من می خواهم که بدانی...»، «فکر نکن که...»، «لطفاً انجام [نده]...»، «من متأسف شدم [یا تعجب کردم یا خوشحال شدم] هنگامی که شنیدم که تو...»، «من /تو قبلاً نوشته بودم درباره...»، «من از تو درخواست می کنم...».

در متن - افتتاحیه در نامه های پولس دستورات عملهای مشابهی یافت می شوند. به طور معمول آنها دارای افتتاحیه شاد هستند که عمدتاً درباره اخبار از رفاه مخاطبین است. در فیلمین ۴:۱ درباره دعا کردن برای مخاطبین شادی وجود دارد، در دوم تیموتی ۴:۱ فرستنده در آرزوی دیدن مخاطب است تا او را با شادی مملو سازد، در فیلمون ۷ خوشی کامل از محبت مخاطب توسط نویسنده به دست آمده. در یعقوب ۱:۲-۳ نویسنده به مخاطبین می گوید که روبه رو شدن با تجربه های گوناگون را کمال خوشی دانند، زیرا امتحان پایداری به وجود می آورد. در دوم یوحنا ۴ و سوم یوحنا ۳-۴ پیر برای وضعیت متبارک مخاطبین (راه رفتن در راستی) اظهار شادی می کند - موضوعی که در شکرگزاری نامه های پولسی یافت می شود.

ویژگی دیگری از متن - افتتاحیه، گذر به پیام درخواست یا خواهش اصلی است. مولینز اشاره می کند که این خصیصه معمولاً در نزدیکی شروع متن نامه می آید و دارای خواص ثابتی است: (a) به طور معمول مقدمه ای به عنوان زمینه برای درخواست داده می شود، اغلب به موجب شادمانی برای وضعیت مخاطب. (b) خود خواهش به موجب یکی از چهار فعل خواستن بیان می شود. (c) به مخاطب مستقیماً و به حالت ندایی نوشته می شود. (d) بیانی مؤدبانه وجود دارد. (e) عمل مورد تقاضا توصیف می شود.

متن - اختتامیه. بخش دیگر متن یک نامه یونانی - رومی که دارای خصائل قابل پیش بینی است، اختتامیه آن می باشد. در اینجا نویسنده آنچه را که در متن نوشته است تثبیت یا خلاصه می کند، و بدین ترتیب پلی برای نامه نگاری یا مرآوده بیشتر به وجود می آورد. هم در نامه های پاپیری و هم پولسی ویژگیهای این بخش حاوی: (a) دلیل نوشته شدن نامه - انگیزه؛ (b) اشاره ای به اینکه چگونه مخاطب باید به آن پاسخ دهد - یادآوری امکانات (اغلب در پاپیری) یا بیان اعتماد (اغلب در نامه های پولسی)؛ (c) پیشنهاد تماس بیشتر از طریق یک ملاقات، توسط یک مأمور مخفی، یا توسط ادامه نامه نگاری. ویژگی آخر به عنوان عملی آخرتی برای پولس رفتار می کند، چون از طریق آن داوری یا اقتدار تسلی دهنده رسولی به مخاطبین فراهم می شود. (شخص می تواند زبان آخرتی را به کار گیرد زیرا در نظر پولس اقتدار رسولی بازتاب اقتدار داوری خدا یا مسیح است). جنبه های «رسولی بازگشت مسیح در آخر زمان»، آنطوری که فونک آن را نامیده، شامل امید به قادر بودن به ملاقات و اشاره ای به سودمندیها و شادیهای دو طرفه که از آن ناشی می شود.

چند دستور العمل پولسی به وضوح نشان دهنده چنین ویژگیهایی هستند: «من خودم درباره تو راضی هستم، برادران من ... اما من به تو صراحتاً درباره بعضی نکات به عنوان یادآوری نوشتم ... که بنا به خواست خدا بتوانم نزد تو با شادمانی بیایم و در همراهی با تو تازه شوم» (روم ۱۵: ۱۴ و ۱۵ و ۳۲). «با اعتماد بر اطاعت تو من به تو می نوشتم، با این آگاهی که تو بیشتر از آنچه که من می گویم انجام خواهی داد. معهداً منزلی نیز برای من حاضر کن، زیرا که امیدوارم از دعاهای شما به شما بخشیده شوم» (فیل ۲۱-۲۲). در حالی که محققین وعده ملاقات را به عنوان بخشی از متن - اختتامیه تلفی می کنند، اما در پولس این آخرین ویژگی متن (قبل از دستور العمل اختتامیه) نیست، بلکه قبلاً رخ می دهد. در نامه هایی که در آنها جروبحثی در جامعه مخاطب وجود دارد، بعضی درخواستها به دنبال وعده ملاقات رسولی مطرح می شود، به طور مثال: «من چون از مکادونیه عبور کنم به نزد شما خواهم آمد ... بیدار باشید، در ایمان استوار باشید و شجاع باشید (۱- قرن ۱۶: ۵ و ۱۳) و «از این جهت در حالی که از شما دور هستم این را می نویسم، تا هنگامی که بیایم لازم نباشد که سختی کنم ... راه های خود را اصلاح کنید، و توجه کنید به درخواست من (۲- قرن ۱۳: ۹-۱۱). متن - اختتامیه در دوم یوحنا ۱۲ و سوم یوحنا ۱۳-۱۴ یافت می شود، جایی که پیر وعده یک ملاقات حضوری را می دهد. در دوم یوحنا هدف از ملاقات «تا اینکه شادی شما کامل گردد»، و در سوم یوحنا دو اشاره برای یک ملاقات وجود دارد: در آیه ۱۰ پیر دیوترفیس را متهم می کند، در آیه ۱۴ او در اشتیاق صحبت کردن رو در رو با غایب است.

۴- دستور العمل اختتامیه

نشانگر پایان مرسوم یک نامه یونانی- رومی است، یعنی یک آرزو برای سلامت و کلمه ای برای وداع (*erroso*). از دو سطر آخر پاپیروس Oxyrhynchus ۷۴۶ می توان نمونه ای از اینکه تا چه اندازه می تواند کوتاه باشد به دست آورد «و بقیه اینکه مواظب خودت باش تا در سلامت باقی بمانی، بدرود». در دوران رومیها نوعی بیان سلام و درود (*aspazesthai*) به عنوان فرم سوم مرسوم شد. در این ناحیه از فرم نامه ای نامه های پولسی از رسم معمولی متابعت نمی کنند، زیرا پولس هیچگاه نامه ای را با فقط آرزوی سلامتی یا *erroso* پایان نمی دهد. او سلام و درود دارد (*aspazesthai*) که از همکاران او، که با او هستند، می آید و خطاب به مردم جامعه ای است که او می شناسد. به طور مثال «هر مقدسی را در مسیح عیسی سلام برسانید، و برادرانی که با من می باشند به شما سلام می رسانند، همه مقدسین به شما سلام می رسانند، علی الخصوص آنانی که از اهل خانه قیصر هستند». (فی ۴: ۲۱-۲۲)؛ و «همه آنهایی که با من هستند به تو سلام می رسانند؛ و آنانی را که از روی ایمان ما را دوست دارند سلام رسان» (تیط ۳: ۱۵). هر دو نامه دوم و سوم یوحنا دارای سلامهایی هستند که از طرف جامعه ای که

در آن نامه پدید می آید به مخاطبین فرستاده می شوند، و سوم یوحنا می خواهد که عزیزانی که مورد خطاب قرار گرفته اند «هر کدام به وسیله نام» سلام رسانده شوند (این به عادت پولسی که نام آنهایی را که می باید سلام رسانده شوند عنوان می کند شباهت دارد). در کنار سلام و درود، دستور العمل اختتامیه پولس بعضی وقتها حاوی یک حمد و ثنای خدا (روم ۱۶:۲۵-۲۷؛ فی ۴:۲۰)، و یک دعای فیض و برکت برای دریافت کنندگان است. در هشت نامه از نامه های پولسی دعا کم و بیش این فرم رسمی «فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باد» را دارد، اما پنج نامه فرم کوتاه تری دارند: «فیض با شما باد». این ویژگیها را می توان در دستور العمل اختتامیه سایر نامه های عهدجدید نیز یافت، زیرا عبرانیان و اول پطرس نیز هر دو سلام و درود و دعا دارند، در حالی که حمد و ثنا فقط در عبرانیان، اول و دوم پطرس و در یهودا یافت می شود. سوم یوحنا و اول پطرس «صلح و سلامتی» به جای «فیض» دارند و ترکیبی از «سلامتی» و «فیض» در افسسیان ۶:۲۳-۲۴ و «سلامتی» و «رحمت» در غلاطیان ۶:۱۶ تأیید می کند که «سلامتی» دعای جایگزین در دستور العمل اختتامیه نامه های مسیحی بوده است.

در چهار نامه از نامه های پولس (اول تسالونیکیان، اول و دوم قرنتیان، رومیان) و در اول پطرس سلام و درود همراه با «یک بوسه مقدس» انجام می شود. با وجودی که بوسه ها در میان اعضای یک خانواده غیرعادی نبودند در جامعه ای یونانی رومی از رد و بدل کردن بوسه در ملاء عام خودداری می شده بوسه ها اکثراً در صحنه هایی از آشتی و یا ملاقات بستگان پس از جدایی توصیف شده اند. خود عیسی و شاگردانش در طول خدمت بشارتی تبادل بوسه ای ارائه نداده اند؛ اما استفاده یهودا از آن در باغ جتسمانی در زمینه ای که مایل نیست عیسی را هشیار کند ممکن است بدین معنی باشد که این سلام و درود عادی در میان گروه بوده است، و مسلماً به بوسه به عنوان سلام و درود در کتاب مقدس گواهی داده شده است (پید ۳۳:۴؛ ۲- سمو ۲۰:۹؛ لو ۱۵:۲۰). ظاهراً جامعه مسیحی بوسه را به عنوان نشانه دوستی پذیرفته بود، و آن مقدس بود زیرا بین مقدسین رد و بدل می شد.

همان طوری که در بالا اشاره شد، بعضی وقتها پولس دقت می کند تا سطری مبنی بر اینکه او با دست خود می نویسد بگنجانند. حداقل برای چهار نامه طولانی (اول قرنتیان، غلاطیان، دوم تسالونیکیان، کولسیان)، بعلاوه اشاره می کند که بقیه نامه به طرز فیزیکی توسط شخصی دیگر به رشته تحریر درآمده، چنین سطوری شاید به طور ضمنی بیان می کنند که پولس تمام (نامه) را بررسی کرد تا به درستی تحت نام خود او فرستاده شود.

(C) چگونگی برخورد این جلد (کتاب) با تك تك نامه ها

هفت نامه که «کاتولیک» («کلی» یا «جهانی») خوانده می شوند در بررسیهای من تقسیم خواهند شد. سه نامه یوحنایی در فصول ۱۲-۱۴، به دنبال فصل ۱۱ درباره انجیل

برحسب یوحنا، در فصول ۳۳-۳۶ بررسی شده است. چهار نامه باقیمانده به ترتیب اول پطرس، یعقوب، یهودا و دوم پطرس بررسی خواهند شد. سیزده نامه/رساله که نام پولس را بر خود دارند تا جایی که ممکن باشد در نظامی موضوعی و زمانی بررسی خواهند شد. فصول ۱۸-۲۴ دربرگیرنده گروه پروتویولسی است (یعنی مسلماً توسط پولس نوشته شده)، به ترتیب اول تسالونیکیان، غلاطیان، فیلیپیان، فیلمون، اول - دوم قرنتیان و رومیان.^۸ بعد از فصل ۲۵ درباره نوشته‌ها با نام مستعار و دوترو پولسی، فصول ۲۶-۳۱ دربرگیرنده گروه دوترو پولسی (دومین سری نامه‌های پولسی) خواهند بود (احتمالاً توسط خود پولس نوشته نشده‌اند) به ترتیب دوم تسالونیکیان، کولسیان، افسسیان، تیطس، اول تیموتائوس و دوم تیموتائوس. به دنبال آنها، عبرانیان که توسط پولس نوشته نشده ولی اغلب به عنوان نامه پولسی قلمداد شده، در فصل ۳۲ بحث خواهد شد.

یک قاعده کلی مهم این است که تمام اشارات کتاب مقدسی در یک فصل به آن نامه‌ای خواهد بود که در آن فصل بحث می‌شود مگر اینکه به گونه‌ای دیگر تأکید شده باشد. به طور معمول بررسی با یک زیربخش زمینه شروع می‌شود که تاریخچه قبلی برخورد پولس با جامعه مورد خطاب را شرح می‌دهد (یا آنچه ما از پطرس، یعقوب و یهودا در نامه‌های کاتولیک می‌دانیم). سپس تحلیل کلی پیام نکات اصلی نامه را خلاصه می‌کند. چون نامه‌ها تنوع زیادی هم در محتوای و هم در لحن دارند، زیربخش تجزیه و تحلیل نیز در نگرش خود متنوع خواهد بود. تعداد موضوعات در زیربخش‌های بعدی (تألیف، تاریخگذاری، اتحاد، موضوعات خاص و غیره) به وسیله ویژگی هر نامه دیکته خواهد شد. اکثراً این نامه‌ها خطاب به نیازها و مسائل جوامع جداگانه مسیحی در قرن اول بوده‌اند. نتیجتاً زیربخش موضوعات و مسائل برای تعمق درمورد نامه‌های عهدجدید به طور خاص مهم است، چون در اینجاست که ارتباط آنها با زندگی امروزه مورد بحث قرار خواهد گرفت. من نظریات مختلفی درباره یک موضوع ارائه خواهم نمود به طوری که خوانندگان بتوانند نظر شخصی خود را اتخاذ نمایند و در این رابطه کتاب شناسی می‌تواند کمکی باشد.

* * *

۸- ما نمی‌دانیم که فیلیپیان و فیلمون چه زمانی نوشته شده‌اند (زمانی مابین ۵۴ و ۶۲) اما آنها را می‌توان تواما بررسی نمود زیرا این دو نامه را پولس در زندان نوشته است. همچنین نمی‌دانیم چه زمانی غلاطیان نوشته شده. شاید حتی سال ۵۴، اما با لحنی متفاوت، مطالبی را بررسی می‌کند که بعدها به طور سیستماتیک در نامه به رومیان (حدود ۵۸) مورد بررسی قرار گرفت.

فصل شانزدهم

موضوعات کلی در زندگی و افکار پولس

بعد از عیسی پولس تأثیر گذارترین شخصیت در تاریخ مسیحیت بوده است. با وجودی که تمام نویسندگان عهدجدید درباره معنی ضمنی عیسی برای جوامع خاص ایمانداران تحقیق می کنند، پولس در نامه های متعدد خود این کار را در طیفی گسترده تر از همه انجام می دهد. این گستردگی به اضافه عمق افکار او و دلپستگی او به درگیری خود بدین معنی بوده است که از زمانی که نامه های او جزئی از عهدجدید شده است، هیچ مسیحی از نوشته های او بی تأثیر نبوده. مسیحیان چه آثار پولس را به خوبی بشناسند یا نه، از طریق آنچه که درباره اصول ایمانی و مذهب آموخته اند، به فرزندان پولس در ایمان تبدیل شده اند. بنابراین یک فصل کلی به آنچه که ما از زندگی پولس می دانیم وقف شده و بعضی نکات اصلی در افکار او قسمت مهمی از معرفی عهدجدید را تشکیل می دهند.

(A) زندگی پولس

دو منبع برای آشنایی با زندگی پولس وجود دارد. جزئیات زندگینامه او در نامه های خود او، و شرح روند شغلی وی در کتاب اعمال (شروع با ۵۸:۷). سه نظریه در این باره که چگونه این منابع را به هم ربط دهیم وجود دارد: (a) اعتماد کامل به کتاب اعمال. زندگی سنتی پولس به شدت توسط کتاب اعمال، و اطلاعات صحیح و قابل جذب از نامه های او به چهارچوب این کتاب هدایت می شود. (b) شک و تردید بسیار به کتاب اعمال. به توسط واکنش و به عنوان بدبینی در مورد ارزش تاریخی اعمال، آنچه را که کتاب درباره پولس گزارش می کند به زیر سؤال رفته است. در واقع، بعضی محققین روند شغلی پولس را یا به طور عمده بازسازی کرده و اطلاعات کتاب اعمال را کنار گذاشته اند و یا با تشدید اختلافات مابین کتاب اعمال و نامه ها آن را تصحیح کرده اند. (c) یک موضع تعدیل شده از نامه های پولس به عنوان اولین منبع استفاده می کند و در اعلام تفاوت های آشکار با کتاب اعمال تعجیل نمی نماید. امکانات این موضع سوم در اینجا ارائه خواهد شد و خوانندگان باید بحث درباره کتاب اعمال در فصل دهم را بار دیگر مرور کنند، مخصوصاً در این رابطه که آیا یک همراه پولس می توانسته نویسنده کتاب اعمال بوده باشد.

هیچ شکی نیست که کتاب اعمال تفسیری الهیاتی از پولس ارائه نموده، و نقش او را با نظریه کلی گسترش مسیحیت «تا اقصای جهان» (اع ۸:۱) وفق داده است. علاوه بر این

نویسنده ممکن است دیدگاهی ناقص از قسمتهایی از روند شغلی پولس داشته، به طوری که حوادث پیچیده را در هم ادغام کرده باشد. به هر حال، مطابقت‌های بسیار زیادی مابین کتاب اعمال و اشارات در زندگی نامه شخصی در رسالات پولس وجود دارد که بتوان اطلاعات کتاب اعمال را به کناری نهاد. نویسنده از واقعیت‌های فراوانی درباره پولس آگاه بوده است. برای پی بردن به ارزش آن به جدول ۵ مراجعه نمایید. حال با هم بررسی کنیم که با استفاده از بهره‌گیری دقیق از این دو منبع چه قسمت از زندگی پولس را می‌توان بازسازی نمود.

تولد و پرورش

پولس احتمالاً حدود سال ۵-۱۰ میلادی، در دوران حکومت امپراتور آگوستوس، تولد یافته است. او را در اعمال ۷:۵۸ به عنوان مرد جوانی که در سنگسار استیفان حضور داشته توصیف کرده‌اند، و در فیلمون (بعد از سال ۵۵ میلادی نوشته شده) به عنوان یک «مرد پیر». یهودیان در این دوران، مخصوصاً در پراکندگی (منظور بیرون از فلسطین است) اغلب دو نام داشتند یکی یونانی یا رومی و دیگری سامی. «پولس» نام خانوادگی شناخته شده‌ای بود. از آنجا که رسول خود را از قبیله بنیامین توصیف می‌کند (روم ۱۱:۱؛ فی ۳:۵)، دلیلی برای شک کردن به این موضوع در اعمال که نام یهودی او «سولس» (شائول، نام اولین پادشاه اسرائیل، که یک بنیامینی بود) بوده است وجود ندارد.

پولس هرگز به ما نگفت که در کجا متولد شده بود، اما اطلاعات در اعمال می‌گوید که او شهروند طرسوس، پایتخت مرفه قیلیقیه (۲۲:۳، ۲۱:۳۹ «شهری نه چندان مهم»)، بوده که کاملاً معقولانه است. طرسوس مهاجرنشین یهودی قابل توجهی داشت، و به پولس، به شهادت خود او در سالهای اولیه مسیحیت عجله داشت که به قیلیقیه برود (غلا ۱:۲۱). اعمال ۱۶:۳۷-۳۸ و ۲۲:۲۵-۲۹ پولس را به عنوان یک رومی از بدو تولد شناسایی می‌کند. بعضی پیشنهاد کرده‌اند که ساکنین طرسوس این امتیاز را به دست آوردند، اما شهروندی طرسوس احتمالاً از طریق خانواده به پولس رسیده بود تا از طریق موقعیت یهودیان در طرسوس. اکثریت محققین اظهار داشته‌اند که پولس در طرسوس رشد نموده و تعلیم یافت. او به خوبی یونانی می‌نوشت و در سخنوری هلنیستی مهارت داشت، و کتابهای متأخر برحق را که به زبان یونانی تنظیم و یا حفظ شده بود می‌شناخت. طرسوس در زمینه برای فرهنگ و مدارس عالی شهرت داشت؛ و با وجودی که این ساختارها متعلق به امتهای بودند، یک تعلیم اساسی در نوشتن، سخنوری و استدلال، برای جوانان یهودی ترتیب داده می‌شد تا آنها به صورتی قابل رقابت عمل کنند. شاید همین جا بوده که پولس حرفه‌ای را فرا گرفت که در اعمال ۱۸:۳ به آن به عنوان خیمه دوزی اشاره شده و با آن امرار معاش می‌کرد، حتی اگر

جدول ۵. فعالیت‌های پولس در نامه‌ها و کتاب اعمال

اعمال رسولان	نامه های پولسی
دمشق (۹:۱-۲۲)	تبدیل ایمان در نزدیکی دمشق (به طور ضمنی در غلاطیان ۱:۱۷c)
فرار از دمشق (۹:۲۳-۲۵)	به عربستان (۱:۱۷b)
به اورشلیم (۹:۲۶-۲۹)	بازگشت به دمشق (۱:۱۷c) سه سال فرار از دمشق (۱۱:۳۲-۳۳)
قیصریه و طرسوس (۹:۳۰)	به اورشلیم (غلا ۱:۱۸-۲۰)
انطاکیه (۱۱:۲۶)	«نواحی سوریه و قیلبقیه» (غلا ۱:۲۱-۲۲)
(اورشلیم [۱۱:۲۹-۳۰، ۱۲:۲۵])	کلیساهای مسیحی شده قبل از مکادونیه فیلیپی (فی ۴:۱۵)
مأموریت اول: انطاکیه (۱۳:۱-۴)	«یکبار دیگر در طی ۱۴ سال من به اورشلیم رفتم (برای «شورا»، غلا ۲:۱)
سلوکیه، سالامیس، قبرس (۱۳:۴-۱۲)	حادثه انطاکیه (غلا ۲:۱۱-۱۴)
جنوب غلاطیه (۱۳:۱۳-۱۴:۲۵)	غلاطیه (۱:۱۶) برای اولین بار مسیحی شده (غلا ۴:۱۳)
انطاکیه (۱۴:۲۶-۲۸)	فیلیپی (۱-۲:۲) [مکادونیه، دوم قرن‌تیاں ۱۱-۹]
اورشلیم (۱۵:۱-۱۲)	تسالونیکي (۱-۲:۲، ۳:۶؛ فی ۴:۱۵-۱۶)
انطاکیه (۱۵:۳۵): مأموریت دوم	آتن (۱-۳:۱، ۲-۱۷-۱۸)
سوریه و قیلبقیه (۱۵:۴۱)	قرنتس مسیحی شده (۱-۱۹:۱، ۱۱-۷-۹)
جنوب غلاطیه (۱۶:۱-۵)	تیموتائوس وارد قرنتس می شود (۱-۳:۶)
فریجیه و شمال غلاطیه (۱۶:۶)	احتمالاً همراه با سیلوانوس (۱-۱:۱)
میسیا و ترواس (۱۶:۷-۱۰)	اپلس (در افسس) به اصرار پولس به قرنتس می رود (۱-۱۶:۱۲)
فیلیپی (۱۶:۱۱-۴۰)	
آمفیولیس، اپلونه، تسالونیکي (۱۷:۱-۹)	
بیریه (۱۷:۱۰-۱۴)	
آتن (۱۷:۱۵-۳۴)	
قرنتس برای ۱۸ ماه (۱۸:۱-۱۸)	
سیلاس و تیموتائوس از مکادونیه می آیند (۱۸:۵)	
پولس کنخریه را ترک می کند (۱۸:۱۸)	
پرسکله و اکیلا را در افسس ترک می کند (۱۸:۱۹-۲۱)	
اپلس توسط اکیلا و پرسکله به اخائیه ارسال می شود (۱۸:۱۷)	
پولس به قیصریه می رود (۱۸:۲۲a)	
پولس به اورشلیم می رود (۱۸:۲۲b)	
در انطاکیه برای زمان مشخصی (۱۸:۲۲c)	

ادامه جدول ۵

اعمال رسولان	نامه های پولسی
<p>مأموریت سوم: شمال غلاطیه و فریجیه (۲۳:۱۸) افسس برای سه سال یا ۲ سال و سه ماه (۱:۱۹-۱:۲۰، ۳۱:۲۰)</p>	<p>شمال غلاطیه، دیدار دوم (غلا ۴:۱۳) افسس (۱-قرن ۱:۱۶-۸)</p>
<p>(پولس نقشه رفتن به مکادونیه، اخائیه، اورشلیم، و روم را می کشد، ۲۱:۱۹)</p> <p>مکادونیه (۱:۲۰)</p>	<p>دیدار خلوتی، استیفان با پولس در افسس (۱-قرن ۱:۱۱، ۱۷:۱۶)، آوردن نامه (۱:۷) پولس زندانی می شود (۱-قرن ۱:۱۵-۳۲؛ ۲-قرن ۱:۸) تیموتائوس به قرنتس فرستاده می شود (۱-قرن ۱:۱۷، ۱۰:۱۶) دیدار دوم «درد آور» پولس از قرنتس (۲-قرن ۱:۱۳): بازگشت به افسس تیطس همراه با نامه ای «اشک آلود» به قرنتس فرستاده شد (۲-قرن ۱:۱۳) (پولس نقشه می کشد به مکادونیه، قرنتس و اورشلیم یهودیه برود، ۱-قرن ۱:۱۶-۳، ۸-۲-قرن ۱:۱۵-۱۶) مأموریت در ترواس (۲-قرن ۱:۱۲) به سوی مکادونیه (۲-قرن ۱:۱۳)، ۵:۷، ۹:۲-۴؛ ورود تیطس (۲-قرن ۱:۶-۷) تیطس را قبل از خود به قرنتس می فرستد (۲-قرن ۱:۱۶-۱۷)، با قسمتی از دوم قرنتیان ایلیریکوم (روم ۱۹:۱۵)؟ اخائیه (روم ۱۵:۲۶، ۱:۱۶)؛ سومین دیدار پولس از قرنتس (۲-قرن ۱:۱۳)</p>
<p>سه ماه در یونان (اخائیه) (۳-۲:۲۰)</p> <p>پولس به سوریه بازمی گردد (۳:۲۰)، اما از طریق مکادونیه و فیلیپی (۲۰:۲۳-b-a) ترواس (۲۰:۲۶-b-۱۲) میلپتس (۲۰:۲۵-c-۳۸) صور، پتولامیس، قیصریه (۲۱:۷-۱۴) اورشلیم (۲۱:۱۵-۲۳:۳۰)</p> <p>قیصریه (۲۳:۲۳-۳۱:۲۶) سفر به روم (۲۷:۱-۱۴:۲۸) روم (۲۸:۱۵-۳۱)</p>	<p>(نقشه دیدار از اورشلیم، روم، اسپانیا [روم ۱۵:۲۲-۲۷])</p>

بود، زیرا که مجبور نبود از آنهایی که به مسیحیت دعوت می نمود پول درخواست نماید (۱- تسلا ۲: ۹؛ ۱- قرن ۹: ۱۴-۱۵؛ ۲- قرن ۱۱: ۹).^۱ پولس به عنوان یک پیشه ور و کاسب در میان طبقه پایین اجتماعی، اما یک پله بالاتر از کسی که به وسیله آزاد شدن از بردگی شهروند شده بود، قرار داشت.

تا چه میزان زندگی در پراکندگی (گروههایی از یهودیان که خارج از فلسطین زندگی می کردند) بر پولس تأثیر گذارد، در کنار قابلیت‌های آشکار در زبان و سخنوری؟ انتقال فرهنگ توسط یهودیان در زبان و تربیت، به درجات مختلف موجب سکونت‌گزینی و حتی جذب آنها در جامعه شد، به طوری که هیچ داوری جهانی درباره آنها نمی توان انجام داد. او می بایستی چیزی درباره مذهب امتهای که در میان آنها زندگی می کرد می دانسته، احتمالاً متعصب، و با افسانه‌های امتهای و جشن‌های مذهبی یونانی - رومیها مخالف بوده است. چنانکه در بحث نام‌ها خواهیم دید این که او از مذاهب مرموز ایده‌های بسیاری کسب نموده صحیح نیست؛ به احتمال زیاد تعلیم و تربیت پولس شامل آشنایی کلی با اخلاقیات رواقیون، آیین کلیبی‌ها و اپیکوریون بوده است. در سطحی ساده تر پولس می دانسته که یک غیریهودی چگونه زندگی و کار می کرده، به طوری که او بعدها به عنوان یک بیگانه نسبت به نگرانیها، آرزوها و مسائل خانوادگی و ... به میان آنها نمی آمد. همچنان که از نامه‌های او می بینیم، پولس نقش مهم خانواده را در فرهنگ یونانی - رومی که در آن مخاطبین او زندگی می کردند، به خوبی درک می کرد.

جنبه دیگری هم در تعلیم و تربیت پولس وجود دارد، و بایستی در مورد اطلاعات کامل او از یهودیت و کتب مقدسه یهودی توضیحاتی داده شود. این ادعا در اعمال ۳: ۲۲ که پولس در اورشلیم و توسط غمالائیل اول شیخ، که حدود سالهای ۲۰-۵۰ میلادی در اورشلیم زندگی می کرده، تربیت یافت احتمالاً احتیاج به توضیح دارد. در نامه‌ها گفته نشده که پولس عیسی را در طی خدمت بشارتی عام و یا هنگام مصلوب شدن وی دیده باشد،^۲ و به طور ضمنی حضور دائمی پولس در اورشلیم طی سالهای ۲۶-۳۳/۳۰ میلادی را مورد تردید قرار می دهند. با وجود این پولس خود را یک عبرانی و فریسی توصیف می کند (فی ۳: ۵؛ ۲- قرن ۱۱: ۲۲). این ادعا با اعمال ۶: ۲۳ که پولس را به عنوان پسر فریسی‌ها توصیف می کند سازگار است، و نیز با ۴: ۲۶-۵ که نظر می دهد که پولس از دوران جوانی خود فریسی بوده. پولس می گوید برای سنتهای اجداد خود غیور بوده و در یهودیت از بسیاری از همسالان خود پیش تر رفته بوده (غلا ۱: ۱۴). تعداد معلمین فریسی بیرون از فلسطین نمی توانسته چندان

۱- برخی فلاسفه از سفره اغنیا که حامی آنها بودند بهره می بردند، کلیبی‌ها از این کار نفرت داشتند. خاخام‌ها نیز کارهای دستی فرا می گرفتند.

۲- دوم فرنتیان ۵: ۱۶ «حتی اگر زمانی ما مسیح را بر حسب جسم شناخته بودیم» فقط به این معنی است که زمانی پولس عیسی را بر حسب استانداردهای دنیوی داوری نموده بود.

زیاد بوده باشند. همچنین به احتمال زیاد پولس زبان عبری (یا آرامی یا هر دو - اعمال ۴۰:۲۱، ۲:۲۲، ۱۴:۲۶) رامی دانسته. با جمع بندی تمام این اطلاعات این امکان به وجود می آید که در سالهای اولیه دهه سی (قبل از مرگ استیفان) پولس که در آن زمان در سالهای بیست زندگی خود بوده و تربیت مستحکمی را در یهودیت در طرسوس پشت سر گذاشته بود، برای مطالعه در شریعت به اورشلیم آمد - مطلبی که اعمال ۳:۲۲ آن را ساده نگاری، و بزرگ جلوه داده و غلو می کند. به هر صورت او با دو دنیای مختلف که در لحظه ای سرنوشت ساز به «خادم/برده مسیح عیسی» تبدیل شد آشنا بود.

ایمان به عیسی و پیامد سریع آن

پولس می گوید که او کلیسای خدا را به شدت مورد تعقیب و آزار قرار می داد و سعی به نابودی آن داشت (غلا ۱:۱۳؛ ۱- قرن ۹:۱۵؛ فی ۳:۶). می توان گفت که این اشاره ای است به شرکت او در تعقیب و آزار مسیحیان در اورشلیم و نواحی اطراف آن، همچنان که اعمال ۳:۸، ۲-۱:۹، ۲۲-۳:۵ و ۱۹، ۲۶-۹:۱۱ تأیید می کند - اول تسالونیکیان ۲:۱۴ اشاره می کند که کلیساهای خداوند در یهودیه مورد تعقیب و آزار قرار گرفته بودند. (اظهار نظر در غلاطیان ۱:۲۲ که سه سال بعد از جذب پولس به عیسی کلیساهای یهودیه هنوز چهره او را نمی شناختند لازم نیست به عنوان ضدیتی با نقش او در چنین تعقیب و آزارهایی تلقی شود - ممکن است بسیاری از پیروان عیسی که هرگز او را ندیده بودند در مورد رفتار خصمانه او شنیده باشند [همچنان که در اعمال ۹:۱۳]). چرا پولس پیروان عیسی را مورد تعقیب و آزار قرار می داد؟ ساندرز (پولس [۱۹۹۱] ۸-۹) استدلال می کند که تعقیب و آزار به دلیل غیرت پولس بوده و نه برای اینکه او یک فریسی بسیار مؤمن بوده است. با برقراری ارتباط مابین جملات فیلیپیان ۳:۵-۶: «برحسب شریعت فریسی، از جهت غیرت جفا کننده بر کلیسا، از جهت عدالت شریعتی، بی عیب»، دیگران حدس می زنند که پولس پیروان عیسی را دید که پیامی برخلاف تفسیر فریسیان از شریعت اعلام می نمودند. قدری دقیق تر آیا خصومت پولس بر علیه این افراد با اعتراف آنها درباره مسیح مورد تأیید خدا، کسی که توسط مسوولین یهودی به عنوان یک کفرگو محکوم شده بود، ارتباط داشت؟ اعمال ۹:۲۶ گزارش می کند که پولس قبل از تبدیل ایمان، کارهای بسیاری به توسط مخالفت با «نام عیسی ناصری» انجام داده بود. آیا پولس پیروان عیسی را به عنوان کفرگویان بر علیه موسی از طریق انجام تغییراتی در رسومات شریعت و به عنوان مبلغین برای ویرانی مکان مقدس معبد تلقی می کرد (یعنی تهمت هایی که بر علیه استیفان آورده شد، اع ۶:۱۱-۱۴، ۸:۱)؟

بعد از دوره ای از تعقیب و آزار، برحسب غلاطیان ۱:۱۳-۱۷ و اعمال ۹:۱-۹ پولس مکاشفه ای الهی دریافت می کند که در آن او با عیسی روبه رو می شود و بعد از آن در دمشق

می ماند. این گزارش بسیاری مسائل را حل نشده باقی می گذارد. در اول قرن نهم: ۱ پولس می گوید که او عیسی را دید (و نیز در ۸:۱۵): اما در هیچکدام از سه شرح تجربه در اعمال این اتفاق نمی افتد^۳ (مقایسه کنید با ۲۷:۹)، حتی با وجودی که او نور را می بیند. آیا لوقا این ظهور از آسمان را در رتبه پایین تری از ظاهر شدن نهایی خداوند قیام کرده بر روی زمین به دوازده نفر قرار می دهد؟ برای پولس، ظاهر شدن خداوند قیام کرده عامل اساسی در رسول شدن او بود، اما بعضی ها تردید دارند که او در نظر لوقا یک رسول بوده باشد.

از نظر الهیاتی روبرو شدن با خداوند قیام کرده به پولس آشکار می کند که رسوایی صلیب پایان داستان عیسی نیست. اعمال ۱۷:۲۶ می گوید که عیسی پولس را به سوی امتهای می فرستد، و در غلاطیان ۱:۱۶ پولس می گوید که خدا خوشنود بود «از آشکار کردن پسر خود به من تا من بتوانم به او در میان امتهای موعظه کنم». آیا این بدان معنی است که پولس از لحظه اول تبدیل ایمان درباره مأموریت خود به امتهای می دانسته؟ و یا در تعمق بعدی هنگامی که او دریافت که غیریهودیان پذیرای خبرخوش او هستند (زیرا اصرار نداشت که آنها فقط موقعی لیاقت دعوت به مسیحیت را دارند که ختنه شوند و اعمال شریعت را انجام دهند)، آیا این گبرایی و کشش برای آنها را به دعوت خود توسط مسیح هنگامی که او بر کلیسا جفا می نمود ربط می داد؟ این آخری بهتر با شواهد اعمال جور در می آید (۱۳:۴۶-۴۷، ۱۷:۴، ۱۸:۶).

اینک باید تاریخ هایی برای رفتار و عادات پولس به عنوان یک ایماندار به عیسی ارائه دهیم. ترتیب زمانهایی توسط محققین ارائه شده است و در جدول شماره ۶ من دو نوع را ارائه نمودم. یکی را شاید بتوان «سنتی» نام نهاد که هنوز هم اکثریت از آن پیروی می کنند، و دیگری را من «اصلاح طلبانه» نام نهاده ام که طرفداران کمتر ولی دارای قدرت بیان دارد. همچنان که در پایان جدول ذکر کرده ام، اختلافات بر سر تعیین تاریخ مصلوب شدن عیسی و قابل اطمینان بودن مفروضات در اعمال، مسؤول بسیاری از تاریخ گذاریهای تعیین شده هستند. (به ندرت در قرائت نامه های پولس اختلاف در زمان بندی اهمیت الهیاتی دارد). در ادامه من از زمان بندی سنتی پیروی خواهم کرد، زیرا هم خوانندگان اغلب با آن مواجه خواهند شد و هم اینکه به نظر معقولانه تر می رسد.

تبدیل ایمان پولس چه زمانی صورت گرفت؟ اعمال ۷:۵۸، ۸:۱، ۹:۱۰ فعالیت های تعقیب و آزار پولس را با شهادت استیفان در ارتباط می داند. غلاطیان ۱:۱۷-۱۸ به نظر می رسد که به وقفه ای سه ساله مابین تبدیل ایمان پولس و رفتن او به اورشلیم اشاره کند (یعنی زمانی

۳. اعمال ۹:۳-۷، ۲۲:۶-۹، ۲۶:۱۳-۱۸. این مسئله معروفی است که این سه شرح حال از «تبدیل ایمان» پولس در جزئیات با یکدیگر توافق ندارند. گرچه من از واژه معمولی «تبدیل ایمان» استفاده می کنم، مایل نیستم نداعی کنم که ایمان آوردن پولس به عیسی به این معنی بود که او اینک شروع به یک زندگی نیکو نمود (فیلپیان ۳:۶، او قبلاً در عمل به شریعت «بی عیب» بود)، یا از یهودیت به مذهبی جدید گرویده بود. در واقع او هیچ وقت از تبدیل ایمان صحبت نمی کند، بلکه از دعوت یا مأموریت. با وجود این پولس در نور آنچه که خدا در مسیح انجام داده بود، ارزشهایی را که او در شریعت موسی مهم می شمرد تغییر داده یا برعکس نمود.

فی مابین که او در عربستان و در دمشق بود؛ دوم قرن‌تین ۱۱:۳۲-۳۳ به فرار پولس از دمشق اشاره می کند، هنگامی که آرتاس پادشاه سعی کرد او را دستگیر کند.^۴ کنترل دمشق توسط امپراتور کالیگولا به ناباتین آرتاس پادشاه (۳۷-۴۱) داده شده بود و بسیاری تبدیل ایمان پولس را به حدود سال ۳۶ و فرار او از دمشق و رفتن به اورشلیم را مربوط به سال حدود ۳۹ میلادی می دانند.

برحسب غلاطیان ۱:۱۸-۱۹ پولس در اورشلیم با پطرس ملاقات و گفتگو نمود و یعقوب، برادر خداوند، را دید (اما هیچکدام از رسولان دیگر^۵ را ندید). بعضی وقتها پولس در نامه هایش به چیزهایی که از روایات درباره عیسی دریافت نموده اشاره می کند (۱-قرن ۲۳:۱۱، ۳:۱۵) و حدس زده می شود که در این دوران بوده که او از برخی یا تمام روایات اطلاع حاصل نموده است. اقامت در اورشلیم کوتاه بود (غلا ۱:۱۸؛ اع ۱۸:۲۲)، و سپس پولس به طرسوس در قیلیقیه رفت (اع ۹:۳۰).^۶ چه مدت زمانی پولس در آنجا ماند مشخص نیست، ممکن است چندین سال بوده باشد.

نهایتاً انطاکیه در سوریه (سومین شهر بزرگ در امپراتوری روم، بعد از رم و اسکندریه) در زندگی پولس مهم شد. در اعمال ۱۱:۲۵-۲۶ برنابا به طرسوس می رود و پولس را با خود به انطاکیه می آورد، به خاطر امکاناتی که اینک با گسترش مسیحیت در میان امتهای فراهم شده است. قرار است که پولس یک سال در آنجا بماند، قبل از اینکه به دلیل قحطی به اورشلیم فرستاده شود (۱۱:۲۶-۳۰). در این نواحی مدیترانه شرقی در زمان حکومت امپراتور کلادیوس احتمالاً سال حدود ۴۵ یک قحطی پدید آمد، اما این دیدار از اورشلیم به سختی با این اعلام پولس که از زمان دلمشغولی شغلی مسیحی (تا سال ۵۰ میلادی)، دومین باری که او به اورشلیم می رفت، چهارده سال بعد (غلاطیان ۲:۱)، بعد از دیدار اول یا به احتمال زیاد بعد از تبدیل ایمان او؟)، سازگاری دارد. به هرصورت این انطاکیه بود و نه اورشلیم که می بایستی پایگاهی برای فعالیتهای بشارتی جاری پولس بشود. رودخانه Orontes راه دسترسی به بندری در مدیترانه را برای انطاکیه فراهم می کند و در سفر به آن سوی این دریاست که پولس می تواند عیسی را به طرز گسترده تری اعلام نماید.

اولین سفر بشارتی، تشکیل جلسه در اورشلیم، پیامد بعدی انطاکیه

یکی از ایرادهای اساسی در استفاده از اعمال به عنوان راهنما برای زندگی پولس این است که در نامه های خود پولس نشانی از آگاهی وی از تعداد سفرهای بشارتی اش (سه) به

۴- این با گزارش در اعمال ۹:۲۳-۲۵، درباره فرار پولس از توطئه یهودیان برای کشتن او در دمشق، مغایر نیست.
 ۵- در شرح اعمال از اقامت در اورشلیم، برنابا او را به نزد رسولان آورد (۹:۲۷).
 ۶- در غلاطیان ۱:۲۱ پولس صحبت از سوریه و قیلیقیه می کند. ممکن است منظور انطاکیه باشد که در سر راه به طرسوس قرار دارد، اما می تواند توصیفی مختصر از شرح لوقا در مورد رفتن او به طرسوس و آمدن به انطاکیه باشد، تمام «سفر اول بشارتی» (از انطاکیه به قبرس، به جنوب شرقی آسیای صغیر، و بازگشت به انطاکیه). به طور خلاصه هر اتفاقی در فاصله زمانی ترک اورشلیم توسط پولس در سال حدود ۳۹ و تشکیل جلسه در آنجا در سال ۴۹.

چشم نمی خورد. استدلال شده که اگر شما از پولس نامه‌ها سؤال می‌کردید «اینک در کدامیک از سفرها هستی؟» او نمی‌دانست که شما درباره چه چیزی صحبت می‌کنید. اما تا حدودی شخص می‌تواند همین را درباره پولس اعمال بگوید، که هیچ‌گاه به طور صریح از سه سفر بشارتی خود صحبت نمی‌کند.^۷ در واقع اعمال نشان می‌دهد که پولس مدت یک سال و نیم در قرنس و سه سال در افسس اقامت داشته و در واقع در سفر نبوده است. سه سفر بشارتی فقط طبقه بندی است که توسط شاگردان اعمال به وجود آمده و من نیز آنها را در این معنی استفاده خواهم کرد. برحسب اعمال ۱۳:۳-۱۴:۲۸ در یک سفر بشارتی از انطاکیه به سوریه برنابا، پولس، و یوحنا مرقس از طریق دریا به قبرس رفتند و سپس در ادامه به شهرهای آسیای صغیر: پرگا، پیسیدیه (بعد از اینکه یوحنا مرقس جدا شد)، انطاکیه، ایقونیه، لستره و دربه، قبل از اینکه پولس و برنابا به انطاکیه در سوریه بازگردند (حدود ۴۹ میلادی). پولس بعد از ملاقات با مخالفین در کنیسه‌ها، غیریهودیان را که در میان آنها مژده انجیل به خوبی استقبال می‌شود مخاطب قرار می‌دهد.^۸ پولس در نامه‌های انکار ناپذیر خود به ما اطلاعاتی راجع به چنین سفری نمی‌دهد. با وجود این در غلاطیان ۲:۱-۳ او موعظه به غیریهودیان را قبل از تشکیل شورای اورشلیم در سال ۴۹ میلادی به یاد می‌آورد و در دوم قرنس ۱۱:۲۵ به سنگسار شدن خود اشاره می‌کند (هنگامی که او در لستره بود، در اعمال ۱۴-۱۹).

بر حسب اعمال ۱۰:۴۴-۴۸، ۱۱:۲۰-۲۱ کسانی دیگر قبل از پولس نیز باعث تغییر ایمان غیریهودیان شده بودند (ظاهراً بدون هیچ‌گونه تأکیدی بر ختنه شدن) اما شاید در شرایطی که چنین غیریهودیانی می‌توانستند جذب جوامع مسیحیان یهودی شوند. ظاهراً نوآوری پولس این بود که جوامعی متشکل از فقط مسیحیان غیریهودی به وجود آورد که دلبستگی کمی، و یا هیچ، به یهودیت داشتند. این چه چیزی برای آینده مسیحیت پیشگویی می‌کرد؟ پس از اینکه پولس (و برنابا) به انطاکیه بازگشتند، در سال ۴۹ میلادی در اورشلیم شورای تشکیل شد تا به این سؤال پاسخ دهد (اع ۱۵:۱-۲۹؛ غلا ۲:۱-۱۰). با وجودی که در میان دو شرح واقعه اختلافات وجود دارد، آنها توافق دارند که پولس، یعقوب (برادر خداوند) و پطرس (کیفا) در این شورا شرکت داشته‌اند، و اینکه گروهی وجود داشته‌اند که مخالف پولس بوده و تأکید می‌نمودند که غیریهودیان باید ختنه شوند. اعمال به توسط سخنرانی‌ها دلائلی را که توسط پطرس و یعقوب برای موافقت با پولس ارائه شد که ختنه نباید درخواست شود، روشن می‌کند. غلاطیان ۲:۹ گزارش می‌کند که این افراد فیض و رسالت قرار گرفته بر پولس را شناخته و دست راست خود را برای رفاقت دراز نمودند.

۷- در واقع، اعمال ۱۸:۲۲-۲۳ تعریف شفافی مابین دومین و سومین ارائه نمی‌کند. (در مورد شهرهایی که نقشی در مأموریت‌ها و نامه‌های پولس ایفا نمودند).

۸- او صحبت از انجیل می‌کند که نجات از طریق ایمان را «به یهودیان ابتدا و سپس به یونانیان آورد» (روم ۱:۱۶). به فصل دهم در بالا درباره موعظه پولس در کنایس رجوع کنید. در آنجا او می‌توانست با غیریهودیانی روبه‌رو شود که نسبت به یهودیت حسن نظر داشتند و می‌توانستند نوایمانان اولیه برای او بشوند.

تصمیم برای پذیرفتن غیریهودیان نامختون به تمام مشکلات پایان نداد. آیا غیریهودیان ملزم به رعایت سایر بخش های شریعت موسی مخصوصاً قوانین طهارت و پاکی در رابطه با اغذیه بودند؟ رابطه مسیحیان یهودی که این قوانین را رعایت می نمودند به مسیحیان غیر یهود که آنها را رعایت نمی نمودند چه بود؟ هم اعمال ۱۵:۳۰ و هم غلاطیان ۲:۱۱، ۱۳ توافق دارند که پس از شورای اورشلیم پولس و برنابا به انطاکیه برگشتند. در آنجا برحسب غلاطیان ۲:۱۲-۱۴ بحثی عمده پیش آمد: پطرس که با امتها غذا می خورد هنگامی که افرادی از طرف یعقوب با اعتراض به این موضوع آمدند عقب نشینی نمود. برای پولس این تلاش که غیریهودیان را وادار سازند همانند یهودیان زندگی کنند با حقیقت انجیل در تضاد بود. اعمال درباره این جروبحث چیزی نمی گوید اما به طریقی مغشوش نامه ای (آنطوری که خواست یعقوب بوده ۱۵:۲۰) از اورشلیم به انطاکیه ارسال می دارد و دستور می دهد که در سوریه و قیلیقیه غیریهودیان قوانین طهارت یهودیان را نگاه دارند، مخصوصاً در رابطه با اغذیه. غلاطیان ۲:۱۳ گزارش می کند که برنابا هم از مردان یعقوب جانبداری نمود، و اعمال ۱۵:۳۶-۴۰ اشاره می کند که پولس و برنابا به جدایی غم انگیز راه های خود رسیدند، به طوری که بلافاصله بعد از آن پولس به همراه سیلاس انطاکیه را ترک نمود. ظاهراً در این زمان، پولس در جنگ بر سر قوانین تغذیه در انطاکیه شکست خورد، و این می تواند توجیه این باشد که چرا انطاکیه دیگر به طور شاخص به عنوان پایگاه خانگی برای فعالیت های بشارتی پولس ظاهر نمی شود. در سفرهایش اینک پولس بیشتر متکی به خود است.

دومین و سومین سفر بشارتی

با وجودی که همان طوری که در بالا توضیح داده شد، این تقسیم بندی سفرها در میان محققین امری معمولی است، فعالیت بشارتی توصیف شده در اعمال ۱۵:۴۰-۲۱:۱۵ را می توان به عنوان به تصویر کشیدن اقدامات گسترده پولس پس از تصمیم گیری شورای اورشلیم، توسط لوقا نشان داد که دنیای غیریهودیان را بدون لزوم ختنه به روی ایمان به عیسی باز نمود (۵۰-۵۸ میلادی).

در اولین قسمت فعالیت (۵۰-۵۲ میلادی، «دومین سفر بشارتی» ۱۵:۴۰-۱۸:۲۲) اعمال گزارش می کند که پولس به مکانهایی در جنوب شرقی آسیای صغیر که در اولین سفر بشارتی ساکنین آنجاها را مسیحی نموده بود، بازگشت. سپس با رفتن به سوی شمال (برای اولین بار) به غلاطیه و فریجیه و سپس با عبور از ترواس به آن سوی مکادونیه (اروپا) رفت، آشکارا تحت هدایت الهی.^۹ و از آنجا او به فیلیپی، تسالونیکیه، بیریه، آتن، و قرنتس رفت.

۹- در این لحظه است که اعمال (۹:۱۶-۱۰) از کلمه «ما» برای اولین بار در اشاره به مبشرین مسافر استفاده می کند. اینگونه تعبیر می شود که نویسنده (لوقا؟) شروع به همراهی پولس نموده است.

به سه شهر از این پنج شهر نامه‌های عهدجدید که نام پولس را بر خود دارند نهایتاً ارسال خواهند شد. در واقع اولین نامه پولسی حفظ شده، **اول تسالونیکیان**، از قرن‌تس نوشته شده هنگامی که پولس نگرانی خود را برای کلیسایی که او جدیداً بشارت داده بود (۵۰-۵۱ میلادی)، بیان می‌کند. اقامت هجده ماهه پولس در قرن‌تس تا این زمان طولانی‌ترین اقامت وی در کلیسایایی بود که او تأسیس کرده بود. شگفت اینکه او در آنجا جامعه‌ای را پشت سر می‌گذاشت که بیشتر از هر جامعه دیگری که او به آنها نامه خواهد نوشت دچار مشکلات و مسائل می‌شدند. اکیلا و پرسکله که آنها را در قرن‌تس ملاقات نمود، که با او با کشتی به افسس سفر خواهند نمود، دوستان و همکارانی برای تمام عمر او خواهند شد، هم در افسس و هم در روم. از این حقیقت که در قرن‌تس پولس را در برابر گالیون والی اخائیه کشیدند (اع ۱۸:۱۲) به عنوان محور در ترتیب زمانی پولسی استفاده شده است، زیرا یک سنگ نوشته گالیون را والی قرن‌تس در دوازدهمین سال امپراتوری کلادیوس (۴۱-۵۴) معرفی می‌کند. گالیون به نظر می‌رسد که قرن‌تس را در اواخر سال ۵۲ ترک کرده باشد. این دوره‌ها تاریخ اقامت پولس در قرن‌تس را به سالهای ۵۰/۵۱-۵۲ محدود می‌کند. در اعمال ۱۸:۱۸-۲۲ پولس از طریق کنخریه، بندر قرن‌تس، به افسس و قیصریه (در ساحل فلسطین) می‌آید و سپس به دیدار کلیسا (در اورشلیم) می‌رود و تحیت می‌گوید.

در دومین قسمت از فعالیت بشارتی گسترده پولس (۵۳/۵۴-۵۸ میلادی؛ «سومین سفر»؛ اعمال ۱۸:۲۳-۲۱:۱۵)، پولس بعد از گذراندن «مدت زمانی» در انطاکیه سوریه، یکبار دیگر از طریق غلاطیه و فریجیه به افسس، مهم‌ترین شهر در استان رومی آسیا، رفت و در آنجا سه سال اقامت نمود (۵۴ تا بهار ۵۷؛ اع ۲۰:۳۱، ۱۹:۸ و ۱۰:۱؛ ۱-قرن ۱۶:۸). در میان حوادثی که اعمال ۱۹:۱-۲۰:۱ نقل می‌کند مبارزه پولس با هفت پسر کاهن اعظم یهودی که اخراج‌کنندگان ارواح بوده‌اند آمده، و سپس شلوغی و اغتشاشی که توسط زرگران متعهد به ارطامیس/دیانا افسسیان بر علیه پولس بر پا شده بود، که موجب گردید او آنجا را ترک کند. پولس هرگز به صراحت درباره این وقایع در افسس نمی‌نویسد؛ اما در لیست سختیهای خود در ۲-قرن ۱۱:۲۳-۲۶: «از سختیهایی که در آسیا به ما عارض گردید» (۲-قرن ۱:۸) و یا در «در افسس با وحوش جنگ کردم» (۱-قرن ۱۵:۳۲، همین‌طور ۱۶:۸-۹: «مخالفین بسیار وجود دارند») به طور ضمنی به این موضوع اشاره می‌نماید. آن اشاره‌ها به آزمایشهای سخت پولس، این امکان را می‌دهند که شاید رسول در افسس نامه‌هایی به **فیلیپیان** و **فیلمون** نوشته و هر دو در زمانی که پولس زندانی بود. طبق توافق عام پولس زمانی که در افسس بود به **غلاطیان** نامه نوشت، و نگرانی خود را از آنچه که در طول چهار یا پنج سال خدمت بشارتی وی در شمال غلاطیه، حدود سال ۵۰، در آنجا اتفاق افتاده بود بیان نمود. در اواخر اقامت پولس در افسس، مشکلات در کلیسای قرن‌تس توجه وی را

جلب نمود؛ برخی از نامه نگاریهای قرن‌تینان نیز در این زمان انجام شده است (اول قرن‌تینان [۸:۱۶] و یک نامه با اشک [۲- قرن ۳:۲-۴] مفقود شده؟) همراه با دیداری حزن‌انگیز (۲- قرن ۱:۲). اعمال درمورد برخوردهای سخت پولس با قرن‌تس کاملاً سکوت می‌کند.

زمانی بعد از پنطیکاست (اواخر فصل بهار) پولس در ۵۷ سالگی افسس را به مقصد ترواس ترک می‌کند و در امتداد ساحل آسیایی دریای اژه بطرف شمال پیش می‌رود اما در آنجا تیطس را که او روانه کرده بود تا مسائل را در قرن‌تس حل کند نمی‌یابد، او سپس به مقدونیه (فیلیپی؟ ۲- قرن ۱۲:۲-۱۳) می‌رود و در آنجا با تیطس روبه‌رو می‌شود که حامل خبرهای خوشی از آشتی به وجود آمده بود. پولس سپس نامه‌ای می‌نویسد (شاید در دو مرحله) که اینک به عنوان **دوم قرن‌تینان** خوانده می‌شود. نهایتاً او به اخائیه و قرن‌تس می‌رود و سه ماه زمستان را در آنجا می‌ماند (۵۸/۵۷). پولس در قرن‌تس هدایایی را از کلیساهایی که در آنجا بشارت داده بود برای مسیحیان اورشلیم جمع‌آوری نمود. او این هدایا را در سفر برنامه‌ریزی شده خود به اورشلیم خواهد برد. پولس در قرن‌تس رساله به **رومیان** را تنظیم می‌کند و به خانه - کلیساها در آن پایتخت امپراتوری خبر می‌دهد که تصمیم دارد بعد از اینکه هدایا را به اورشلیم برد به اسپانیا برود (۱۵:۲۴-۲۶). در آن نامه تلاش نموده تا خود را محبوب نشان دهد، گویی رومیها گزارش‌های مبالغه‌آمیزی درباره او شنیده بودند.

برحسب اعمال ۲۰:۲-۱۷ (بهار ۵۸) پولس از قرن‌تس از طریق مکادونیه به سوی اورشلیم حرکت می‌کند و عید‌گذر را در فیلیپی می‌گذراند. سپس با کشتی به ترواس و از آنجا در امتداد ساحل آسیایی به میلیتس می‌رود و در آنجا برای مشایخ افسس که به منظور دیدن او آمده بودند سخنرانی خداحافظی ایراد می‌نماید (۲۰:۱۷-۳۸).^{۱۰} در میلیتس و بار دیگر در صور و قیصریه هنگامی که به ساحل فلسطین می‌رسد، در پایان سفر درمورد زندانی شدن و مرگ دلواپسی و اضطراب از خود نشان می‌دهد. بعضی تأییدات در این مورد در رومیان ۱۵:۳۰-۳۱ وجود دارد، جایی که پولس برای دیدار آینده خود از اورشلیم درخواست دعا می‌کند: «تا از نافرمانان یهودیه رستگار شوم».

دستگیر شدن پولس در اورشلیم؛ زندانی شدن در قیصریه؛ برده شدن به روم؛ مرگ وی

دهه آخر زندگی پولس (حدود ۵۸-۶۴) عمدتاً در اعمال ۲۱:۱۵-۲۸:۳۱ شرح داده شده، این سالها با رنج و مصیبت نشانه گذاری شده‌اند، چهار سال با زندانی بودن (آنهايي

۱۰- از این سخنرانی (۲۰:۲۵ و ۳۸: پیش‌گوییها که آنها دیگر هرگز چهره پولس را نخواهند دید) آشکار است که لوقا از هیچ فعالیت دیگر پولس در آسیای صغیر اطلاع نداشت.

نمی دهند آنها را به زمان زندانی شدن او در قیصریه یا روم مربوط می دانند، و بنابراین دیرتر تاریخگذاری می کنند. در غیر این صورت این مرحله از زندگی پولس را نمی توان توسط نامه های وی تأیید نمود). اعمال (۱۷:۲۴) به صورت گذرا تأیید می کند که پولس هدایا را به اورشلیم آورد. ملاقاتی، تا حدودی عصبی و خارج از ادب، مابین پولس و یعقوب (برادر خداوند و رهبر مسیحیان اورشلیم) صورت گرفت که در آن به پولس گفته شد مانند یک فرد دیندار رفتار کند، و تا زمانی که در اورشلیم است به شریعت عمل نماید (۱۷:۲۱-۲۵). با وجود این حضور وی در حیاط معبد موجب شورش شد به نحوی که یک یوزباشی رومی دخالت نمود تا جان او را حفظ کند، و او می بایستی یک سخنرانی طولانی در دفاع از خود به زبان عبری (آرامی؟ ۲۱:۲۶-۲۲:۳۰) ایراد نماید. نهایتاً پولس را به یک جلسه سنهدرین آوردند و جروبحتی مابین قضات صدوقی و فریسی وی برپا نمودند، که موجب شد یوزباشی او را از آنجا دور کرده به قیصریه برد تا توسط فلیکس، والی رومی داوری شود، که در برابر او نیز پولس بار دیگر از خود دفاع نمود (۲۳:۱-۲۴:۲۱). فلیکس که در انتظار رشوه بود از داوری خودداری کرد و پولس را برای دو سال در زندان نگاه داشت (۲۴:۲۲-۲۷). فقط با آمدن فستوس، والی بعدی، و ادامه اتهامات توسط رهبران یهودی بود که مورد پولس بار دیگر مطرح شد (۲۵:۱-۲۶:۳۲). در محاکمه ای در برابر فستوس، پولس استدلال کرد که او هیچ جرمی بر علیه شریعت یهود و یا قیصر مرتکب نشده است. والی، پادشاه هرود اغریپاس دوم را دعوت کرد تا به شکایت وی گوش دهد؛ و با وجودی که هیچکدام از این دو حکمران پولس را گناهکار نیافتند او را به عنوان یک زندانی به روم فرستادند زیرا که او نزد قیصر دادخواهی کرده بود.

سفر دریایی مخاطره آمیز پولس (پایان سال ۶۰ میلادی، شروع سال ۶۱) با شور و شوق زیادی در اعمال توصیف شده است (۱:۲۷-۱۴:۲۸). ۱۱ طوفانها، شکسته شدن کشتی و سپری کردن زمستان در جزیره ملیطه و اوج آن در «و بدین ترتیب ما به روم آمدیم». گفته می شود پولس دو سال در روم تحت بازداشت خانگی بود ولی می توانست برای آنهایی که به نزد او می آمدند موعظه کند. احساسات و عواطف پولس که با آنها اعمال ۲۶:۲۸-۲۸ به داستان خاتمه می دهد (حدود سال ۶۳) این است که یهودیان هرگز نخواهند شنید در حالی که امتها خواهند شنید، که به زحمت آن چیزی است که پولس در روم میان ۱۱:۲۵-۲۶ می گوید (شاید آخرین از نامه های غیرقابل انکار پولس)، یعنی هنگامی که تمام امتها به مسیحیت درآیند، تمام اسرائیل نجات خواهند یافت. نه نامه ها و نه کتاب اعمال درباره مرگ او چیزی به ما نمی گویند، اما روایتی وجود دارد که او در حکومت نرون به شهادت رسید، یا در حدود همان زمان که پطرس به شهادت رسید (۶۴ میلادی) و یا قدری دیرتر (۶۷). طبق روایات پولس در Via Ostiensis دفن شده است، مکانی که خاطره اش توسط کلیسای جامع پولس قدیس، در همه جا گرامی داشته می شود.

۱۱- چون هیچ تأیید در نامه های پولس (یا نامه های منتسب به او) درباره درخواست از سزار یا سفر به روم وجود ندارد، بعضی ها تاریخی بودن اعمال را به عنوان شرح تخیلات رمان گونه زیر سؤال می برند.

موضوعات باقیمانده. اگر اعمال درباره شرایط حبس خانگی پولس در روم (دو سال) دقیق است، آیا سفرهای دیگری ما بین سال ۶۳ و تاریخ مرگ او (۶۴ تا ۶۷) وجود داشته است؟ آیا او از نیت خود برای رفتن به اسپانیا پیروی کرد؟ آیا لوقا در اعمال ۸:۱ آن را یادآور می شود هنگامی که از قول عیسی شهادت را تا «اقصی نقاط جهان» توسعه می دهد؟ طی سی سال پس از مرگ پولس، اول کلمنت ۷:۵ گزارش می کند که پولس «تا اقصی نقاط غرب سفر کرد»، قبل از اینکه در برابر مسؤولین حاکم شهادت داد و به شهادت رسید.

ما باید از اطلاعات جغرافیایی که در نامه های شبانی آمده که پولس را نشان می دهند که قبل از مرگش بار دیگر به افسس، مکادونیه (که از آنجا او اول تیموتاوس را به افسس می نویسد [۵:۱])، و یونان (با نقشه ماندن زمستان در نیکوپولیس [تیطس ۳:۱۲]) می رود، چه بایستی برداشت کنیم؟ دوم تیموتاوس ۱۳:۳ یک جدایی ناگهانی از ترواس را نشان می دهد (چون او دستگیر شده بود؟) و ۸:۱ و ۱۶-۱۷ پولس را به عنوان زندانی در روم دارد. اگر نامه های شبانی توسط پولس نوشته شده بودند، این اطلاعات درباره «روند شغلی دوم» بعد از آنچه که در اعمال توصیف شده را باید تاریخی تلقی نمود. اگر آنها توسط یک شاگرد پولس نوشته شده اند، باز هم می تواند تاریخی باشد (خط سیر اصیل پولسی را ترسیم می کند) یا اینکه می تواند حاوی زمینه ای تخیلی برای نامه ها باشد (نامه هایی که در بی توجهی به اعمال نوشته شده باشند). راه های ارزیابی آنها در ابتدای فصل ۱۳ بحث خواهد شد.

(B) الهیات پولس

الهیات پولس موضوعی بسیار گسترده است که کتابهای زیادی وقف آن شده حتی نکات اصلی آن هم فراتر از این مقدمه می رود. مطالعه کتابهایی که نگرش بر بعضی موضوعات و یا مسائل در مطالعه افکار پولس را ارائه می نمایند برای تعمق خوانندگان هنگام مطالعه نامه های پولس سودمند خواهد بود.

(۱) آیا پولس شخصی استوار بود؟ خواه ما درگیر تمام نامه ها (دوترو پولسی) و یا بخشی از نامه ها باشیم (مثلاً روم ۹-۱۱)، قضاوت این که چه قسمتی پولسی است و چه قسمتی پولسی نمی باشد تا حدودی بستگی به سازگاری آنها با بقیه افکار پولسی دارد. پولس چقدر استوار بوده؟ احتیاط لازم است. اگر ما نامه های اصیل توافق شده پولسی (اول تسالونیکیان، اول و دوم قرنتیان، غلاطیان، رومیان، فیلیپیان و فیلمون) را جدا کنیم، آنها به طور قطع تمام الهیات پولسی را به ما نخواهند داد. بنابراین، وقتی شخص با ایده های جدید روبه رو می شود، مثلاً جزئیات ساختار کلیسایی که در نامه های شبانی تبلیغ شده، آسان

نیست که به ظاهر تأیید کنیم که اینها نمی توانند از پولس نشأت گرفته باشند. شخص احتیاج خواهد داشت که نشان دهد این ایده جدید با افکار پولسی سازگار نیست. اما این ملاک و معیار فرض را بر این می گذارد که پولس نمی توانسته و نخواسته طرز فکر خود را عوض کند (بر پایه های الهیاتی، نه فقط به عنوان موضوعی از سرسختی شخصی). او در غلاطیان ۸:۱ می گوید: «بلکه هرگاه ما هم یا فرشته ای از آسمان، انجیلی غیر از آن که ما به آن بشارت دادیم به شما رساند، آنا تیما باد». با وجود این آن ثبات در رابطه با نظم اصولی پولس درباره فیض پر شفقت خدا از نجات در مسیح است، بدون دخالت اعمال شریعت. چنین تغییر ناپذیری و ثبات در به نتیجه رساندن پیامدها و عواقب برای زندگی مسیحی تا چه حد قابل اجرا است؟ می توان افراد را تشویق کرد که بی ثباتی را در اول قرن نهم: ۹-۱۹-۲۳ تشخیص دهند، جایی که پولس تأکید می کند که او همه چیز برای همه کس است: «برای یهودیان مثل یک یهودی گشتم تا یهود را سود برم... و بی شریعتان را چون بی شریعتان شدم تا بی شریعتان را سود برم».

در اینجا برخی مشکلات مشاهده می شود. شاید کسی متوجه اختلافی شود که به ورا ی شیوه سخنوری مابین غلاطیان ۵:۲ «اگر مختون شوی، مسیح برای تو هیچ نفع ندارد» و رومیان ۳:۱-۲ «چه سودی است از ختنه شدن؟ بسیار از هر جهت»^{۱۲} می رود. آیا پولس با موشکافی بیشتر بار دیگر درباره نقش ختنه شدن فکر می کرده، بدون اینکه البته، انجیل خود که نجات بدون آن ممکن است را عوض کند؟ چنین تغییری احتمالاً از واکنش های منفی در اورشلیم نسبت به انتقاد تلخ پولس از ارکان کلیسای اورشلیم (غلا ۲:۶-۹) ناشی شده، و توسط آنهایی که با پولس در غلاطیه مخالف بوده اند منتقل گردیده. در رومیان ۱۵:۳۰-۳۱ پولس از مسیحیان در پایتخت می خواهد که به این تلاش برای مقبولیت وی در اورشلیم بپیوندند؛ و آیا این رویکرد می تواند ناشی از این شناخت باشد که در آن جوّ جروبخت در غلاطیه او موضوع را بیش از حد بزرگ کرده بود؟ درباره موضوعی دیگر، آیا پولس در اول قرن نهم: ۱۰-۲۸-۳۳ (خودداری از خوردن غذایی که به بتها وقف شده، مبدا مسیحیان ضعیف تر را لغزش دهد) برای آنچه که پطرس در انطاکیه انجام می دهد، هنگامی که به دلیل اجتناب از بی احترامی به کسانی که از جانب یعقوب فرستاده شده بودند از غذا خوردن با امتهای خودداری می نماید - کاری که پولس آن را به خاطر انجیل ملامت نمود (غلا ۲:۱۱-۱۴) مدارا نشان می دهد؟ این که اظهارات پولس از یک نامه به نامه دیگر یکسان و ثابت نمی باشد بدین معنی نیست که افکار وی فاقد انسجام، و یا گسسته است. بلکه این شناخت که پولس از یک هدف ایده آل فاصله داشت تأکیدی است بر اهمیت درک شرایطی که پولس در هر نامه به آنها اشاره می کند و آنچه که او بر له یا علیه آن استدلال می نماید. انسجام و

۱۲- این قطعه در نامه صحبت از سودمندی ختنه برای یهودیان می کند، اما غیریهودیانی که رومیان را مطالعه می کردند ارزش مذهبی ختنه را درک بهتر می نمودند تا غیریهودیانی که مخاطب نامه به غلاطیان هستند.

یکپارچگی سخنان پولس تا حدودی از درک شبانی او از چیزهایی که فکر می‌کند مردم نیاز دارند بشنوند، چه آنها خوششان بیاید و چه نه، ناشی می‌شود. تفاوت بزرگی وجود دارد مابین همه کس را همه چیز بودن تا همه را خشنود سازد، و همه کس را همه چیز بودن تا به هر تعداد که ممکن است نجات بخشد (۱- قرن ۹: ۲۲).

(۲) نگرش پولس نسبت به یهودیت چه بود؟ به استثنای نامه به رومیان، نامه‌های انکار ناپذیر پولس خطاب به شنوندگانی بودند که خود او آنها را مسیحی نموده بود، و او چون مأموریت خود را بشارت انجیل به نامختونان می‌دانست، عمدتاً به غیریهودیان می‌نوشت. بسیاری از منتقدین فرض می‌کنند آنچه که پولس به آنها گفته قابلیت اجرای جهانی دارد و به یهودیان نیز می‌توانست گفته شود. این در رابطه با بشارت اساسی انجیل نجات از طریق مسیح به نظر معقولانه می‌رسد، اما آیا ما مطمئن هستیم که او آن انجیل را به یهودیان به چه شکلی بشارت خواهد داد؟ در پاراگراف قبلی من از غلاطیان ۵: ۲ نقل قول نمودم، جایی که پولس اظهار می‌دارد که ختنه شدن برای غیریهودیان بی‌فایده است. با وجود این فرض کنیم که پولس با یک زن مسیحی یهودی ازدواج نموده بود و آنها دارای پسری بودند: آیا او با ختنه کردن آن طفل مخالفت می‌نمود؟ مسلماً او فکر نمی‌کرد که ختنه برای نجات ضروری است زیرا که طفل در ایمان به مسیح رشد می‌کرد. اما آیا پولس نمی‌خواست که فرزند او امتیاز یک «اسرائیلی» بودن را که به طور مفصل در رومیان ۹: ۴-۵ توصیف شده است، داشته باشد؟ پولس در اعمال ۲۴: ۱۴ اظهار می‌دارد که «بر حسب طریقتی که آنها بدعت می‌گویند خدای پدران (اجداد) خود را عبادت می‌کنم و به آنچه در تورات و انبیا مکتوب است معتقدم». آیا پولس تاریخی می‌توانست یا می‌خواست این را بگوید؟

(۳) پولس تا چه حد منحصر به فرد بود؟ این سؤال که افکار پولسی تا چه حد جدید یا منحصر بفرد و یا حتی غیرمتعارف بود مربوط به موضوع قبلی است، نه تنها در رابطه با یهودیت بلکه همچنین در رابطه با هم‌نوعان مسیحی او. آشکار است که مکاشفه پسر خدا دیدگاه پولس را به شدت تغییر داد، اما او در نگرش مسیحی خود به این سؤالات، تا چه حد از سایر مسیحیان برجسته یا رهبر متفاوت بود؟ چندین عامل جوابی بلند پروازانه را سرعت بخشیده است. تأکید پولس بر اختلافات با کیفا (پطرس) و فرستادگان یعقوب در غلاطیان ۲: ۱۱-۱۴ و انتقاد او از رسولان عالی در دوم قرنتیان ۱۱: ۵: تصویری از پولس به عنوان یک تکرو شکل داده است. در طی تاریخ مسیحیت مطالعه پولس موجب شده است که الهیدانان مهم مبارزاتی سخت نسبت به اندیشه‌های متداول و معروف (مارسیون، آگوستین [برعلیه پلاژیوس]، لوتر، و بارت) اعلام کنند، و این به تصویری از پولس برگشت کرده است. با وجود این خطر ناسازگاری با زمان در چنین بازگشتی وجود دارد، مثلاً همان‌طور که استندال اشاره نموده است، از مبارزه لوتر با گناه و خطا نمی‌توان برای تفسیر نگرش پولس درباره

گذشته قبل از مسیحی شدن او استفاده کرد. در غلاطیان ۲:۹ یعقوب، کیفا (پطرس) و یوحنا دست دوستی به پولس می دهند، و در اول قرن‌تین ۱۵:۳-۱۱ پولس به کیفا، آن دوازده نفر، یعقوب، و تمام رسولان ملحق می شود، در موعظه ای همگانی و در ایمانی مشترک. در این صورت ما می توانیم سؤال کنیم که آیا در مشاهده سازگاری مشخصی مابین پطرس و پولس (اعمال، اول کلمنت ۵. ۲-۵) و بیان خیرخواهانه مشکلات پطرس با پولس (۲. پطرس ۱۵:۳-۱۶)، کارهای بعدی به سادگی پولس را رام می کرد و یا این بینش را که او به طرزی خصمانه منزوی نبود حفظ می نمود.

(۴) آیا پولس خالق مسیح شناسی عالی بود؟ در معیار خاص تفکر آزادیخواهی، عیسی یک رعیت یهودی با تمایلات اصلاح طلبانه بود، که از ریاکاری و بعضی نظریات مذهبی متحجر و رسوم زمان خود انتقاد می کرد. ادعا می شود که پولس عیسی را پسر خدا نمود و بدین معنی پولس واقعاً مؤسس مذهب مسیحیت است. افراد کمی امروزه این تفاوت شاخص را به گونه ای خشن بیان می کنند، اما برخی نیز پولس را معمار مسیح شناسی عالی می دانند. این نظریه به این دلیل که پولس به زحمت می توانسته برای عیسی القابی مانند پسر خدا یا خداوند (به معنی قاطع) درست کرده باشد، زیرا این القاب ریشه های خود را در مسیحیت فلسطین (و حتی در میان سامی زبانان) داشته است، مورد بحث است. در واقع گرایش وجود دارد به این که تداوم قابل توجهی مابین مسیح شناسی در زمان حیات عیسی و مسیح شناسی پولسی ببینند.

(۵) مرکزیت الهیاتی در الهیات پولس چیست؟ محققین گرچه به طور گسترده در این مورد که شخص نباید اصول سازمان یافته در الهیات بعدی را بر پولس تحمیل کند، توافق دارند، اما بر سر مطالب کلیدی در افکار پولس اختلاف نظر دارند. تأکید اصلاحات اساسی بر عادل شمردگی به وسیله ایمان، هنوز هم پیروانی دارد، مانند کاسمان. بوئر بر تضاد مابین جسم انسانی و روح قدوس الهی تأکید می کرد. بولتمن تأکید عمده را بر انسان شناسی قرار می دهد زیرا اظهارات پولسی در رابطه با خدا، الوهیت را به موجودات بشری ارتباط می دهد. بنابراین او افکار پولس را تحت عناوین: «موجودات بشری قبل از مکاشفه ایمان» و «موجودات بشری تحت ایمان» تقسیم می نماید. موضوع تاریخ - نجات برای بسیاری افراد که مابین پولس و یهودیت دشمنی را دامن نمی زنند مرکزیت دارد. بکر بر مفهومی مکاشفه ای یهودی تأکید دارد: رویداد مسیح به عنوان به کمال رسیدن و پایان تاریخ. فیتزمایر زبان «آخرت شناسی» را بر «مکاشفه ای» ترجیح می دهد و از مبحث نجات و رستگاری متمرکز بر مسیح صحبت می کند: مسیح مصلوب شد و برای تقدیس ما قیام کرد. تمام اینها جوهره خود را از حقیقت دارند، بشرطی که ما توجه کنیم که آنها داوریهایی تحلیلی هستند و اینکه احتمالاً پولس درباره «مرکز الهیات خود» هیچگاه به طور کامل فکر نکرد. به هرحال او اندیشه خود را درباره «انجیل» خود بیان نمود، و مرکزگرایی در مسیح نزدیکترین به این بیان است (به رومیان ۱:۳-۴، ۴:۲۴-۲۵ توجه کنید).

(۶) آیا یک روایت مرکزی پولسی وجود دارد؟ به جای یک موضوع مرکزی الهیاتی بعضی محققین درباره یک روایت اندیشیده‌اند. همان‌گونه که یهودیت دارای داستانی مرکزی است از اینکه چگونه خدا اسرائیل را انتخاب و از طریق موسی دعوت نمود (داستانی که در فریسیان، صدوقیان، اسنیان و ملی‌گرایان افراطی مشترک است)، همین‌طور نیز بعضی به‌طور معقولانه حدس می‌زنند که مسیحیان نیز داستانی اساسی دارند که می‌گوید خدا دعوت خود را از طریق خدمت بشارتی مصلوب شدن و رستاخیز عیسی تازه نموده است. مسلماً پولس درباره داستانی مربوط به عیسی هنگامی که او برای اولین بار به مکانی وارد شد موعظه کرده بود. بنابراین ما نمی‌توانیم انجیل پولس را از نامه‌هایش قضاوت کنیم. و این دیدگاه «عقل سلیم» در مورد پولس از هر نوع معرفی که او مطلقاً افکاری نمادگرایانه داشته، قانع‌کننده‌تر است.

(۷) مقصود پولس از «عدالت» و «عادل‌شمردگی» چیست؟ زمان اصلاحات عدالت (*dikaioyne*) موضوعی مهم در مطالعات پولسی بوده است. چنان‌که در (۵) متذکر شدیم، بعضی‌ها آن را به مرکز الهیات پولسی تبدیل می‌کنند، با وجودی که این موضوع آشکارا در نامه‌های اولیه همانند اول تسالونیکیان وجود ندارد. («عادل‌شمردگی» احتمالاً اولین تنظیم پولس از آنچه که از طریق مسیح اتفاق افتاد نبود، و شاید نشان‌دهنده زبانی است که در مبارزه با مبشرین یهودی مسیحی در غلاطیه به وجود آمد). پولس در عبارات متعددی از «عدالت خدا» صحبت می‌کند. با کمک مدارک قمران امروزه به‌طور گسترده‌ای پذیرفته شده که این جمله بندی بازتاب توصیف مکاشفه‌ای یهودی از فیض و بخشندگی در عهد خدا به مفهوم داوری است. برای پولس این توصیف‌کننده عمل مقتدرانه نجات خدا از طریق ایمان در عیسی مسیح است. آن روی سکه اثر رویداد مسیح است: عادل‌شمردگی (*dikaiosis*؛ فعل: *dikaion* عادل نمودن)، یعنی رابطه موجودات بشری نسبت به خدا توسط عمل فیض بخش، خدا که در مسیح انجام یافته: آنها اینک در برابر خدا عادل شمرده شده و یا بی‌گناه ایستاده‌اند. بحث بازنگری در این باره که آیا خدا انسانها را به سادگی عادل اعلام می‌کند (معمولاً به عنوان دیدگاه پروتستان شناسایی شده) یا در واقع به وسیله تبدیل آنها را عادل می‌گرداند (دیدگاه کاتولیک) شاید مستلزم دقتی در ورای تفکر صریح پولس باشد.

(۸) نوشته‌های دوتروپولسی چگونه با تصویر پولسی مطابق می‌شوند؟ در شش نامه در این باره صحبت می‌شود: دوم تسالونیکیان، کولسیان، افسسیان، اول - دوم تیموتائوس، و تیطس. ۱۳ اگر در واقع آنها توسط پولس نوشته نشده‌اند، آیا همگی توسط شاگردان پولس نوشته شده‌اند تا نمایانگر تسلسلی اصیل باشند؟ آیا تغییر شرایط می‌تواند اختلافات تأکید

۱۳ - تنظیم شده به ترتیب احتمال نویسنده نبودن پولس، در یک طرف طیف دوم تسالونیکیان است که احتمال نویسنده بودن پولس ۵۰/۵۰ می‌باشد و در طرف دیگر حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد محققین نویسنده بودن پولس در مورد نامه‌های شبانی را رد می‌کنند.

از نامه های انکار ناپذیر پولسی را توجیه کند؟ شوق بی حد درباره آخر زمانها می تواند تأکیدی تصحیح کننده در دوم تسالونیکیان را توجیه کند، در حالی که کولسیان و حتی افسسیان را می توان به عنوان تکامل نظر خود پولس در مورد جسم مسیح در نور یک نظریه بزرگتر کلیسا در اواخر قرن دید. بعضی ها تأکید بر ساختار کلیسا در نامه های شبانی را آنقدر نسبت به دلبستگیهای خود پولس بیگانه می دانند که آن نامه ها را می بایستی به عنوان آثاری بیگانه در نظر گرفت. در نظر اول، نویسنده نامه های شبانی فکر می کرد که ایده های او به قدری به ایده های پولس نزدیک است که از عنوان رسول استفاده کرد. آیا ما دلیل کافی برای ضدیت با قضاوت او داریم؟ در فصول ۲۵ و ۳۰ در این باره بیشتر بحث خواهد شد.

* * *

فصل هفدهم

ارج نهادن به پولس

دو فصل گذشته اطلاعات کلی ارائه می‌کند تا خوانندگان را قادر سازد تا هنگامی که ما نامه‌های پولس را تک تک مورد بحث قرار می‌دهیم، آنها را ارج نهند. با وجود این در نوشتن این دو فصل من به نحوی ناراحت بودم، زیرا آنها همان مطالبی را بحث می‌کردند که مرا در اولین مسیرهایی درباره پولس به تفکر وامی داشتند. ما دانشجویان می‌بایستی طرح کلی نامه را حفظ کنیم و از سفرهای پولس نقشه تهیه نمائیم؛ اساتید ساعتها در مورد ترتیب زمان بندی پولس و در این باره که آیا او به جنوب غلاطیه و یا شمال غلاطیه رفت بحث می‌کردند. من در تدریس خودم متوجه شده‌ام که بسیاری از آنها مهم هستند؛ اما فراموش نکرده‌ام که چنین تأکیدی باعث ایجاد علاقه به پولس نمی‌شد و، حداقل در بعضی از همشاگردیهای من، سدی دائمی برای چشیدن میراثی که او باقی نهاده است به وجود می‌آورد. اناجیل به سرعت جذب می‌کنند، اما نامه‌های پولس به کار پرزحمت و خسته کننده نیاز دارد. بدین سبب من مایلم مقدمه‌ای دیگر اضافه نمایم، مثلاً فصلی برای ارج نهادن به این شخص که بیش از هر کس دیگر در زمان خود برای هدایت مردم به اینکه عیسی مسیح چه هدفی برای جهان داشته است، تلاش نمود.

(A) تصاویر پولس

پولس چه تصویری در ما برمی‌انگیزد؟ اکثر نقاشیها و یا مجسمه‌های شناخته شده پولس بازسازیهای تخیلی از لحظات احساسی در اعمال هستند، آنها پولس را نشان می‌دهند که در راه به سوی دمشق از اسب خود به زیر افتاده، یا پولسی را که در حال بحث با فلاسفه در تالارهای مدارس در آتن است، و یا پولسی کشتی شکسته در سفر دریایی خود به روم، و نقاشی سایه روشنی از پولس با سری بدون مو در حال نوشتن نامه‌ای در زیر نور. تصویر نمادین از پولس با یک شمشیر بازتابی است از این روایت که پولس در روم گردن زده شد و به شهادت رسید.

سخنان خود پولس به نظر نمی‌رسد که فانتزی هنری را تغذیه کند. با وجود این نوشته‌های او بیشتر شرح حال زندگی در عهدجدید است، در واقع در تمام کتاب مقدس فقط ارمیا با پولس در خود آشکار سازی رقابت می‌کند. یک قطعه به طور خاص تصورات محو نشدنی تولید می‌کند:

«در مرگها مکرر، از یهودیان پنج مرتبه از چهل یک کم تازیانه خورده‌ام. سه مرتبه مرا چوب زدند یک دفعه سنگسار شدم، سه مرتبه کشتی شکسته شدم، شبانه روز در

دریاهای عمیق به سر بردم، در سفرها بارها، در خطرهای نهرها، در خطرهای دزدان، در خطرهای از قوم خود و در خطرهای از امتهای، در خطرهای در شهرها، در خطرهای در بیابان، در خطرهای در دریا، در خطرهای در میان برادران کذب، در محنت و مشقت، در بی‌خوابیها بارها، در گرسنگی و تشنگی، در روزه‌ها بارها، در سرما و عریانی بدون آنچه علاوه بر اینها است، آن بار که هر روزه بر من است یعنی اندیشه برای همه کلیساها، کیست ضعیف که من ضعیف نمی‌شوم، کیست که به گناه لغزش می‌خورد که من متغیر نمی‌شوم؟ (۲- قرن ۱۱: ۲۳-۲۹).

برای قدردانی از واقعیت حیرت‌آور این توصیف، خوانندگان امروزی شاید نیاز به پیش‌زمینه‌ای داشته باشند. به طور مثال، «سفرهای مکرر» تصویر روانی و زنده‌ای می‌دهد اگر شخص دشواریهایی که مستلزم آن بود را درک نماید. بارها تأیید شده که شبکه راههای مشهور رومیها موجب تسهیل گسترش مسیحیت گردید، و فیلم‌هایی درباره دوران رومیها، ارا به‌های جنگی را نشان می‌دهند که در امتداد جاده‌هایی سنگفرش شده می‌تازند. بدون شک پولس از چنین جاده‌هایی هرگاه که میسر بوده بهره برده، اما در بسیاری از نواحی او از چنین تجملی بی‌بهره بود. علاوه بر این، پولس صنعتگری بسیار ماهر بود که می‌بایستی برای کسب معاش تلاش کند، یک وسیله نقلیه چرخدار در ورای امکانات او قرار داشت، سفر با اسب نیز مشکل بود، زیرا از اسب برای مسافت طولانی استفاده نمی‌شد، و برای اسب سواری مهارت لازم بود. احتمالاً پولس مایل نبود برای یک الاغ که بار او را تا دریا حمل کند پول خرج نماید، زیرا سربازان در ساحل دریا این حیوانات را از مسافرینی که نمی‌توانستند مقاومت کنند به زور می‌گرفتند. بنابراین ما تصویری داریم از پولس که در امتداد جاده‌ها در حالی که وسائل محدود خود را در توبره‌ای همراه دارد هر روزه حداکثر بیست مایل راه می‌پیماید.

بعضی مواقع هنگامی که او می‌توانست با پوستین دوزی پولی به دست بیاورد و در مسیر سفر خود به میهمانسرای می‌رسید می‌توانست گوشه‌ای برای اقامت در شب در آنجا کرایه کند. جایی روی زمین در حیاط میهمانسرا در نزدیکی آتش، یا قدری گران‌تر، یک رختخواب (احتمالاً پر از شپش) در اطاقی در یک گوشه حیاط. به هر حال او اغلب مجبور می‌شد در جایی در کنار جاده بخوابد، در میان سرما باران و برف. او به عنوان مردی فقیر به آسانی می‌توانست قربانی راهزنان شود، مخصوصاً در حومه شهرها که کمتر توسط پلیس کنترل می‌شد. سفرهای دریایی نیز چندان امن‌تر نبودند. در حرکت به سوی شرق باد کمک می‌کرد، اما رفتن به غرب خطرناک بود و در هر دو مسیر کشتی‌های شکسته بسیاری وجود داشتند. مسافرت بر روی عرشه باز یک کشتی باربری و آذوقه محدودی که شخص با خود داشت، راحت‌تر از سفر در خشکی نبود.

مشکلات با رسیدن پولس به مقصد مورد نظر تمام نمی‌شد. امروزه کسانی که در میان خرابه‌های باشکوه شهری مانند افسس راه می‌روند نمی‌توانند عظمت و قدرت فرهنگ

یونانی-رومی را که در ساختمانها، مقبره‌ها، معابد و مجسمه‌های باشکوه تجلی یافته را نادیده بگیرند. با وجود این مردی یهودی با توبره‌ای بر پشت خود امیدوار بود بتواند در نام یک مجرم مصلوب شده، که اعلام می‌کرد در برابر او هر زانویی در آسمان و بر زمین و زیرزمین می‌بایستی خم شود، با تمام اینها مبارزه کند. تحقیر و تمسخرهای غیریهودیان متمدن برای سخنان این یاوه‌گو که در اعمال ۱۷:۱۸ گزارش شده، حقیقت می‌نماید. علاوه بر این، کتاب اعمال گزارش می‌کند که او را به مقابل مسند والیان کشانده و زندانی کردند، این گزارش، گزارش پولس درباره «مخاطرات از سوی غیریهودیان» را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این مخاطرات شاید قابل تحمل تر می‌شد اگر هنگامی که او مسیحی را که از تبار داود است، اعلام می‌کرد با استقبالی گرم روبه‌رو می‌شد. اما هم اعمال و هم نامه‌های پولس کشمکش و خصومت را به تصویر می‌کشند. پولس قدرتی نداشت که در مکانی یا در یک ساختمان عمومی پیام خود را موعظه کند؛ اعمال ۱۶:۱۳ او را در حال موعظه در یک مکان دعا در کنار رودخانه نشان می‌دهد. او اغلب می‌بایستی در جایی که زندگی و کار می‌کرد موعظه کند، یعنی در اتاقی در خانه‌های اجاره‌ای یا در مغازه‌ها در شهرهای بزرگتر. بر حسب اعمال او راه خود را بدرون جلسات خانگی کنیسه‌ها که در آنجاها اغلب از او استقبال نمی‌شد، باز می‌کرد (شاید به خاطر اینکه او خطاب به غیریهودیان صحبت می‌کرد و موجب شورش می‌شد؟) این ادعا به وسیله پنج باری که او سی و نه ضربه شلاق «از یهودیان» خورد، تأیید می‌شود، تنبیهی که در رابطه با نظام کنیسه است. پولس خود به این حقیقت که تلاشهای او با آوردن افراد به ایمان به مسیح پایان نمی‌پذیرفت شهادت می‌دهد. او قسمت اعظم نامه به غلاطیان را به مقابله کردن با سایر مسیحیانی که او به عنوان «برادران کذب» در نظر می‌گرفت اختصاص داده، زیرا آنها با تلاش برای موعظه انجیلی دیگر کار او را تضعیف می‌نمودند. نامه نگاری به قرن‌تین نیز نشان‌دهنده نگرانی او برای کلیساهاست.

(B) انگیزه پولس

چرا پولس خود را در این «مصائب» درگیر می‌نمود؟ تا زمانی در اواسط سالهای دهه سی از قرن اول میلادی پولس، با خود و با خدای خود در صلح و آرامش می‌زیست. شیوه یونانی نامه‌های او نشان می‌دهند که او به اندازه کافی در فرهنگ یونانی-رومی تعلیم دیده بود. بر حسب روایت یهودا او ادعا می‌کند که بیشتر از بسیاری از معاصرین خود پیش رفته بوده (غلا ۱:۱۴). او ظاهراً روابط خوبی با مسؤولین مذهبی در فلسطین داشته^۱ و مراسم مذهبی رابی عیب رعایت می‌کرده (فی ۳:۵-۶). چه چیز موجب تغییری بنیادی و اساسی شد که از طریق آن همه اینها به زباله تبدیل گردید؟ اعمال ۹:۳-۸ و غلاطیان ۱:۱۲ و ۱۶ تا حدودی

۱- در اعمال ۹:۱-۲ کاهن اعظم نامه‌هایی به پولس برای کنایس در دمشق می‌دهد. حتی بدون این، ما می‌توانیم دریابیم که تعقیب و آزار کلیسا (فی ۳:۶؛ غلا ۱:۱۳) به سختی می‌تواند نتیجه اقدامات تنها یک نفر بوده باشد.

توضیح می دهند: خدا را خوش آمد که «پسر خود» عیسی مسیح را بر پولس ظاهر نماید. «من همه چیز را به سبب فضیلت معرفت خداوند خود مسیح عیسی زیان می دانم» (فی ۳:۸). اما مکاشفه و شناخت خدمت بشارتی پرشوری که ما در بالا دیده ایم، یعنی «خلقت تازه»، را به اندازه کافی توجیه نمی کنند (با استفاده از زبان خود پولس: دوم قرن تیان ۵:۱۷). حدس و گمانهای محققانه در این مورد که آیا این مکاشفه بینشی فوری برای آنچه که مسیح برای غیریهودیان در نظر داشت، یعنی این که می توانستند بدون اجرای اعمال شریعت عادل شمرده شوند، این را توجیه نمی کنند، چیزی بسیار شاخص تر می بایستی در سطح شخصی اتفاق افتاده باشد.

پولس، که محبتی را که خدا به اجداد اسرائیلی او نشان داده بود می شناخت، در مکاشفه محبتی را کشف کرد که فوق از تصورات قبلی او بود. او احساس می کرد توسط مسیح عیسی «به دست آورده شده» (فی ۳:۱۲). پولس با حیرت اعلام می کند: «پسر خدا به من محبت نمود و جان خود را برای من داد» (غلا ۲:۲۰). آنچه او در رومیان ۸:۳۵-۳۷ اعتراف می کند می بایستی بارها در سفرهای توصیف شده در بالا بیان شده باشد: «چه کسی می تواند ما را از محبت مسیح جدا کند؟ آیا مصیبت یا دلتنگی یا جفا یا قحط یا عربانی یا خطر شمشیر؟ ... بلکه در همه این امور از حد زیاده نصرت یافتیم به وسیله او که ما را محبت نمود». این محبت عامل پرشوری در زندگی پولس شد هنگامی که او درک کرد که این محبت تا چه حد فراگیر است «زیرا محبت مسیح ما را فرو گرفته است، چونکه این را دریافتیم که یک نفر برای همه مرد» (۲- قرن ۵:۱۴).

و چگونه مردم می توانند محبت مسیح را بشناسند بجز اینکه در باره آن شنیده باشند؟ و «چگونه می توانند آن را بشنوند بدون یک واعظ؟ و چگونه می شود واعظین وجود داشته باشند مگر اینکه آنها فرستاده شوند؟» (روم ۱۰:۱۴-۱۵). بنابراین بشارت به غیریهودیان، که در غیر این صورت نمی توانند بشنوند، برای پولس تبدیل غیرقابل اجتناب به عمل از محبتی لبریز است که او تجربه نموده بود. با وجودی که پولس استدلالاتی ارائه می کند که غیریهودیان ملزم به رعایت قانون ختنه نیستند، اما استدلال عمده و اساسی او این است: آنها می بایستی از محبتی که توسط خدا در مسیح تجلی یافت آگاه شوند، و اجازه ندهند چیزی سد راه آنها شود. عقیده پولس نسبت به قانون شریعت به خاطر غیریهودیان قسمتی از همه چیز بودن او برای همگان است تا آنها نیز نجات یابند (۱- قرن ۹:۲۱-۲۲).

سختیهایی که او در سفرهای بشارتی خود با آنها روبه رو شد برای پولس به چیزی بیش از وسیله ای تبدیل شد که می بایستی تا به آخر تحمل می نمود. اگر محبت خدا در از خود-بخشیدن مسیح، متجلی شده بود چگونه می شد محبت مسیح را به دیگران، به جز به همین شیوه، نشان داد؟ «ما آماده بودیم که نه تنها انجیل را قسمت کنیم بلکه جانهای خود را نیز»

(۱-تسا ۲:۸). پولس با حمل مرگ عیسی در جسم خود، حیات عیسی را آشکار می ساخت (۲-قرن ۴:۱۰). «اگر ما مبتلا هستیم، این برای دلگرمی شماست» (۲-قرن ۱:۶). برای خاتمه دادن به جدایی‌ها در قرن‌تس، پولس توصیف تکان دهنده و خارق‌العاده‌ای از محبت ارائه می دهد. تجربه خود او از محبت موجب شد که او تأیید کند که از تمام هدایا یا بخشش‌ها که توسط خدا در مسیح داده شده «بزرگترین آنها محبت است».

(۱-قرن ۱۳:۱۳). در زبان اول قرن‌تس ۱۳ پولس برای موعظه کردن به مسیحی که محبت خدا را متجسم ساخت، می بایستی در محبت او صبور و متحمل همه چیز باشد. او در میان ناامیدی‌ها، از محبت مسیح آموخته بود تا برای همه چیز امیدوار باشد؛ او می بایستی مطمئن باشد که محبتی که در او شعله ور بود محبت مسیح است، که به دنبال نفع خود نیست و یا به صدمه نمی اندیشد. در پاسخ به محبت خدا و از طریق آن «مسیح برای ما مرد در حالی که ما هنوز گناهکاران بودیم» (روم ۵:۸). شایسته بود که پولس شادی کند هنگامی که مسیح اعلام می شد، حتی به وسیله کسانی که در پی آن بودند که بر زحمت پولس بیفزایند (فی ۱:۱۷-۱۸).

در فصولی که به دنبال می آیند ما بحث خواهیم کرد که، پولس هر نامه را کجا و چه زمانی نوشته، آیا بعضی از آنها از ادغام چندین نامه به وجود آمده اند، و اینکه آیا او به شمال غلاطیه رفت و یا فقط به جنوب غلاطیه. ما سعی خواهیم کرد تا روشن کنیم که منظور پولس از عادل شمردگی و عدالت خدا چیست، و آیا «ایمان مسیح» به معنی ایمان مسیحی به مسیح است یا ایمان خود مسیح؟ اما تعمق‌های ما بر مطالبی این چنین می بایستی ارزیابی شود با آگاهی در این زمینه که پولس عصبانی خواهد شد اگر کسی این نامه‌ها را در مقایسه با تجربه فراگیر محبت مسیح، هدفی که او تمام ساعات بیداری خود را برای آن وقف نموده بود، بی ارزش تلقی نماید. اما درباره اهمیت خود او، او با وجودی که حتی امروزه به عنوان غیورترین مبلغ عیسی در عهدجدید شناخته می شود، به طرفداران خود یادآوری می کند «من کمترین رسولان هستم و در واقع لایق نیستم که رسول خوانده شوم... لیکن به فیض خدا آنچه هستم هستم و فیض خدا بر من باطل نگشت» (۱-قرن ۹:۱۵-۱۰). به خاطر این فیض نمی شد او را شکست داد: «قدرت فراگیر از خدا می آید و نه از ما. در همه چیز زحمت کشیدیم ولی در شکنجه نیستیم، متحیر ولی مأیوس نی، تعاقب کرده شده لیکن نه متروک، افکنده شده ولی هلاک شده نی» (۲-قرن ۴:۷-۸).

(C) میراث زندگی پولس

جزیی عمده در قدرشناسی از پولس میراثی است که او باقی نهاده است، آنهایی که او به

آنهایی که پولس به مسیح آورد. همان طوری که در فصل ۱۵ توضیح داده شد، ادای شکرگزاری‌ها جزئی از طرح نامه‌های این دوره هستند، اما نامه‌های پولس خصوصیات خاص خود را دارند. مسلماً او در پیروی از قلب خود بود هنگامی که برای کسانی شکرگزاری می‌نمود که انتخاب شده بودند تا محبت خدا را در مسیح تجربه کنند، همان گونه که او تجربه کرده بود، و بدین سبب در فیض روحانی کمبود نداشتند (۱- قرن ۱: ۷). آنها امید او بودند، شادی او، تاج او و ستارگان در دنیای او (۱- تسلا ۲: ۱۹-۲۰؛ فی ۲: ۱۵). پولس با ایمان آنها احساس راحتی می‌نمود، در واقع او می‌توانست بگوید «ما الان زیست می‌کنیم اگر شما در خداوند استوار هستید» (۱- تسلا ۳: ۸). «زیرا خدا شاهد من است که چقدر مشتاق همه شما هستم، با دل‌بستگی مسیح عیسی» (فی ۱: ۸). پولس پدر آنها بود در مسیح عیسی (۱- قرن ۴: ۱۵؛ ۱- تسلا ۲: ۱۱)، او در درد زایمان بود همانند یک مادر، تا مسیح در آنها شکل گیرد (غلا ۴: ۱۹)، و همانقدر مهربان با آنها همانند دایه‌ای که اطفال خود را می‌پرورد (۱- تسلا ۲: ۷). آنها برادران و خواهران او بودند. در واقع می‌توانست فیلیپیان را شرکای خود در انجیل بخواند (۷: ۱) آنها با هم عقیده بودن درباره مسیح، و با قلبهایی متحد و در محبت شادی او را تکمیل می‌کردند (فی ۲: ۲ و ۵).

پولس بعضی وقتها عصبانی می‌شد: او به شدت غلاطیان را تنبیه نموده و آنها را احمقان نامید (۱: ۳)، او به قرن‌تیان اخطار کرد که بار دیگر که بیاید، دیگر مدارا نخواهد نمود (۲- قرن ۱۳: ۲). با وجود این تأکید داشت «با اشکهای بسیار به شما نامه نوشتم، نه تا شما محزون شوید بلکه تا بفهمید چه محبت بی‌نهایتی با شما دارم» (۲- قرن ۲: ۴). و او می‌توانست آنها را به مبارزه دعوت کند کاری که تعداد کمی از مسیحیان در طول تاریخ مسیحیت جرأت انجام آن را داشته‌اند «پس اقتدا به من نمائید چنانکه من نیز به مسیح اقتدا می‌کنم» (۱- قرن ۱: ۱۱، ۱۶: ۴)؛ و بسیاری از آنهایی که مخاطب او بودند مسیح را در پولس یافتند: «شما به ما و به خداوند اقتدا نمودید» (۱- تسلا ۱: ۶). اینکه این ادعا خودپسندی نبوده را می‌توان در برآشفتگی پولس دید هنگامی که بعضی‌ها در قرن‌تس پیروی از او را با پیروی از مسیح اشتباه گرفتند: «آیا پولس برای شما به صلیب کشیده شد؟» (۱- قرن ۱: ۱۳). با وجودی که پولس شکستهایی داشت، محبت کسانی که توسط او تبدیل ایمان یافته بودند و سپاسگزاری آنها از آنچه که او از مسیح به آنها آشکار می‌ساخت، سهمی عمده در رسول بودن او داشت.

نامه‌های پولس. هیچ یک از پیروان عیسی در دوران عهدجدید شهادتی کتبی به جای نگذاشته که با آنچه پولس کرده قابل قیاس باشد. درست است که نوشته‌های لوقا - اعمال (۳۷۸۰۰ کلمه) از سیزده نامه نسبت داده شده به پولس (۳۲۳۵۰ کلمه) طولانی‌تر هستند اما ما نویسنده لوقایی را به زحمت می‌شناسیم، در حالی که شخصیت پولس در نامه‌هایش

بارز است. او ادعا می‌کند که خطیب نیست «کلام من و وعظ من به سخنان مقنع حکمت نبود» (۱- قرن ۲: ۴؛ ۲- قرن ۱۱: ۶)، با وجود این به گونه‌ای کنایه آمیز گرایش در تحقیق به این سو است که تلاش نمایند تا سبک سخنوری یونانی را که پولس به کار می‌بست کشف کنند. برای خوانندگان معمولی به هر حال، چنین طبقه بندی به ارج نهادن پولس کمک می‌کند، زیرا چه او با انتقاد کردن از خود داوری شود (استاد نبودن در سخنوری) یا به توسط استادان ارسطویی (با استفاده از فنون سخنوری)، نحوه‌ای که او محبت خود را به مسیح انتقال می‌دهد اغلب فراموش شدنی نیست. در تمام کتابخانه مسیحیت مشکل بتوان با سخنوری و زبان آوری پراحساس او برابری نمود. به آنچه که تاکنون گفته شده می‌توانیم نمونه‌های بعدی را بیفزائیم». من نسبت به شریعت مردم تا نسبت به خدا زیست کنم. من با مسیح مصلوب شده‌ام، دیگر این من نیستم که زیست می‌کنم، بلکه مسیح که در من زیست می‌کند» (غلا ۲: ۱۹-۲۰). «زیرا که مرا زیستن مسیح است و مردن نفع» (فی ۱: ۲۱). «زیرا تصمیم نگرفتم که چیزی در میان شما دانسته باشم جز عیسی مسیح و او را مصلوب» (۱- قرن ۲: ۲). «لیکن حاشا از من که فخر کنم جز از صلیب خداوند ما عیسی مسیح که به وسیله او دنیا برای من مصلوب شد و من برای دنیا» (غلا ۶: ۱۴). «زیرا در مسیح عیسی نه ختنه فایده دارد و نه نامختونی، بلکه ایمانی که به محبت عمل می‌کند» (غلا ۵: ۶). «زیرا یقین می‌دانم که نه موت و نه حیات و نه فرشتگان و نه رؤسا و نه قدرتها و نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده و نه بلندی و نه پستی و نه هیچ مخلوق دیگر قدرت خواهد داشت که ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است جدا سازد» (روم ۸: ۳۸-۳۹). این فصاحت و زبان آوری عاملی کلیدی بوده است در ارج نهادن به پولس توسط خوانندگان در مکانها و زمانهایی که او هرگز نمی‌توانسته مجسم کند.

شاگردان پولس و نوشته‌های آنها. پولس مردی بود احساساتی و سرشار از شوق و شور و احتمالاً قادر به ایجاد رفاقتی عمیق، زیرا نامه‌های وی نشان از وفاداری فوق العاده از طرف شخصیت‌های بسیار نسبت به او دارد. تیموتائوس، تیطس و سیلوانوس سالهای متمادی نامه‌ها و پیام‌های پولس را حمل می‌کرده‌اند، و بعضی وقتها در موقعیت‌های بسیار سخت به عنوان سفیران او عمل می‌نموده‌اند، ظاهراً اخلاص آنها هرگز زیر سؤال قرار نداشته. اکیلا و پرسکله آماده بودند تا با پولس هم پیمان شده و از قرن‌تس به افسس حرکت کنند، و سپس پیشاپیش به روم بروند و در انتظار ورود او در آنجا بمانند، انیسیمس غلام به پولس ملحق گردید، حتی به قیمت رنجاندن ارباب خود (فیلمون)، و هم انیسیموس و هم شماسه فوبه (که پولس از او به عنوان «خواهر» یاد می‌کند، رومیان ۱۶: ۱-۲) توسط رسول به گرمی پذیرفته شده‌اند.

در ورای اینها و سایر شاگردان و همراهان پولس که نام برده شده‌اند، قدرشناسی از پولس از قلم‌های آنان که خود گمنام باقی مانده‌اند در حالی که درباره او و به اسم او نامه

می نوشته اند، جاری می شود. نویسنده اعمال (لوقا؟) اغلب مورد انتقاد قرار گرفته است زیرا الهیات پولس را کاملاً درک ننموده و موضوعاتی را برجسته جلوه داده که پولسی نبوده اند (نجات - تاریخ)، برای ساده نمودن روند شغلی پولس و به منظور پرهیز از بسیاری جروبحث‌ها در زندگی وی. ما نباید ستایش فوق‌العاده او نسبت به پولس که در وقف و تخصیص نیمی از کتاب خود که توصیفی طولانی از گسترش مسیحیت است به وی ابراز نموده، را نادیده بگیریم. چه پولس در نظر مسیحیان غیرپولسی مهم بوده باشد یا نه، کتاب اعمال همیشه پولس و پطرس را در «جرگه» مسیحیان، به عنوان دو مهم‌ترین شخصیت در میان پیروان عیسی در کنار هم قرار داده است. پولس در نوشته‌های خود از مکاشفه خدا از پسر الهی خود صحبت می‌کند: «تا اینکه من به او در میان امتهای موعظه کنم» (غلا ۱:۱۶). اما آیا مسیحیت بعدی می‌توانسته پیامدها و عواقب آن نقشه را به طور کامل درک کند بدون نمایش اعمال که داستان پولس را در اورشلیم، پایتخت یهودیان، شروع نمود و او را به روم، پایتخت امتهای هدایت کرد، جایی که او به طور قاطع درباره مسیر آینده مسیحیت به سوی امتهای صحبت نمود؟ باز هم اعمال به شیوه‌ای فراموش‌نشده سفرها، زندانی شدن‌ها، و مصائب پولس را توصیف می‌کند. پولس می‌گوید «یهود را چون یهود گشتم تا یهود را سود برم ... و برای بی‌شریعتان چون بی‌شریعتان شدم ... تا بی‌شریعتان را سود برم» (۱-قرن ۹:۲۰-۲۱). اعمال به طور مشروح این انطباق‌پذیری را در قالب موعظه‌های گوناگون منسوب به پولس بیان می‌کند: وقتی که او کنیسه‌ای را مورد خطاب قرار می‌دهد (اع ۱۳:۱۵-۴۱) قسمت اعظم سخنانش از عهدعتیق برداشت شده، هنگامی که او در میان مردم آتن و آریویا می‌ایستد (۱۷:۲۲-۳۱) او نه تنها از یونانی ادبی تر استفاده می‌کند بلکه از فیلسوفان نیز نقل قول می‌نماید. آخرین سخنرانی پولس، خطاب به مشایخ افسس (اع ۱۷:۲۰-۳۸) به طرز زیبایی روند شغلی او را جمع‌بندی می‌کند و محبت لطیف تبدیل‌ایمان‌یافتگان را برای او ثبت می‌نماید. نوشته‌های خود پولس هم می‌تواند شرح زندگی خود او باشد، اما این بیوگرافی در اعمال کمک فراوانی به ایجاد تصویری از او می‌کند.

احترام بیشتر به پولس از جانب شاگردانی می‌آمد که نوشته‌های دوتروپولسی را در نام او می‌نوشتند.^۲ ظاهراً نیم‌دوجین از نویسندگان رسول را، حتی پس از مرگش، با اقتداری مستمر برای صحبت کردن به کلیساها، در ثلث آخر قرن اول، یافتند. به طور مثال، دوم تسالونیکیان پولس را در رویارویی با شرارت بزرگ در آخر زمانها نشان می‌دهد که به

۲- می‌توان نفوذ پولس را بسط داد. اشاره به «برادر ما تیموتائوس» در عبرانیان ۲۳:۱۳ این نامه را به اردوگاه پولسی آورد و در بسیاری از کلیساها به پولس نسبت داده شده. در بسیاری موارد الهیاتی اول پطرس به افکار پولسی نزدیک است، و همان‌طوری که خواهیم دید بعضی از متقدین (به نظر من اشتباهات) این نوشته را در مکتب پولسی بجای مکتب پطرس قرار می‌دهند. دوم پطرس ۳:۱۵-۱۶ بر تأثیر نوشته‌های «برادر حبیب ما پولس» شهادت می‌دهد. یعقوب ۲:۲۴ اخطار برای جریان یک فرم سوء تعبیر شده از پولس است. بعضی‌ها فرم نامه‌ای مکاشفه ۲-۳ را به نقش و نگار پولسی نسبت می‌دهند.

نوایمانان مسیحی خود اطمینان می بخشند. زندگی پولس در میان آنها می تواند نمونه ای باشد که آنها باید از آن تقلید نمایند. «پس ای برادران استوار باشید و آن روایات را که خواه از کلام و خواه از رساله ما آموخته اید نگاه دارید» (۱۵:۲).

سهم نویسنده کولسیان حتی از این هم تأثیرگذارتر است. این استاد سبک زیبای نیایشی، موضوعات مسیح شناسی، کلیسا شناسی و آخرت شناسی پولسی را با عمقی جدید به تکامل می رساند. محققین بحثی دارند درباره لحن اصیل پولسی بعضی از تأییدات عالی در کولسیان. شاید سؤال پرمعناتر این باشد که آیا پولس خوشحال نمی شد اگر آنها را در میراث خود جای می داد. پولس در زمان حیات خود بیشتر درباره کلیساهای محلی فکر می کرد؛ اما، همراه با کولسیان، آیا او نیازی به بکارگیری ایده های خود در رؤیایی گسترده از کلیسا که اینک در حال توسعه بود، نمی دید؟ بهر صورت نفوذ ادامه دار پولس از طریق توسل به زحمتهای خود، در کولسیان ۱:۲۴ به زیبایی به تصویر کشیده شده - توسلی که مؤثرتر می بود اگر پولس مرده بود («غائب از نظر جسم اما در روح با شما» [۵:۲]). استفاده پولس از «راز» و «جسم» در کولسیان موجب الهام تکاملی پربارتر از این طرح ها شده است، و پولس که درباره مسائل خانوادگی شوهران، زنان، و غلامان صحبت می کند سیستماتیک شده و ضوابط خانوادگی را دوباره شکل می دهد (کول ۳:۱۸-۴:۱). سرود کولسیان ۱:۱۵-۲۰ همتای مناسبی است برای سرودی که توسط خود پولس در فیلیپیان ۲:۵-۱۱ ارائه شده.

احتمالاً افسسیان، با وجودی که به کولسیان نزدیک است، توسط با استعدادترین شاگرد پولسی نوشته شده است. ما در مورد سخنوری پراحساس پولس درباره مسیح اشاره کرده ایم. که قابل مقایسه با آن سخنانی است که در افسسیان ۳:۸ به پولس نسبت داده شده: «به من که کمتر از کمترین همه مقدسینم، این فیض عطا شد که در میان امتهای به دولت بی قیاس مسیح بشارت دهم»، و در ۳:۱۷-۱۹ «تا مسیح به وساطت ایمان در دلهای شما ساکن شود و در محبت ریشه کرده و بنیاد نهاده ... عارف شوید به محبت مسیح که فوق از معرفت است تا پر شوید تا تمامی پری خدا». اگر پولس اقرار کرد که در نام داده شده به عیسی متعال هر زانویی در آسمان، بر زمین و در زیرزمین خم خواهد شد (فی ۲:۹-۱۰)، توصیف در افسسیان ۱:۲۰-۲۱ از آنچه که خدا «در مسیح عمل کرد چون او را از مردگان برخیزانید و به دست راست خود در جایهای آسمانی نشانید، بالاتر از هر ... نامی که خوانده می شود نه در این دوران فقط بلکه در دوران آینده نیز» نیز همانقدر باشکوه است. پولس در حالی که بر موضوع «یکی» تأکید دارد (جسم، نان، روح، ذهن، ۱- قرن ۱۰:۱۷؛ فی ۱:۲۷؛ روم ۵:۱۲) هیچگاه به عظمت توصیفی که خود در افسسیان ۴:۴-۶ برانگیخت واقف نگشت. یک جسم، یک روح قدوس، یک امید، یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید، یک خدا و پدر همگان. تقلید از استاد نوعی ارج نهادن است.

نامه‌های شبانی (تیطس، اول و دوم تیموتائوس) بعضی وقتها به عنوان بی‌ارزش در مجموعه پولسی: به دلیل دل‌مشغولی خشک و بی‌روح آنها با ساختار کلیسا، انتقادهای شدید بر علیه مخاطرات بدعتگذاران و بی‌ارزش نمودن زنان رد شده است. مسلماً نویسنده (یا نویسندگان) ظرافت بعضی از نوشته‌های دوتروپولسی را که بحث شد نداشته‌اند. اما نگرانی و دلواپسی که موجب شد این نامه‌ها «شبانی» نامیده شوند وفاداری به پولس است. علاوه بر این یک نگرانی کلی برای بعضی عبارات پسندیده سزاوار نیست، مثلاً زبان سرود در تیطس ۳:۴-۷، اول تیموتائوس ۳:۱۶، ۶:۱۵-۱۶ و گفتار (باوفاداری) «مطمئن» و تکان دهنده اول تیموتائوس ۱:۱۵ «مسیح عیسی به دنیا آمد تا گناهکاران را نجات بخشد که من بزرگترین آنها هستم» در دوم تیموتائوس واقعاً بازتاب روح پولسی را مشاهده می‌کنیم (آخرین اثر نوشته شده در مجموعه؟). چه کسی می‌توانست به یک نوشته غم‌انگیز روی سنگ قبر: «به جنگ نیکو جنگ کرده‌ام و مسابقه را به پایان رسانیده‌ام. ایمان را محفوظ داشته‌ام. بعد از این تاج عدالت برای من آماده شده که خداوند داور عادل در آن روز به من خواهد داد»، امید دارد؟ و میراث ادامه می‌یابد، زیرا پولس نسلی جدید را آماده کرده است که به اندازه خود او تأثیرگذار خواهند بود: که «آن عطای خدا را که در درون تو است بر افروز... خدا روح جبین را به ما نداده است بلکه روح قوت و محبت را» (۱:۶-۷).

در ورای این تحسین، نویسنده دوم تیموتائوس متوجه می‌شود که میراث واعظ، رسول و معلم بزرگ (۱:۱۱) منحصر به یک یا دو نسل از شاگردان نیست. در ۲:۸-۹ پولس می‌گوید که او در زنجیرها به خاطر انجیل متحمل زحمت است، و سپس جسورانه فریاد برمی‌آورد «اما کلام خدا در زنجیر نیست». فیض نهایی پولس این است که انجیلی را موعظه کرده است که قدرت فوق‌العاده‌ای دارد و بدین سبب نمی‌تواند به زنجیر کشید شده یا ساکت شود. خوانندگانی که «رسولی را که موعظه او انجیل را از بند آزاد کرد» به یاد می‌آورند، اجازه نخواهند داد پیام پولس در زیر جزئیات دفن شود، چنان‌که ما اینک سیزده نوشته عهدجدید را که نام پولس را بر خود حمل می‌کنند بررسی می‌نمائیم.

* * *

فصل هجدهم

نامه اول به تسالونیکیان

این سند به عنوان قدیمی ترین نوشته حفظ شده مسیحی، اهمیت خاصی دارد، حتی بیرون از مجموعه پولسی. در درون مجموعه، اول تسالونیکیان در زمانهایی مورد غفلت قرار گرفته زیرا به موضوع بزرگ پولسی درباره عادل شمرده شدن به وسیله ایمان، بدون انجام اعمال شریعت، نمی پردازد. با وجود این همین نگرش موضوعاتی در الهیات پولسی را برمی انگیزد که در فصل ۱۶ در مورد آنها هشدار داده شده است. آیا ارزیابی ما از اهمیت یک نامه پولسی می تواند به رابطه ای که نامه با وضعیت زندگی که در آن، یا برای آن، تنظیم شده است دارد، وابسته باشد؟ آیا بیان تفکر پولسی توسط نیازهای جامعه ای خاص شکل نگرفته است (در این مورد شاید تحت تأثیر جروبوت در باره اعمال شریعت نبوده است)؟ یا اگر رشدی در تفکر پولسی وجود داشته، ممکن است که ما در اینجا از یک پولس جوان تر می شنویم - بسیار نزدیک به تجربه هایش در کلیسای انطاکیه، اما قبل از گله مندی از بحران غلاطیان که موضوع عادل شمردگی را پیشاپیش به افکار او آورد (فصل دهم در بالا)؟ سؤالاتی که هم اکنون مطرح شد به طور ضمنی نشان می دهد که بررسی مقدماتی زمینه پولس در رفتار با مخاطبین برای درک نامه به تسالونیکیان (و یا در واقع هر نامه پولسی) مهم است. سپس تحلیل کلی و به دنبال آن زیربخشها خواهند آمد که شامل موضوعاتی برای تعمق، و کتاب شناسی خواهند بود.

زمینه

پولس در سال حدود ۵۰ میلادی به اتفاق سیلاس و تیموتائوس از استان آسیا (آسیای صغیر یا ترکیه امروزی) به مکادونیه (اروپا، شمال یونان امروزی)، رفته بود. در مدت زمانی نسبتاً کوتاه او از طریق مکادونیه به اخائییه (جنوب یونان) می رفت و در فیلیپی، تسالونیکیه، بروا، آتن، و قرنتس توقف می نمود، شاید سفرهای بشارتی از اورشلیم قبلاً نام عیسی را به اروپا آورده بود،^۱ اما این گامی مهم در اعلام بشارت پولس بود، و دلمشغولی وی در سالهای بعد اغلب متوجه کلیساهایی می شد که در یونان مسیحی شده تأسیس کرده بود.

۱- به زمینه در فصل بیستم در ذیل برای شرح فعالیت های پولس در فیلیپی مراجعه کنید، که حاوی لباس کندن، کتک زدن و زندانی کردن او نیز می باشد.

خلاصه اطلاعات اساسی

تاریخ: قدیمی ترین سند حفظ شده مسیحی: ۵۰ یا ۵۱ در تاریخ نگاری سنتی، در طی سفر (دوم بشارتی) پولس، که بعد از جلسه در اورشلیم صورت گرفت (یا ۴۱-۴۳ در تاریخ نگاری تجدید نظر شده* قبل از جلسه اورشلیم).

از: قرن سوم در طی فقط چند ماه بعد از موعظه پولس در تسالونیکیه.

به: مسیحیان در تسالونیکیه، احتمالاً با منشأ مختلط یهودیان و غیریهودیان.

اصالت: به طور جدی امروزه مورد تردید نیست.

اتحاد: به پیشنهاد معدودی از محققین صاحب نام، نامه اول به تسالونیکیان از ادغام دو نامه تشکیل گردیده، اما اتحاد آن قویاً تأکید شده است.

یکپارچگی: نویسندگی پولس از ۱۳:۲-۱۶ توسط اکثریت تأیید شده. بعضی ها به ۱:۵-۱۱ به عنوان اضافات نامه می نگرند.

تقسیم بندی رسمی:

A. دستورالعمل افتتاحیه ۱:۱

B. شکرگزاری ۱:۲-۵ یا ۱:۲-۱۰ و یا شکرگزاری طولانی تر ۱:۲-۳:۳ به دو قسمت:

اول (۱:۲-۲:۱) و دوم (۱۳:۲-۱۳:۳) تقسیم شده است.

C. متن نامه: ۱:۲-۱۳:۳ (یا ۱:۱-۶:۳): اعلام پولسی (رابطه با تسالونیکیان)

۱:۴-۲:۲: نوشته های امری (دستورات، درخواستها)

D. دستورالعمل اختتامیه: ۲:۳-۲:۸

تقسیم بندی برحسب محتوا:

۱:۱-۱:۱۰: خطاب/ سلام و درود، و شکرگزاری

۱:۲-۱:۱۲: رفتار پولس در تسالونیکیه

۱۳:۲-۱:۱۶: شکرگزاری بیشتر درباره پذیرش انجیل

۱۷:۲-۱۳:۳: مأموریت تیموتائوس و رابطه فعلی پولس با کلیسای تسالونیکیه

۱:۴-۱:۱۲: تذکرات و درخواستهای اخلاقی

۱۳:۴-۱:۱۱: دستورات درباره بازگشت ثانویه مسیح

۱۲:۵-۲:۲۲: دستورات درباره زندگی کلیسایی

۲:۳-۲:۲۸: تبرک اختتامی، درود (با یک بوسه)

* برای دو ترتیب زمانی (تاریخگذاری) به جدول ۶ در فصل ۱۶ مراجعه شود.

اولین موعظه او در فیلیپی بود جایی که او «زحمت کشیده و بی احترامی دیده بود» (۱-۲:۲). سپس با به سوی غرب پیش رفته و در ۱۰۰ مایلی آنجا در امتداد جاده بزرگ روم در شمال یونان، پولس و همراهانش به تسالونیکیه وارد می شوند، و در آنجا او انجیل را

می‌کند «نه تنها به سخنان، بلکه با قوت و روح القدس و با اعتقاد کامل» (۱-تسا ۵:۱). چه مدت زمان او در آنجا ماند مشخص نیست. در تصویری شدیداً سنتی، اعمال ۲:۱۷ به سه سبت متوالی در کنیسه اشاره می‌کند،^۲ و سپس به بشارتی که بر اطراف خانه یاسون (۱۷:۵-۹) متمرکز است و به دنبال آن ترک عجولانه آنجا. در کنار موعظه، پولس (۱-تسا ۹:۲) به یاد می‌آورد که او کار کرده، و شبانه روز مشقت کشیده، تا اینکه مبادا باری بر دوش کسی باشد، و در فیلیپیان ۴:۱۶ او به یاد می‌آورد که اهالی فیلیپی چندین بار برای او پول به تسالونیکیه فرستادند - توصیفی که نشان دهنده توقف طولانی تر از چند روز است.

تسالونیکیه شهری بود با جامعه یهودی اما فرقه‌های متعدد که نشان دهنده اختلاط سکنه می‌باشد. اسناد باستان‌شناسی و تاریخی نشانگر مکان‌هایی برای پرستش خدایان رومی و امپراتور و همچنین تعدادی از خدایان مشرق زمین، همانند کابیروس (کابیروی)، ایسیس، سراپیس و اوسیریس است. نامه‌ای که پولس برای نوایمانان خود به تسالونیکیه می‌فرستد که «از پرستش خدایان دروغین دست کشیدید» (۱-تسا ۹:۱) تداعی می‌کند که آنها غیریهودی (۱:۴) و عمدتاً از طبقه کارگر بوده‌اند. پس اعمال ۴:۱۷ شاید در گزارش اینکه پولس در تسالونیکیه، با وجودی که ابتدا در کنیسه موعظه کرد و بعضی را که در آنجا سخنان او را شنیدند به ایمان جدید آورد، بسیاری از ترسندگان خدا و امتها را جذب نمود، چندان به بیراهه نرفته باشد.^۳ همین‌طور شغل خیمه دوزی پولس او را به تماس با غیریهودیان می‌آورد که زندگی خود را از همین طریق تأمین می‌نمودند (اعمال احتمالاً فقط به افراد شاخص‌تر اشاره می‌کند). در اول تسا ۲:۲ پولس از «مخالفت زیاد» در تسالونیکیه صحبت می‌کند. این شاید به اعمال ۵:۱۷-۱۰ مربوط باشد جایی که موفقیت پولس در رابطه با غیریهودیان موجب خشم گروهی از یهودیان می‌شود که به نوبه خود جماعت در بازار را برعلیه او می‌شورانند و او را مجبور می‌کنند تا با سیلاس از شهر فرار کند. چنین ترک عجولانه و اجباری شهر و رها نمودن کارهای نیمه‌کاره می‌تواند توضیحی باشد برای اینکه چرا پولس بعد از اینکه مدت کوتاهی از اهالی تسالونیکیه دور شده بود برای آنها نامه می‌نویسد (۱-تسا ۱۷:۲) و اشتیاق شدید خود را به دیدار دوباره آنها ابراز می‌دارد او تیموتائوس را از آتن به تسالونیکیه پس می‌فرستد تا مانع شود که مسیحیان آنجا در اثر سختیها (۳:۲-۵) و توسط رنجهایی که از «هم میهنان» خود تحمل می‌نمودند (۲:۱۴-۱۵) آشفته و بی‌ثبات شوند. این سختیها و درد و رنجها چه بودند؟ بعید است که ضدیتی که پولس از طرف هم غیریهودیان

۲- اعمال ۲:۱۷ بیان نمی‌کند که مدت اقامت پولس در تسالونیکیه سه هفته بوده، گرچه بعضی‌ها اختلاف مابین نامه‌های پولسی و اعمال را با اینگونه قرائت کردن تشدید می‌کنند.

۳- بسیاری اطلاعات موجود در اعمال را، که بعضی از نوایمانان یهودی بوده‌اند، رد می‌کنند. از اول تسالونیکیان می‌توان دریافت که تمام مسیحیان می‌بایستی غیریهودی بوده باشند. انسان میان تمایل اعمال به برقراری طرحی از خدمت بشارتی پولس در کنیسه‌ها، و استفاده بیش از حد و بدبینانه از سکوتی که به خاطر قصور پولس در اشاره به یهودیان برقرار شده، می‌ماند.

و هم یهودیان روبه رو بود، پس از اینکه او آنجا را ترک کرد و نوایمانان خود را متأثر نمود، ادامه یافته باشد.^۴ احتمالاً «هم میهنان» که او به آنها اشاره می‌کند غیریهودیان بودند. باز هم پولس درد و رنج مسیحیان تسالونیکیه را با آنچه که کلیسای خدا در یهودیه از یهودیان که عیسی خداوند و انبیا را کشتند دید، مقایسه می‌کند. در انجیل مسوولین یهودی که موجب مرگ عیسی از طریق همکاری با والی رومی شدند، به تصویر کشیده شده‌اند، حتی اعمال ۱۷:۵-۶ و ۱۳ یهودیانی را در تسالونیکیه دارد که در خیابانها شورش به راه می‌اندازند و قضات دادگاه (احتمالاً غیریهودی) را برعلیه پولس تحریک می‌کنند. با این زمینه رابطه مابین پولس و مسیحیان تسالونیکیه، او در نامه ای که کمی بعد و پس از ایراد موعظه در میان آنها نوشته چه می‌گوید؟

تحلیل کلی پیام

از آنجا که افکار پولس در نامه پس و پیش می‌شود، من به یک تحلیل کاملاً مبتنی بر ترتیب زمانی اصرار نخواهم نمود.^۵ بلکه پیشنهاد می‌کنم که خوانندگان سریعاً اول تسالونیکیان را مرور کنند تا تأثیری سطحی از محتوای آن به دست آورند، و سپس شاید این تحلیل را که نکات مهم را برجسته می‌سازد، سودمند بیابند.

پولس آشکارا به تسالونیکیان اهمیت می‌داد. او چهارده بار آنها را به عنوان «برادران و خواهران» خود خطاب نموده است. که به نسبت طول نامه این تعداد زیاد است. یک شیوه ترجمه ۸:۲ این است «از زمانی که از شما جدا شده‌ایم، آماده هستیم که با شما نه تنها انجیل خدا بلکه جانهای خود را نیز تقسیم کنیم». بعضی وقتها پولس با مهربانی به مخاطبین خود تملق می‌گوید، وقتی که تیموتائوس به سوی او بازگشت (در قرنتس)، با خبرهای خوش که مسیحیان تسالونیکیه در اثر سختیها و مصائب متزلزل نشده‌اند (۳:۳) و در خداوند استوار هستند (۳:۶-۸)، او واقعاً احساس راحتی نمود. «زیرا چگونه می‌توانیم خدا را به اندازه کافی برای شما شکر کنیم، برای تمامی خوشی که به حضور خدا درباره شما داریم» (۳:۹). در واقع آنها به نظر می‌رسند که چالش را پذیرفته و یا موعظه نمودن به کلام خداوند در جاهای دیگری در مکادونیه و یونان (اخائیه ۱:۷-۸، ۴:۱۰) ایمان به مسیح را گسترش داده‌اند. به این ترتیب پولس که نمی‌تواند بزودی نزد آنها بیاید و شاید اینک کمتر احساس نیاز برای

۴- برحسب اعمال ۱۷:۵-۹ یاسون را که به پولس جا و پناه داد به زور نزد مسوولین شهر کشاندند و او را مجبور ساختند که برای امنیت وی پول پرداخت کند. ظاهراً او یک یهودی ثروتمند بوده. این نام یک کاهن اعظم یهودی در دوم مکابیان ۷:۴ نیز هست. اگر او همان شخصیتی است که در رومیان ۲۱:۱۶ به او اشاره شده او نهایتاً به قرنتس می‌رود (که از آنجا نامه به رومیان نوشته شد)، شاید به دلیل مزاحمت ادامه دار بعد از رفتن پولس.

۵- در جدول خلاصه، دو نوع تقسیم بندی ارائه می‌شود. اولی تقسیم بندی رسمی است برحسب فرم استاندارد نامه‌ای توضیح داده شده در فصل پانزدهم، اما تحت زیربخش موضوعات نشان داده شده که اعمال این فرم برای اول تسالونیکیان مشکل است: تقسیم بندی دوم برحسب محتوا می‌باشد، و این نشان دهنده پیچیدگی در جریان تفکرات پولسی است.

این کار می کند، قادر است که این نامه ملایم را بنویسد که در آن تلاش جهت ترقی بیشتر تشویق شده است (۴:۱۰).^۶ در واقع در طی قسمت اعظم آن با استفاده از سبک خطیبانه، پولس قادر به درخواست به آن چیزی است که تسالونیکیان هم اکنون می دانند درخواست می کند. استثنای بزرگ در ۴:۱۳-۵:۱۱ است، جایی که تعلیمی جدید به آنان می دهد. احتمالاً یادآوریها یا تعلیم جدید او پاسخی است به موضوعاتی که توسط تیموتائوس گزارش شده و سؤالاتی که توسط تسالونیکیان مطرح گردیده است. دقیقاً مشخص نیست که پولس تا چه حد توسط مخاطرات خاص و یا روند حاضر امور در تسالونیکیه و نیز توسط شکل گیری مذهبی، سیاسی و فرهنگی آنانی که در آن شهر به عیسی ایمان آورده بودند تحریک گردیده است؟^۷ این موضوع را با جزئیات بیشتری به صورت دو سؤال می توانیم بررسی کنیم.

اولاً، چرا پولس در قسمت اعظم نامه تسالونیکیان را به یاد موضوعاتی می اندازد که آنها تا حالا هم می دانسته اند؟ در ساده ترین سطح، هر جامعه ای که عمدتاً از نوایمانان غیریهودی تشکیل شده پس از دیدار بشارتی نسبتاً کوتاهی توسط پولس، در قبول ایمان به یک خدای اسرائیل که هم چنین پدر عیسی مسیح بود دگرگون می شود؛ و بنابراین تقویت نمودن آنها از طریق یادآوری آنچه که موعظه شده بود در واقع کاملاً مناسب می نمود. به طور خاص دانفرید در اثر خود به نام «فرقه ها» (۴۲-۳۳۸) می نویسد که رسومات دیوانه وار امتهای (دیونیسوس، کابیری) در تسالونیکیه زمینه ای بود برای اختراهای پولس در ۴:۳-۸: «از ناپاکی دروی کنید»، «نه در هوس شهوت مثل امتهایی که خدا را نمی شناسند»، «خدا ما را به ناپاکی نخوانده است بلکه در قدوسیت». این پیشنهادی جالب است، با وجود این دیگران استدلال می کنند که بسیاری از شواهد باستان شناسی مربوط به ادیان امتهای از زمانهای قدیمی تری ناشی می شوند، و بدین سبب قابلیت به کارگیری آنها در مورد تسالونیکیان که پولس می شناخت مورد بحث است.

باز هم دانفرید در «فرقه ها» به امکانات شرایط نسبی در اول تسالونیکیان ۱:۶، ۲:۲ و ۱۴، ۳:۳ جایی که پولس درباره سختیها و مخالفتها می نویسد اشاره می کند. آیا استثنایی بودن این گروه مسیحی که نوایمانان آن مذهب عامه را رها نموده بودند قسمتی از مشکلات بود؟ به طور خاص، آیا اعلام بشارت پولس به انجیل خدای واحد اسرائیل و خداوند عیسی مسیح موجب سختیها و تعقیب و آزار در شهری شد که فرقه مربوط به شهروندان رومی در آنجا بسیار قوی بود؟ (اع ۱۷:۷ اتهامات را روشن می کند: موعظه پولس به عیسی به عنوان یک پادشاه با بیانیه های سزار در تضاد است). آیا پولس می باید به یاد تسالونیکیان می آورد که خود او هنگامی که در تسالونیکیه موعظه می نمود (۲:۲) و دچار مصائبی شد او را متهم

۶- پند و اندرزها در ۵:۱۲-۱۵، ۱۹-۲۲ به نظر می رسد واقعا اصلاح کننده نظریات در تسالونیکیه باشند؛ اندرزها در ۴:۳-۵، ۱۱-۱۲، درباره عفت، ازدواج و کار می توانند دستوراتی کلی برای تمام زمانها باشند.
۷- می توان به گونه ای هوشمندانه استدلال نمود که برخی از ویژگیها در هر نامه درخواست وجود دارد. به طور مثال خود را یک پدر خواندن (۲:۱۱) القاء اخلاقیات است (به عنوان آنچه که والدین به فرزندان می کنند). چالشی برای تقلید (۱:۶) نیز در تربیت اخلاقی منظور بود.

نمودند که ترسیده، از شهر فرار کرده و دیگران را رها نموده تا با عواقب موعظه‌های او روبه‌رو شوند؟ (اع ۱۷:۹-۱۰). آیا زمانی کوتاه پس از اینکه پولس تسالونیکیه را ترک نمود ایمانداران به مرگ محکوم شدند، جایی که موضوع سرنوشت مردگان در مسیح (۱-تسا ۴:۱۶) مطرح می‌شود؟ یا این نظریه که می‌گوید سختیها و مصائبی که پولس از آنها صحبت می‌کند تعقیب و آزارهای خارجی نبودند بلکه نگرانیها و انزواهای درونی، صحیح است؟ این مسلماً می‌تواند قسمتی از تصویر بوده باشد، با وجود این پولس در نگرستن به عقب بر فعالیت‌های خود، چندین سال بعد (۲-قرن ۱۱:۲۳-۲۷)، از تنبیهات جسمانی، سوء قصد به جان او، و خطرات خارجی هم از طرف یهودیان و هم غیریهودیان صحبت می‌کند، و در رومیان ۸:۳۵-۳۶ در اشاره به «شمشیر» او موضوع کشته شدن مسیحیان را عنوان می‌کند. اذیت و آزار فیزیکی و جفا در سالهای اولیه بشارت پولس نیز صورت گرفته بود. پولس به خوانندگان خود در اول تسا ۲:۱-۱۳ در مورد رفتار خود در تسالونیکیه به عنوان یک واعظ، یادآوری می‌کند. آنها دیده بودند که او با انگیزه‌های ناپاک و یا فریبکاری، و یا با چاپلوسی، یا طمع، و یا در انتظار ستایش به مسیح بشارت نمی‌دهد بلکه ملائیم همانند دایه‌ای دلسوز (۲:۷) و به عنوان یک پدر پرمحبت (۲:۱۱) موعظه می‌کند، نه به کلام بشری بلکه به کلام خدا. آیا این یادآوری با اتهاماتی که توسط کسانی که به کلیسا در آنجا جفا می‌رسانند بر علیه او عنوان شده، تحریک گردیده؟ آیا او با تصویر کلیشه‌ای از یک فیلسوف کلیبی دوره گرد بدبین و طماع مقایسه می‌شد؟ این اتهام به طور خاص برای پولس، که استدلال می‌نمود که یک رسول مسیح است که به انجیل یا به کلام خدا (۲:۲ و ۸ و ۱۳) موعظه می‌کند تحقیر کننده می‌بود. در واقع او سخنان عیسی را بازتاب می‌نمود: «شما از خدا آموخته شده‌اید که یکدیگر را محبت نمائید» (۴:۹ همچنین «کلام خداوند» در ۴:۱۵).

ثانیاً، چرا در ۴:۱۳-۵:۱۱، پولس به جای یادآوری به تسالونیکیان آنچه را که هم اکنون می‌دانند، اشاره می‌کند که آنها به دقت بیشتری نیاز دارند؟ پولس درک قوی آخرتی از آنچه که خدا در مسیح انجام داده بود داشت: مرگ و رستاخیز مسیح نشانگر تغییر زمانهاست، به طوری که همه اینک در آخر زمان زندگی می‌کردند. این پیام امیدی بود برای همه ایمانداران^۸، و پولس به تسالونیکیان درباره به کمال رسیدن نهایی آن امید، یعنی دومین آمدن^۹ مسیح از آسمان که توسط همگان دیده می‌شود (۱:۱۰، ۴:۱۶-۱۷) تعلیم داده بود. این انتظار هنگامی که آنان دچار مصائب و سختیها شدند، به آنها قدرت بخشید. با وجود این، پولس احتمالاً بدین دلیل که فکر می‌کرد این واقعه بزودی اتفاق خواهد افتاد، موضوع

۸- تسالونیکیان ۲:۱۲ حاوی یکی از معدود اشارات پولسی به ملکوت خداست، و خوش بینانه می‌باشد: «خدا که تو را به ملکوت و جلال خود دعوت می‌کند».

۹- واژه «آمدن ثانویه» چهار بار در اول تسالونیکیان و سه بار در دوم تسالونیکیان یافت می‌شود که نیمی از تمام استفاده پولس از این واژه است. هیچ شاهدهی وجود ندارد که این واژه از مکاشفه یهودی قبل از مسیحیت مشتق شده باشد. در زبان دنیوی یونانی برای آمدن یک پادشاه یا امپراتور به قصر به کار برده می‌شد. پولس آمدن با ابهت عیسی

ایماندارانی که قبل از آمدن او می مردند را مطرح نکرد. او ممکن است انتظار نداشته که این قدر سریع بعضی ها را به خاطر مسیح به قتل برسانند. اینک شاید به خاطر اینکه تسالونیکیان خواستار دستوراتی بودند، پولس می خواهد دقیق باشد، با ارزیابی تأثیر آنچه که او درباره ارزش نجات بخش مرگ و رستخیز عیسی تعلیم داده بود. مسیحیان می توانند برای مردگان خود سوگواری باشند اما نه «مانند کسانی که دیگر امید ندارند» (۱۳:۴). هنگامی که آمدن ثانویه مسیح شروع شود «آنهایی که در مسیح خوابیده اند» برخوانند خاست و همراه با زندگان به آسمان برده خواهند شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم (۱۴:۴-۱۷). هیچ زمان و تاریخی نمی توان برای اینها معین کرد، در واقع بسیار ناگهانی خواهد آمد، به طوری که آنها باید مراقب باشند که بیدار و هوشیار بمانند (۱:۵-۱۱). با وجود این در مجموع، تفکر آمدن ثانویه خداوند ما عیسی مسیح دلگرم کننده است: «خواه بیدار باشیم خواه در خواب (در مرگ) ما در اتحاد با او زیست خواهیم نمود» (۵:۱۰). دقت کنید که پولس در اول تسالونیکیان به جزئیات آمدن ثانویه مسیح علاقمند نیست، نگرانی شبانی او آرام کردن اختلافات در جامعه ای است که او مسیحی نموده است.

موضوعات و مسائلی برای تعمق

(۱) در این مقدمه ما قادر نخواهیم بود وقت زیادی برای جزئیات دقیق ساختار نامه های پولسی صرف کنیم (در ورای نظر اجمالی در فصل ۱۵ در بالا)، اما طرح غیرعادی اول تسالونیکیان قابل توجه است. پولس در دستورالعمل افتتاحیه به فرستادگان سیلوانوس و تیموتائوس^{۱۰} اشاره می کند اما خود (یا آنها) را به عنوان رسول یا خادم مسیح معرفی نمی کند، کاری که به کرات در نامه های آتیه خواهد کرد (به ۲:۶ مراجعه کنید). شکرگزاری در ۲:۱ شروع می شود. آیا بیان تشکر در اول تسالونیکیان ۱۳:۲ به مجموعه نامه تعلق دارد، و شامل شکرگزاری دومی بعد از ۲:۱ می باشد؟ یا شکرگزاری نامه تا پایان باب سوم ادامه می یابد؟ این موضوع تا حدودی به سؤال بعدی در ذیل مربوط است.

(۲) آیا ۱۳:۲-۱۶ قسمتی اصیل از نامه اول تسالونیکیان است که توسط پولس نوشته شده یا اینکه توسط منتقدی دیگر اضافه گردیده است؟ این به «یهودیانی که خداوند عیسی را کشتند» اشاره دارد و درباره آنها با واژه های خصمانه حکم می دهد. اگر توسط پولس که

پرجلال از آسمان برای ملاقات با جامعه مسیحی را مجسم می کند. سایر واژه های پولسی برای این رویداد شامل «مکاشفه» (آپوکالیپس: ۱-۱ قرن ۷:۱؛ ۲-تسا ۷:۱)، «تجلی» (اپی فانی؛ ۲-تسا ۸:۲؛ نامه های شبانی) و «روز خداوند» (۱-تسا ۵:۲؛ ۲-تسا ۲:۲) است.

۱۰- آنها با پولس هستند و برای تسالونیکیان شناخته شده می باشند، اما نقشی در نامه ندارند. در رابطه با تاریخچه قبلی آنها با پولس در تسالونیکیان، اعمال ۱:۱۷ اشاره می کند که پولس و سیلاس (سیلوانوس) به تسالونیکیه آمدند، و ۱۶:۱-۴ نیز اشاره دارد که تیموتائوس نیز همراه آنها آمد.

مسلماً در سالهای دهه ۳۰ در اورشلیم بوده نوشته شده باشد تشکیل دهنده این فرضیه می شود که رومیان تنها مسئول مرگ عیسی بوده اند. استدلالات برعلیه نویسنده پولس در اول تسالونیکیان ۱۳:۲-۱۶ شامل: (a) شکرگزاری ثانویه در نامه؛ (b) این اظهار نظر که یهودیان «دشمنان کل نژاد بشری هستند»، که شبیه جروبحث کلی غیریهودیان است و به زحمت مشخصه پولس می باشد؛ (c) این اظهار نظر که یهودیان «گناهان خود را انباشته می کنند» و «خشم الهی نهایتاً آنها را دربر خواهد گرفت» با رومیان ۱۱:۲۵-۲۶ که «اسرائیل تماماً نجات خواهند یافت» در تضاد است. استدلالات در این مورد که پولس نامه اول تسالونیکیان ۱۳:۲-۱۶ را نوشته: (a) تمام نسخ خطی حاوی آن هستند؛ (b) پولس در دوم قرنیتیان ۱۱:۲۴ از «یهودیان» به عنوان جفا کنندگان صحبت می کند، به عنوان تعاقب کنندگان؛ (c) در رومیان (۲:۵، ۳:۵-۶، ۴:۱۵، ۱۱:۲۵) پولس از خشم خدا برعلیه یهودیان صحبت می کند، به طوری که امید آنها به نجات نهایی مانع از ترسیم ناخشنودی الهی نمی شود. در تفکر پولس یهودیان حسود در تسالونیکیه که هم او و هم آنانی که به عیسی ایمان آوردند را آزار رساندند، نشان دهنده آن چیزی هستند که رومیان ۱۱:۲۵ در مورد آن به عنوان بخشی از اسرائیل که بر آنها «سخت دلی» (= «خشم» در اول تسالونیکیان) قرار گرفته، صحبت می کند. اگر قبل از ورود پولس، یهودیانی که قوانین شریعت را رعایت می کردند بعضی از غیریهودیان خدا ترس و زنان شاخص را به خود جذب نموده بودند (اع ۱۷:۴)، آنها ممکن است از اینکه تبدیل ایمان یافتگان ایشان به سوی اعلام بشارت پولس به مسیح جذب شده بودند، که در آن رعایت شریعت لازم و ضروری نبود، خشمگین بودند.

(۳) توصیف بازگشت ثانویه مسیح که در اول تسالونیکیان ۴:۱۶-۱۷ داده شده دربرگیرنده صدای رئیس فرشتگان، و علامت شیپور آسمانی و ربه شده شدن در ابرها برای ملاقات با خداوند در هوا می باشد. در ۱:۵-۲ درباره زمانها و ساعات ابهام وجود دارد. بعضی از اینها بازتاب هم زبان فاجعه آخر زمان یهودیان و هم زبانی است که به عیسی در موعظه های آخرتی در اناجیل منتسب می باشد. آیا پولس هر کدام و یا همه اینها را به عنوان توصیف تحت اللفظی منظور داشته است؟ چه او این کار را انجام داده یا نه آیا خوانندگان امروزی (منجمله آنهایی که به الهام بودن کتب مقدسه اعتقاد دارند) باید این را به عنوان تحت اللفظی به انجام رسیدن انتظار بکشند؟ اگر نه، آمدن ثانویه مسیح تا چه حد شیوه ای نمادین برای گفتن آن است که، برای اینکه ملکوت خدا بیاید خدا می بایستی هنوز کاری بکند که انجام آن نه توسط موجودات بشری، بلکه فقط از طریق عیسی مسیح امکان پذیر است؟ آمدن دوباره مسیح برای مسیحیان پس از دو هزار سال انتظار کشیدن تا چه حد مهم است؟^{۱۱} اینکه عیسی مسیح دوباره خواهد آمد (در جلال) برای داوری زندگان و مردگان، بخشی است از هم اعتقادنامه رسولان و هم اعتقادنامه نیکیه. (به مطلب ۲ در فصل ۱۰ رجوع کنید).

۱۱- سؤالات درباره پیروزی نهایی مسیح در قرون اول و دوم مطرح گردیده، چنان که از اعمال ۱:۶-۷ و دوم بطرس ۳:۳-۱۰ مشهود است.

(۴) اگر ۱۳:۴ بدین معنی است که بعضی از مسیحیان تسالونیکیه برای آنهایی که خوابیده اند سوگوار بوده اند، گویی که دیگری امیدی نیست، این به این خاطر است که آنها دیدار با عیسی را در آمدن دوباره او لحظه دریافت فیض حیات از خدا می دانند؟ در ۱۴:۴ پولس صحبت از عیسی می کند که «مرد و برخاست» بنابراین مرگ و رستاخیز مسیح لحظه حیات دهنده برای همگان است که «در او» می باشند (منجمله مردگان ۱۷:۴). در مورد ربوده شدن در ابرها برای ملاقات با خداوند چه چیزی اضافه می کند؟ برخی از مسیحیان امروزی در این باره به «شادی روحانی» می اندیشند و آن را فوق العاده مهم می دانند؛ برخی دیگر به زحمت چیزی درباره آن شنیده اند.

(۵) پولس حداکثر چند ماه پس از ورود به تسالونیکیه مجبور به ترک آنجا شد. با وجود این قدری دیرتر هنگامی که نامه اول به تسالونیکیان را می نویسد به آنها اصرار می کند که با کسانی که پیشوایان آنان در خداوند بوده و آنها را نصیحت می کنند مدارا نمایند (۱۲:۵). چنین شخصیتها به چه طریقی می توانند این موقعیت/وظیفه پراقتدار را به دست آورند؟ آیا پولس قبل از اینکه جماعتی را که تشکیل داده بود ترک کند رهبرانی برای آنها تعیین نمود، آن طور که اعمال ۲۳:۱۴ اشاره دارد؟ شخصیتها در تسالونیکیه چگونه با سرپرستان/اسقفان و شماسان در فیلیپی که به طور تقریباً همزمان بوده اند مرتبط می باشند (فی ۱:۱) و با آنهایی که خدا در قرن تنس به عنوان پیامبران، معلمان و سرپرستان (۱- قرن ۱۲:۲۸-۳۰) منصوب خواهد کرد؟^{۱۲}

(۶) اول تسالونیکیان. قدیمی ترین نوشته مسیحی است که حفظ شده است، مسلماً پولس متوجه نبود که مشغول تنظیم اثری است که چنین امتیازی خواهد یافت. به هر حال، موقعیت اول تسالونیکیان تعمق های جالبی ارائه می دهد. این تنها اثر مسیحی که از قرن اول حفظ شده، از نحوه انجام کار توسط پولس به ما چه می گوید، از خودشناسی، از مسیح شناسی، و از برداشت او از کلیسا یا جامعه مسیحی؟ با توجه به اینکه اکثر مسیحیان ادعا می کنند به ایمان رسولی وابسته هستند، جالب است که در ذهن خود به سال ۵۱ به عقب برده شده و در نظر بیاوریم که وارد اطاق جلسه در تسالونیکیه می شویم، جایی که این نامه پولس رسول برای اولین بار خوانده می شود. در طی ده آیه اول افتتاحیه شخص اشاراتی به خدای پدر، خداوند عیسی مسیح، و روح القدس و نیز به ایمان، محبت و امید خواهد شنید. این شهادتی قابل توجه است به این که ایده هایی که بعدها در مسیحیت استاندارد شدند در آن زمان نیز ایده هایی بجا بوده اند.

* * *

۱۲- با وجودی که نامه به فیلمون و اول قرن تنس بعد از اول تسالونیکیان نوشته شده اند، پولس جوامع مسیحی در فیلیپی، تسالونیکیه و قرن تنس را در طی نیم سال در ۵۰-۵۱ میلادی برپا نمود، و نامه ها به این جوامع یادآور وضعیت کلیسایی در این تاریخ می باشند.

فصل نوزدهم

نامه به غلاطیان

از بعضی جنبه‌ها این نامه را پولسی‌ترین نوشته‌های پولس در نظر گرفته‌اند، نامه‌ای که در آن خشم موجب شده تا پولس آنچه را که واقعاً در فکر دارد بیان کند. فقط قسمتهایی از دوم قرن‌تین از نظر احساسات با آن برابری می‌کند، زیرا پولس با اشتیاق نبی‌گونه عاموس، سیاستمداری را در چالش غلاطیان به کنار می‌گذارد. تعجب‌آور نیست که مبتکران یا اصلاح‌طلبان مسیحی مشتاق هستند که کلیسای بزرگ را به چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای وادارند تا متناسب زبان و تصورات نیرومند غلاطیان باشد. مارسیون تناقض دو اصل ایمان و اعمال شریعت پولس را به تناقضی مابین خدای خالق و خدای نجات دهنده ترجمه کرد. لوتر این را "pet epistle" (رساله مورد علاقه) خود نامید زیرا که او در نفی پولس از عادل شمرده شدن به وسیله اعمال شریعت، برای نفی نجات توسط اعمال نیکو استفاده نمود. در واقع برخوردهای لوتر با فرستادگان پاپ به عنوان اجرای دوباره محکوم کردن علنی کیفا (پطرس) توسط پولس، در رابطه با حقیقت انجیل دیده می‌شوند. موعظه‌ای درباره غلاطیان به جان‌وسلی آرامش بخشید. مخالفت مابین پطرس و پولس که در نامه به غلاطیان توصیف شده در قرن نوزدهم عاملی کلیدی در بازسازی مسیحیت اولیه توسط بوئر بود. دیگران از خشونت در جروبوت و جزئی نبودن اختلاف درباره میراث یهود سرافکننده شده‌اند. در دوران باستان نامه به غلاطیان ممکن است به وضعیتی کمک کرده باشد که دوم پطرس ۳: ۱۵-۱۶ به طور سیاستمدارانه تصمیم به توصیف آن گرفت، «برادر حبيب ما پولس نیز برحسب حکمتی که به وی داده شد به شما نوشت ... و همچنین در سایر نامه‌های خود چیزهایی را بیان می‌دارد که فهمیدن آنها مشکل است و مردمان بی‌علم و ناپایدار آنها را تحریف می‌کنند تا به هلاکت خود برسند». یک چیز مسلم است: هیچ‌کس نمی‌تواند پولس غلاطیان را برای کسل‌کننده کردن الهیات مقصر بداند.

پس از مبحث زمینه، و تحلیل کلی، زیربخش‌هایی وقف پیامد نامه به غلاطیان در روند شغلی پولس، کجا و چه زمان، «ایمان به مسیح»، موضوعات برای تعمق، و کتاب‌شناسی شده است.

زمینه

در سالهای قبل از ۵۵ میلادی پولس انجیل را به امتها که اینک تشکیل دهنده کلیساهای غلاطیه بودند (هویت دقیق آنها را به بعد موکول می‌کنیم) اعلام کرده بود (شاید دوبار).

خلاصه اطلاعات اساسی

تاریخ: ۵۴-۵۵ از افسس محتمل تر است تا از مکادونیه، ۵۷ (تاریخگذاری سنتی؛ به جدول ۶ در فصل ۱۶ برای تاریخگذاری تجدید نظر شده مراجعه کنید).

به: کلیساها در اطراف انکریا در سرزمین قومی غلاطیه، یعنی بخش شمالی - مرکزی استان غلاطیه در آسیای صغیر (مسیحی شده در ۵۰ و ۵۴) یا به احتمال کمتر به کلیساهای انطاکیه، لستره و در به در جنوب استان (مسیحی شده در ۴۷-۴۸ و ۵۰).

اصالت، اتحاد و صداقت: به طور جدی مورد بحث نیست.

تقسیم بندی رسمی:

A: دستورالعمل افتتاحیه ۱:۱-۵

B: شکرگزاری: ندارد

C: موضوع: ۱:۱-۶-۱۰:۶

D: دستورالعمل اختتامیه: ۶:۱۱-۱۸

تقسیم بندی بر حسب محتوا (تحلیل سخنورانه):

۱:۱-۱۰: مقدمه:

۱:۱-۵: دستورالعمل افتتاحیه (حالت تدافعی در توصیف رسالت و آنچه که

مسیح انجام داده)

۱:۱-۱۰: مقدمه یا معرفی (حیرت در عوض شکرگزاری)، توصیف موضوع،

مخالفین و جدی بودن مورد (به وسیله آنتیماها).

۱:۱۱-۲:۱۴: پولس روند موعظه ای خود را شرح می دهد تا از تئوری خود درباره انجیل خود که

در ۱:۱۱-۱۲ اظهار شده دفاع کند.

۲:۱۵-۲۱: بحث با مخالفین، مقایسه انجیل خود با انجیل آنان، عادل شمرده شدن به وسیله

ایمان در مسیح و نه به وسیله مراعات شریعت، مسیحیان به وسیله ایمان زیست

می کنند.

۳:۱-۴:۳۱: ادله برای عادل شمردن شدن به وسیله ایمان و نه به وسیله شریعت، شش استدلال

برداشت شده از تجربیات گذشته غلاطیان و از کتب مقدسه، به طور خاص

متمركز بر ابراهیم.

۵:۱-۶:۱۰: در خواست اخلاقی (پند و اندرز) برای آنها تا آزادی خود را حفظ نموده و بر

حسب روح القدس رفتار نمایند.

۶:۱۱-۱۸: نتیجه گیری: تأیید اصالت پی نوشت به دست خود پولس (به عنوان متمایز از

کاتبی که متن را نوشته)، چکیده ای از نظریات نسبت به ختنه، دعا.

با وجودی که توقف او در میان آنها به سبب «ضعف جسمی» (۱۳:۴) وی صورت گرفت،^۱ غلاطیان در طی درد و رنج پولس بیش از حد مهربان بودند و با او همانند یک فرشته خدا رفتار نمودند. ظاهراً آنها او را در حال انجام معجزات در میان خود می‌دیدند (۵:۳). این خاطره اینک که غلاطیان (۱۶:۴) او را به عنوان یک دشمن که بنحوی در موعظه‌های خود درباره مسیح سر آنها را کلاه گذارده و تقلب نموده است ارزیابی می‌کنند، خشم او را تندتر می‌سازد. چگونه چنین چیزی روی داده بود؟

پس از اینکه پولس غلاطیه را ترک کرد، مسیحیان یهودی تبار (۱۳:۶) که احتمالاً از اورشلیم آمده بودند،^۲ انجیلی دیگر را وعظ نمی‌نمودند (۷:۱)، یعنی درکی غیر از آنچه که پولس می‌گفت از کاری که خدا در مسیح انجام داده بود (آیا آنها به غلاطیه آمده بودند چون که پولس در آنجا بوده یا اینکه اینجا فقط توقفگاهی بوده در مسیر بشارتی آنها که به طور تصادفی آنها را به تماس با کار گذشته او آورده بود؟ آیا آنها تماماً نسبت به او خصمانه بودند همچنان که او با آنها بود؟) «انجیل» آنها باید از تکذیب خصمانه پولس بازسازی شود. روندی که علامت آن بی‌اطمینانیه و دست نیافتن به درکی خوش بینانه از موعظه‌ای بود که اکثریت غلاطیان آن را قانع کننده تر از آن موعظه‌ای که از پولس شنیده بودند، یافتند.

در تاریخ بعدی مسیحیت احساسی از قدوسیت کتب عهدجدید و احترام برای پولس به عنوان رسول بزرگ طبیعتاً مسیحیان را به این اعتقادی سوق داده که انجیل او برخلاف انجیل مخالفین او به مسیح وفادار بوده است. به هر حال، چون هیچ دلیل قانع کننده‌ای وجود ندارد که فکر کنیم که «واعظین» افرادی احمق یا نادرست بوده‌اند، من سعی خواهم کرد تا نشان دهم که چرا انجیل آنها به نظر معقولانه می‌آمد. پولس و واعظین در اعلام اینکه آنچه که خدا از طریق عیسی مسیح و به فیض روح القدس به انجام رسانیده بود هم برای یهودیان و هم غیریهودیان بود، متفق القول بوده‌اند. اما امتها چگونه باید فیض خدا را در عیسی دریافت کنند؟ برحسب موعظه پولس، خدا عادل شمردگی را از طریق «ایمان به/در مسیح» عرضه می‌کند. برحسب واعظین ایمان به مسیح نقشی داشت، اما عادل شمردگی بدون رعایت اعمال شریعت کامل نمی‌بود. موعظه‌ای که برای غیریهودیان میراث بزرگ یهودیت را با تمام

۱- این اطمینان که غلاطیان حاضر بودند چشمان خود را درآورده و به او بدهند (۱۵:۴) و اشاره به نوشته‌ای با «حروف درشت» (۱۱:۶) موجب این حدس شده که علت ناتوانی جسمی او یک بیماری چشمی بوده است.
 ۲- مبارزه طلبی انجیل پولس توسط آنها با این اصرار بر ختنه مشابه است به دیدگاه گروهی که انجیل او را در اورشلیم به مبارزه طلبیده بود، حدود سال ۴۹ (غلا ۲:۱-۵؛ اع ۱۵:۱). توجه کنید که بعدها «بعضی افراد مشخصی از طرف یعقوب (از اورشلیم) آمدند که آنها را پولس «اهل ختنه» (۱۲:۲) نامیده و از موفقیت او در جلسه اورشلیم دلسرد نشده بودند، بلکه بدنبال او به انطاکیه آمده و مشکلاتی برای وی ایجاد نمودند. واعظینی که در نامه به غلاطیان حمله کردند گرچه ممکن است ادعا کرده باشند که از حمایت مسؤلین در اورشلیم برخوردار هستند (چون «مردانی از طرف یعقوب» و پطرس و خودشان را حساس نسبت به قوانین تغذیه یهود نشان داده بودند [غلا ۲:۱۱-۱۴]) تأکیدشان بر ختنه مسلماً فراتر از نظریات یعقوب، پطرس و یوحنا می‌رفت، آن طوری که در اعمال ۱۵:۱-۲۹ و غلاطیان ۲:۱-۱۰ بیان شده است.

هدایت اخلاقی آن حفظ می نمود.^۳ یک عامل کلیدی در آن موعظه کتاب اعمال تأکید بر ختنه کردن و رعایت اعیاد تقویمی بود (۱۰:۴). همان طوری که واعظین توضیح می دادند، خدای واحد حقیقی تمام امتهای جهان را در ابراهیم که ایمان آورد برکت داده بود (پید ۱۵:۶) و سپس به عنوان قسمتی از عهد، به ابراهیم دستور ختنه (پید ۱۷:۱۰)، و تقویم آسمانی را داد. یهودیان نوادگان ابراهیم از طریق سارا (همسر آزاد) هستند و عهد ختنه (پید ۱۷:۱۴) و شریعتی که توسط فرشتگان به موسی داده شد (غلا ۳:۱۹) را رعایت نموده اند؛ غیریهودیان نوادگان ابراهیم از طریق هاجر هستند (همسر کنیز). از طریق واعظین اینک کار عیسی مسیح به غیریهودیان نیز بسط داده می شد اگر آنها نیز در تقلید از ابراهیم ختنه شوند و اعمال شریعت را انجام دهند. (بورگن عقیده دارد که بدون ختنه غیرایمانداران به مسیح نوایمانان هستند و ختنه لازم است اگر آنها می باید در قوم عهد بسته خدا باقی بمانند).

با وجود این آیا پولس هم اکنون انجیل را برای ایمانداران غیریهودی در غلاطیه نیاورده بود؟ نه! پولس برای اینکه نوایمانان جدید بسازد یک انجیل مختصر وضع نموده بود که به آنها نمی گفت که شراکت در عهد ابراهیم به ختنه شدن بستگی دارد. پولس آنها را بدون هدایت شریعت رها نمود، طعمه ای برای «تمایلات شیطانی» و خواهش های جسم؛ و بدین دلیل است که گناه هنوز در میان آنها شایع بود. این پیامی قانع کننده بود، مخصوصاً اگر واعظین تأکید می کردند که پولس، که یک نفر دیر پیوسته به انجیل بود، عیسی را آنگونه که رسولان واقعی می شناختند نشناخته بود. به هر حال عیسی، که خود ختنه شده بود، هیچ کس را از ختنه معاف نکرده بود؛ و رسولان واقعی در اورشلیم اعیاد را نگاه داشته و قوانین غذا خوردن را رعایت می نمودند. چگونه پولس می توانست به واعظین پاسخ دهد و غلاطیان را متوجه سازد که او حقیقت را موعظه نموده است؟ اینک که ما نامه ای که او نوشته است را بررسی می کنیم، باید در ذهن خود داشته باشیم که جروبحث با واعظین، طرز بیان و جمله بندی او را شکل می دهد. اغلب «الهیات» پولس در مورد «عادل شمردگی»، ایمان و آزادی از نامه به غلاطیان شکل گرفته است.

تحلیل کلی پیام

در دستور العمل افتتاحیه (۱:۱-۵) در غلاطیان برخلاف تسالونیکیان پولس خودش را به عنوان یک رسول معرفی می کند، مقامی که نه از جانب موجودات بشری بلکه از عیسی مسیح (۱:۱ - و از خدا ۱:۱۵) ناشی می شود. از هفت نامه غیرقابل بحث پولسی اگر ما

۳. اگر این به نظر عجیب می رسد، به یاد آورید که عیسی در متی ۵:۱۷-۱۸ می گوید که او نیامده تا شریعت را باطل نماید بلکه تا آن را کامل گرداند.

غلاطیان تنها نامه از شش نامه باقیمانده است که در آن پولس از یک همراه فرستاده نام نمی برد. او به «کلیساهای غلاطیه» خطاب می کند، یعنی گروهی از جماعات در ناحیه غلاطیه یا در استان وسیع تر غلاطیه. پولس هدف حمله در غلاطیه است، و او یک پاسخ شخصی می دهد، پاسخی با خشم که جایی برای امتنان باقی نمی گذارد.

متن نامه با دیباچه یا مقدمه ای شروع می شود (۱:۶-۱۰) که، با لحنی نیشدار، متعجب و ناامید کننده به سرعت به موضوع، به مخالفین، و به جدی بودن مورد می پردازد: هیچ انجیلی دیگر بجز آنچه که توسط پولس هنگامی که او غلاطیان را به فیض مسیح فراخواند اعلام شد وجود ندارد، لعنت بر آنهایی باد که بر چیزی متفاوت موعظه می کنند. سپس با استفاده از شیوه سخنوری در دفاعیات دادگاهی، پولس به صورتی نامه وار یک دفاعیه از عقاید مذهبی خود می نویسد (۱:۱۱-۲:۲۱)، با لحنی بحث انگیز اما با استفاده از یک سری ترفندهای سخنوری. در یک سالن دادگاه فرضی، می باید واعظینی که به غلاطیه آمده اند را به عنوان شاکیان، پولس را به عنوان مدافع، و غلاطیان را به عنوان قاضی مجسم نمود. برای ارج نهادن به نکاتی که پولس عنوان می کند شخص باید در خاطر خود ادعاهای واعظین را آن طوری که در زمینه بازسازی نمودیم داشته باشد. تزلزل اصلی پولس این است که انجیلی که او وعظ می کند از طریق مکاشفه الهی و نه از طریق موجودات بشری به نزد او آمده (۱:۱۱-۱۲). به عنوان نمونه پولس داستان ایمان آوردن خود و موعظه را بیان می کند، و بر نکات کلیدی انگشت می نهد، مثلاً: مکاشفه و مأموریت اولیه الهی؛ عدم وابستگی به رسولان اورشلیمی؛ مبارزه کسانی که بر ختنه برای امتها تأکید می کنند با او؛ توافقی که بین او و مسوولین در اورشلیم در مورد رد آن مبارزه صورت گرفته؛ و اذعان به اینکه انجیل و رسالت به قوم نامختون به عهده او واگذار شده است (۱:۱۳-۲:۱۰).

در توصیف آنانی از گروه ختنه که بعدها از اورشلیم به انطاکیه آمدند با این ادعا که نماینده یعقوب هستند، پولس نظر می دهد که آنها اجداد کسانی بودند که به غلاطیه آمده بودند (از اورشلیم؟) زیرا او دفاع خود از انجیل را در انطاکیه بر علیه مخالفین اولیه با نوعی گفتگو با واعظین یهودی مسیحی در غلاطیه (۲:۱۱-۱۴ با ۲:۱۵-۲۱) ادغام می کند. به بیان دیگر «از طریق تولد ما هر دو یهودی هستیم و بدین سبب شریعت را می دانیم، با وجود این ما هم چنین نیز می دانیم که به وسیله اعمال شریعت شخص نمی تواند عادل شمرده شود، در واقع ما یهودیان در جستجوی مسیح خودمان را گناهکار می یابیم. و بدین سبب من برای شریعت مردم و توسط ایمان به مسیح که خودش را برای من داد و اینک در من زندگی می کند، عادل شمرده شدم.

سپس پولس شش استدلال را از تجربه و کتب مقدسه روی هم انباشته می کند تا غلاطیان احمق را که افسون شده اند قانع سازد (۳:۱-۴:۳۱). - استدلالاتی که من اینک آنها را ساده

نموده ام. اول (۳-۱-۵): هنگامی که او به مسیح مصلوب شده وعظ نمود غلاطیان روح القدس را دریافت کردند بدون اینکه اعمال شریعت را رعایت کرده باشند، پس چگونه آن اعمال می توانند ضروری باشند؟ دوم (۳-۶-۱۴): بر خلاف اصرار واعظین بر ختنه ابراهیم (پید ۱۷: ۱۰ و ۱۴) او می تواند وعده خدا را نقل قول کند که در ابراهیم تمام امتهای برکت خواهند یافت (پید ۱۲: ۳) - وعده ای مستقل از ختنه - به طوری که در دادن روح القدس به امتهای نامختون از طریق ایمان، خدا وعده به ابراهیم را به کمال می رساند، مردی که ایمان او برایش عدالت محسوب شد (پید ۱۵: ۶). سوم (۳-۱۵-۲۵): خواسته ای که به تصویب رسیده است را نمی توان با افزوده ای بعدی فسخ نمود. شریعت حدود ۴۳۰ سال پس از وعده ها به ابراهیم آمد، وارثین آن وعده ها چگونه می توانند به رعایت شریعت متکی باشند؟ شریعت سرپرستی موقت بود تا آمدن عیسی. چهارم (۳-۲۶-۱۱): غلاطیان، که در اصول دنیوی غلام بودند، توسط نجات و رستگاری پسر خدا و فرزندخواندگی الهی آزادی «فرزندان» خدا را تجربه کرده اند، چرا آنها دوباره می خواهند به برده تبدیل شوند، و این بار بنا به درخواست شریعت؟ پنجم (۴-۱۲-۲۰): غلاطیان با پولس بسیار خوب رفتار نمودند، همانند یک فرشته، او چگونه می تواند به دشمن آنها تبدیل شده باشد؟ ششم (۴-۲۱-۳۱): واعظین به ابراهیم، هاجر و سارا متوسل شدند اما درسی اشتباه گرفتند. هاجر، زن کنیز، نماینده نوادگان امتهای نیست بلکه اورشلیم زمینی و کنونی و عهد برده کننده شریعت که در کوه سینا داده شد؛ سارا، زن آزاد، نماینده اورشلیم آسمانی و عهد نامه وعده خدا به ابراهیم است - او مادر همه کسانی است که در مسیح آزاد شده اند.

پس از استدلالات، پولس متن نامه به غلاطیان را با درخواستی احساسی (۵-۱-۱۰: ۶) بر علیه واعظین و با اخطاری که شریعت به غلاطیان برضد اعمال جسم (که برضد اعمال روح است ۵: ۱۹-۲۶) کمک نمی خواهد نمود، به پایان می رساند. تأییدی عالی در ۵: ۶ «در مسیح عیسی نه ختنه فایده دارد و نه نامختونی، بلکه ایمانی که به محبت عمل می کند»، این را روشن می سازد که پولس ختنه را چیزی شریرانه در نظر نمی گیرد بلکه چیزی که هیچ قدرتی در عادل شمرده شدن امتهای ندارد. هم چنین می گوید که پولس ایمان را اینگونه تفسیر می کند: قبول آنچه مسیح انجام داده است به عنوان چیزی که می بایستی بیان خود را در محبت که در زندگی ایماندار متجلی می شود، بیابد. (او خدا را در عمل از طریق ایمان و محبت می بیند، که هیچ کدام واکنش های ساده انسانی نیستند). واعظین ممکن است از «شریعت مسیح» صحبت کنند، که به هر حال شریعت سینا نیست بلکه وظیفه ای است برای بردوش کشیدن بارهای یکدیگر (۶: ۲).

سپس پولس بر علیه ختنه با دستهای خود و با حروفی درشت نتیجه را می نویسد (۶-۱۱-۱۸)، به طوری که غلاطیان خواه ناخواه متوجه نکته می شوند. اگر واعظین برتری

اسرائیل را ستایش کردند، پولس «اسرائیل خدا» را که در آن شخص مختون با نامختون تفاوت ندارد را اعلام می‌کند. اما درباره حملات واعظین بر او، «از الآن به بعد هیچ کس مرا زحمت نرساند زیرا که من در بدن خود داغهای خداوند عیسی را دارم». زحماتی را که پولس به عنوان یک رسول متحمل شد مهمتر از نشانه‌های ختنه اوست!

تأثیر نامه به غلاطیان در روند کاری پولس

ما فقط می‌توانیم حدس بزنیم که هنگامی که این نامه در کلیساهای غلاطیه خوانده شد چه اتفاقی رخ داد. بعضی‌ها به دلیل لحن افراطی که آنها را احمق‌ها خوانده بود آزرده خاطر شدند (۱:۳). آیا برای یک رسول مسیحی مناسب بود که در بی‌نراکتی فقرا درگیر شود با این آرزو که در ختنه‌ای که توسط واعظین تبلیغ می‌شود، چاقو سر بخورد و آلت مردانگی آنها را قطع کند (۱۲:۵)؟ چه چیزی به پولس حق می‌داد تا از اعضای دوازده‌گانه «به اصطلاح ارکان کلیسا» که با عیسی راه رفته بودند و آن یکی که افتخار «برادر خداوند بودن» را داشت (۹:۲) انتقاد کند؟ آیا این جروبحث نشانه‌ای از ضعف موقعیت او نبود؟ دیگرانی که از پولس برگشته بودند، به یاد می‌آوردند کسی را که مسیح را برای آنها آورده بود و متوجه می‌شدند که در زیر سطح جروبحث در نامه نگرانی لطیفی نهفته بود (۱۹:۴) که می‌توانست موجب هدایت آنها شود که دوباره آزمایش کنند که آیا آنها در گوش دادن به واعظین کار درستی کرده بودند؟ آیا در نهایت نامه پولس دل‌اکثریت را به دست آورد؟ به هر حال، نامه حفظ شده است، و اول قرن‌تین ۱۶:۱ (بعدها نوشته شده؟) به ما می‌گوید که او برنامه‌ای برای جمع‌آوری پول از کلیساهای غلاطیه داشت، احتمالاً با امید به موفقیت.

هرچه باشد، مسلماً نکات خاصی در نامه به پولس صدمه زد. او خود را افراطی و خارج از کنترل معرفی نموده بود. واعظین که صادقانه فکر می‌کردند که با نصیحت کردن به امتها درباره لزوم ختنه شدن، به مسیح خدمت می‌کنند مسلماً حملات شخصی پولس، منجمله آن یکی درباره صداقت، و انگیزه‌های آنان (۱۲:۶-۱۳) را فراموش نمی‌کردند.^۴ اگر فیلیپیان (۲:۳-۴) قدری بعد از غلاطیان نوشته شده باشد، ما ممکن است واعظین را ببینیم که به تعقیب مأموریت بشارتی ادامه می‌دهند تا بشارت دادن ناقص پولس را تصحیح نمایند. اشارات او درباره به اصطلاح ارکان کلیسای اورشلیم، جروبحث او بر علیه پطرس که در راهی درست درباره حقیقت انجیل گام بر نمی‌داشت (غلا ۲:۱۴)، و حتی استدلال بدون ظرافت او که عهد برده‌کننده سینا به دنبال آورد (۲۴:۴-۲۵) به احتمال زیاد به گوش مسؤولین مسیحیان در اورشلیم که نسبت به میراث یهودی حسن نیت داشتند نیز رسید. تعجبی نیست

۴- پولس آنها را متهم می‌کند که ختنه را تشویق می‌کنند تا از تعقیب و آزار، احتمالاً توسط یهودیان غیرمسیحی، بگریزند، زیرا به این دلیل با آنها همانند مرتدان رفتار نمی‌نمودند. یا توسط مسؤولین غیریهودی که نوایمانان ختنه شده را به عنوان یهودی در نظر گرفته و از حمایت سیاست امپراتوری برخوردار می‌ساخته‌اند.

که نقشه‌های بعدی پولس برای بازگشت به اورشلیم با هدایایی که جمع‌آوری شده بود، او را دربارہ مقبولیت خود نگران می‌نمود (روم ۱۵: ۲۲-۳۲). در قرن دوم لحن شدید و ضد شریعت غلاطیان در تز مارسیون مورد استفاده قرار می‌گرفت که عهدعتیق را باید به عنوان عمل یک خدای نازل تر (آفریننده بدی) رد نمود، تئوری که پولس آن را مسلماً رد می‌کرد.

به کجا و چه زمان؟

این دو سؤال با هم مرتبط هستند. در این نامه پولس خطاب «به کلیساهای غلاطیه» (۲: ۱) و «غلاطیان» (۱: ۳) اشاره می‌کند که اولین موعظه او به انجیل در آن نواحی به دلیل بیماری جسمی بوده (که ظاهراً سفر او را به طور غیرمنتظره متوقف کرده بود) و اینکه از او به خوبی پذیرایی و با وی بسیار خوب رفتار شده است (۴: ۱۳-۱۵). مخاطبین غلاطیان کجا زندگی می‌کرده‌اند؟ اگر جلسه در اورشلیم، که در غلاطیان ۲: ۱-۱۰ توصیف شده، آن طور که اکثر محققین فکر می‌کنند همان جلسه‌ای باشد که پس از «اولین سفر بشارتی» پولس، تشکیل شد و در اعمال ۱۵ توصیف آن آمده، نامه بعد از سال ۵۰ نوشته شده است. پولس در این نامه آرزو می‌کند (که ظاهراً به انجام نرسید) که نزد غلاطیان حاضر می‌بود (۴: ۲۰). آیا این کار فقط بیان نگرانی حاکی از بلاغت است؟ یا اینکه بدین معنی است که او به نحوی قادر به آمدن نیست؟ دوری راه، یا به این خاطر که او در زندان است؟ یا اینکه او درگیر در وضعیت کلیسای دیگری است، مثلاً در حال مذاکره با کلیسای قرنتس می‌باشد؟ آیا هیچ کدام از این اظهارات کمک می‌کند که مشخص کنیم که پولس چه وقت این نامه را نوشت؟

غلاطیان هندو-آریایی بودند، منتسب به سلتها و گل‌ها، که حدود سال ۲۷۹ قبل از میلاد به آسیای صغیر هجوم آوردند. طی پنجاه سال پس از شکست از پادشاهی پرگاموم، سرزمین آنها به بخش مرکزی کوهستانی در اطراف انکرا (آنکارای امروزی) محدود شد. روم از آنها به عنوان هم‌پیمانان در جنگهای مختلف استفاده نمود، و هنگامی که آخرین پادشاه غلاطیان در ۲۵ قبل از میلاد درگذشت، سرزمین بومی آنها جزئی از روم بزرگ شد (استان غلاطیه) که بطرف جنوب به سوی مدیترانه ادامه داشت و در برگیرنده انطاکیه پسیدیه، ایقونیه، لستره و دربه بود. آیا نامه به غلاطیان خطاب به مسیحیان شهرهای جنوبی استان غلاطیه بود؟ (تئوری جنوب غلاطیه) یا غلاطیان بومی در ناحیه شمال مرکزی (تئوری شمال غلاطیه)؟

موضوعی که در ۲۵۰ سال گذشته میان محققین به شدت مورد بحث است، **واقعاً برای منظور نامه به غلاطیان اهمیتی ندارد؛** و بدین سبب بحث کوتاه نگاه داشته می‌شود. با وجودی که عمده تعمق و تفکر بر مقایسه‌ای مابین غلاطیان و اعمال متمرکز است، خوانندگان باید به یاد داشته باشند که اطلاعات کتاب اعمال مسلماً ناقص است و تمام مسافرتها پولس را ذکر نمی‌کند.

تئوری غلاطیه جنوبی (در طی دو قرن اخیر پیشنهاد و توسط محققینی همانند رامسی و بروس دفاع شده). شواهد واضحی در اعمال وجود دارد که پولس قسمت جنوبی استان غلاطیه را مسیحی نموده بود، مخصوصاً انطاکیه، ایقونیه، لستره و دربه (در طی «اولین سفر بشارتی» در ۴۶-۴۹ و سپس دوباره به اختصار در «دومین سفر» در سال ۵۰). بر طبق این مدرک به هرحال، مشکل می توان گفت که بیماری پولس فرصتی برای اولین دیدار از آنجا را فراهم نموده است. از این گذشته اعمال هیچگاه به صراحت به ناحیه جنوب غلاطیه اشاره نمی کند. و در واقع اعمال شهرهای جنوبی را در حوزه های آنها قرار می دهد، نه در استان مثلاً: انطاکیه در پیسیدیه (۱۳:۱۴)، لستره و دربه در لیکائونیه (۶:۱۴). اعمال مشخص می کند که مأموریت پولس در شهرهای جنوبی هم به یهودیان بود و هم به امتهای، اما هیچ نشانه ای در نامه به غلاطیان نیست که نشان دهد کسی از مخاطبین یهودیان تازه ایمان یافته باشند. استدلال برای تئوری جنوبی شامل عادت پولس در به کارگیری به طور معمول (اما نه همیشه) نام های رومی استانها (مثلاً مکادونیه و اخائیه)، و اشاره به برنابا در غلاطیان ۱:۲ است، چنان که گویی او برای مخاطبین فردی آشنا بوده - او با پولس در «اولین سفر بشارتی» بوده اما نه بعد از آن. با وجود این آیا نام برنابا فقط برای مسیحیانی که او شخصاً به آنها بشارت داده بود آشنا بوده؟ آیا حضور او در جلسه معروف اورشلیم در سطح گسترده تری شناخته شده نبود؟

تئوری غلاطیه شمالی (رویکرد قدیمی و هنوز هم تئوری اکثریت). در حالی که واژه «غلاطیه» شاید مبهم و گنگ باشد، خطاب «غلاطیان» در ۱:۳ چندان مبهم نیست. این برای افرادی که از نظر قومی منسوب به شمال بوده اند بسیار مناسب تر است تا برای ساکنان هلنیستی شهرهای جنوبی. چه زمانی پولس به ناحیه بومی غلاطیان آمده بود؟ در «دومین سفر بشارتی» بعد از اینکه او بار دیگر از جنوب استان دیدن کرد (حدود ۵۰ میلادی). اعمال ۱۶:۶-۷ گزارش می کند «آنها [پولس، سیلاس، تیموتائوس] از فریجیه و دیار غلاطیه عبور کردند، و روح القدس ایشان را از رسانیدن کلام به آسیا منع کرد. پس به میسیا آمده سعی نمودند که به بطینا بروند لیکن روح عیسی ایشان را اجازت نداد». آیا منظور اعمال این است که آنها به طرف غرب حرکت کرده و از ناحیه فریجیان در استان غلاطیه عبور کردند (بدین ترتیب هنوز هم نه به طرف شمال غلاطیه) یا اینکه به این معنی است که آنها به طرف شمال و از ناحیه فریجیه عبور کرده به (شمال) سرزمین غلاطیه رسیدند؟ این ممکن است از نظر جغرافیایی عاقلانه تر بوده باشد، اما اگر شخص تفسیر آخری را قبول نماید، اظهار نظر مرموز درباره «توسط روح القدس ممانعت به عمل آمد» می تواند در رابطه با بیمار شدن پولس در غلاطیه باشد (غلا ۴:۱۳) و بدین سبب مانع از اقدام بشارتی شود. منظور کتاب اعمال از «نواحی فریجیه و غلاطیه» هر چه باشد پولس در آنجا نوایمانانی به دست آورد، زیرا برحسب ۲۳:۱۸ در «سومین سفر بشارتی» (۵۴ میلادی)، پولس از مکانی به مکانی در ناحیه غلاطیه

سفر می کرد و «در آنجا تمام شاگردان را تقویت می نمود» یعنی شاگردانی که در سفرهای قبلی به دست آورده بود.^۵ (برعکس بودن ترتیب نام های جغرافیایی نشان می دهد نویسنده احتمالاً دقیق نمی دانسته که پولس به کجا رفته بود). به طور کلی استدلالاتی که در حمایت از تئوری شمال بیان می شود به نظر قانع کننده تر می آید.

تاریخگذاری. در تئوری جنوب غلاطیه، پولس می توانست نامه به غلاطیان را هر زمان پس از دیدار مجدد از شهرهای جنوبی در سال ۵۰ (دومین سفر بشارتی) نوشته باشد.^۶ چه تاریخگذاری توسط تئوری بیشتر پذیرفته شده شمال غلاطیه پیشنهاد می شود؟ دو پیشنهاد وجود دارد: (۱) پولس پس از عبور از غلاطیه (بومی) و ناحیه فریجیان برای دومین بار به افسس رفت (اع ۱:۱۹) و در آنجا سه سال ماند (۵۴-۵۶). او احتمالاً شنیده است که معلمینی آمده و «سریعاً» (غلا ۱:۶) غلاطیان را به «انجیلی دیگر» جلب نموده اند - اخباری که موجب نوشتن با عصبانیت نامه به غلاطیان در سال ۵۴ یا ۵۵ می شود.^۷ اگر نامه موفق بوده (یا حداقل پولس امیدوار بود که چنین باشد) تلاشی برای شفا می تواند در نقشه پولس در اول قرن نهم ۱:۱۶ مشاهده شود، هنگامی که او در حال ترک افسس در سال ۵۷ بوده، تا از کلیساهای غلاطیه برای جمع آوری اعانات برای اورشلیم کمک بگیرد. (۲) بعضی از محققین فکر می کنند که پس از چنین نامه ای نمی توانسته شفائی بوده باشد، همان طور که غلاطیان استدلال می کنند که نقشه در اول قرن نهم ۱:۱۶ فرموله شده قبل از اینکه پولس در یابد که چه اتفاقی برای نوایمانان او در غلاطیه روی داده بود. او هنگامی که افسس را ترک کرد و یا درست بعد از آن از این موضوع با خبر شد، و نقشه جمع آوری کمک در غلاطیه را رها نمود.^۸ او نامه به غلاطیان را از مکادونیه در سال ۵۷ به عنوان سرزنشی تند نوشت (مابین نوشتن دوم قرن نهم و رومیان). نزدیکی غلاطیان به رومیان (نوشته شده از قرن نهم در سال ۵۸) نیز دلیلی است برای این تاریخگذاری دیرتر. تاریخگذاری به اواسط دهه ۵۰ پیروان بیشتری دارد و من آن را محتمل تر می دانم.

۵- از نظر تئوری پولس می توانسته غلاطیان را خطاب به آن شاگردان و قبل از بازگشت از «سومین سفر بشارتی» خود نوشته باشد، اما در کتاب اعمال هیچ آگاهی از خصومت به وجود آمده نسبت به پولس در فاصله دو دیدار از غلاطیه نشان نمی دهد.

۶- بعضی ها عقیده دارند که غلاطیان از انطاکیه، حدود ۴۸ میلادی پس از «اولین سفر بشارتی» نوشته شده، زیرا غلاطیان ۱:۲ دیدار از اورشلیم را که در اعمال ۱۵ توصیف گردیده گزارش نمی کند و در اعمال ۱۱:۳۰، ۱۲:۲۵ فقط در مورد دیدار قبلی صحبت می کند. به هر حال کتاب اعمال اطلاعات کمی درباره دیدار قبلی ارائه می کند و این ممکن است خاطره ای مغشوش باشد. بعید است که پولس قبل از تشکیل جلسه اورشلیم در غلاطیه بوده زیرا در این صورت او در غلاطیان ۲۱:۱ همراه با سوریه و قیلبقیه به این موضوع نیز اشاره می کرد. به هر حال غلاطیان ۱۱:۲-۱۴ نشان می دهد که این نامه پس از اینکه پولس با جامعه انطاکیه ای قطع رابطه کرد نوشته شده است.

۷- غلاطیان ممکن است اولین نامه پولسی نوشته شده از افسس باشد. به زحمت با تاریخ سه یا چهار سال بعد وقتی که پولس در مکادونیه یا قرن نهم بود مطابقت می یابد. افسس حدود ۳۵۰ مایل دورتر از انکارای امروزی و بنابراین نزدیکتر از مکادونیه یا قرن نهم به سرزمین بومی غلاطیه بود.

۸- گفته شده که در رومیان ۱۵:۲۶ در پایان تلاش برای گردآوری پول، پولس اشاره ای به پول جمع شده در اناثیه و مکادونیه می کند. به هر حال در نامه به رومیان پولس دلیل دیگری داشت برای اشاره نکردن به غلاطیه، زیرا گزارشهایی درباره آنچه که او به غلاطیان نوشته بود موجب بروز خصومت در اورشلیم شد و او نگران بود که آن اطلاعات به مسیحیاتی روم داده شود.

«ایمان [pistis] مسیح» (۱۶:۲ و غیره)

این بحث مهم بر عقیده پولس در مورد عادل شمرده شدن یا داوری شدن نه از طریق اعمال شریعت بلکه از/ طریق ایمان (عیسی) مسیح (۱۶:۲، ۲۲:۳؛ روم ۳:۲۲، ۲۶؛ فی ۳:۹) تمرکز یافته است. برداشت «از/ از طریق ایمان مسیح» (*ek/dia pisteos Christou*) را می توان به عنوان حالت اضافی مفعولی درک نمود، یعنی ایمان مسیحیان به مسیح، یا به عنوان حالت اضافی فاعلی، یعنی ایمان داشته یا تجلی یافته توسط مسیح. بحث هم چنین بیان ساده تر و معمولی تر «از ایمان» (*ek pisteōs*) را تحت تأثیر قرار می دهد.

ایمان در مسیح احتمالاً تفسیر معمولی تر است و می تواند توسط غلاطیان ۳:۲۶ حمایت شود که از حرف اضافه «در» استفاده می کند. در این تفسیر با وجودی که ایمان به آنچه خدا در مسیح انجام داده است، مخصوصاً از طریق مصلوب شدن و رستاخیز، را می توان به عنوان واکنشی دید که عادل شمردگی را به دنبال می آورد، شخص نیاز به تأکید دارد که خدا همین طور هم جواب می دهد. ایمان مسیح چیزی است که به عنوان وفاداری او به نقشه خدا درک می شود، وفاداری که عادل شمردگی را به دنبال می آورد. دیگران این تفسیر را ضعیف می یابند و ترجیح می دهند در مورد ایمانی فکر کنند که توسط عیسی در رفتن به سوی صلیب بدون حمایت قابل رؤیت الهی تجلی یافت، توصیفی که می تواند توسط بیان های درد و رنج عیسی در مرقس و متی و توسط عبرانیان ۸:۵ توجیه شود. مارتین معتقد بود که غلاطیان ۲:۲۰-۲۱ ایمان مسیح را در مرگ وفاداران او نشان می دهد. دیگران هم این دو رویکرد را ادغام کرده و پیشنهاد می کنند که ایمان مسیح که در مرگ او متجلی شده، از طریق ایمان به مسیح به پیروانش داده می شود. بررسی بحث در میان محققین و این سؤال که همه اینها برای درک پولس چه مفهومی دارد در مطالعه الهیات پولسی موضوعی اساسی است.

موضوعات و مسائلی برای تعمق

(۱) ادبیات قابل توجهی درباره مخالفین پولس در غلاطیه وجود دارد که حاوی پیشنهادات متفاوت برای شناسایی آنهاست. از اوایل قرن بیستم چند محقق استدلال کرده اند که پولس همزمان بر علیه دو گروه تلاش می نمود: مسیحیان یهودی از اورشلیم که اصرار داشتند که امتهای باید ختنه شوند (یهودی و یا غیریهودی)، و طرفداران لاابالی روح القدس که ادعا می کردند که ایمانداران می توانند خواهشهای جسمانی را ارضا کنند. به این گروه دوم است که پولس غلاطیان ۵:۱۶-۲۶ را خطاب کرده است. پیشنهاد دیگر این است که واعظین از خارج نیامدند بلکه از درون جامعه غلاطیان، مثلاً یهودیان مسیحی که غیریهودیان نامختون عضو جامعه را به مبارزه دعوت می کردند. و بازهم پیشنهاد دیگری این است که واعظین

گنوستیک ها بودند که از ختنه به عنوان رسمی عرفانی که غلاطیان را به سطحی عالی تر از تکامل می رساند، با و یا بدون شریعت (۶:۱۳)، طرفداری می نمودند. در داوری اکثریت، این پیشنهادات پیچیدگیهای غیرضروری را به وجود می آورد و از کنار این مدرک مهم می گذرد که یک گروه از واعظین یهودی مسیحی به غلاطیه آمدند و خواستار ختنه شدن غیریهودیانی که مسیحی شده بودند، شدند.

(۲) ما در صفحات قبل دیدیم که پولس و واعظین درباره تفسیر داستان ابراهیم/سارا/هاجر با یکدیگر اختلاف نظر داشتند، با توجه به اینکه چگونه آنها مضمون پیدایش ۱۲:۱۵ و ۱۷ را ادغام می نمودند (وعده خدا که در ابراهیم امتهای نیز برکت خواهند یافت، ایمان ابراهیم که برای او عدالت محسوب شد، و عهد ختنه). اینک هر دو، پولس و واعظین، در تفسیر عهدعتیق سبکی را به کار گرفته اند که از بسیاری از تفسیرهای کتاب مقدس امروزی کاملاً متفاوت است، اغلب بدین دلیل که تفسیرهای کتاب مقدسی آنها با وجودی که در یهودیت زمان خود کاملاً بجا بوده در قیاس با استانداردهای ما بسیار آزاد می باشد (فصل دوم، زیربخش D). تفاوت مابین تفسیرهای کتاب مقدسی قدیم و امروزی مورد قبول است، با وجود این بررسی این سؤال نیز ارزش دارد: کدام یک برای خوانندگان امروزی که عهدعتیق را تحت اللفظی معنی می کنند قانع کننده تر خواهد بود، کاربرد پولس یا واعظین از داستان ابراهیم درباره این موضوع که آیا ایمانداران غیریهودی در مسیح اگر مایل هستند که به عنوان فرزندان ابراهیم عادل شمرده شوند می باید ختنه شوند؟

(۳) گاهی، باز هم بر طبق استانداردهای امروزی، در استفاده پولس از عهدعتیق مشکلی وجود دارد به دلیل قرائت متنی در زمینه تفسیرهای او نمونه ای مشهور در این مورد قابل بررسی است، یعنی اشاره به ایمان در حبقوق ۲:۳-۴، عبارتی گنگ که با تنوع قابل توجهی در عهدعتیق عبری، عهدعتیق یونانی، طومارهای خطی بحرالْمیت، نامه به عبرانیان، و نقل قول های پولس در غلاطیان و رومیان ظاهر می شود. (a) برحسب متن عبری ماسورتیک (Masoretic)، نبی، که درباره بی عدالتی برضد فتوحات و پیروزیهای حدود ۶۰۰ قبل از میلاد نثو - بابلیها (کلدانها) شکایت می کند به او گفته می شود که منتظر رؤیایی باشد که مسلماً خواهد آمد حتی اگر تأخیر شود. برخلاف «جان مرد متکبر که در او راست نمی باشد، مرد عادل به ایمان خود زیست خواهد نمود»، احتمالاً به خاطر وفاداری او یا اعتمادی که به خدای عهد دارد. (b) ترجمه هفتادتنان حبقوق، با وجودی که از یک رؤیا صحبت می کند، می گوید که حتی اگر تأخیر کند، منتظر بمان، زیرا که او حتماً خواهد آمد، بدین ترتیب درک می شود که این رؤیا درباره کسی است که خواهد آمد، شاید پادشاه کلدانیان به عنوان ابزاری در دست خدا. خدا ناخشنود خواهد شد اگر آن کسی که در رؤیا است عقب نشینی کند، اما مرد عادل و صالح از وفاداری من زیست خواهد نمود، یعنی وفاداری خدا به وعده هایی که

داده است. (c) در نقد دست نوشته های بحرالمیت درباره حبقوق رؤیا توسط معلم صالح تعبیر می گردد و برای جماعتی از آنانی که شریعت را نگاه می دارند به کار برده می شود. آنها از جفا رهایی خواهند یافت «به دلیل اعمالشان و به دلیل وفاداری آنها به معلم عادل»، یعنی به دلیل رعایت کردن تفسیر شریعت توسط او. (d) نویسنده عبرانیان ۱۰:۳۷-۳۹ به پیروی از هفتادتنان با قدری تغییرات، ظاهراً تفسیر می کند که آن شخص که در رؤیا می آید عیسی است در آمدن ثانویه او. «مرد عادل من از ایمان زیست خواهد نمود» یعنی با وفادار بودن تا هنگام آمدن عیسی. (e) در غلاطیان ۳:۱۱ (رومیان ۱:۱۷) پولس می نویسد. «مرد عادل و صالح از [= از طریق] ایمان زیست می کند» تفسیر عبرانیان ۲:۳-۴ بدین معنی است که عادل به وسیله ایمان در وفاداری به عیسی مسیح زیست می کند.

(۴) عبارات قبلی بدین معنی است که بعضی از استدلالات پولس برای نظریه او درباره ایمان و شریعت ممکن است چندان قانع کننده نباشند. با وجودی که خود او آنها را ارائه می کند، ما اشتباه خواهیم کرد اگر فکر کنیم که او نظر خود را از آن استدلالات برداشت می کند. دیدگاه او بیانی است از انجیل که به توسط معلمین بشری به او داده نشده بلکه از طریق مکاشفه (*apokalypsis* آشکار سازی) عیسی مسیح (۱:۱۲). این مکاشفه به پولس دیدگاهی جدید داد که از طریق آن او می توانست ببیند که چگونه خدا با مصلوب شدن مسیح دنیا را مبدل ساخت، و در ۳:۲۳، ۲۵ او نمونه ای می دهد از اینکه چگونه نظر او تغییر نمود. بنابراین، با وجودی که او برخی از جمله پردازیهها و استدلالات در غلاطیان را در نور تبلیغات واعظین شکل داده، بسیاری از آنچه که او درباره مسیح، ایمان و آزادی تأیید می کند می توانست گفته شود حتی اگر واعظین هرگز وارد نمی شدند. جمع آوری پیام مثبت غلاطیان، بدون توجه به جر و بحثها در مورد آن، در درک کردن پولس بسیار مفید است. به طور خاص به تصریح مشهور مسیح شناسی در ۴:۴-۷ توجه کنید.

(۵) غلاطیان شریعت (۳۲ بار) و آزادی (۱۱ بار با لغت هم ریشه) را مقایسه می کند. یکی از جاذبه های پیام واعظین می توانسته راهنمایی های آشکار اخلاقی باشد که در شریعت نهفته است. آزادی جالب است اما نیاز به توصیف دارد، همان طور که ما هنگامی که آزادی از گناه، آزادی از شریعت، آزادی از وظیفه و کنترل، آزادی از انجام آنچه که شخص مایل است انجام دهد، و آزادی برای محبت و خدمت را ذکر می کنیم. آزادی می تواند سوء تعبیر شود، همان طوری که ظاهراً در غلاطیه انجام گردید. پولس از سوء درک از آزادی انتقاد می نماید (۵:۱۳) و به آنهایی که توسط روح القدس راه می روند و در «اعمال جسم» که او ذکر می کند (۵:۱۷-۲۱) درگیر نمی شوند هشدار می دهد. به طرز کنایه آمیز همین سخنان او نوعی راهنمای قانون شده برای مسیحیان در این نکات. در رسم شبانی، تأثیر متقابل مابین آزادی مسؤولانه و هدایت آشکار که هم مرز شریعت است چیست؟

(۶) در ذهن متمرکز بر فاجعه زمانهای آخر، همانند ذهن پولس، زمان کمی برای تغییر ساختارهای اجتماعی این دنیا وجود دارد. نتیجتاً تکذیب مشهور اختلاف مابین یهودی و یونانی، غلام و آزاد، زن و مرد (غلا ۳:۲۸) عمدتاً نظریه‌ای درباره یکسان بودن اجتماعی و سیاسی نیست. این اظهاریه یکسان بودن از طریق مسیح در نقشه نجات خداست: «شما همگی در مسیح عیسی یکی هستید». همین پولسی که آن را نوشت قادر بود نابرابری‌ها را در میان مسیحیان تأیید کند. اما امتهای شاخه زیتون بری هستند که به درخت بارور اسرائیل پیوند زده شده‌اند، آنهایی که در بردگی بودند هنگامی که به مسیح دعوت شدند باید در آن حالت باقی بمانند، به زنان نباید اجازه داده شود که در کلیساها سخن بگویند و آنها باید مطیع باشند (روم ۱۱:۲۴؛ ۱-۷ قرن ۲۰-۲۱، ۱۴:۳۴). به هر حال، بسیاری از مسیحیان پویایی و تحرکی در اظهار نظر پولس می‌یابند که می‌تواند و باید فراتر از رؤیای او برود.

(۷) قانون شرع عهدجدید مارسینون به شدت پولسی بود: لوقا و ده نامه پولسی (شروع با غلاطیان). نفی عهدعتیق توسط او و تمام میراث یهودیت به طور کلی به عنوان اقتباس شدید از پولس‌گرایی برداشت شده. مارتین جمله‌ای به یاد ماندنی از اُوریک نقل قول می‌کند «پولس تنها یک شاگرد داشت که او را درک می‌نمود، مارسینون، و این شاگرد او را غلط درک کرد». از طرفی دیگر یهودیان مسیحی قرن دوم از پولس به عنوان کسی که میراث یهودیت را از شکل انداخت و مانع موفقیت انجیل در میان یهودیها شد متنفر شدند. مطالعه غلاطیان برای یافتن اظهارنظری درباره شریعت که بتواند استبداد مارسینون و ضدیت بعدی یهودیان مسیحی را تغذیه کند، اجازه می‌دهد که شخص بفهمد که چگونه می‌توان کتب مقدسه را مطالعه کرد به شیوه‌ای که هرگز نویسنده حتی در رؤیا ندیده بود.

* * *

فصل بیستم

نامه به فیلیپیان

این جذاب ترین نامه پولسی است، که آشکارا بیش از هر نامه دیگر نشان دهنده محبت گرم رسول برای برادران و خواهران خود در مسیح است. در واقع، نامه به فیلیپیان را به عنوان نمونه ای از سخنوری دوستی طبقه بندی نموده اند. حاوی یکی از شناخته شده ترین و دوست داشتنی ترین توصیف های عهدجدید از مهربانی و بزرگواری مسیح است: کسی که خود را تهی ساخت و شکل خادم را بر خود گرفت، حتی به مرگ بر روی صلیب. با این همه، فیلیپیان درگیر مشکلاتی است که درباره آنها بسیار بحث شده. ما نمی توانیم مطمئن باشیم که پولس هنگامی که این نامه را نوشت در کجا بود و در نتیجه تاریخ تنظیم آن را نیز نمی دانیم. علاوه بر این ما درباره انسجام آن مطمئن نیستیم، زیرا بعضی ها این سند فعلی را به دو یا سه نامه در اصل متمایز تقسیم می کنند. اما بگذارید نامه را به صورتی که اینک وجود دارد مورد بحث قرار دهیم قبل از اینکه توجه خود را به چنین مباحثی معطوف کنیم، بعد از زمینه و تحلیل کلی نامه به فیلیپیان. زیربخش هایی به: سروده ها و سرودهای مسیح شناسی ۲: ۵-۱۱، از کجا و در چه زمان، اتحاد، موضوعات و مسائلی برای تعمق، و کتاب شناسی وقف خواهند شد.

زمینه

همان طوری که در بالا یادآوری کردیم، پولس به اتفاق سیلاس و تیموتائوس از استان آسیا (آسیای صغیر یا ترکیه امروزی) از طریق دریا به مکادونیه عبور نمود (اروپا، شمال یونان امروزی) در سالهای ۵۰-۵۱. پس از عبور از جزیره کوهستانی ساموتراس، در بندر ناپولیس فرود آمدند، جایی که جاده بزرگ رومی در امتداد مکادونیه، آگناتیا، راهی به سوی دریا داشت. مورد تردید است که از چنین جاده طولانی در این زمانهای اولیه امپراتوری همیشه به خوبی نگهداری می شده، به طوری که فیلیپی، که ده مایل داخل سرزمین آگناتیا قرار داشت، شدیداً متکی به تجارتی بود که از طریق جاده کوتاه فرعی از مدیترانه انجام می گرفت. این مکان، که مبشرین فوراً به آنجا رفتند، یک شهر مهم رومی بود، که یک قرن قبل (۴۲ قبل از میلاد) مارک آنتونی و اوکتاویان (آگوستوس)، بروتوس و کاسیوس، قاتلین سزار، را شکست داده و سربازان کهنه کار ارتش پیروزمند را مستقر ساخته بودند. پولس در اینجا انجیل را اعلام و اولین کلیسای خود در اروپا را تأسیس نمود (اع ۱۶: ۱۱-۱۵؛ فی ۴: ۱۵). تجلیلی از این بنیانگذاری تقریباً یک قرن بعد توسط پولیکارپ انجام می شود که (فی ۲: ۱) صحبت از ایمان ریشه دار فیلیپیان می کند، مشهور در گذشته و هنوز هم شکوفا.

خلاصه اطلاعات اساسی

تاریخ: حدود سال ۵۶ اگر از افسس (یا ۶۱-۶۳ از روم، یا ۵۸-۶۰ از قیصریه)
به: مسیحیان فیلیپی، مستعمره روم (اع ۱۷:۱۲) جایی که پس از نبردها در جنگ های داخلی (۴۲ قبل از میلاد) به سربازان قدیمی ارتش املاکی داده شد و همانند تسالونیکیه (به طرف غرب) یک شهر مهم تجاری در کنار «آگناتیا». توسط پولس حدود ۵۰ میلادی در «دومین سفر بشارتی» او مسیحی شده.

اصالت: به طور جدی مورد بحث نیست.

اتحاد: طبق تحقیقات: نامه به فیلیپیان از ادغام دو یا سه نامه تشکیل شده، اما می توان موردی جدی برای اتحاد مطرح کرد.

یکپارچگی: امروزه تئوری مهمی در رابطه با تحریف وجود ندارد. در گذشته، تحریف هایی مطرح شده بودند به دلایل الهیاتی: «اسقفان و شماسان» (۱:۱)، یا سرود مسیح شناسی (۲:۴-۱۱).

تقسیم بندی رسمی:

A. دستورالعمل افتتاحیه: ۱:۱-۲

B. شکرگزاری: ۱:۳-۱۱

C. متن نامه: ۱:۱۲-۴:۲۰ ترکیبی از وضعیت زندان پولس، اندرزها، اخطارها بر علیه معلمین کذبه، قدردانی برای فیلیپیان

D. دستورالعمل اختتامیه: ۴:۲۱-۲۳

تقسیم بندی برحسب محتوا:

۱:۱-۱۱: خطاب/سلام و درود و شکرگزاری

۱:۱۲-۲:۲۶: وضعیت پولس در زندان و دیدگاه او نسبت به مرگ

۱:۲۷-۲:۱۶: اندرز بر اساس نمونه مسیح (سرود مسیح شناسی)

۲:۱۷-۳:۱: توجه پولس به فیلیپیان و سفرهای بشارتی به سوی آنان

۳:۱-۴:۱: اخطارها بر علیه معلمین کذبه، رفتار خود پولس (یک نامه جداگانه؟)

۴:۲-۹: اندرز به افودیه و سنتیخی: اتحاد، خوشی، چیزهای عالی

۴:۱۰-۲۰: وضعیت پولس و هدایای سخاوتمندانه فیلیپیان

۴:۲۱-۲۳: خاتمه، درود و طلب برکت.

با خواندن اعمال ۱۶ شخص اقامت کوتاه و تا حدودی موفق در میان یهودیان و غیریهودیان را، با وجود ناراحتی اجتماعی، برداشت می کند. در ابتدا (۱۳:۱۶-۱۵) در کنار رودخانه ای در بیرون دروازه شهر، لیدیا یک زن تاجر از طباتیرا که ارغوان فروش و مجذوب یهودیت بود، «یک خداپرست»، همراه با اهل خانواده اش تعمید یافت و خانه خود را برای اقامت پولس عرضه نمود. این داستان به نظر می رسد که دقیقاً واقعیت های اجتماعی در فیلیپی را منعکس می کند، مخصوصاً نقش ممتازی که زنان ایفا می نمودند. بعضی تأییدها شاید در فیلیپیان ۲:۴ ارائه شود توسط اشاره پولس به دو زن افودیه و سنتیخی، که همکاران

او در دادن بشارت در آنجا بوده اند، اما اینک اختلاف دارند. وجود نام آنها و اَپفردتس و اکلیمنتس در ۲:۲۵، ۴:۳ از حضور درصد بالایی غیریهودیان در میان مسیحیان فیلیپی خبر می دهد.

در اعمال ۱۶:۱۶-۴۰ از تغییر ایمان بیشتری در فیلیپی گزارش شده. این واقعیت که پولس روحی پلید را از یک دختر برده پیشگو اخراج نموده بود موجب شد که صاحبان دختر او و سیلاس را به عنوان آشوبگر به جلوی مسند قضاوت محلی بیاورند. عجیب نیست که پولس دورانی را که در فیلیپی بود به عنوان «هنگامی که ما در آنجا زحمت کشیده و بی احترامی دیدیم» (۱-تسا ۲:۲) توصیف کند. با وجود این گرچه که آنها را برهنه کردند، شلاق زدند، و زندانی نمودند، هنگامی که زمین لرزه درهای زندان را باز کرد پولس و سیلاس از فرار خودداری نمودند، کاری که موجب تغییر ایمان زندانبان و خانواده او شد. نهایتاً مسوولین از بدرفتاری با شهروندان رومی عذر خواهی نمودند اما از آنها خواستند که آنجا را ترک کنند. بدین سبب آنها به سوی غرب، در امتداد اگناتیا، به طرف تسالونیکیه حرکت نمودند.^۱ در اینجا بیایید با هم به این نامه به «همه مقدسین در مسیح عیسی که در فیلیپی می باشند با اسقفان و شماسان» (۱:۱) نگاهی بیندازیم.

تحلیل کلی پیام

با وجودی که برخورد من با اکثر نامه های پولسی در ترتیب زمانی است، با پیروی از ساختار سنتی نامه، در اینجا و در اول تسالونیکیان به این دلیل که افکار پولس به گذشته و آینده انتقال می یابد پیشنهاد می کنم که خوانندگان نگاهی سریع به نامه بیندازند و پس از برداشتی سطحی از محتوای آنها به این تحلیل که برخی از موضوعات مهم را برجسته می سازد رجوع کنند.

آنهایی که در فیلیپی توسط پولس تغییر ایمان یافتند وارد شراکتی بی نظیر با او شدند (۵:۱) که از لحظه ای که او آنجا را به قصد تسالونیکیه ترک نمود (آنها چندین بار به آنجا هدایا فرستادند: فی ۴:۱۵-۱۶؛ نیز ۲-قرن ۱۱:۹) تا این لحظه که او در حال نوشتن نامه از زندان است تداوم یافت. فرستادن اِپفردتس توسط آنها به نزد پولس تأییدی جدید از وفاداری آنهاست، و اینک به دلیل نگرانی درباره سلامتی آن همکار ارزشمند، پولس او را

۱- اعمال ۱۷:۱. آیا پولس بار دیگر در فیلیپی بوده، مابین دیدار اول او و زمانی که نامه به فیلیپیان را نوشت؟ اگر او این نامه را از افسس نوشته، ما هیچ مدرکی نداریم که او دوباره در فیلیپی بوده، قبل از اینکه به افسس بیاید تا سه سال در آنجا بماند (۵۴-۵۶): اما او ممکن است زمانی که در افسس بوده از مکادونیه و فیلیپی نیز دیدار کرده باشد. اگر پولس نامه به فیلیپیان را از قیصریه یا روم نوشته (۵۸-۶۰ یا ۶۱-۶۳) پس او بعد از اقامتش در افسس در سر راه به قرن تنس به مکادونیه (حدود سال ۵۷، اع ۱۹:۲۱، ۲۰:۱؛ ۱-قرن ۱۶:۵؛ ۲-قرن ۱۳:۲، ۵:۷) و سپس دوباره (مخصوصاً به فیلیپی) بعد از اینکه او در قرن تنس بوده در سر راه خود به قیصریه و اورشلیم (حدود ۵۸، اعمال ۲۰:۳، ۶، رومیان ۱۵:۲۵-۲۶) رفته است.

پس می فرستد (۱۸:۴، ۲۵:۲-۲۶). پیوندی قوی از رفاقت این نامه را که بیانگر سپاسگزاری پولس است و فیلیپیان را آگاه نگاه می دارد، جلوه می بخشد. انسان نمی تواند کلمات پراحساس به فیلیپیان را به عنوان فقط فرم نامه ای ارزیابی کند که در زمینه ای نوشته شده که او را با امکان مرگ رو در رو می ساخت: «من شما را در دل خود می دارم» (۷:۱)؛ «خدا مرا شاهد است، که چقدر در محبت مسیح عیسی مشتاق همه شما هستم» (۸:۱)؛ «برادران (و خواهران) عزیز و مورد اشتیاق من، شادی و تاج من» (۱:۴). این نامه علاوه بر تأیید قوی دوستی و سپاسگزاری، که ممکن است انگیزه اصلی برای نوشتن نامه تلقی شود، اشارات مهمی دارد در مورد دیدگاه پولس از زندان و وضعیت در فیلیپی که می بایستی در نظر گرفته شود.

دیدگاه پولس از زندان: نامه بازتاب تفکراتی است که به وسیله زندانی شدن پولس، به خاطر موعظه کردن به انجیل، بر وی تحمیل شده است. اولاً، او علیرغم آنچه که به او تحمیل می شود نومید و مأیوس نیست. وضعیت زندان او با وجودی که به دلیل اتهامات رسمی و وجود نگهبانان مشکل شده است، انجیل را پیش می برد، زیرا او آشکارا برای مسیح متحمل درد و رنج است (۱۲:۱-۱۳، ۸:۳) و دیگران به سرمشق از او جسارت می یابند تا بدون ترس موعظه کنند (۱۴:۱). متأسفانه بعضی ها این کار را در روحیه رقابت برای سبقت گرفتن بر پولس انجام می دهند (۱۵:۱)^۲ و او برای چنین رقابتهایی هم در فیلیپیان ۱:۱۸ و هم در اول قرنطیان ۱:۱۳، ۳:۵-۹ ابراز تنفر می کند. مهم نیست که واعظ چه کسی باشد، تنها چیزی که اهمیت دارد این است که به مسیح موعظه شود.

ثانیاً، تعمق بر مرگ به دلیل وضعیت جاری بر پولس مستولی شده، چنان که هم در فیلیپیان و هم در نامه به قرنطیان بر آن شهادت داده شده است. قبلاً در اول تسالونی ۴:۱۷ پولس از زبان «ما که زنده هستیم» در رابطه با آمدن مسیح استفاده نمود. اگر این یک «ما» ویراستاری نباشد پولس انتظار داشت که تا آمدن دوباره مسیح باقی بماند. اما در فیلیپیان ۱:۲۰-۲۶ او با امکان مردن دست و پنجه نرم می کند (۲-قرن ۵:۱-۱۰) و می کوشد تا تصمیم بگیرد که آیا دسترسی فوری به مسیح که از طریق مرگ فراهم می شود بهتر است از ادامه فعالیت بشارتی و اعلام به مسیح؟ در فیلیپیان ۳:۱۰-۱۱ پولس از سهمین شدن در درد و رنج مسیح صحبت می کند «مگر به هر وجه به قیامت از مردگان برسم» - آیا او درباره شهادت تعمق می کند؟

۲- رقابت مابین واعظین یا حداقل مابین پیروان آنها به نظر می رسد در این جوامع اولیه امری متداول بوده. برحسب اول قرنطیان ۱:۱۱-۱۲ گروههایی در قرنطس در اطراف پولس، آپلس و کیفا (بطرس) جمع شده بودند. اعمال ۱۸:۲۴-۲۸ گزارش می کند که درست قبل از اینکه پولس برای سه سال اقامت به افسس بیاید (۵۴-۵۶) آپلس آنجا بوده (و سپس به قرنطس رفته است ۱:۱۹).

وضعیت در فیلیپی: پولس مایل است که مسیحیان فیلیپی بی‌عیب باشند، مثل نور در میان نسلی کج رو و گردنکش بدرخشند و محکم به کلمه حیات بچسبند، تا اینکه او بدانند که به عبث ندویده است (فی ۲: ۱۴-۱۶). پولس مایل است بشنود که آنها همگی در یک روح محکم و استوار ایستاده‌اند، و با یک ذهن برای ایمان انجیل تلاش می‌کنند. یک *Koinonia* در روح القدس (۱: ۲۷، ۲: ۱). با وجود این کسانی هستند که کلیسای فیلیپیان را زحمت می‌رسانند. چند گروه از اینها را پولس در فکر خود دارد؟ حداقل سه دیدگاه شاخص در متن مورد انتقاد قرار گرفته است.

اولاً، مشاجره‌ای داخلی در فیلیپی وجود دارد، میان حتی‌انتهایی مانند افودیه و سنتیخی که در کنار پولس زحمت کشیده‌اند (۲: ۴-۳). دلیل مشاجره مشخص نیست، اما با توجه به طبع بشری احتمالاً بازتاب تکبر و فقدان فروتنی است که پولس آن را محکوم می‌کند (۲: ۲-۴). در واقع، این برضد تکبر و پیش بردن سود شخصی است که پولس در سرود مسیح‌شناسی ۲: ۵-۱۱ مسیح را به عنوان نمونه‌ای از خدمت و از خودگذشتگی معرفی می‌کند.

ثانیاً، جدا از طرفداران که با پولس کار کرده‌اند، مخالفتی خارجی نسبت به مسیحیان فیلیپی وجود دارد که موجب می‌شود آنها متحمل مصائبی بشوند (۱: ۲۸-۲۹). ظاهراً این ادامه نوعی آزار است که خود پولس دچار آن بوده هنگامی که برای اولین بار به اینجا آمد و در افسس نیز آن را تجربه نموده بود (۱: ۳۰، اع ۱۹: ۲۳-۲۰: ۱)، یعنی مردم که درباره تعلیم عجیب مسیحیان شکایت می‌نمودند به این دلیل که خدایان را به رسمیت نمی‌شناسد، و از مسوولین درخواست می‌کنند که آنها را دستگیر یا اخراج نمایند. کاری برعلیه چنین بی‌عدالتی نمی‌توان انجام داد، ولی خدا بر آن غلبه خواهد کرد.

ثالثاً، عاملان شریر در آنجا هستند (۳: ۲-۳) که پولس آنها را سگان می‌نامد، و فیلیپیان باید مواظب آنها باشند. آنها جسم را مثله می‌کنند، ظاهراً به وسیله ختنه کردن؛ و ایمانداران به عیسی که در روح پرستش می‌کنند نباید به چنین تأکید بر جسم اعتقاد یابند. پولس می‌تواند با توصیف صلاحیت بی‌نقص یهودی خود این مخالفین را رد کند. با وجودی که او تمام آنها را هنگامی که با سود عالی شناخت مسیح عیسی خداوند مقایسه می‌کند، زیان می‌داند (۳: ۴-۱۱). ما در اینجا از حمله پولس در غلاطیان، به‌انتهایی که اصرار بر ختنه داشتند، یعنی یهودیان مسیحی، دور نیستیم. بعضی‌ها فکر می‌کنند که این قطعه فیلیپیان اختطاری همگانی است برای موردی که چنین افرادی ظاهر شوند؛ زیرا، اگر آنها هم اکنون در فیلیپی در حال عمل بودند، پولس قسمت بیشتری از نامه را وقف آنان می‌نمود. یا اینکه آنها به تازگی در تعدادی محدود در فیلیپی حضور یافته‌اند، در حالی که در غلاطیان آنها موفقیت بزرگی داشتند.

آنچه که تشخیص بیشتر این گروه سوم مخالفین را پیچیده تر می کند تمایل محققین به تفسیر بخشهای دیگر باب سوم است. قبل از اینکه وارد جزئیات شویم، خوانندگان لازم است درباره چنین استفاده ای از باب سوم برای بازسازی یک وضعیت تاریخی احتیاط کنند، زیرا این تشابه موضوعی خاصی را به پیام مسیح شناسی باب دوم نشان می دهد (این تشابه این شک را به وجود می آورد که باب سوم در اصل نامه ای جداگانه بوده، همچنان که بسیاری از محققین عقیده دارند). همین طور که پولس همین گونه که از فیلیپیان در خواست می کند که «همین فکر در شما باشد که در مسیح عیسی نیز بود» (۵:۲) می تواند به آنها بگوید «به من ملحق شوید» (۱۷:۳). در شباهت به مسیح که در صورت خدا بود و خود را تهی ساخت و شکل خادم را بر خود گرفت، پولس نیز که زمانی به اصالت جسمانی خود به عنوان یک اسرائیلی ختنه شده و فریسی بی عیب اعتماد داشت، همه این چیزها را به خاطر مسیح فضلہ شمرد (۳:۴-۹). و همین طور که مسیح بالا برده شد، پولس نیز، که تأکید می کند که هنوز به کمال نرسیده، به سوی خدا در مسیح عیسی بطرف بالا می شتابد (۳:۱۲-۱۴).

آیا اذعان پولس به ناکامل بودن دلیل قانع کننده ای است برای ارائه این تئوری که مخالفین او تعلیمات گنوستیک داشته اند، و ادعا می کرده اند که کامل هستند و به آخرت شناسی بنیادین که در آن مسیح پیش از این آمده بود اقرار می کردند؟ در ۱۸:۳-۱۹ پولس اخطاری را تکرار می کند که در زمانهای گذشته داده بود درباره کسانی که به عنوان دشمنان صلیب مسیح زندگی می کنند، و شکم را خدای خود می سازند و اذهان خود را بر چیزهای دنیوی قرار می دهند (به طور تلویحی نه مانند مسیح که به چیزهای آسمانی سرفراز شده است ۲:۹-۱۱). آیا این افراد همان کسانی هستند که در ۳:۲-۳ به عنوان عاملان یهودی شریر توصیف شده اند که بر رعایت قوانین تغذیه موسی تأکید می کنند و به مختون بودن خود فخر می فروشند؟ (با وجود این به نظر می رسد اخطار در ۳:۲-۳ بر علیه خطری جدید باشد). یا این محکومیت کلی افرادی لایابالی و هرزه است بر اساس غیرقابل اجتناب بودن تمایلات بی قید و بند انسانی - یک اتهام معمولی و نه الزاماً خاص؟ عدم توانایی ما به جواب دادن به این سوالات درباره ۱۲:۳ و ۱۸:۳-۱۹ ما را بر علیه پیچیده کردن محکومیت آشکار مخالفین در ۳:۲-۳ که سعی می کنند تا تأکید را بر ختنه بگذارند و فیلیپیان را سردرگم کنند محتاط می سازد. به هر حال، از آنجا که بیشتر آنچه که پولس درباره خود و دیدگاه خود در باب سوم می گوید ارزش خود را دارا است بدون توجه به اینکه مخالفین چه کسانی و تا چه حد مشخص بوده اند، و اینکه توصیف آنها در آیات نسبتاً معدودی آمده است، تصمیمی درباره آنها برای خواندن هوشمندانه فیلیپیان ضروری نیست.

سرودها در نامه‌های عهدجدید و سرود مسیح شناسی در ۲: ۵-۱۱

سروده‌های مذهبی در نامه‌های عهدجدید. با وجودی که اشاراتی به خواندن «مزامیر و سروده‌ها و آوازهای روحانی» توسط مسیحیان وجود دارد، عهدجدید حاوی کتابی از سروده‌های جمع‌آوری شده شبیه به کتاب مزامیر عهدعتیق، *Hodayot* در طومارهای بحرالْمیت و یا *مزامیر سلیمان* (فریسی) نیست. بلکه سروده‌های مذهبی مسیحیان و سروده‌ها در نوشته‌های بزرگتر از نوع دیگر ضمیمه شده‌اند، مثلاً در انجیل، نامه، رؤیای مربوط به آخر زمان (مقایسه کنید با ۱- مک ۳۰: ۳۳-۳۰؛ ۲- مک ۱: ۲۴-۲۹). بعضی وقتها سروده‌ها و آوازهای عهدجدید به وضوح مشخص شده، همانند آواز آسمانی در مکاشفه ۸: ۴، ۱۰-۱۱، ۹: ۵. سروده‌های توصیف دوران طفولیت در انجیل لوقا، با این که به عنوان آواز مشخص نشده‌اند، از متن محیط به عنوان الهام الهی یا ستایش کنار گذاشته شده‌اند.

در قلب نامه‌ها گاهی سروده‌هایی به هم بافته شده‌اند که فقط توسط بررسی‌های تحقیقاتی قابل شناسایی هستند. اغلب هیچ چیز در متن نامه بیان نمی‌کند که سرودی ارائه و یا نقل قول می‌شود، گرچه گاهی سرود ادغام شده با متن نامه همگونی ندارد. برای کشف یک سرود عوامل ذیل پیشنهاد می‌شود:

(a) محیط ستایشی، مثلاً، زمینه تعمیدی پیشنهادی برای افسسیان ۵: ۱۴ و سروده‌های اول

پطرس.

(b) دستورالعمل مقدمه‌ای، مثلاً: «گفته شده» در افسسیان ۵: ۱۴؛ «ما اقرار می‌کنیم» در اول تیموتائوس ۳: ۱۶؛ یا در مورد سروده‌های مسیح شناسی توسط ضمیر نسبی، «آن کسی که ...» (فی ۲: ۶؛ کول ۱: ۱۵؛ ۱- تیمو ۴: ۱۶)، بندی ارائه گردیده که توسط حروف ربطی ادامه یافته.

(c) سبک موزون، طرح‌ها، سطرها، و یا بندگردان‌ها با طول برابر، مثلاً یک سری از شش فعل ماضی مجهول در اول تیموتائوس ۳: ۱۶، توصیف‌های مشابه از پسر خدا در کولسیان ۱: ۱۵-۱۶ و ۱: ۱۸-۱۹. این شعر فاقد قافیه، و در واقع به عقیده بعضی‌ها سروده‌ای منثور است.

(d) واژگانی متفاوت از آنچه معمولاً توسط نویسندگان یک رساله استفاده می‌شود.

(e) نه ملاک اما اغلب مشخصه یک سروده، مسیح شناسی عالی است، مثلاً توصیف کلمه خدا در یوحنا ۱: ۱؛ یا توصیف پسر به عنوان آن کسی که، برای او، و از طریق او همه چیز خلق شد (کول ۱: ۱۶)؛ یا توصیف مسیح عیسی به عنوان کسی که به او نامی بالاتر از هر نام دیگر داده شده (فی ۲: ۹). در میان موضوعاتی که در مسیح شناسی شاخص هستند: خلقت، مبارزه برعلیه شیطان که موجب بازگشت می‌شود، و مرگ عیسی که منجر به رستاخیز می‌گردد (تمجید، بر تخت نشاندن). مزمو ۱۰: ۱ «خداوند به خداوند من گفت، به دست راست

من بنشین»، نقشی است در تعدادی از سروده‌ها (روم ۸:۳۴؛ افس ۱:۲۰-۲۲:۱-۱ پتر ۳:۲۲)، احتمالاً بر این اساس که مزامیر عهدعتیق را می‌توان به عنوان خطابه‌ای به مسیح دید (عبر ۱:۵، ۸:۱۳). برخی از سروده‌ها که خطاب به مسیح است به سروده‌هایی برای خدا شباهت دارند. کولسیان ۳:۱۶ مزامیر و سروده‌ها را به تعلیم کلام مسیح ارتباط می‌دهد و بدین ترتیب آنها ابزارهای اولیه در مسیح‌شناسی انجیل می‌شوند.

(f) مشخصه دیگر اضافات آزادانه بندها یا جملات توضیحی به سروده‌های سنتی در هنگام تنظیم است تا بتوان آنها را مستقیماً در موضوع مورد نظر نویسنده به کار گرفت.

معیار به آسانی قابل اعمال نیست و در نتیجه کشف سروده‌ها «علمی» غیردقیق است. این در بحثهای گزارش شده در مورد تک تک سروده‌ها نشان داده می‌شود. بحثهایی در این رابطه که آنها کجا پایان می‌یابند و چگونه باید آنها را تقسیم نمود و یا کدام سطور اصلی هستند. علاوه بر این خط مرزی مابین سروده‌ها و فرمول‌های اقراری (مثلاً اول قرن‌تینان ۱۵:۳-۸) یا دعا و حمد (مثلاً اول تیموتائوس ۶:۱۵-۱۶) واضح نیست. در ذیل لیستی از سروده‌هایی را که اغلب توسط محققین در نامه‌های عهدجدید کشف شده مشاهده می‌نماییم؛ این لیست ادعای کامل بودن ندارد، و آنهایی که با ستاره مشخص شده‌اند بیشتر مورد توافق همگان هستند:

عبرانیان ۱:۳	کول ۱:۱۵-۲۰*	فیل ۲:۶-۱۱*
۱- پتر ۱:۳-۵	افس ۱:۳-۱۴*	۱- قرن ۱۳
۱- پتر ۱:۱۸-۲۱	افس ۱:۲۰-۲۳	روم ۳:۲۴-۲۶
۱- پتر ۲:۲۱-۲۵	افس ۲:۱۴-۱۸ (۲۲)	روم ۱:۶-۱۱
۱- پتر ۳:۱۸-۲۲	افس ۵:۱۴*	روم ۸:۳۱-۳۹
	تیطس ۳:۴-۷	روم ۱۱:۳۳-۳۶
	۱- تیمو ۳:۱۶*	
	۲- تیمو ۲:۱۱-۱۳*	

زمینه‌های مختلفی برای تشکیل چنین سروده‌هایی پیشنهاد شده‌اند. در میان مشابه‌های بت پرستان: سرودهای آرفیک (قرون پنجم تا چهارم قبل از میلاد)، سرود ایسیس (قرن دوم قبل از میلاد)، و نیایش میترائی مهم‌ترین می‌باشند. زمینه یهودی ارائه شده توسط اشعار حکمت در عهدعتیق (مثلاً امث ۱:۲۰-۳۳، ۸-۹؛ بنسی ۲۴؛ حک ۷:۲۲؛ بار ۳:۹) جایی که قبل از خلقت جهان حکمت توسط خدا خلق و یا صادر گشته و سپس نزول می‌کند تا در میان موجودات بشری ساکن شود، و به آنها غذا و نوشابه شناخت خدا را ارائه می‌کند. این تصویر حکمت عنصری مهم در تشکیل مسیح‌شناسی عهدجدید بود.

سرود مسیح شناسی در ۲: ۵-۱۱. این توصیف مسیح به عنوان خادم که می بایستی از او تقلید کرد مشهورترین عبارت در فیلیپیان است (درواقع در میان به یاد ماندنی ترین سطورى که توسط رسول نوشته شد). ادبیات زیادی وقف آن شده است، و یک بررسی دقیق در ورای امکانات این کتاب مقدمه ای است. با وجود این اینها نکاتی هستند که ارزش اشاره شدن را دارند:

* بسیاری فکر می کنند که این سطور را پولس نوشته ولی او خود آنها را نسروده، و آنها احتمالاً سروده های قبل از پولس هستند که فیلیپیان می شناخته اند و پولس هم ممکن است در اولین دیدار خود به آنها تعلیم داده باشد.

* ساختار سرود بحث شده است، مثلاً شش بندگردان با هر کدام سه سطر یا سه بندبرگردان هر کدام چهار سطر. سرود در جریان الهیاتی خود دارای دو قسمت است، با موضوع فروتنی/خواری در ۲: ۶-۸ و تمجید در ۲: ۹-۱۱.

* پیشنهادات درباره زمینه سرود (به طور انحصاری یا در ترکیب) شامل: تعمق های گنوستیک درباره بشر نخستین، داستان پیدایش درباره آدم و حدسیاتی درباره آدم دوم، تصویر پردازی خادم رنج دیده در اشعیای دوم، و تجسم حکمت الهی در یهودیت بعد از تبعید است. رابطه ای با عهدعتیق آشکار است؛ اشارات پیشنهاد شده دیگر واضح نیستند.

* این موضوع نیز مورد بحث قرار گرفته که آیا سرود در اصل به زبان یونانی تنظیم شده بود، احتمالاً با منشأ آن در مأموریت برای مسیحی کردن یهودیان یونانی زبان، یا به زبان آرامی با منشأ آن در عمل بشارتی فلسطینی. مورد اخیر می تواند قابل قبول باشد و این امکان که پولس سرود را در اواخر دهه سی، در اولین سالهای بعد از تبدیل ایمان خود، فراگرفت.

* بحث درباره تمرکز دقیق مسیح شناسی بر ۲: ۶-۷ متمرکز است: مسیح عیسی «که در صورت [morphe] خدا بود، فکر نکرد که با خدا برابر است، یک harpagmon [دستاویز]، بلکه خود را تهی ساخت و صورت غلام را پذیرفت و به شباهت انسان گردید [یا متولد شده]». «به شباهت خدا بودن» همان برابر بودن با خداست و بدین ترتیب خلقت نیافتن (همانگونه که در مقدمه یوحناپی «کلمه خدا بود»)، یا به معنی به صورت/شباهت خدا بودن (همانند پیدایش ۱: ۲۷): «خدا انسان را به صورت خود خلق نمود» و بنابراین پایین تر از با خدا برابر بودن؟ به همین نسبت آیا مسیح عیسی هم اکنون با خدا برابر بود اما به آن نچسبید، یا اینکه به او این امکان داده شد که با خدا برابر شود ولی او این را غنیمت نشمرد (کاری که آدم کرد هنگامی که توسط شیطان در پیدایش ۳: ۵ وسوسه شد: «تو همانند خدایان خواهی بود»؟ آیا گرایش در سرود، از مسیح به ابتدا شکل خدا بودن (یعنی برابر با خدا) به بعداً به انسان تبدیل شدن و بدین سبب صورت غلام پذیرفتن است؟ یا اینکه سرود با مسیح که همزمان، هم به (شکل) خدا (که همانند برابر بودن با خدا نیست)، و بشر بود به صورت

یک غلام شروع می شود، و آیا گرایش به پذیرفتن صورت غلام است یا به برابر بودن با خدا؟ به کلامی دیگر آیا سرود جسم پوشی همانند مقدمه یوحناپی، یک شخصیت الهی را فرض می کند یا اینکه یک بازی است با دو شخصیت انسانی (یعنی مدل‌های اصلی انسانی). آدم که در پیدایش به صورت خدا بود ولی، به دلیل جاه طلبی برای بالاتر رفتن، از طریق گناه خود پایین تر رفت و مسیح که به صورت خدا بود، به وسیله انتخاب از روی فروتنی برای پایین تر رفتن، در نهایت با دریافت نام الهی (۲:۹-۱۱) رفیع شد؟ اگر سرود، سرود جسم یابی است و به زبان آرامی در سالهای دهه سی تنظیم شده، در واقع عالی ترین نمونه مسیح شناسی عهدجدید از همان ابتدا تدوین یافته بوده.

* با وجودی که سرود، سرود مسیح شناسی است، موضوع آن نجات و رستگاری می باشد، یعنی درخواست و تشویق می کند که مخاطبین برای نجات خودشان از مسیح متعال پیروی کنند. فیلیپیان به جای اینکه به دنبال منافع خود باشند و سعی کنند خودشان را بهتر بسازند (۲:۳-۴)، می بایستی فکر مسیح را داشته باشند که نشان داد که راه به سوی خدا چنگ زدن بر مقامی رفیع تر بر روی نردبان نیست (حرکت به سوی بالا) بلکه اطاعت فروتنانه از خدا، حتی تا به مرگ بر روی صلیب است.

از کجا و چه زمان؟

- ما اخبار ذیل را که نشان دهنده وضعیت پولس در هنگامی است که نامه را می نوشت از خود فیلیپیان برداشت می کنیم.
- (a*) او در زندان بود (۱ و ۱۳ و ۱۷)
- (b) جایی که او زندانی بود اعضای فوج خاص (۱:۱۳) و مسیحیان در میان اهل «خانه قیصر» (۴:۲۲) نیز بودند.
- (c) پولس این امکان را ذکر می کند که ممکن است او بمیرد (۱:۱۹-۲۱، ۲:۱۷): آن هم قریب الوقوع چون محکومیت منجر به زندانی شدن او شده است؟ یا اینکه این سرنوشت همیشه ممکن یک مبشر است؟
- (d*) او هم چنین امیدوار است که رهایی یابد (۱:۲۴-۲۵، ۲:۲۵).
- (e*) تیموتائوس با پولس بود (۱:۱، ۲:۱۹-۲۳).
- (f) مسیحیانی با انگیزه های متفاوت در این ناحیه، که بعضی از آنها نسبت به پولس حسود هستند، جسارت یافته اند تا در مورد کلام خدا صحبت کنند (۱:۱۴-۱۸).
- (g) تماسهای مکرری میان پولس و فیلیپیان از طریق پیام رسانها برقرار شده است:
- ۱- در مورد زندانی شدن پولس به فیلیپیان خبر رسیده است.

- ۲- آنها اپفردتس را با هدیه ای فرستادند (۱۵:۴) اما او هنگام اقامت با پولس بیمار شد، و تا یک قدمی مرگ رفت (۲۶:۲ و ۳۰).
- ۳- در مورد بیماری اپفردتس به فیلیپیان خبر رسید.
- ۴- اپفردتس شنید که این اخبار موجب پریشانی فیلیپیان شده است.
- ۵- پولس، اپفردتس را به نزد فیلیپیان پس فرستاده بود و یا اینک می فرستد (۲۵:۲-۳۰).
- ۶- پولس امیدوار است بزودی تیموتائوس را بفرستد (۱۹:۲-۲۳)، و در واقع خودش هم بیاید (۲۴:۲).

کدام اماکن در روند شغلی شناخته شده پولس با این جزئیات جور در می آیند؟

قیصریه (۵۸-۶۰) - ابتدا در ۱۷۹۹ پیشنهاد شده. اعمال ۲۳:۲۳-۳۳:۲۶-۳۲:۲۶ توصیف می کند که چگونه پولس پس از اینکه در اورشلیم دستگیر شد، به قیصریه برده شد، در برابر فلیکس محاکمه گردید و سپس زندانی شد، و دو سال در آنجا ماند تا والی جدید، فستوس مورد او را بررسی نمود و او را به روم فرستاد. جزئیات a, b, c, d در بالا با این وضعیت جور در می آیند، مخصوصاً حدود سال ۶۰ هنگامی که فلیکس به پولس امید رهایی داد. اما درباره e، تیموتائوس با پولس به طرف اورشلیم راه می افتد و تا ترواس پیش می رود (۲۰:۴-۵)، اما ما دیگر در مورد او در اعمال چیزی نمی شنویم. بنابراین آیا باید فکر کنیم که او به اورشلیم و قیصریه رفت و دو سال در آنجا با پولس ماند؟ و به موجب f آیا زندانی شدن پولس جرقه فعالیت بشارتی در میان مسیحیان قیصریه، که از آنها ما قبلاً در اعمال ۸:۲۱-۱۴ شنیده ایم، در رقابت با او زد، با وجودی که به نظر می رسد همه آنها نسبت به پولس حسن نظر داشته باشند؟ بزرگترین مشکل مربوط به بند g است. فیلیپی حدود ۹۰۰-۱۰۰۰ مایل از قیصریه از طریق مسیر دریایی فاصله دارد و بسیار بیشتر از ۱۰۰۰ مایل از طریق راه خشکی صعب العبور. آیا تمام آن سفرها از قیصریه به فیلیپی و برگشت عاقلانه است؟^۳

روم (۶۱-۶۳). اعمال ۱۶:۲۸ و ۳۰ گزارش می کند که پولس که به روم آورده شده بود در حالت نوعی بازداشت خانگی باقی ماند (خودش تنها، با یک سرباز برای نگهبانی او)، برای دو سال با هزینه خود، و به او اجازه موعظه داده شد. همانند قیصریه، جزئیات a, b, c, d می تواند با روم هم مطابقت بیاید، در واقع b می تواند برای روم مناسب تر باشد.

۳- می توان زندانی شدن پولس را بعد از ورود اپفردتس در نظر گرفت، که فیلیپیان هدیه ای ارسال کرده بودند تا به فعالیت بشارتی پولس کمک کنند (همانند هدایایی که برای او در تسالونیکه فرستاده شده بود [فیلیپیان ۴:۱۶]).

۴- نقشه اصلی پولس این بود که از اورشلیم به روم و اسپانیا برود (روم ۱۵:۲۴-۲۸): و اگر او از قیصریه آزاد شده بود، فیلیپی در سر راه او بود به شرطی که می خواسته به دیدار کلیساهایی در سواحل آسیای صغیر و در یونان که او قبلاً به آنها بشارت داده بوده، برود. با وجود این باید به یاد آوریم که نویسنده اعمال که تنها منبع اطلاعاتی ما برای زندانی شدن در پولس قیصریه است، پولس را اینگونه به تصویر می کشد که دیگر امیدی نداشته که بتواند روزی به آن منطقه در آسیای صغیر بازگردد (اع ۲۵:۲۰، ۳۸).

اما در مورد e هیچ مدرکی در اعمال وجود ندارد که تیموتائوس در سالهای ۶۱-۶۳ در روم با پولس بوده است و فاصله زمانی از آخرین اشاره به او (در ترواس) بیشتر است، اما f در روم به آسانی قابل انجام است، زیرا در اعمال به موعظه خود پولس اشاره شده و ما از رومیان ۱۴ و ۱۶:۱۷-۱۸ می دانیم که مسیحیان آنجا نظریات متفاوتی داشتند. باز هم بزرگترین مشکل در رابطه با g است. از روم به فیلیپی راه خشکی به طرف جنوب شرقی امتداد می یابد و پس از عبور از دریای آدریاتیک به مکادونیه، و در امتداد جاده آگناتیا به فیلیپی می رسد، مسافتی بیش از تقریباً ۷۰۰ مایل؛ و یک سفر دریایی در امتداد سواحل غربی ایتالیا، پس از عبور از دریای آدریاتیک و گذشتن از تنگه قرننس در امتداد ساحل شرقی یونان (مسیری که احتمالاً مبشرین می بایستی طی کنند اگر می خواستند از کلیسای پولسی در قرننس دیدار کنند) به فیلیپی می رسد، چیزی حدود بیش از ۹۰۰ مایل. مسافت با وجودی که کوتاه تر از آنهایی هستند که در فرضیه قیصریه عنوان شده، هنوز هم مشکلات عظیمی برای تعدد سفرها که برای توجیه مدرک نامه لازم است به وجود می آورند.

افسس (۵۴-۵۶) - در اوائل قرن بیستم پیشنهاد شده. در اینجا a مسئله است، زیرا ما هیچ دلیل مشخصی نداریم که پولس در افسس در زندان بوده است. با وجود این طی این دوره سه ساله اقامت در آنجا، اعمال ۱۹:۲۳-۴۱ به شورشی اشاره می کند که در آن همراهان پولس را به جلوی مسند والی کشانند، و خود پولس صحبت می کند از اینکه در افسس در موقعیتی که زندگی او در معرض تهدید بوده با «حیوانات وحشی» جنگیده است (۱-قرن ۱۵:۳۲) و تقریباً نزدیک بوده که حکم مرگ را زمانی که در آسیا بوده دریافت کند (۲-قرن ۱:۸-۱۰). همین طور در دوم قرن تیان ۵:۶، ۱۱:۲۳ (قبل از اینکه او در قیصریه و در روم زندانی شود نوشته شده) پولس می گوید که تاکنون زندانی شدنهای زیادی را تجربه کرده است. بنابراین زندانی شدن در افسس نیز امکانی شاخص است، و در این صورت f,d,c,b مشکل ساز نخواهند بود. اما در رابطه با e، تیموتائوس قطعاً با پولس در افسس بوده (۱-قرن ۴:۱۷، ۱۰:۱۶؛ اع ۱۹:۲۲)؛ همچنین جزئیات در g بیشتر با افسس مطابقت دارد تا با قیصریه یا روم. از افسس به فیلیپی یک مسیر دریایی مستقیم وجود دارد، یا از طریق خشکی به ترواس و سپس از طریق دریا به فیلیپی می رسد، و فقط حدود ۴۰۰ مایل می باشد که هفت تا نه روز طول می کشد. از این گذشته اشارات به تیموتائوس که عنوان شد نشان می دهد که پولس هنگامی که در افسس بود افرادی را به مکادونیه فرستاد. مخالفتی با تئوری افسس این است که در نامه اول به قرنتیان که از افسس فرستاده شده، اشاره ای به یک جمع آوری پول توسط پولس می شود که می بایستی برای کلیسای اورشلیم برده شود، کاری که در

تمام سرزمین مورد بشارت توسط پولس انجام می‌شد، اما در نامه به فیلیپیان و نیز در غلاطیان (یا)، که در افسس نوشته شده، به این موضوع اشاره‌ای نمی‌شود،^۵ با وجودی که هدایای جمع‌آوری شده به ناحیه غلاطیه برده می‌شود (۱-قرن ۱۶:۱). اقامت پولس در افسس و سفر بعدی او به قرنتس (که از آن جا به اورشلیم خواهد رفت) چهار سال به طول می‌انجامد. جمع‌آوری و بردن هدایا به اورشلیم در طول تمام این دوران موضوعی عجولانه نبوده است، مخصوصاً اگر در طی این زمان او در افسس زندانی بوده و ممکن بوده که بمیرد (آشکارا بدون اینکه به اورشلیم برود) احتمالاً در اواخر دوران اقامت در افسس هنگامی که پولس از زندان آزاد می‌شود و می‌تواند نقشه سفرهای خود را بکشد، و یک بار دیگر نیز هنگامی که او افسس را ترک کرده و از طریق مکادونیه به قرنتس سفر می‌نمود (ر. ک ۲-قرن ۸-۹؛ روم ۱۵:۲۶-۲۸ مراجعه کنید). در این زمان که مسیحیان مکادونیه کمک کردند)، هدایا با عجله جمع‌آوری شده است. در واقع استدلال جمع‌آوری پول به نفع افسس کار می‌کند با تاریخی حدود سال ۵۵. اگر نامه به فیلیپیان در قیصریه یا روم نوشته شده بود، این جمع‌آوری موفق تاریخی مربوط به گذشته می‌بود، پس چرا پولس در تکرار خاطره سخاوتمندی فیلیپیان در فیلیپیان ۴:۱۰-۱۲ اشاره‌ای به کمک‌های آنان نمی‌کند؟ علاوه بر این در ۴:۱۴-۱۶ پولس در مرور خاطرات خود درباره آنچه که به نظر می‌رسد که اولین و تنها دیدار او از فیلیپی باشد صحبت می‌کند. اگر او از قیصریه یا روم نامه می‌نویسد، می‌بایستی حداقل سه بار در فیلیپی بوده باشد.

هیچ راهی برای تصمیم‌گرفتن درباره این موضوع وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد که بهترین استدلال‌ها در طرف افسس باشد و ضعیف‌ترین آنها در طرف قیصریه.

اتحاد: يك يا دو يا سه نامه؟

با وجودی که اتحاد بسیاری از نامه‌های پولس در ابتکارات بی‌پایان تحقیقاتی مورد سؤال قرار گرفته است، فقط دو نامه موضوع بحثهای عمده باقی مانده‌اند، دوم قرنتیان و فیلیپیان. چه شواهد خارجی و داخلی موجب بی‌اطمینانی درباره اتحاد نامه‌ها به فیلیپیان شده است (که از اواخر قرن نوزدهم مورد تردید قرار گرفت)؟ از نظر شواهد خارجی، در اواسط قرن دوم پولیکارپ (فیلیپیان ۳:۲) به «نامه‌های» پولس به فیلیپیان اشاره می‌کند.^۶ اگر دقیق باشد، این می‌تواند اشاره به نامه قانونی و نامه‌های گمشده باشد یا به نامه قانونی و دوم

۵- غلاطیان ۲:۱۰ نشان می‌دهد که در جلسه اورشلیم (حدود سال ۴۹) پولس موافقت کرد تا به یاد فقرا باشد اما در نامه به غلاطیان درباره نقشه جمع‌آوری پول در کلیساهای مختلف پولسی برای ارسال به اورشلیم صحبتی نشده آن گونه که در نامه‌های ۵۶-۵۸ میلادی عنوان گردیده.

۶- باوجود این فیلیپیان ۳:۱۱ (فقط به زبان لاتین حفظ شده) به نظر می‌رسد که از شروع «رساله» (مفرد) پولسی صحبت می‌کند.

تسالونیکیان یا به فرم اصلی نامه نگاری قانونی قبل از اینکه در ویراستاری چندین نامه به یک نامه ادغام شوند. از نظر داخلی فیلیپیان ۱:۳ (همان مطالب را به شما نوشتن بر من مشکل نیست) نشان می دهد که پولس می توانسته قبلاً به فیلیپیان نوشته باشد. اگر چنین است، آیا او به نامه ای گم شده اشاره می کند یا به بخشی مستقل از آنچه که اینک به عنوان فیلیپیان جمع آوری شده است؟ در پایان باب دوم (آیات ۲۳-۳۰) پولس تلویحاً به برنامه های سفری خود اشاره می کند، کاری که معمولاً در خاتمه نامه های خود انجام می دهد، و «نهایتاً» در آیه بعدی (۱:۳) به نظر می رسد که قصد دارد نامه را به پایان برساند، با وجود این دو باب به دنبال آن می آید. آیا اشاره به پس فرستادن اپفروتس عاقلانه است (۲:۲۵-۳۰)، قبل از ورود او و آوردن هدایا به نزد پولس (۱۸:۴)؟ بعضی ها فکر می کنند (اگر ۱:۳-۳:۴ مطالب داخل شده از نامه ای دیگر باشند) ۱:۳ و ۴:۴ به خوبی با یکدیگر مطابقت دارند؛ در این صورت مخالفین مختلف یافت شده در فیلیپیان، می توانند به نامه های دیگر مربوط باشند.

همان طور که فکر می شود نامه هایی در فیلیپیان ادغام شده اند، فرض مشترک در چندین تئوری این است که باب سوم^۷ در کل یا قسمتی، تشکیل یک نامه جداگانه را می دهد.

* دو نامه اصلی:

I. ۲۰:۴-۱b:۳: یک نامه هنگامی که پولس هدیه ای که اپفروتس آورده بود دریافت

نمود؛

II. ۱:۱-۳:۱a:۳+۴:۲۱-۲۳: یک نامه بعد از اینکه اپفروتس از بیماری شفا یافت.

* سه نامه اصلی:

I. ۲۰:۴-۱۰:۴: نامه ای که رسیدن هدایا از طرف فیلیپیان به پولس را تأیید می کند؛

II. ۱:۱-۳:۱a:۳+۴:۴-۷:۲۱-۲۳. نامه ای که بر زندگی شایسته و شادی در خداوند

اصرار می نماید؛

III. ۱b:۳-۳:۴+۴:۸-۹: یک نامه اندرز و مجادله.

شکی نیست که مجموعه فیلیپیان (۱:۱-۲۰:۴) ترکیبی از مطالبی است، که در آن پولس مابین توصیف شرح زندگی خود (موقعیت خود در زندان و رابطه با فیلیپیان از طریق اپفروتس و تیموتی) و پند و اندرزها، و اخطارها بر علیه معلمین کذب در حرکت است. تقسیم بندی به دو یا سه نامه واقعاً تلاشی از جانب محققین است برای تنظیم دوباره مطالب به صورت معقولانه تر و مستدام تر. با وجود این شخص نمی تواند در فیلیپیان دو یا سه

۷- به اشکال مختلف توصیف شده که در ۱:۳ یا ۲:۳ شروع شده و در ۲۱:۳ یا ۱:۴ خاتمه یافته است. آنهایی که ۱:۳ را به دو بخش تقسیم می کنند اغلب قسمت اول آیه (a:۳) را نگاهی به عقب و به باب دوم می دانند و قسمت دوم (b:۳) را با نگاه به جلو و به اخطارهایی که بزودی داده خواهد شد.

دستورالعمل افتتاحیه و اختتامیه مشخص و آشکار بیابد، به طوری که اگر در اصل چندین نامه وجود می داشته، جمع آوری کننده آنها را خلاصه نموده است. علاوه بر این منطق او در جابه جایی بخش ها (مثلاً ۴:۸-۹) و ترکیب این نامه ها با تسلسل بی قاعده امروزی چندان روشن نیست. سخنان پولسی کم و ایده های مشترک در دو یا سه نامه پیشنهادی زیاد هستند. بنابراین حدوداً تعدادی برابر از محققین هنوز عقیده دارند که فرم فعلی فیلیپیان فرم اصلی آن می باشد. انسان می تواند فرض کند که پولس در زندان به سبک «رودخانه ای از آگاهی» نوشت، و از رابطه های گذشته و مهربانیهای فعلی سپاسگزاری نمود، همین طور اندرزاها و مجادلات، همان طور که به ذهن او می آمد، بدون اینکه آنها را در قالبی کاملاً معقولانه تنظیم کند. بهر صورت این بحث، لازم نیست مورد توجه زیاد خوانندگان قرار بگیرد که با توجه به حالت منقسم بودن محققین، عاقلانه تر است که خوانندگان نامه را با توالی فعلی آن بخوانند، و توجه کنند که این نامه بازتاب روابطی است در یک دوره زمانی که بیش از یک خطر را می توان مجسم نمود.

موضوعات و مسائلی برای تعمق

(۱) در بحث اتحاد نامه ها در فیلیپیان پیشنهاد کردم که بحث در این باره که آیا نامه حفظ شده نشان دهنده ترکیبی از دو یا سه نامه اصلی است یا نه، برای اکثر خوانندگان چندان اهمیتی ندارد. این تأییدیه را می توان آزمایش کرد، به وسیله مطالعه یکی از تئوریهای ترکیب، و دید که آیا راه هایی وجود دارند که تئوریهای ترکیب بتوانند بر معنی اصولی نامه به فیلیپیان تأثیر گذارند؟

(۲) بازنگری شیوه ای که در آن سروده مسیح شناسی در چندین ترجمه امروزی عهدجدید به چاپ رسیده کاری با ارزشی خواهد بود. یک تصمیم گیری درباره تعداد بندگردان ها و سطوری که به هر کدام مربوط است (شماره ۱۹ و ۲۰ در بالا) چه تأثیری بر معنی دارد؟

(۳) پولس در فیلیپیان به نظر فوق العاده خود-افشاکن می آید. بر اساس محتویات این نامه، اقتدار پولس به عنوان شبان در رابطه با جامعه در فیلیپی چه بوده است؟ او آشکارا نسبت به عاملان شریک در ۲:۳ بحث می کند. آنچه که او در رد و ابطال آنها می گوید تا چه حد تأثیر گذار است؟ با توجه به اینکه ممکن نیست که او اذهان آنها را تغییر دهد، رویکرد او برای حمایت و تصحیح فیلیپیان که مخاطبین او و آنها هستند تا چه اندازه مؤثر است؟

(۴) پولس به دلیل زندانی شدن چندین بار در این نامه بر رابطه خود با مسیح تعمق می کند و با این روش «روحانیت» خود را آشکار می سازد. به طور مثال، پولس از خوانندگان می خواهد تا از او تقلید کنند (۳:۱۷) و از مسیح نیز (۲:۵). در واقع در شروع نامه پولس خود را یک غلام مسیح می خواند تا خوانندگان را برای صحبت درباره مسیح به عنوان کسی که «صورت غلام» پذیرفت یا بر خود گرفت (۲:۷)، آماده کند. توجه کنید که تقلید فقط به

سادگی وظیفه انسانی نیست (۲:۱۳). چنین تقلیدی پس از تقریباً دو هزار سال تا چه اندازه عملی می باشد؟

(۵) در دستورالعمل افتتاحیه پولس خود را به مقدسین در فیلیپی خطاب می کند «با *episkopoi* [سرپرستان/اسقفان] و *diakonoi* [کشیشان/شماسان] بحث درباره این دو گروه از عمل کنندگان توسط نظریات مسیحیان امروزی نسبت به اسقفان رنگ گرفته است، بر له و یا بر علیه. برای احتراز از حضور این چنین زود هنگام اسقفان (که از آنها در نامه های دیگر پروتوپولسی اثری نیست) بعضی محققین این را به عنوان افزوده بعدی رد کرده یا تلاش نموده اند تا تحقیر پولس را برای این مقامات عالی رتبه کشف کنند (تلویحاً در تضاد با خود - نام گذاری پولس و تیموتائوس که ادعا می کردند فقط «خادمین» مسیح هستند). محققین بسیار بیشتری امروزه هشدار می دهند که *episkopoi* فیلیپیان همان کارمندانی نبوده اند که در دوره بعدی در نامه های شبانی دوتروپولسی با همین نام توصیف شده اند. (به طور مثال، چون *episkopoi* غیر مذهبی مسؤولین مالی گروه ها بودند، آیا پولس می توانسته آنها را در فیلیپی مورد خطاب قرار داده باشد که برای جمع آوری هدایا به پولس کمک کرده اند؟) در فیلیپیان در این باره بیشتر از این گفته نشده و بدین سبب اظهار نظر محققین درباره این شخصیتها دربرگیرنده حدس و گمان های قابل توجهی است. استفاده از مدرک نوشته های همزمان پولسی، و مقایسه «سرپرستانش در فیلیپی با «آنها» که پیشوایان شما [*proistameno*] در خداوند» هستند در تسا ۵:۱۲، با «مدیران» (*kyberneseis*) در اول قرن تیان ۱۲:۲۸، و با «آن کسی که نصیحت می کند» (*parakalon*) در رومیان ۸:۱۲ می تواند کمک مؤثری باشد. به این می توان آنچه که اعمال ۱۷:۱۲، ۱۵:۲ و ۴ و ۶ و ۲۲ و ۲۳، ۲۱:۱۸ درباره یعقوب و مشایخ/پیران در اورشلیم گزارش می کند را اضافه نمود. ظاهراً کلیساهای دهه ۵۰ ساختار سلسله مراتبی داشته اند اما نه به روشی مشابه یا بالقابی که در سطح جهانی مورد استفاده بودند.

(۶) پس از تعمق بر دیدگاه های مختلفی که در زیربخش بالا در مورد سروده مسیح شناسی در ۲:۵-۱۱ گزارش شد شخص می تواند مطالب آن قطعه را با مطالب قطعات دیگر پولسی در نوشته های دوتروپولسی همانند: ۱- قرن ۸:۶؛ ۲- قرن ۵:۱۸-۱۹، ۸:۹؛ روم ۵:۱۲-۱۹؛ کول ۱:۱۵-۲۰ مقایسه کند.

(۷) پولس خودش را به عنوان شخصی با گذشته فریسی معرفی می کند (۳:۵ به اعمال ۶:۲۳ مراجعه کنید) و بدین سبب او حتی قبل از اینکه به عیسی ایمان بیاورد، در انتظار رستخیز از مرگ بوده است. ما یک تعدیل در اعتقاد او در اول تسا ۴:۱۵-۱۷ دیده ایم، جایی که او تأکید می کند که مردگان در مسیح برخوانند خاست تا در آمدن دوباره مسیح او را ملاقات کنند. با وجود این پولس فکر می کند که اگر او حتی قبل از آمدن دوباره مسیح، از

این حیات جدا شود با مسیح خواهد بود (فی ۱:۲۳). در ۱۱:۳ او می‌گوید که «اگر ممکن است بر هر وجه به قیامت از مردگان برسم». چگونه می‌توان این انتظارات را با هم وفق داد؟ چنین انتظارات چگونه جزئی از امید مسیحیان امروزی هستند؟

(۸) وضعیت اجتماعی در فیلیپی هنگامی که پولس برای اولین بار به آنجا آمد ممکن است همان وضعیتی باشد که در اعمال ۱۶:۱۲-۴۰ توصیف شده، اما لیدیا در آنجا مشهور بود همان طوری که افودیه و سنتیخی در جامعه‌ای که پولس پنج تا ده سال بعد نامه می‌نوشت مهم بودند (فی ۴:۲). مطالبی ارائه می‌دهند که می‌تواند تعمقی جالب بر مفهوم انجیل مسیح برای زنان در این شهر رومی باشد که اولین مکان در اروپا بوده که توسط پولس به مسیحیت دعوت شده است.

* * *

فصل بیست و یکم

نامه به فیلمون

اینکه این نامه را پولس نوشته باشد به طور جدی مورد بحث نیست حتی توسط کسانی که اظهار می‌دارند که او کولسیان را ننوشته است، نامه‌ای که زمینه و بسیاری شخصیت‌های نمایشی همانند فیلمون دارد: اغلب حدس آنها این است که یک نویسنده اصیل با نام مستعار زمینه برای کولسیان را از فیلمون برداشت نمود. حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا نباید هر دو نامه دارای اسامی مستعار باشند، اما سؤال مخالف آن این است که چرا باید شخصی زحمت خلق فیلمون را بکشد، نوشته‌ای با هدفی محدود، و آن را به پولس نسبت دهد. اینگونه حدس و گمان‌ها دارای نواقص زیادی هستند، اما در این مقدمه یکی از اهداف این است که خوانندگان را با چیزی آشنا بکند که برای اکثریت محققین میانه رو عاقلانه به نظر می‌رسد، فیلمون به عنوان نامه‌ای نوشته خود پولس مورد قبول است، بدون توجه به موضعی که نسبت به کولسیان گرفته می‌شود. بعد از زمینه و تحلیل کلی، زیر بخش‌هایی به اهمیت اجتماعی نظریه پولس درباره بردگی، از کجا و چه زمانی، روند شغلی بعدی انیسیمس، مطالب برای تعمق، و کتاب‌شناسی وقف شده است.

زمینه

این کوتاه‌ترین نامه پولس (۳۳۵ کلمه) و نزدیکترین فرم به طرح نامه‌های معمولی هلنیستی است، مخصوصاً به آنهایی که شفاعت می‌کنند.^۱ باید مواظب بود که آن را به عنوان یک نامه از فردی به فرد دیگر که تقاضای لطفی می‌کند ارزیابی ننمود. پولس به عنوان کسی که عمری طولانی سپری کرده و درد و رنج زیادی در راه خدمت به مسیح متحمل شده است، به سرپرست خانه - کلیسای مسیحی یا حتی به کلیسایی در شخص میزبان آن (چون پولس در انتظار فشار جامعه بر فیلمون است) نامه می‌نویسد. او به عنوان یک زندانی می‌نویسد، یعنی کسی که آزادی خود را برای مسیح قربانی کرده است، تا برای آزادی دیگران درخواست کند، و در هر سطر درست زیر سطح خارجی آن مبارزه‌ای اساسی با مقام اجتماعی ارباب و برده که توسط انجیل ارائه می‌شود وجود دارد. نقد ادبی و اجتماعی مطالعه نامه را غنا می‌بخشد اما تأکید ساردز (Soards) بر اولویت بعد الهیاتی صحیح می‌باشد.

۱ - با نامه کوتاه بلینی جوان که از سابیناوس برای غلام جوان آزاد شده‌ای که در منزل بلینی پناه گرفته تقاضا می‌کند، مقایسه می‌شود. اما در رابطه با طول، در دوم یوحنا ۲۴۵ کلمه و در سوم یوحنا ۲۱۹ کلمه وجود دارند. به طور کلی تصور می‌شود که طول کوتاه آنها به دلیل قطع یک ورق از پایروس دیکته شده باشد.

خلاصه اطلاعات اساسی

تاریخ: حدود سال ۵۵ اگر از افسس، ۵۸-۶۰ اگر از قیصریه (غیر محتمل)، ۶۱-۶۳ اگر از روم
به: فیلمون با ایفیه (همسر او؟)، ارخیپس، و کلیسا در خانه فیلمون
 اصالت، اتحاد، و صداقت: به طور جدی مورد بحث نیست.

تقسیم بندی رسمی:

A. دستورالعمل افتتاحیه: ۳-۱

B. شکرگزاری: ۷-۴

C. متن: ۸-۲۲ (۲۱-۲۲) را می توان به عنوان اختتام مجموعه یا قسمتی از نتیجه گیری
 در نظر گرفت

D. دستورالعمل اختتامیه: ۲۳-۲۵.

تقسیم بندی برحسب محتوا (و ساختار سخنوری):

۳-۱: خطاب، سلام و درود

۷-۴: شکرگزاری به عنوان دیباچه ای برای به دست آوردن حسن نیت فیلمون عمل می کند

۸-۱۶: درخواست ارائه انگیزه ها از طرف انیسیمس به فیلمون (تأیید)

۱۷-۲۲: تکرار و بسط درخواست (نتیجه گیری)

۲۳-۲۵: سلام و درود اختتامی، تبرک.

از آنجا که این نامه در باره یک برده است، ذکر نظریاتی کلی درباره برده داری در زمان پولس شاید مناسب باشد، قبل از اینکه به وضعیت خاص نظر بیندازیم. اجتماع در استانهای امپراتوری روم که پولس به فعالیت بشارتی خود ادامه می داد به شدت طبقه بندی شده بود. در سطح بالا رومیانی بودند که توسط سنا یا امپراتور به اداره استان از نظر سیاسی، مالی و نظامی منصوب شده بودند، بعد از آنها طبقه ممتاز (از طریق میراث یا پول) محلی بودند، سپس خرده مالکان، پیشه وران، و صنعتگران. بعد از اینها مردان و زنانی بودند که، از طریق اقدام اربابان خود و یا خرید آزادی توسط خودشان از بردگی آزاد شده بودند، و پس از آن در پایین ترین طبقه تعداد فراوان برده ها بودند که رفاه اقتصادی امپراتوری به موجودیت آنها وابسته بود. (نتایج وحشتناک شورش بردگان در ایتالیا به رهبری اسپارتاکوس در ۷۳-۷۱ قبل از میلاد نشان می دهد که هر نوع پیشنهاد لغو بردگی می توانست اساس امپراتوری را متزلزل سازد. مردم به طرق مختلفی به بردگی می افتادند. بسیاری از بردگان زندانیانی بودند که در جنگها اسیر گردیده، و بعضی نیز توسط شکارچیان برده دزدیده شده بودند، بعضی هم به دلیل بدهکاری برده شده بودند، کسانی نیز بودند که برده به دنیا آمده بودند. بردگی که

بسیاری از خوانندگان انگلیسی زبان کتاب مقدس به خوبی با آن آشنا هستند بردگی سیاهان در امریکا است، اما وضعیت رومیها پیچیده تر بود. در طبقه بندی کلی، طاقت فرساترین فرم زندگی در بردگی توسط آنانی تحمل می شد که کارهای سخت بدنی انجام می دادند، مثلاً کار در معادن، ساختمان سازی و پارو زنی بر روی کشتیها. در مقایسه با اینها، بسیاری از کسانی که در خانه ها کار می کردند وضعیتشان چندان بدتر از خادمینی که در خانه های ثروتمندان انگلیسی در پایان قرن گذشته کار می کردند نبود. در سطحی به طور خاص بالا برده های تعلیم یافته ای بودند که املاک یا تجارت ارباب خود را اداره می کردند، به فرزندان آنها تعلیم می دادند و حتی هزینه زندگی خودشان را تأمین می کردند. این گروهی بودند که از درون آنها بسیاری آزاد می شدند.

وضعیت خاص بردگی که در نامه به فیلمون مورد بحث است به خوبی برای پولس، فیلمون، و انیسیمس شناخته شده است. متأسفانه به پیش فرض ها اشاره نشده و تسلسل رویدادها را باید از اشارات بازسازی نمود. (برای داوری در مورد وضعیت ما باید توجه کنیم نه فقط به نامهای شخصی که برای شناسایی شخصیت نمایی استفاده شده بلکه به القاب داده شده به آنان که به نقش آنها به عنوان مسیحیان اشاره دارد). بازسازی قابل قبول این است که فیلمون یک مسیحی مرفه بوده است، اقیه همسر او بوده، و اریخپس از نزدیکان وی. منزل فیلمون به عنوان یک خانه - کلیسا در خدمت بوده. آشکار نیست که پولس شخصاً هرگز با فیلمون روبه رو شده باشد؛^۲ اما، حداقل، مسیحی شدن منطقه ای که فیلمون زندگی می کرد احتمالاً میوه خدمت بشارتی پولس بوده، شاید از طریق همکاران او (آیات ۲۳-۲۴: افراس؟). انیسیمس برده فیلمون بوده که ظاهراً فرار کرده بود.^۳ لحن سخن در آیه ۱۰ این احساس را در خواننده به وجود می آورد که پولس (جدیداً) او را به تغییر مذهب آورده بود. آیا او در شهری دیگر به زندان انداخته شده بود (اما نه به عنوان برده فراری و گرنه او را پس می فرستادند)؟ و آیا در اینجا بود که او با پولس که او را مسیحی کرد ملاقات نمود؟ یا اینکه رویارویی بیشتر عمدی بوده: آیا او بدون اینکه زندانی شود، به عنوان یک فراری، از گروهی مسیحیان، در شهری غریب جایی که او اینک در گرفتاری بود، تقاضای کمک کرده بود (از

۲- اشاره به برخوردی ندارد: در آیه ۵ «شنیده ام» به یک برخورد اشاره ندارد؛ در آیه ۱ «همکار» (واژه ای که پولس اغلب برای اشاره به افرادی به کار می برد که شخصاً با او بوده اند) و آیه ۱۹ «جان خود را نیز مدیون من هستی» به یک برخورد اشاره دارند. آنهایی که یک برخورد را ترجیح می دهند عموماً اظهار می نمایند که ملاقات در جایی که فعلاً فیلمون زندگی می کرده صورت نگرفته بود (برای اینکه پولس شخصاً در کولسیه بشارت نداده بود) بلکه شاید در افسس. آیا اقیه و اریخپس با فیلمون بوده اند یا اینکه باید رابطه ای دیگر مابین پولس و این سه شخص مخاطب در نظر بگیریم.

۳- در اینجا نمونه هایی از «اعلامیه جستجو» ی باستانی که برای بازداشت بردگان فراری پیشنهاد پول می دهد، داریم اما روشن نیست که آیا انیسیمس قانوناً تحت تعقیب بوده، مثلاً شاید وی در ضمن خدمت خطایی مرتکب گردیده که موجب خسارت به فیلمون شده بود («سابقاً او برای تویی فایده بود» در آیه ۱۱ به اضافه ۱۸-۱۹) و به جای اینکه با ارباب روبه رو شود، به دنبال یافتن یک شفیع به جایی دیگر گریخته بود.

پولس که درباره او از ارباب خود شنیده بود؟ به هر صورت این واقعیت که پولس اینک مسؤل زندگی جدیدی است که انیسیمس و فیلمون هر دو در آن سهیم هستند زیربنای این پیام است که طرح شده تا تأثیرات این واقعیت الهیاتی بر سطح اجتماعی را روشن سازد.

تحلیل کلی پیام

این نامه ای است ترغیبی و زیرکانه، که در واقع بعضی در آن قوانین و فنون آشنای سخنوری را یافته اند. در آیات ۴-۷ که یک *Captatio benevolentiae* (جلب توجه نمودن) است پولس به فیلمون تملق می گوید (نه الزاماً بدون صداقت)، یا گزارش آنچه که درباره محبت مسیحی و ایمان او شنیده است - از افراس و یا از انیسیمس، یا چون هرکس در جرگه پولس که راجع به چنین شخصیت برجسته ای می داند. سپس در آیه ۸ به فیلمون یک یادآوری می کند که این نامه التماسی باشد درباره سرنوشت انیسیمس (۱۰). فیلمون به عنوان فرزند پولس در مسیح کمک فوق العاده^۴ برای پدر مسیحی خود در زندان است و پولس مایل است او را به عنوان همکار نزد خود نگاه دارد، و هیچ کاری بدون رضایت فیلمون کاری انجام نمی دهد (و احتمالاً موافقت خانه - کلیسا). نتیجتاً او انیسیمس را پس می فرستد با این امید که فیلمون او را دیگر نه به عنوان یک برده بلکه به عنوان برادر محبوب بپذیرد. و درخواست می کند: نه تنها انیسیمس از تنبیهی که قانوناً می تواند بر وی تحمیل شود رهایی یابد - نه اینکه انیسیمس را آزاد کند (که ما ممکن است به عنوان حرکتی شرافتمندانه تر انتظار داشته باشیم)، بلکه انیسیمس به سطح رابطه مسیحی: «او را چون من قبول فرما» (آیه ۱۷) برده شود این تقاضا نمونه ای دراماتیک از نحوه تفکر پولس در وفاداری به تغییر ارزشهاست که توسط مسیح به وجود می آید: اظهار نظر او در مورد بردگی و آزادی نیست، بلکه بردگی و خلقتی تازه در مسیح. در آیات ۱۸-۱۹ پولس به دست خود می نویسد که هر چیزی که انیسیمس بدهکار است را ادا خواهد نمود؛^۵ اما با تأکید بر اینکه فیلمون زندگی مسیحی خود را به او مدیون است (مستقیماً یا غیرمستقیم). هر گونه تقاضا برای بازپرداخت را عملاً غیر ممکن می سازد. در آیه ۲۱ حالت دوگانه سخنوری نهفته است، جایی که پولس هم به یاد فیلمون می آورد که او بدهکار اطاعت است (به پولس به عنوان یک رسول یا به خدا و انجیل؟) و هم بیان می کند که مطمئن است که فیلمون بیشتر از آنچه از او تقاضا شده انجام

۴- نام انیسیمس که برای بردگان نامی معمولی بوده در یونانی به معنی «سودمند» است. پولس در آیه ۱۱: «قبلاً برای تو بی فایده بوده... لیکن اینک تو را و مرا فایده مند می باشد»، با این مفهوم بازی می کند.
۵- بسیاری تصور کرده اند که انیسیمس چیزی را دزدیده و فرار کرده، اما این شاید تعمقی باشد بر این قانون رومی که شخصی که یک برده فراری را پناه می دهد در برابر صاحب برده مسؤل می باشد.

خواهد داد. «بیشتر» توسط بعضی ها تفسیر شده به عنوان اشاره ای بر اینکه فیلمون می بایستی انیسیمس که اینک برادر مسیحی اوست را از بردگی آزاد کند. پولس بعد از آزاد شدن از زندان به دیدار او خواهد آمد (فرصتی که فیلمون برای فرا رسیدن آن دعا می کرده، آیه ۲۲). آیا این اشاره ای است به این که پولس می خواهد خودش ببیند که چگونه با انیسیمس رفتار شده است؟ تقریباً مسلم است که فیلمون سخاوتمندانه رفتار نمود و گرنه نامه را حفظ نمی نمودند.

اهمیت اجتماعی نظر پولس درباره بردگی

عیسی خود نظری شدیداً مکاشفه ای داشت. ملکوت/حاکمیت خدا در خدمت بشارتی او حضور داشت، با توجه به دعوت الهی که دیگر تکرار نمی شد تصمیم گیری ضروری بود. در روایت، عیسی از ادای ساعت زمانهای آخر اجتناب می کند، ولی حتی اگر لحظه دقیق آن نمی تواند معلوم باشد، معلوم است که پایان کار بزودی فرا خواهد رسید. پولس نیز رویکردی مکاشفه ای داشت که در آن مرگ و رستاخیز مسیح تغییر زمانها را مشخص می نمود. ساختارهایی در اجتماع که مانع از اعلام انجیل می شود می بایستی از بین برده شوند. با وجود این دقیقاً چون مسیح به زودی باز می گردد، ساختارهایی که ارزشهای انجیل را ارائه نمی کنند به شرطی اجازه دارند بمانند که آنها را بتوان به کنار زد تا موعظه کردن به مسیح ممکن گردد. معانی ضمنی انجیل در مورد برده داری برای پولس روشن است. در مسیح عیسی «نه غلام وجود دارد و نه آزاد» (غلا ۳:۲۸)، همه دارای ارزش برابر هستند. همه در یک بدن تعمید یافته اند (۱-قرن ۱۲:۱۳) و باید با یکدیگر با محبت رفتار نمایند. تنها بردگی واقعی که تا ابد باقی می ماند غلامی برای مسیح است (۱-قرن ۷:۲۲). آشکارا در سطح دنیوی بردگان برای آزادی در تلاش خواهند بود، اما اگر شخص در زمان دعوت شدن برده است و آزادی فیزیکی برای او غیر قابل دسترسی است، اهمیت چندانی ندارد. «هر کس در هر حالتی که خوانده شده باشد در همان بماند» (۱-قرن ۷:۲۱-۲۲).

برای برخی مفسرین فیلمون بازتاب دیدگاه قوی تر و خوشایند پولس در مورد برده داری است، دیدگاهی که نهایتاً مسیحیان حساس را به عنوان یک کل تحریک خواهد نمود تا آن را نفی کنند. در اینجا ما می بینیم که هر زمانی که پولس می تواند به همکاری امید داشته باشد، او یک برده دار را که مسیحی است به مبارزه می طلبد تا از قراردادها سرپیچی کند: یک برده فراری را ببخشد و او را به درون خانه خود بپذیرد؛ غرامت مالی را هنگامی که غرضه می شود رد کند، و متوجه باشد که ایشان چه چیزی را مدیون مسیح است، که به وسیله پولس اعلام

شده؛ از طریق آزاد کردن غلام در سخاوتمندی رشد کند؛ و مهم تر از همه اینکه از نقطه نظر الهیاتی انیسیمس را به عنوان برادری محبوب بپذیرد و بدین ترتیب دگرگونی خود در مسیح را اقرار نماید. (بسیاری امروزه در ارزیابی فیلمون ممکن است از این بعد اخیر قدردانی نکنند، اما برای پولس این یک درخواست کلیدی بود). چنین طرز برخورد بزرگوارانه ای ممکن است از دیدگاه افراد بیگانه و حتی در نظر مسیحیان کم جرأت تأثیرات زیان بار اجتماعی داشته باشد. این موضوع ممکن است باعث شود کسی که این چنین عمل می کند همانند یک مشکل آفرین برای نظام اجتماعی و یک انقلابی به نظر آید، اما این بهایی است که در وفاداری به انجیل باید پرداخت.

برای سایر مفسرین، فیلمون نشانگر کم جرأتی است. پولس با وجود تشویق ضمنی برای آزاد کردن انیسیمس، به فیلمون به طور صریح نمی گوید که نگاه داشتن یک انسان به عنوان غلام درحقیقت انکار کردن این است که مسیح ارزشها را تغییر داده است. تحمل نمودن یک شرارت اجتماعی به هنگام اعلام در نام مسیحیت در حکم نادیده گرفتن آن شرارت و تضمین بقای مسیحیت است. در واقع در طی قرنها، کوتاهی پولس در مورد محکوم نمودن برده داری از طرف بعضی خوانندگان انجیل به عنوان دلیل که این کار به نوبه خود گناه نیست مورد سوء استفاده قرار گرفت. مدارای نسبی پولس از دیدگاه مکاشفه ای او می تواند به عنوان یک راهنما عمل کند هنگامی که انتظار آمدن ثانویه مسیح به آینده ای غیرمشخص موکول شود. همان طوری که ما تحت زیر بخش موضوعات خواهیم دید، سؤالات اجتماعی - اخلاقی که در اطراف این موضوع وجود دارند می توانند به سایر موضوعات نیز بسط یابند.

از کجا و چه زمانی؟

پولس این نامه را از زندان می نویسد، و بنابراین ما باید همان سه کاندیدا که برای فیلیپان در فصل بیستم بررسی کردیم یعنی افسس، قیصریه، روم را برای محل زندانی شدن مورد بررسی قرار دهیم. با این همه اینک وضعیت پیچیده تر است. این نامه کمتر از نامه به فیلیپیان اشاراتی در خود دارد. با وجودی که پولس یک اطاق پذیرایی برای دیدار خود طلب می کند (آیه ۲۲) هرگز گفته نمی شود که مخاطبین کجا زندگی می کردند (با وجود این باید اقرار کرد که تقاضا برای آماده کردن یک اطاق مهمان اگر پولس می بایستی یک سفر دریایی طولانی را پشت سر بگذارد، از روم یا قیصریه، تا به نزدیکی محل مورد خطاب برسد به نظر عجیب می آید). چندین عامل کلیدی (با ستاره) در صفحه های قبل که به تعیین محل نگارش نامه به فیلیپیان کمک کردند در اینجا نیز تأیید می شوند، اگر در آنجا افسس منشأ احتمالی

بود، در اینجا نیز می توان افسس را به عنوان محل نوشته شدن نامه به فیلمون در نظر گرفت.

مابین نامه به فیلمون و نامه به کولسیان رابطه ای آشکار وجود دارد. در ابتدای هر دو نامه تیموتائوس به عنوان «برادر ما» و به عنوان یک همراه پولس عنوان گردیده و پایان هر دو نامه با دست خط خود پولس نوشته شده (فیل ۱۹؛ کول ۴:۱۸). هشت نفر از ده نفری که در فیلمون از آنها نام برده شده در کولسیان نیز به آنها اشاره شده است. (با وجود این، ثابت نشده که پولس نامه به کولسیان را نوشته است و بدین سبب جزئیات موجود در آن شاید زندگی نامه واقعی نباشد). چون در کولسیان (۹:۴، ۱۷) به انیسیمس و ارخیپس اشاره شده اکثریت مفسرین فرض می کنند که فیلمون در ناحیه کولسیه زندگی می کرده؛ و این فرض عملی^۶ افسس را به عنوان کاندید برای محل اقامت پولس ترجیح می دهد. این دو شهر ۱۲۰-۱۰۰ مایل از هم فاصله داشتند. مسیح شناسی نامه به کولسیان پیشرفته است، و اگر این نامه در اصل پولسی باشد، ممکن است با زندانی شدن پولس در روم (۶۳-۶۱) و پایان روند شغلی پولس و تنظیم نامه ها به کولسیان و فیلمون در روم مطابقت داشته باشد. به طور خاص، از آنهایی که با پولس بودند هنگامی که او نامه به فیلمون را فرستاد (آیات ۱:۲۴)، در حالی که حضور تیموتائوس از افسس جانبداری می کند، ارسترخس هم در سالهای ۵۴-۵۷ در افسس با پولس بود و هم در سال ۶۰ با او از قیصریه به سوی روم به راه افتاد (اع ۱۹:۲۹، ۲۷:۲)؛ نام مرقس (کدام مرقس؟)، لوقا، و دماس در اقامت در افسس ذکر نشده، اما بعداً با روم مرتبط هستند (به ترتیب ۱-پطرس ۵:۱۳ [بابل = روم]؛ ۲-تیمو ۴:۱۱ [همین طور اع ۲۸:۱۶ اگر لوقا بخشی از «ما» است]؛ ۲-تیمو ۴:۱۰). هیچ کدام از اینها مطمئن نیستند، و همه جا دلائل برای افسس و تنظیم نامه ها در سال حدود ۵۶ محکمتر از آنهایی است که برای روم می باشد.

روند شغلی بعدی انیسیمس

احتمالاً پولس نامه های شخصی زیادی به افراد مسیحی نوشت. اما چرا این نامه حفظ شده است؟ جواب معمولی و محتمل این است که این نامه بیشتر کلیسایی است تا یک نامه شخصی و دارای معانی ضمنی الهیاتی/شبانیه مهمی است (حتی اگر همان طوری که دیده ایم، پولس آینده برده داری را تعیین نمی کند). انیسیمس توسط فیلمون آزاد می شود و برمی گردد

۶- چرا عملی؟ اگر کولسیان توسط پولس نوشته شده باشد، می توان اطمینان داشت که اشارات جغرافیایی و تاریخی موجود در آن صحیح است و فرض کرد که تیخیکس و انیسیمس نامه به فیلمون را به کولسیه بردند (کول ۷:۴-۹). با وجود این کولسیان که حاوی دروهای فراوان به افراد در کولسیه (ولانوودکیه) است هیچ اشاره ای به فیلمون نمی کند. آیا خانه- کلیسا که در منزل او جمع می شدند نه در کولسیه بلکه در شهری نزدیک در آن منطقه بوده است؟ اگر کولسیان توسط پولس نوشته نشده است، اشاره به انیسیمس و ارخیپس در آن به احتمال قوی ملهم از نامه به فیلمون بوده و جهت گیری نامه مستعار ممکن است از سنتی قابل اطمینان نشأت گرفته باشد که این افراد را با کولسیه در ارتباط قرار می داد.

شخصیت اصلی مسیحی در آنجا می ماند. او هنوز پس از گذشت بیش از نیم قرن در آنجا بود، هنگامی که ایگناتیوس اهل انطاکیه، با استفاده از زبان تکامل یافته تر ساختار کلیسایی، کلیسای افسس را مخاطب قرار می دهد «در شخص انیسیمس، مردی با محبت وصف ناپذیر و اسقف شما» (افسس ۳:۱). انیسیمس در آن مقام و سمت و در ورای یک خاطره ارزشمند از مردی که پدر او در مسیح بود، در موقعیتی مناسب قرار داشت تا نامه های پراکنده پولس را که اینک وفات یافته بود جمع آوری کند. با غروری قابل درک او در میان نوشته های بزرگ که آن رسول به کلیساها خطاب کرده بود مکتوب کوچکی را که در تمام این سالها همچون گنجی حفظ نموده بود، زیرا که مربوط به خودش انیسیمس بود و روند شغلی بعدی او را ممکن ساخته بود، ضمیمه می کند. افسوس که در واقع هیچ مدرکی برای این داستان واقعاً جذاب وجود ندارد. انیسیمس در افسس در سال ۱۱۰ میلادی می توانسته آن نام را برداشته باشد، به احترام غلامی که مدتها قبل در آنجا توسط پولس زندانی تغییر ایمان یافته بود. هیچ راهی برای تصمیم گیری وجود ندارد؛ مگر در همراهی با گفته ای به زبان ایتالیایی که *Se non è vero, è ben trovato* یعنی، حتی اگر حقیقت نیست، باز هم ارزش دارد که مطرح شود.

موضوعات و مسائلی برای تعمق

- (۱) مرتب نمودن نام شخصیت‌های اصلی با القاب توصیف کننده که در فیلمون به آنها داده شده تمرینی با ارزش است. تا چه حدی پولس از القاب استفاده می کند تا آنها را که درگیر هستند از آنچه که آنها و خود او هستند از طریق فیض خدا در مسیح آگاه سازد؟ چگونه این بعد جدید الهیاتی بر روابط موجود آنها تأثیر می گذارد؟
- (۲) در حل یک موضوع کلیسایی اغلب از اقتدار استفاده می شود. مسلم است که پولس دارای اقتدار است، اما او ترجیح می دهد که متقاعد نماید (آیات ۸-۹ همچنین ۲-قرن ۸:۸)، او زیرکانه فشارهای سخنوری و روانشناسی را در متقاعد کردن به کار می گیرد (تمایل به متقاعد کردن در متی ۱۸:۱۵-۱۸ نیز نشان داده شده). چنین رجحانی در *metanoia* یا «تبدیل ایمان» تا چه حد ذاتی است وقتی که تغییر شیوه تفکر یک انسان به طور تحت اللفظی درک می شود؟ عهد جدید از زبان فرامین خدا در صحبت درباره آمدن ملکوت استفاده می کند. این موضوع چه رابطه ای با قرار دادن مسؤولیت توسط انجیل بر دوش افراد دارد؟
- (۳) مدارای پولس با برده داری می تواند با نظر مکاشفه ای او در ارتباط باشد که این جهان در حال گذر است. این اتهام اغلب عنوان می شود که حتی امروزه مسیحیان با نظریات

شدیداً مکاشفه ای کمتر بر عدالت اجتماعی اصرار می گذارند. آیا در تاریخ مسیحیت نمونه هایی وجود دارند که در آنها نظریات قویاً مکاشفه ای و درخواستی شدید برای تغییر ساختارهای اجتماعی همزیستی کنند؟ چگونه ممکن است آنها امروزه همزیستی داشته باشند؟

(۴) موضوع «اخلاقیات موقتی» مربوط به (۳) است، دیدگاههای اخلاقی بیان شده در زمینه ای که در آن، زمان حاضر به عنوان زودگذر دیده می شود زیرا که مسیح به زودی بازگشت خواهد نمود. از یک طرف، باور به بازگشت قریب الوقوع مسیح تحمل بی عدالتیهای اجتماعی را اجازه می دهد. (به شرطی که فرد بتواند هنوز هم انجیل را اعلام نماید): از طرف دیگر، درخواستهای شجاعانه ای از مسیحیان شده است دقیقاً به این دلیل که وابستگیهای آنها اغلب به چیزهایی است که دوامی نخواهند داشت. اگر در اول قرنهای ۲۰-۲۴ به یک برده گفته می شود که برده بماند روی این اصل است که شخص به خوبی می تواند در همان حالتی که دعوت شده است بماند. همین موضوع در مورد شخص مجرد یا ازدواج کرده اطلاق می شود که زندگی او ممکن است دارای مشکل باشد. «وقت تعیین شده تنگ است، از حالا به بعد باشد آنهایی که همسر دارند طوری زندگی کنند که گویی ندارند» (۷:۲۹). چگونه شخص می تواند تعیین کند که چه چیزی به طور دائم توسط انجیل درخواست شده حتی اگر آن درخواست با این فرض که فاصله زمانی کوتاه است انجام شده باشد؟

* * *

فصل بیست و دوم

نامه اول به قرنتیان

تماسهای شناخته شده پولس با قرنتس نزدیک به یک دهه به طول انجامید. نامه های پولس به این شهر بیشتر از هر جای دیگر فرستاده شده است. در واقع آثاری از حداقل هفت نامه به آن شهر کشف شده است. وضعیت مغشوش مسیحیان در قرنتس توضیح آن همه توجه می باشد. اینکه طیف مسائل آنان («الهیدانان» رقیب، گروه بندیها، رسومات مسئله دار جنسی، وظایف زناشویی، نیایش، نقش کلیساها) این نامه نگاریها را برای مسیحیان و کلیساهای دارای مشکل دوران ما به طرز استثنایی آموزنده می سازد. تلاشها برای زندگی برحسب انجیل در جامعه چند نژادی و با فرهنگ های مختلف در قرنتس مسائلی را به وجود آورد که امروزه هم در جوامع چندین نژادی دارای فرهنگ ها و اقوام مختلف دیده می شود. سبک سؤالات و بحثهای پولس با اظهارنظرهای نقل قول شده ارائه او را از آن موضوعات جذاب و سرزنده می سازد، و محققین را به بحث درباره شیوه دقیق سخنوری مورد استفاده هدایت نموده است. برای آنهایی که نوشته های پولس را برای اولین بار به طور جدی مطالعه می کنند، چنانچه محدود باشند که فقط یکی از سیزده نامه را عمیقاً بررسی کنند، اول قرنتیان می تواند ارزشمندترین باشد. بر این اساس، پس از زمینه، تحلیل کلی پیام را به صورت طولانی تر از معمول ترسیم خواهد نمود، سپس زیربخشهایی وقف خواهند شد به: آنهایی که توسط پولس در قرنتس مورد انتقاد قرار گرفتند، محکوم کردن زناکاران و هم جنس بازان توسط او، عطایا در قرنتس (۱-قرن ۱۲ و ۱۴)، سروده ای در مورد محبت (۱-قرن ۱۳)، پولس و عیسی قیام کرده (۱-قرن ۱۵)، موضوعات و مسائلی برای تعمق، و کتاب شناسی

زمینه

سرزمین اصلی یونان (اخائیه) با شبه جزیره پلوپونزی در جنوب به وسیله یک تنگه باریک، به عرض چهار مایل، و با دریای اژه به طرف شرق و دریای آدریاتیک به طرف غرب ارتباط دارد. بر روی فلات مرتفعی که بر این تنگه مسلط است، در میان بنادر دو دریا، شهر قرنتس قرار داشت. این شهر یونانی که توسط سیسرون به عنوان «نور تمامی یونان» خوانده شده است، قبل از اینکه توسط رومیها در سال ۱۴۶ قبل از میلاد شکست بخورد بیش از چهار هزار سال مورد سکنی بوده است.

خلاصه اطلاعات اساسی

تاریخ: اواخر ۵۶ و یا اوائل ۵۷ از افسس (یا ۵۵/۵۴ در ترتیب زمانی بازنگری شده) به: کلیسای مخلوط از یهودیان و غیریهودیان در قرن‌تس که توسط پولس در ۵۲-۵۱/۵۰ (یا ۴۲-۴۳) تبدیل ایمان یافته بودند.

اصالت: به طور جدی مورد بحث نیست.

اتحاد: بعضی‌ها ادغام دو یا چند نامه را می بینند، اما موضوع اتحاد آن توسط اکثریت رو به افزایش حمایت می شود.

صداقت: تحریف‌های گسترده مورد تأیید در آن وجود ندارد، با وجودی که بعضی بحثها درباره ۱۴:۳۴-۳۵ و باب ۱۳ وجود دارد، یک نامه گمشده قبل از آن بوده است (۱-قرن ۵:۹).

تقسیم بندی رسمی:

A: دستورالعمل افتتاحیه ۱:۱-۳

B: شکرگزاری ۱:۴-۹

C: متن: ۱:۱۰-۱۶:۱۸

D: دستورالعمل اختتامیه: ۱۶:۱۹-۲۴

تقسیم بندی بر حسب محتوا:

۱:۱-۹: خطاب/سلام و درود و شکرگزاری، یادآوری قرن‌تس به فیض‌های روحانی

ایشان

۱:۱۰-۴:۲۱: قسمت اول: طبقه بندیها

۱:۱۱-۱:۳۴: قسمت دوم: مشکلات رفتاری (زنا با محارم، دعوای حقوقی، رفتار جنسی، ازدواج، تغذیه، شام خداوند، نیایش): آنچه که پولس شنیده و سؤالاتی که از او شده است.

۱:۱۲-۱:۴۰: قسمت سوم: مسائل هدایا و واکنش محبت

۱:۱۵-۱:۵۸: قسمت چهارم: رستاخیز مسیح و مسیحیان

۱:۱۶-۱:۱۸: جمع آوری نقشه سفرهای پولس، تحسین و تشویق‌های مردم

۱:۱۹-۲۴: سلام و درودها، دست خط خود پولس، «خداوند ما، بیا».

شهر قرن‌تس که پولس در سالهای ۵۱/۵۰ به آنجا آمد یک قرن قبل (۴۴ قبل از میلاد) به عنوان مستعمره رومی توسط ژولیوس سزار بنا نهاده شده بود. به یک معنی، قرن‌تس همانند فیلیپی بود، اما موقعیت سوق الجیشی بیشتر افراد جهان وطن را به خود جذب می نمود، زیرا مهاجرین فقیر از ایتالیا می آمدند تا در آنجا سکنی گزینند، منجمله برده‌های آزاد شده یهودی و مصری تبار از یونان، سوریه. کریناگوراس، شاعر یونانی قرن اول قبل از میلاد این افراد را به عنوان اراذل توصیف نموده، اما بسیاری از آنها بزودی افرادی ثروتمند شدند. مهارتهای شغلی آنها بزودی این مکان را به جایگاه صنعتگران (برنز و وسائل سفالی) و یک مرکز اقتصادی تبدیل نمود. درواقع، تحت حکومت آگوستوس به پایتخت استان اخائیه تبدیل شد، که گالیون (برادر سنکای مشهور) که با پولس برخورد نمود (اع ۱۸:۱۲)، والی آنجا بود.

باستان‌شناسی بازسازی دقیق این شهر رومی را ممکن می‌سازد و شهادتی است بر جو چندین فرهنگی آن. با وجودی که زبان لاتین احتمالاً اولین زبان در مستعمره رومی بوده است، سنگ نوشته‌ها نشان می‌دهند که استفاده گسترده از زبان یونانی، زبان تجارتي، رواج داشته است. الهه‌های یونانی در معابد مورد پرستش بوده و فرقه مصری ایسیس و سراپیس تأیید شده هستند. ستایش امپراتوران افزایش یافته بود زیرا امپراتوری از بازیهای پان هلنیستی ایستیمیان که هر یک سال در میان در بهار برگزار می‌شد، حمایت می‌نمود (منجمله سال ۵۱ میلادی). این بازیها از نظر اهمیت در مرحله دوم، بعد از بازیهای المپیک قرار می‌گرفتند. با وجودی که مدرک باستان‌شناسی وجود ندارد، به استثنای نعل درگاه کنیسه (به اعمال ۴:۱۸ مراجعه کنید)، در آنجا مستعمره‌ای بزرگ از یهودیان قرن اول وجود داشت که احتمالاً از یهودیانی که توسط کلاودیوس در سال ۴۹ میلادی از روم اخراج شده بودند تشکیل شده بود.

قرن‌تس یونانی در بی بند و باری جنسی شهرتی اغراق‌آمیز پیدا نمود (شاید از طریق بدگویی) به طوری که کلمه یونانی با واژگانی چون روابط با فاحشه‌ها، فحشا، و زنا همراه شده بود. با وجود اشارات فراوان به این «شهر عشق» با هزار کاهنه زن آفرودیت (ونوس) که فاحشه‌های مقدس بودند، فقط دو معبد کوچک برای آن خدای مؤنث یافت شده است. هرچه که درباره این شهر یونانی قرن‌تس واقعیت داشته باشد، ما باید از قرن‌تس رومی به سادگی به عنوان شهری که دارای همه مشکلات یک شهر خشن، نسبتاً جدید، و پر رونق که در همسایگی دو بندر دریایی است یاد کنیم. اما از دیدگاه پولس این شهر مزایایی نیز داشت. مسافرینی که از قرن‌تس عبور می‌نمودند، منجمله آنهایی که از بارگاه مشهور و شفا دهنده اسکولاپیس (Aesculapius) دیدار می‌کردند و یا در بازیهای ایستیمیان (Isthmian) شرکت می‌نمودند، برای سکونت موقت نیاز به چادر داشتند، به طوری که یک خیمه دوز یا پوست کار همانند پولس (اکیلا و پرسکله در اعمال ۲:۱۸-۳) می‌توانست در آنجا کار و زندگی کند. به دلیل رفت و آمدهای بسیاری به این شهر، در اینجا او به عنوان یک بیگانه و یا حتی غریبه‌ای ساکن نگریسته نمی‌شد، و بذرنجیلی که او در قرن‌تس کاشت می‌توانست به دور دستها برده شود و توسط کسانی که به وسیله او مسیحی شده بودند پخش گردد. فورنیش پیشنهادهای جالبی دارد در این باره که چگونه نوشته‌های پولس بر پروژه‌های ساختمانی، جشن‌ها، اشیاء دست‌ساز، و کشاورزی محل تأثیر می‌گذارد.

تماس پولس با قرن‌تیان پیچیده بود. شاید مفید باشد که کاملاً محاسبه‌گر باشیم در شمارش نامه‌هایی که منجر به نامه اول به قرن‌تیان شدند (ادامه آن که منجر به نامه دوم به قرن‌تیان می‌شود در ذیل آمده است). علاوه بر اعدادی که برای تعیین لحظات تماس استفاده شد، من از حروف بزرگ الفبا برای نامگذاری نامه‌های پولس به قرن‌تس استفاده خواهم کرد که بعضی از این نامه‌ها مفقود شده است. من اشاره به این اعداد (#) و نامه‌ها را در طی این فصل و فصل بعدی ادامه خواهم داد.

(# ۱) ۵۱/۵۰-۵۲ میلادی. برحسب اعمال ۱:۱۸-۳ اکیلا و پرسکله (مسلماً یهودیان مسیحی) هنگامی که پولس به قرنتس وارد شد در آنجا بودند. بعضی ها این توالی را زیر سؤال می برند زیرا در اول قرن تیان ۳:۶ و ۱۰، ۱۵:۴، پولس ادعا می کند که در قرنتس او یک جامعه مسیحی بنیاد نهاد. ما نمی دانیم آیا قبل از اینکه پولس به این شهر بیاید مسیحیانی در آنجا بوده اند یا نه؟ آیا آن زبان مستثنی می کند. تجربه پولس در فیلیپی و تسالونیکیه دشمنی و رد شدن را تجربه نموده بود، به طوری که با ترس و لرز به قرنتس آمد (۱-قرن ۲:۳). با وجود این او یک سال و نیم در آنجا ماند. حتی اگر بگوییم در سخنوری غلو شده ادعای پولس که او با کلمات حکیمانه صحبت نمی کرد (۲:۴-۵، همین طور ۲-قرن ۱:۶) احتمالاً بدین معنی است که سخنان او مورد پسند دانشمندان باریک بین نبود. تصویر در اعمال ۱۸:۲-۴ اینگونه است که پولس بشارت به مسیح را به یهودیان شروع کرد و در خانه دوستان خیمه دوز خود اکیلا و پرسکله اقامت نمود و در کنیسه موعظه می کرد. سپس (اع ۱۸:۵-۷؛ ۱-تسا ۳:۱ و ۲ و ۶) بعد از آمدن سیلاس و تیموتائوس با اخباری از مکادونیه درباره مسیحیان تسالونیکیه، پولس به سوی امتهای روی آورد و به خانه یاسون، یک خدا ترس (یعنی یک نفر غیریهودی که به یهودیت گرایش داشت) نقل مکان نمود. از نامهای اشاره شده در اول قرن تیان ۱۵:۱۶-۱۸ و رومیان ۱۶:۲۱-۲۳ ما حضور نوایمانان یهودی و غیریهودی را در قرنتس کشف می کنیم که غیریهودیان در اکثریت بودند. آنهایی که توسط پولس تغییر ایمان یافته بودند عمدتاً از طبقات پایین تا متوسط اجتماع بوده اند، صنعتگران و برده های سابق در تعداد از ثروتمندان بسیار بیشتر بودند.^۱ بعضی مشکلات در مورد برگزاری شام خداوند ممکن است از عمل و عکس العمل مابین ثروتمندان و فقیران در قرنتس به وجود آمده باشد. موعظه اولیه پولس در قرنتس می بایستی قویاً مربوط به آخر زمان یا حتی مکاشفه ای بوده باشد، چون به طور نمادین او از دریافت پول خودداری نمود، و به زندگی در تنهایی ادامه داد (اشاره ای به این که این جهان جهانی باقی نیست)، نشانه ها و معجزات بروز داد (۲-قرن ۱۲:۱۲)، و به زبانها صحبت کرد (۱-قرن ۱۴:۱۸). قبل از اینکه اقامت پولس در قرنتس به پایان رسد، یهودیان او را به جلوی مسند گالیون والی اخائیه کشاندند (اع ۱۸:۱۲-۱۷). به هر حال این نتیجه معکوس داد، گالیون پولس را آزاد نمود، در حالی که سوستانیس، رئیس کنیسه، را تازیانه زد.

(# ۲) ۵۲-۵۶ میلادی؟ پس از اینکه پولس در سال ۵۲ همراه با پرسکله و اکیلا (اع ۱۸:۱۸) قرنتس را ترک کرد، سایر مبشرین نیز آمدند و موعظه پرشور مردی همانند پولس^۲ می توانست عناصر روحی را در درون جامعه قرن تیان تسریع کند و برخی شوق و شورها

۱- روی هم رفته ما حدود ۱۷ نام از مسیحیان قرنتس را می دانیم. بکر (پولس ۱۴۷) حدس می زند که پولس حدود ۵۰ تا ۱۰۰ نفر مسیحی هنگامی که او در سال ۵۲ میلادی آنجا را ترک کرد بجای گذارد.
 ۲- ۱-قرن ۳:۶، اع ۱۸:۲۴-۲۸، ۱۹:۱. با وجودی که مسیحیانی در قرنتس حضور داشتند که خود را پیروان کیفا

را به وجود بیاورد که پولس می‌بایستی در اول قرن‌تینان از آنها انتقاد کند. (#۳) اول قرن‌تینان ۹:۵ به نامه‌ای اشاره دارد که پولس نوشته (نامه A مفقود شده) و در آن به قرن‌تینان اخطار داده بود تا با افراد ناباب و هرزه معاشرت نکنند.

(#۴) (حدود ۵۶ میلادی) پولس در حالی که در افسس اقامت داشت (۵۴-۵۷) گزارشی درباره قرن‌تینان دریافت نمود، مثلاً از «خانه خلوئی» (۱-قرن ۱:۱۱، و نیز ۱۸:۱۱) ما درباره خلوئی هیچ نمی‌دانیم: آیا او در قرن‌تس زندگی می‌کرده (با تماسهایی با افسس؟) یا در افسس، آیا این زن مسیحی بوده، آیا «خانه خلویی» خانواده او بودند یا اهل خانه او و یا در تشکیلات تجاری او بودند، و آیا او آنها را فرستاده بود یا آنها از قرن‌تس به افسس سفر می‌کردند؟ (#۵) در همین زمان و یا قدری بعد از آن در افسس، پولس نامه‌ای از قرن‌تینان دریافت نمود (۱-قرن ۱:۷)، شاید در جواب به نامه A او و ظاهراً توسط استیفان، فرتوناتس و آخائیکوس (۱۶:۱۷-۱۸) که احتمالاً گزارشهای شخصی خود را نیز اضافه نمودند، آورده شده بود. (#۶) پولس اول قرن‌تینان را از افسس نوشت (نامه B) با وجودی که بعضی تلاشها صورت گرفته که اول قرن‌تینان را به عنوان تلفیقی از نامه‌های کاملاً جداگانه ببینند، اما بهترین ارزیابی این نامه به عنوان مکتوبی واحد شناخته شده که به مسیحیان قرن‌تس ارسال گردیده است، حتی اگر در دو مرحله در واکنش به #۴ و به #۵ به ترتیب تنظیم شده باشد. با این زمینه، اینک نگاهی به اول قرن‌تینان می‌اندازیم.

تحلیل کلی پیام

دستورالعمل افتتاحیه (۱:۱-۳) سوستانیس به عنوان همراه به پولس ملحق می‌شود. ظاهراً این همان شخصی است، اینک یک مسیحی، که قبلاً رئیس کنیسه قرن‌تینان بوده و در برابر *bēma* هنگامی که غالیون از داوری پولس خودداری نمود شلاق خورده بود (#۱، ۱۸:۱۷). آیا پولس نامه را به او دیکته کرد (۱۶:۲۱)؟ در ۹ آیه اول، که حاوی شکرگزاری است (۱:۴-۹) پولس نه بار به (عیسی) مسیح اشاره می‌کند، تأکیدی مناسب بر تصحیح فرقه‌گرایی قرن‌تینان توسط پولس، با اصرار بر اینکه آنها همگی در نام مسیح و نه شخص دیگر تعمیم یافته‌اند. او هم چنین سپاسگزاری می‌کند به خاطر فیضی که به قرن‌تینان داده شده تا در دانش و سخنوری غنی شوند، و اینکه آنها هیچ کمبودی در عطایا ندارند. نکته‌ای کنایه‌آمیز زیرا او مجبور می‌شد در آن نامه آنها را درباره حکمت متظاهرانه و نزاع بر

(پطرس، ۱-قرن ۱:۱۲) می‌خوانند و پولس از حق کیفا (و برادران خداوند) برای اختیار نمودن همسری ایماندار که با وی سفر کند صحبت می‌کند (۱-قرن ۵:۹)، دلیل روشنی وجود ندارد که پطرس در قرن‌تس بوده. هنگامی که پولس از فعالیت‌های بشارتی در قرن‌تس صحبت می‌کند، او فقط از اپلس و خودش نام می‌برد (۳:۴-۶، ۴:۶ به ۱۲:۱۶ رجوع کنید). هم چنین اعمال که از اپلس در قرن‌تس صحبت می‌کند درباره هرگونه نقش پطرس در آنجا سکوت می‌کند، همانند سنت اولیه (۱-پطرس ۱:۱ آدرسی برای اخائیه ندارد).

سر عطایا سرزنش نماید. مورد دیگری از شکرگزاری همگانی است که نامه به پایان خود نزدیک می شود در جایی که به روز خداوند اشاره دارد (۱-قرن ۱۵: ۵۰-۵۸).

قسمت اول از متن اصلی نامه (۱: ۱۰-۴: ۲۱). تقریباً چهار باب خطاب به مشکل جدایی ها یا فرقه گرایی هاست که در قرن تس وجود دارد، و پولس توسط اعضای خاندان خلویی از آن مطلع شده است (# ۴). در نتیجه فعالیت هایی که تحت # ۲ در بالا توصیف شد، اما احتمالاً بدون هیچ مشوق و انگیزه ای از سوی خود مبشرین، اینک در آنجا در میان مسیحیان قرن تس نزاعها وجود داشت و هر فرقه سعی می نمود رجحان و برتری خود را اعلام نمایند: «من متعلق به پولس هستم» یا «من به پولس تعلق دارم» یا «من به کیفا (بطرس) متعلقم»، یا «من از آن مسیح هستم» (۱-قرن ۱: ۱۲). مسیحیان امروزه عادت کرده اند که منقسم شده باشند و اما ما در مورد سرعت این تقسیم شدن متعجب هستیم. آنچه بیشتر ما را حیرت زده می کند واکنش پولس است زیرا ما عادت داریم که افراد از انتخاب خود در میان تقسیم بندی های کلیسایی دفاع کنند و به موضوع رقیب حمله نمایند. پولس از گروهی دفاع نمی کند که «متعلق» به او هستند، و یا بر برتری خود تأکید نمی کند، زیرا همه واعظین فقط خادم هستند (۳: ۵). «آیا مسیح منقسم شده است؟» آیا این پولس بود که در راه شما مصلوب گردید و یا اینکه در نام پولس تعمیم یافتید؟ (۱: ۱۳). «چه پولس، یا اپلس، یا کیفا... شما از آن مسیح هستید، و مسیح از آن خدا» (۳: ۲۲-۲۳).

وجود چنین تقسیم بندیها بازتاب وفاداریهای متفاوت شخصی در میان مسیحیان قرن تس است. با انتخاب یک واعظ خاص، همانند اپلس، بعضی از قرن تیان شاید در صدد چیزی بودند که همانند حکمت برتر به گوش می رسید، در حالی که پولس بدون فصاحت حماقتی را موعظه کرده بود که واقعاً عاقلانه تر از هر حکمت انسانی بود، یعنی مسیح و او را مصلوب شده (۱: ۱۸-۲: ۵). این حکمت اسرارآمیز خداست که از حاکمان عصر حاضر که خداوند جلال را مصلوب کردند مخفی شده است؛ این موضوع توسط پولس در کلماتی که به وسیله روح القدس تعلیم داده شده بود اعلام گردید. بنابراین حقایق روحانی در کلمات روحانی (۲: ۶-۱۶). پولس بنیادی محکم بنا نهاد، در واقع، تنها بنیاد ممکن، عیسی مسیح؛ و در روز داوری هر چیز دیگری که بی اساس است آشکار شده و خواهد سوخت (۳: ۱۰-۱۵). قرن تیان می بایستی متوجه باشند که آنها معبد خدا هستند که روح القدس در آن زندگی می کند، و او از حکمت این جهان که در نزد خدا جهالت است (۳: ۱۶-۲۳) نفرت دارد. در شیوه ای بسیار سخنورانه پولس «ما رسولان» را (۴: ۹) در مقابل قرن تیان قرار می دهد که در دیدگاه مذهبی خود مغرور هستند، با وجودی که چیزی ندارند که دریافت نکرده اند (۴: ۷).

۳- آیا آنهایی که اپلس را تحسین می کردند بر فصاحت او تأکید داشتند (ر. ک اع ۲۴: ۱۸)؟ پولس از زبان مجازی برای نشان دادن ضعفهای قرن تیان و نقش خودش در میان آنها استفاده می کند. آنها جسمانی هستند و نه روحانی، شیرخوارگانی که برای غذای مقوی آماده نیستند (۳: ۱-۴؛ ۴: ۱-۲؛ افس ۴: ۱۳-۱۴). او نه تنها رفتار پدران (۴: ۱۵) بلکه رفتار مادرانه نیز دارد (۳: ۲؛ ۱-تسا ۷: ۲؛ غلا ۴: ۱۹).

«در اینجا ما به خاطر مسیح جاهلان هستیم، در حالی که شما در مسیح دانا هستید...» (۴:۱۰-۱۳). این نامه خطاری است از پدری ب فرزندانش خود، و تیموتائوس به قرنتس فرستاده می شود تا درباره زندگی و تعالیم پولس به قرنتیان یادآوری کند، قبل از اینکه پولس خودش برای سرزنش متکبر بیاید «آیا با چوب نزد شما بیایم، یا با محبت و روح حلم؟» (۴:۱۷-۲۱).

قسمت دوم از متن اصلی نامه (۵:۱-۱۱:۳۴). سپس پولس به مشکلات مختلف ناشی از رفتار مسیحیان در میان قرنتیان رو می کند، ظاهراً **بابهای ۵-۶** در مورد مطالبی است که او درباره رفتار مسیحیان قرنتس^۴ شنیده است، و موضوعات جنسی و ازدواج در بیش از نیمی از دستورات او یافت می شود. امروزه عوامل اصلاح کننده درباره موضوعات جنسی را اغلب به عنوان ویکتوریان مردود می شمارند، اما این به ملکه بریتانیا برای چیزی امتیاز می دهد که به قرن اول مسیحی باز می گردد. رفتار مسؤلانه جنسی در ازدواج و بیرون از آن موضوع مهمی در زندگی است؛ و ناچار آنچه ایمان به مسیح برای چنین رفتاری معنی داشت به مشکلی تبدیل شد، مخصوصاً چون یهودیان و غیریهودیان که ایمان آورده بودند همیشه پیش فرض مشابهی نداشتند. اولین مرحله مورد خطاب توسط پولس (۵:۱-۵) در رابطه نامادری او با یک مرد است. ظاهراً پدر این مرد فوت کرده بود و او تصمیم می گیرد که با بیوه پدر خود که حدوداً در سن و سال خودش بود ازدواج کند. از تعالیم خود پولس که مسیحیان خلقتی نوین هستند، آیا آن مرد و یا حتی جامعه فکر می کنند که روابط گذشته دیگر اهمیتی ندارد؟ خشم پولس از این رفتار افشا کننده ریشه های یهودی اوست، زیرا ازدواج در چنین درجه ای از محرم بودن توسط شریعت موسی ممنوع شده بود (لاو ۱۸:۸، ۲۰:۱۱). او استدلال خود را بر این اساس می نهد که چنین رفتاری حتی در میان امتها هم قابل تحمل نیست. این موجب می شود که بسیاری از محققین فکر کنند که نوایمانان از امتها به مسیحیت در قرنتس، اشتباهاً از اعلام های پولس درباره آزادی چنین برداشت کرده بودند که دیگر هیچ قانون قدیمی رفتاری وجود ندارد (۱- قرن ۶:۱۲). اقتدار پولس برای صدور دستور اخراج از کلیسا حتی از راه دور در ۴:۵-۵ اعمال می شود؛ و آنچه که در رابطه با نامه ای که او برای آنها فرستاده است (نامه A، # ۳)^۵ اتفاق می افتد نشان می دهد که نگرانی اصلی او موضوع هرزگی در دنیای بیرون از جامعه مسیحی نیست بلکه گناه درون جامعه است که می تواند چاشنی و خمیرمایه آسیب پذیری آن باشد (۵:۶-۱۳، تصور یهودی، از رسومات عید گذر).

بدگمانی یهودی پولس از استانداردهای دنیای غیریهودی منعکس است در اصرار او که

۴- بعضی ها استدلال می کنند که این یک گزارش شفاهی است، جدا از آنچه که از اهل خانه خلویی دریافت شده (۱۱:۱)، که در بابهای ۱-۴ به آن پاسخ داده شده. احتمال دارد که آنهایی که نامه را از قرنتس آوردند ۱:۷، به پولس اطلاعاتی شفاهی درباره مسیحیان در آنجا داده بودند.

۵- اندرزی که او در آن نامه به آنها داده (۹:۵) یا بد تعبیر شده یا اینکه بد به کار گرفته شده بود (۱۱:۵). این به موضوع شعارهایی که در اول قرنتیان نقل قول شده ربط دارد. آیا اینها اظهارات پولس است که بد تعبیر می شود؟

منازعات و جروبحث‌ها باید با دخالت هم‌نوعان مسیحی به عنوان داور حل و فصل شود، به جای اینکه به دادگاه‌های امته‌ها برده شود (۱:۶-۸)، و این در زمره گناهانی است که مسیحیان قرن‌تس قبلاً مرتکب می شدند (۹:۶-۱۱). در ۱۲:۶ ما شعاری را می شنویم که در قرن‌تس در جریان بوده و احتمالاً ریشه بسیاری از چیزهایی است که پولس محکوم می کند: «همه چیز برای من جایز است».^۶ پولس در این مورد اصرار می ورزد که همه چیز خوبی به دنبال ندارد و تأکید دارد که نباید اجازه دهیم چیزی بر ما تسلط یابد. آزادی واقعی لازم نیست بیان گردد تا آزادی بماند. انسانها در محیطی خنثی زندگی نمی کنند: درگیر شدن در بی بند و باری آزادی نیست بلکه اسارت در بی‌اختیاری هاست که به بردگی در می آورد. بی بندوباری جنسی بر جسم مسیحیان تأثیر می گذارد، که می بایستی به عنوان عضوی از بدن مسیح و معبدی برای روح القدس (۱۹:۶) ارزیابی شود (۱۵:۶). بدن انسان وسیله‌ای برای ارتباط برقرار کردن است، و بنابراین مقاربت و آمیزش اتحادی مابین شرکا به وجود می آورد. اتحاد کسی که عضوی از بدن مسیح است با شریکی نالایق، همانند یک فاحشه، مسیح را بی‌آبرو می کند، همان‌طور که اتحاد در ازدواج خدا را جلال می دهد (۲۰:۶).

در باب هفتم پولس از آنچه که درباره قرن‌تس شنیده است برمی گردد و شروع به پاسخ دادن به سؤالاتی می کند که نزد او مطرح شده است. اولین سؤال در رابطه با این اظهار نظر است (متعلق به خود او یا طرح شده در قرن‌تس؟): «مرد را نیکو آن است که زن را لمس نکند». (این طرح زنده بیان اظهار نظرها یا شعارها و سپس بحث درباره آنها اغلب به عنوان تقلید پولس از طرح انتقاد شدید کلبی به گونه‌ای منفی تلقی می شود). با وجودی که پرهیز از روابط جنسی به خودی خود قابل تحسین است، پولس آن را در مورد ازدواج تشویق نمی کند زیرا می تواند وسوسه‌ها به وجود آورد و موجب بی‌عدالتی شود. او ازدواج را برای آنهایی که نمی توانند خود را کنترل کنند تشویق می کند، با وجودی که می گوید «من می خواهم که همه کس مثل خود من باشند» - منظور پولس ظاهراً مجرد ماندن است (بیوه شوند و یا هرگز ازدواج نکنند؟) و البته، پرهیز بدارند (۲:۷-۹).

پولس به آنهایی که هم اکنون ازدواج کرده اند (شاید درباره زوجی مشخص فکر می کند) قانون خداوند را درباره احتراز از طلاق و ازدواج مجدد تکرار می کند (۱۰:۷-۱۱)، اما سپس حکم خود را اضافه می کند که جدایی را اجازه می دهد اگر یکی از طرفین مسیحی نیست و به زندگی در آرامش با همسر ایماندار حاضر نمی باشد (۱۲:۷-۱۶).^۷ در ۱۷:۷-۴۰ پولس نشان می دهد که تا چه حد افکار او مکاشفه‌ای است: او می خواهد تمام

۶- با قرار دادن در لیست گناهان در ۹:۶-۱۰ آیا این شعار نشان دهنده رفتار مسیحیان قرن‌تس است که بدتر از رفتار سایر نوایمانان مسیحی پولسی در جاهای دیگر بوده؟

۷- جدایی ظاهراً دربرگیرنده طلاق و ازدواج مجدد احتمالی است، گرچه پولس به این موضوع آخر اشاره‌ای نمی کند. یک غیرمسیحی که با همسر ایماندار خود در صلح زندگی کند، توسط این اتحاد تقدیس می شود، همان‌طوری که بر عکس، یک ایماندار توسط اتحاد جنسی با فاحشه‌ای آلوده می گردد (۱۶:۶). اما عجیب اینکه این اشاره در ۱۴:۷ که فرزندان با رابطه خود با والدین ایماندار تقدیس می شوند. بعدها نقیصه‌ای تلقی می شد برای یک مسیحی که فرزندان غیرایماندار دارد (تیط ۱:۶).

مردم (یهودیان مختون، امتهای نامختون، غلام، مجرد، ازدواج کرده، بیوه) در همان حالتی بمانند که در هنگام دعوت شدن به مسیح بودند، زیرا زمان محدود شده است. به صفحات قبل درباره مسئله ارزیابی «اخلاقیات مقدماتی» و درباره تعیین اینکه در چنین دیدگاهی از بازگشت قریب الوقوع مسیح، چه چیزی باعث هدایت اخلاقی برای مسیحیان دو هزار سال بعد می شود. مسلماً این دیدگاه عاملی برای تبلیغ تجرد باقی می ماند: به عنوان یک فضیلت مسیحی معنی نمی دهد مگر اینکه با سایر نشانه ها (فقر خود خواسته، فداکاری) همراه باشد و ایمان به اینکه این دنیا دنیایی باقی نمی باشد، را نشان دهد.

در باب هشتم، پولس به سؤالاتی درباره غذایی که تقدیم خدایان شده و به هرکسی که خریدار آن باشد ارائه می گردد جواب می دهد. چون هیچ خدایی بجز خدای یکتا وجود ندارد، که پدر و سرمنشأ همه چیزهاست، تقدیم قربانی به بتها امری کاملاً بی ربط است. بنابراین مسیحیان اختیار و آزادی دارند: «زیرا که نه به خوردن بهتریم و نه به ناخوردن بدتر» (۸:۸). اما از نظر شبانی پولس نگران نوایمانان ضعیف است که درک آنها ناقص بوده و ممکن است فکر کنند که نشستن و خوردن در معبد خدایی دروغین شامل پرستش آن خدا نیز می شود و بنابراین ممکن است با خوردن مرتکب بت پرستی شوند. پس شخص باید محتاط باشد تا آن ایمانداران ضعیف را متهم نکند. طرز برخورد پولس توسط اظهار نظری که با آن این بحث را شروع می کند (۲:۸) کنترل می شود. دانش، حتی دانش صحیح، می تواند انسان را مغرور کند، اما محبت، دیگران را بنا می کند و بدین سبب محدودیتهایی در رفتار خود پسندانه به وجود می آورد. (عقیده محدودیتهای شبانی در مورد حقوق شخصی می تواند چالشی مهم باشد برای نسلی که دائماً از حقوق خود صحبت می کند ولی نه از مسؤولیتهای آنها). اگر خوردن موجب لغزش آنها شود، بهتر است که نخورند (۱۳:۸). او تا حدودی آشفته و پراکنده بار دیگر به سراغ این موضوع در ۱۰:۲۳-۳۳ می آید: «هرگز موجب لغزش برای یهودیان یا یونانیان و یا برای کلیسای خداوند مباحثید» (۱۰:۳۲).

در باب نهم پولس درباره حقوق خود به عنوان یک رسول دفاعی پرهیجان ارائه می دهد. دیگران ممکن است تکذیب کنند که او یک رسول است، اما او خداوند قیام کرده را دیده است، و کاری که او در تغییر ایمان انجام داده دلیلی بر رسول بودن اوست. این بی اطمینانی درباره مقام نیست که موجب می شود پولس از حقوق خود به عنوان یک رسول چشم پیموشد، یعنی حق برای تغذیه و حمایت شدن، یا همراهی شدن توسط یک همسر مسیحی که او نیز می بایستی حمایت شود.^۸ بلکه او از خود نگهداری کرد و به انجیل موعظه نمود، بدون هیچ

۸- از ۴:۹-۶ ما درمی یابیم که سایر رسولان (برای پولس این به معنی دوازده نفر نبود)، برادران خداوند (منجمله یعقوب؟)، و کیفا (پطرس) با گروهی از زنان مسیحی همراهی می شدند و ظاهراً انتظار کمک از نوایمانان خود داشتند تا مجبور نباشند برای امرار معاش خود در کنار موعظه کار نیز بکنند. برنابا همانند پولس زنی به همراه نداشت. این اشاره مثبت به برنابا (حدود سال ۵۵ میلادی)، با توجه به اشاره خصمانه با او در غلاطیان ۲:۱۳ درباره رفتار او در انطاکیه (حدود ۴۹-۵۰)، جالب است.

هزینه ای مبدا درخواست حمایت مانعی برای ایمان آوردن او به وجود آورد (یعنی اینکه مردم ممکن بود فکر کنند که او برای پول موعظه می کند). دو قطعه زیبا از سخنوری (۹: ۱۵-۱۸ و ۱۹-۲۳) پولس را در بهترین حالت خود به نمایش می گذارد. او آشکارا از آنچه که از طریق از خود گذشتگیهایش به دست آورده مغرور است، و با این همه او تحت اجبار الهی قرار داشت: «وای بر من اگر انجیل را اعلام نکنم». و در این اعلام کردن او تبدیل به همه چیز برای همه می شود تا بتواند افراد بیشتری را جذب کند. او برای آنهایی که تحت شریعت هستند تبدیل به کسی می شود که تحت شریعت است؛ برای آنهایی که بیرون از شریعت هستند، همانند کسی می شود که بیرون از شریعت است؛ برای ضعیفان، ضعیف می شود (این قطعه باید اخطاری باشد برای تمام آنهایی که در تفکرات پولس ایده لوژی سخت و دشوار می یابند. بیش از هر چیز او یک مبشر بود - به بحث درباره ثبات پولس در بالا مراجعه کنید). در ۹: ۲۴-۲۷ او با استفاده جالبی از یک تصویر از رقابت ورزشی که می بایستی برای قرنطیان بسیار آشنا بوده باشد، به این موضوع که چگونه در مأموریت بشارتی خود تلاش نموده پایان می دهد. او خود را به تمرین ریاضت وامی دارد مبدا پس از اعلام انجیل به دیگران خودش محروم شود.

بابهای ۱۰-۱۱ با مشکلات بیشتری در قرنتس، عمدتاً آنهایی که بر نیایش جامعه تأثیر می گذارند، سروکار دارد. در ۱۰: ۱-۱۳، پولس در نقل از کتاب خروج، جایی که بسیاری از اسرائیلی ها با وجود این که از درون دریا عبور کرده و غذای فراهم شده الهی را دریافت نموده بودند خدا را ناخشنود نمودند، به قرنطیان بر علیه هرزگی جنسی، ناامید شدن در سختیها، و پرستش خدایان دروغین اخطار می کند - تمام نمونه های تجربه قوم اسرائیل در صحرا «به عنوان درسی برای ما که اوج زمانها اینک برایمان فرا رسیده است مکتوب گردید». در ۱۰: ۲ و ۱۴-۲۲ پولس درباره تعمید و جام پربرکت شام خداوند که یک شراکت (*koinonia*) در خون مسیح است و شکستن نان که سهم شدن در بدن مسیح است (۱۰: ۱۶)، می نویسد. در اینجا پولس بعضی دیدگاههای مهم برای الهیات مقدس معبدی را ارائه می دهد زیرا او روشن می سازد که خدا از طریق تعمید و شام خداوند مسیحیان را رهایی داده و نگاه می دارد و در عین حال نشان می دهد که چنین کمک عالی به آنهایی که رازهای مقدس رهایی از گناه را دریافت می دارند آنها را از داوری الهی مستثنی نمی سازد. چون «شما که بسیاری یک تن می باشید»، شرکت در شام خداوند با شرکت در مراسم قربانی امتهای که در واقع به شیاطین اهدا می شود و انسانها را شریک شیطان می سازد سازگاری ندارد. شخص نمی تواند در هر دو هم در سر میز شام خداوند و هم میز شیاطین شرکت کند. ۱۱: ۱-۶ با قطع موضوع شام خداوند راهنمایی هایی برای «رفتار نیایشی» جامعه می دهد: مرد باید با سر برهنه دعا یا نبوت کند، در حالی که زن باید سر خود را بپوشاند. اساس الهیاتی عرضه شده برای این

درخواست (مرد صورت پر جلال خداست، در حالی که زن مرد را منعکس می‌کند؛ به خاطر حضور فرشتگان زنان باید نشانه‌ای از اقتدار بر سر خود داشته باشند) ممکن است حتی در نظر خود پولس نیز اثبات‌کننده نباشد، زیرا در آخر (۱۶:۱۱) او به اقتدار عادت خود و کلیساها متوسل می‌شود.

سپس در ۱۷:۱۱-۳۴ پولس به شام خداوند^۹ باز می‌گردد و با جسارت عدم خشنودی خود را از رفتار قرن‌تیان بیان می‌کند، که شقاقتها (آنها که در بابهای ۱-۴ عنوان شده؟) را با خود به «شام خداوند» می‌آورند، جایی که قرن‌تیان به عنوان یک کلیسا دور هم جمع می‌شوند (۱۸:۱۱) تا دوباره به یاد آورند که عیسی در شبی که او را تسلیم نمودند چه کرد و چه گفت تا هنگامی که باز آید (۲۰:۱۱، ۲۳-۲۶). ظاهراً بعضی‌ها شامی قبل از این تکه کردن نان و جام برکت می‌خورند، در حالی که دیگران (آنهايي که چیزی ندارند؟) مستثنی شده و گرسنه می‌روند. شاید این بازتاب وضعیت اجتماعی باشد. گردهمایی‌های عشای ربانی در خانه مردی ثروتمند برگزار می‌شد، تمام مسیحیان منجمله فقرا و بردگان می‌بایستی برای شرکت در شام خداوند به این مکان پذیرفته شوند اما صاحب خانه فقط دوستان مرفه و دارای مقام را برای شام مقدماتی به سفره خود دعوت می‌کند.^{۱۰} این تصور پولس از کلیسای خدا نیست (۲۲:۱۱). یا همه برای خوردن شام دور هم جمع شوند یا اینکه در خانه‌های خود شام بخورند (۳۳:۱۱-۳۴). هدف از شکستن مقدس نان، *koinonia* (۱۶:۱۰) است، نه شقاق در جامعه. شخص بر علیه جسم و خون خداوند گناه می‌ورزد اگر با ناشایستگی نان را بخورد و جام را بنوشد (۲۷:۱۱)، ظاهراً به خاطر اینکه نتوانسته تشخیص دهد که این جسم و خون خداوند است (۲۹:۱۱).^{۱۱} در واقع پولس اظهار می‌دارد که داوری هم اکنون بر قرن‌تیان قرار گرفته زیرا بعضی‌ها مرده‌اند و بسیاری بیمار هستند (۳۰:۱۱). علیرغم کتاب ایوب، ارتباطی مابین گناه و بیماری/مرگ در افکار یهودیان به قوت باقی مانده است.

قسمت سوم از متن اصلی نامه (۱:۱۲-۴۰:۱۴). بابهای ۱۲ و ۱۴ با عطایای روحانی که به فراوانی به مسیحیان قرن‌تیان داده شده سروکار دارند، در حالی که باب ۱۳، که بعضی وقتها سرود محبت نیز خوانده می‌شود، گسیختگی اصلاحی هرگونه طمع فطری درباره عطایای الهی به نظر می‌رسد. این بابها به قدری مورد توجه بوده‌اند که بهتر است آنها را جداگانه بحث نمود و به طوری کامل تر. در اینجا من فقط درباره یک جنبه از آنچه که توسط

۹- این اغلب به عنوان آگایه یا شام محبت اشاره می‌شود که بر طبق رسوم محلی بعد از مراسم نان و جام که ما شام خداوند یا عشای ربانی می‌نامیم برگزار می‌شود.

۱۰- بقایای باستان‌شناسی از خانه‌های ثروتمندان در قرن‌تس یک فضای عمومی (اطاق غذاخوری و حیاط) را نشان می‌دهند که برای میزبانان و حدود حداکثر ۵۰ نفر جا داشته. شاید افراد مقبول جامعه در اطاق غذاخوری غذا صرف می‌کردند و دیگران در حیاط منزل. همه محل‌های اجتماع مسیحیان همانند هم نبودند. مورفی کونر یک مغازه دو طبقه را مجسم می‌کند که فقط برای ده یا بیست ایماندار جا داشته که گردهم بیایند. بعضی وقتها می‌توان با اطمینان قضاوت کرد که چه کسی رهبری مراسم شام خداوند را داشته، صاحب خانه یا کسانی که توسط دوازده نفر تأیید شده بودند. ما در این باره شواهد کمی داریم و هر دو فرضیه بالا در حد حدس و گمان می‌باشند.

۱۱- ناشایست بودن اشاره به نحوه مشارکت دارد، به طوری که در اینجا پولس مستقیماً از دو گروه افراد صحبت نمی‌کند، یکی شایسته و دیگری ناشایسته. در نحوه رفتار ناشایسته، قصور در تشخیص حضور مسیح است، همین طور هم تشخیص ندادن مشارکت به وجود آمده توسط شرکت‌کنندگان در شام خداوند (۱۶:۱۰-۱۷).

این تصویری که پولس ترسیم نموده تداعی می شود نظر می دهیم. چون ۲۸:۱۲ رسولان، انبیا و معلمین را به عنوان اولین عطایای الهی عنوان می کند، اغلب تصور شده که جامعه قرن‌تین توسط موهبت‌های الهی اداره می شده. با وجود این تصویر پیچیده است زیرا عطیه «اداره کردن» نیز در ۲۸:۱۲ ذکر شده است. از این گذشته، ما درباره اینکه چگونه مسوولیتها مابین رسولان، انبیا، و معلمین تقسیم شده بود نسبتاً کم می دانیم، و اینکه تا چه حد رسولان دیگر بجز پولس در آن درگیر بوده اند. حتی اگر افسسیان ۴:۱۱ سالها بعد نوشته شده، نظم درباره رسولان، انبیا، بشارت دهندگان، شبانان و معلمین در آن به ما اخطار می دهد که تخصیص وظائف شاید دقیق و یا یکدست نبوده است. توصیف صحبت از انبیا در اول قرن‌تین ۱۴:۲۹-۳۳ نشان می دهد که اطمینان داشتن از اینکه انبیا چه کار می کردند تا چه حد مشکل است. در ۱۴:۳۴-۳۵، بلافاصله پس از توصیف نبوت، زنان از صحبت کردن در کلیساها منع شده اند، با وجود این ۵:۱۱ به زنان اجازه می دهد تا نیایش یا نبوت کنند به شرطی که سرشان پوشیده باشد. این ایده که در دهه ۵۰ تمام کلیساهای پولسی توسط عطایای الهی به همان طریقی که در قرن‌تس بود اداره می شدند (و اینکه بیست یا سی سال بعد این وضعیت به ساختاری سازمان یافته از اسقف - شماس که در نامه‌های شبانی به تصویر کشیده شده تغییر یافت) پرمخاطره است، به دلیل فقدان اطلاعات در بیشتر نامه‌های نوشته شده در این زمان و هم اشاره به اسقفان و شماسان در فیلیپی (۱:۱).^{۱۲}

قسمت چهارم از متن اصلی نامه (۱:۱۵-۵۸). در اینجا پولس انجیل را ابتدا برحسب رستاخیز عیسی توصیف می کند سپس از آن برای رستاخیز مسیحیان معانی ضمنی برداشت می نماید. من زیربخشی را در ذیل اختصاص خواهم داد به مطالب جنبی در مورد عقیده پولس درباره رستاخیز که از این باب سرچشمه می گیرد، و در اینجا بر عملکرد رستاخیز در پیام پولس به قرن‌تین تمرکز می کنم. بعضی از مسیحیان قرن‌تس می گفته اند که رستاخیز از مرگ وجود ندارد (۱۲:۱۵). آشکار نیست که این افراد درباره آنچه که برای مسیح اتفاق افتاد چگونه فکر می کردند، اما استدلالی معقولانه است اگر آنها فکر می کردند که عیسی جسماً از مرگ قیام کرده است،^{۱۲} و در ۱۱:۱۵-۱۱ پولس به آنها یادآوری می کند این روایت را که عیسی از مرگ قیام کرد و بر شخصیت‌های شناخته شده ای همانند کیفا، دوازده نفر، یعقوب (برادر خداوند) و خود پولس (۳:۱۵-۸ هم چنین ۹:۱) ظاهر شد. روایتی که با کتب مقدسه کاملاً منطبق است و به استواری تأیید گردید: «پس خواه من و خواه ایشان بدین طریق وعظ می کنیم و به این طور ایمان آوردید» (۱۱:۱۵). اما درباره سرنوشت دیگران،

۱۲. به فصل بیستم، موضوع ۵ مراجعه کنید. پولس احتمالاً در جاهایی که توقف کوتاهی داشته نیاز به برجگذاری ساختاری رسمی را احساس می کرده، در حالی که در جاهایی که زمان طولانی تری برای تشکیل یک جامعه در اختیار داشته (قرن‌تس) تمایل به این داشته که نقش‌ها از طریق فیض روح القدس واگذار گردند.
۱۲. ریوف، فکر می کند که آنها فکر می کردند که عیسی نیز همانند الیاس به آسمان بلند کرده شده بوده (از روی صلیب) بدون اینکه بمیرد.

آنهایی که پولس آنها را اصلاح می نمود، که فکر می کردند که هم اکنون با آمدن روح القدس معادل رستاخیز به انجام رسیده و در انتظار چیز دیگری نباید بود. پولس با قرار دادن خود بر پایه آنچه که بر مسیح روی داد اظهار می دارد که مردگان قیام خواهند نمود (۱۵: ۱۲-۱۹) و اینکه رستاخیز آینده است (۱۵: ۲۰-۳۴) و در جسم (۱۵: ۳۵-۵۰). در این استدلال او تعلیم می دهد که آنهایی که در مسیح خوابیده اند از بین نرفته اند (نیز ۲-قرن ۴: ۱۴). در واقع، مسیح نوبر خوابیدگان است: همان طور که در آدم همه مردند، در مسیح همه زندگی خواهند کرد (۱-قرن ۱۵: ۲۰-۲۲). نظمی آخرتی وجود دارد: اول، مسیح؛ سپس در بازگشت او، آنهایی که به مسیح تعلق دارند؛ و بعد در پایان، مسیح پس از اینکه تمام سلطه، اقتدار و قدرت را از بین برد و دشمنان را مقهور نمود (با مرگ به عنوان آخرین دشمن)، ملکوت را تسلیم پدر خواهد کرد؛ و نهایتاً پسر خود مطیع خدا خواهد شد، او که تمام چیزها را مطیع وی گردانید تا آنکه خدا کل در کل باشد (۱۵: ۲۳-۲۸).

رستاخیز برای پولس موضوعی نظری نیست بلکه امید به برخیزانیده شدن تمایل او را به تحمل مصیبت توضیح می دهد آن طوری که او در افسس که از آنجا او این نامه را می نویسد تحمل کرد (۱۵: ۳۰-۳۴). در ۱۵: ۳۵-۵۸ پولس بر اعتراضی دیگر درباره رستاخیز از مردگان تمرکز می یابد: با چه نوع جسم؟ (این مخالفت طی قرنها به عنوان یک اعتراض باقی مانده زیرا بقایای جسد میلیونها نفر انسان در طی قرون از بین رفته و متلاشی شده اند). پولس پاسخی موشکافانه می دهد: رستاخیز حاوی جسمی دگرگون شده خواهد بود، همانقدر متفاوت که گیاهی رشد کرده از دانه آن است، جسمی غیرفانی، نه از بین رفتنی؛ قدرتمند، نه ضعیف؛ روحانی (*pneumatikos*)، نه فیزیکی (*psychikos*)؛ در تصویر اصیل آسمانی، نه از خاک و زمین. گذشته از همه چیز، «جسم و خون نمی تواند وارث ملکوت خدا گردد» (۱۵: ۵۰). در پایان، زنده یا مرده، همه ما متبدل خواهیم شد و این فاسد بی فساد را خواهد پوشید (۱۵: ۵۱-۵۴). «سطر آخر» در جواب قرنتیان که رستاخیز را نفی می کنند آن است که مرگ نیش خود را از دست داده است زیرا خدا ما را از طریق خداوند ما عیسی مسیح پیروز گردانیده است (۱۵: ۵۵-۵۸).

قسمت پایانی متن اصلی (۱: ۱۶-۱۸) و دستورالعمل اختتامیه (۱۶: ۱۹-۲۴).

پایان نامه اول به قرنتیان دستوراتی جهت جمع آوری هدایا برای اورشلیم به قرنتیان می دهد و نقشه پولس را توصیف می کند. پولس می خواهد حداقل تا پنطیکاست بعدی (مه/ژوئن سال ۵۷ میلادی؟) در افسس بماند، زیرا با وجود مخالفت، امکان بشارت دادن برای او فراهم شده است. اما او در نظر دارد از طریق مکادونیه به قرنتس بیاید و زمستان را در آنجا بماند (۵۷-۵۸ میلادی؟). هرگاه تیموتائوس بیاید از او باید به خوبی پذیرایی نمایند (۱۶: ۱۰-۱۱). اما درباره اپلس با وجودی که پولس به او اصرار کرده بود به قرنتس باز

گردد، او در حال حاضر تمایلی برای این کار ندارد، احتمالاً مبادا او شقاق را در آنجا شدیدتر کند (۱۲:۱۶).

با وجودی که سلامهای اختتامیه (منجمله از اکیلا و پرسکله) گرم هستند، هنگامی که پولس قلم بر می‌دارد تا با دست خود نوشته‌ای اضافه کند، همانند داوری عمل می‌کند و به هر کسی که در قرن‌تس خداوند را دوست ندارد لعنت می‌فرستد، (۲۲:۱۶). با وجود این کلمات آخر او مثبت هستند، نه تنها محبت خود را به همه عرضه می‌کنند، بلکه دعایی نیز ادا می‌نمایند که ظاهراً حتی قرن‌تس آن را به زبان مادری عیسی می‌شناسند (آرامی *Marana tha*: ماراناتا، «خداوند ما، بیا»).

آنهايي که توسط پولس در قرن‌تس مورد انتقاد قرار گرفتند

در بابهای ۱-۴ پولس فرقه‌گرایی را در میان قرن‌تس اصلاح می‌کند، نه از طریق خطاب کردن هر گروه به طور جداگانه بلکه با انتقاد کردن از کل جامعه مسیحیان برای اینکه اجازه داده‌اند که به سه یا چهار گروه تقسیم بشوند. او نمی‌گوید که آیا اختلافات مذهبی در میان گروه‌ها در ورای وفاداری آنها به افراد متفاوت بوده است یا نه، اما محققین آزادانه به هر کدام دیدگاه خاصی داده‌اند. به طور مثال، اغلب یک پیرو محافظه‌کار شریعت را به گروه کیفا (پطرس) نسبت داده‌اند، علیرغم این واقعیت که در اول قرن‌تس ۱۵:۵، ۱۱ می‌نویسد که کیفا و پولس به یک پیام مشترک وعظ می‌نمودند. هیچ مدرکی وجود ندارد که مبشرینی که نام آنان برای نامگذاری گروه‌ها به کار رفته (پولس، اپلس، کیفا) توسط پولس برای تشویق چنین گروه‌بندیها سرزنش شده باشند. آیا تشکیل گروه‌ها خود جوش بوده است یا اینکه بعضی از آنهايي که شعارهای آنان در بابهای بعدی اول قرن‌تس مورد انتقاد قرار گرفته است در پیدایش این فرقه‌گرایی نقشی ایفا کرده‌اند؟ در پاراگراف بعدی ایده‌هایی که توسط پولس مورد انتقاد قرار گرفته را بحث خواهیم نمود، اما شواهد کمی موجود است در این مورد که اینها از خارج به قرن‌تس آمدند. شاید گروه‌ها تمایلات هم‌اکنون موجود در آنجا را بیان کردند، مثلاً درک ناقص امتها از ایده‌های مسیحی که از یهودیت نشأت گرفته بود. آیا سه یا چهار جناح در خانه - کلیساهای جداگانه سازماندهی شده بودند؟ پاسخ به این سؤالات عمدتاً حدسیات است زیرا اطلاعات کمی در اول - دوم قرن‌تس درباره‌خانه - کلیساهای، بجز موجودیت آنها یافت می‌شود (۱- قرن ۱۶:۱۹؛ روم ۲۳:۱۶). در واقع نامه اول به قرن‌تس ۱۴:۲۳ امکان گردهم آمدن تمام کلیسا را مجسم می‌کند.

کلمات *sophia* («حکمت») و *sophos* («حکیم») بیش از بیست و پنج بار در بابهای ۱-۳ یافت می‌شود، همان طوری که حکمت خدا (که دیگران آن را جهالت می‌پندارند) با حکمت انسانی در تضاد است. انتقاد یهودیان و یونانیها، که هر دوی آنها مسیح را که حکمت

خدا بود رد می‌کنند، نشان می‌دهد که پولس هیچ کدام از دیدگاه‌های حکمت انسانی را انتقاد نمی‌کند، حتی اگر فرمهای فلسفه یونانی تحت حکمتی که یونانیها در پی آن بودند ضمیمه شده بود (۲۲:۱). با وجودی که در بابهای ۱-۴ *gnōsis* فقط در ۵:۱ یافت می‌شود، تعداد قابل توجهی از محققین اظهار داشته‌اند که پولس از یک جنبش گنوستیک در قرن‌تس انتقاد می‌کرده. به عنوان مدرک آنها بعضی وقتها به بابهای آخر اول قرن‌تیان رجوع می‌کنند، مثلاً «ما همه علم داریم» (۱:۸) و بحث علم در ۷:۸-۱۱ هم چنین ۱۳:۲، ۸، ۱۴:۶. مسلماً مسیحیانی در قرن‌تس بودند که از سایر مسیحیان عالم تر بوده و خود را برتر می‌پنداشتند. اما آیا واژه «گنوستیک» برای آنها که گویی با سیستم‌های قرن دوم، که مدعی بودند دانشی به طور خاص مکاشفه شده در باره الوهیت داشته و می‌توانسته‌اند از دنیای مادی بگریزند، وجوه مشترکی داشته‌اند، مناسب است؟ پولس مؤسس جامعه مسیحی در قرن‌تس، حدود سال ۵۲ میلادی آنجا را ترک کرد؛ آیا معلمین مهم گنوستیک مسیحیان را تا سال ۵۶ تحت تأثیر قرار دادند؟ (بطرس گنوستیک نبود و پولس هیچ درکی درباره نظریات اپلس در ۱۶:۱۲ نشان نمی‌دهد). آیا نفی رستاخیز از مردگان توسط بعضی در قرن‌تس (۱۵:۱۲ و ۲۹) از یک نفی گنوستیک نشأت می‌گیرد که عیسی از نظر فیزیکی یک موجود انسانی بود که مرد و یا عقیده اینکه ایمانداران واقعی هم اکنون از نظر روحی قیام کرده هستند؟ آیا ایمانداران در قرن‌تس می‌گفتند «عیسی آنا تیما باد» (۳:۱۲)؛ و اگر چنین است آیا آنها بدین وسیله این ایده را نفی می‌کردند که مسیح (متمايز از عیسی) موجودیت زمینی اصیلی داشته است؟

این ما را به ارزیابی تعدادی از شعارها در اول قرن‌تیان هدایت می‌کند. در کنار آنانی که در بالا نام برده شدند، مطالب ذیل نیز می‌تواند اضافه شود: «همه چیز برای من مجاز است» (۱۲:۶، ۱۰:۲۳)؛ «خوراک برای شکم است، و شکم برای خوراک» (۱۳:۶)؛ «از زنا بگریزید؛ هر گناهی که آدمی می‌کند بیرون از بدن است» (۱۸:۶)؛ «مرد را نیکو آن است که زن را لمس نکنند» (۱:۷). پولس به صورت تأدیبی این شعارها را تعدیل می‌کند و بنابراین آنها توسط کسانی که او در قرن‌تس سرزنش خواهد نمود استفاده می‌شود. این تعدیل به هر حال، دو امکان مهم را باز می‌گذارد، این اظهارات در اصل وضع شده بود یا به توسط پولس در بشارت دادن به قرن‌تیان (اما اینک از آنها سوء استفاده می‌شود) یا به وسیله مخالفین پولس. در هر دو صورت، شخص می‌توانست فرض کند که استفاده از آنها در یک سیستم فکری که در آن دانش برتر، گروهی را (گروه «مسیح»؟) به سوی لابلالی‌گری بر اساس بی‌اهمیت بودن آنچه که انسان در جسم انجام می‌دهد و آنچه که بعد از مرگ اتفاق می‌افتد سوق می‌دهد، هدایت می‌کند.

نهایتاً نکاتی دیگر در انتقاد پولس وجود دارند که شاید هیچ رابطه‌ای با وضعیت شاخص الهیاتی ندارند. تمایل به بردن شکایات به محاکم دنیوی (۶:۱-۷) و دعا کردن زنان با سر برهنه (۵:۱۱) شاید بازتاب چیزی بیش از آداب و رسوم اجتماعی قرن‌تیان نباشد.

حدس و گمان قابل توجهی در بحث درباره آنهایی که پولس اصلاح می کرد، و بعضی ها که به ترسیم مخالفین در دوم قرننیاں متوسل شده اند، گویی تداومی مابین این دو گروه دیده اند، وجود دارد. این چیزی مبهم را از طریق چیزی به همان نسبت مبهم توجیه می کند زیرا چهره دوم قرننیاں چندان واضح نیست.

انتقاد پولس از زناکاران و هم جنس بازان (۹:۶-۱۰)

پولس اخطار می کند که آنهایی که تعدادی از گناهان را مرتکب می شوند وارث ملکوت آسمان نخواهند شد. امروزه تقریباً تمام مسیحیان هنوز به این محکوم کردن بت پرستان، طماعان، باده گساران، مفتتری ها، سارقان ملحق می شوند، چه آنها به این افراد همان سرنوشت سخت را اختصاص بدهند یا نه. اما مسائل مهمی درباره سه نامگذاری به وجود آمده است: *arsenokoitai, malakoi, pornoi* (اولی و سومی که عمده نگرانی ما خواهد بود در اینجا در اول تیموتائوس ۱:۱۰ با هم ادغام شده اند).

pornoi توسط گروهی به عنوان اشاره ای به فساد جنسی (هرزگی) درک می شود و توسط بعضی افراد دیگر به عنوان زناکاری. امروزه مدارای زیادی در جامعه جهان اول نسبت به زندگی کردن مردان و زنان ازدواج نکرده با هم و یا روابط جنسی مابین آنها دیده می شود که این بحث را که آیا پولس یک محکومیت فراگیر برعلیه «زناکاری» صادر نموده است را خنثی می کند. چون در ۱۵:۶-۱۸ پولس ممنوع می کند که یک مرد مسیحی جسم خود را با یک زن فاحشه (*porne*) متحد سازد و *porneia* را محکوم می کند، و چون تاریخچه ای از فاحشه های مقدس در خدمت آفرودیت در قرننس وجود داشت، بعضی ها استدلال می کنند که پولس با استفاده از *pornoi* (زانیان) در ۹:۶ منظورش آنهایی بوده اند که برای پول در روابط نامشروع جنسی درگیر می شده اند، یعنی آنهایی که با فاحشه ها سر و کار داشته اند. به هر حال در ۱:۵ به عنوان یک نمونه از *porneia* (زنا) در میان قرننیاں، پولس مردی را نشان می دهد که با مادر ناتنی خود زندگی می کرد. که به زحمت موضوع سکس به منظور استفاده مادی بود. به این دلیل که مدرک کافی برای محدود کردن اشاره پولس به *porno* وجود ندارد، «آنهایی که درگیر زناکاری هستند» ترجمه بهتری است از «آنانی که از زنان فاحشه استفاده می کنند».

دو واژه بعدی *malakoi* و *arsenokoitai* ما را به موضوع هم جنس بازی هدایت می کند. ساندرز تأکید می کند بر اینکه قبل از هرچیز بررسی دیدگاههای یونانی-رومی ضروری است، جایی که هم جنس بازی محکوم نمی شود. در واقع در مجامع یونانی فعالیت هم جنس بازی یک مرد بالغ با جوانی جذاب بخشی از تربیت فرهنگی او محسوب می شد زیرا که زیبایی جسم مذکر در نزد آنها ارزش زیادی داشت. اما به طور کلی برای مردی کامل باعث

شرم بود که شریکی مفعول باشد یا نقش یک زن را ایفا کند - این نقش برای بردگان بود. (اطلاعات کمتری درباره هم جنس بازی زنان وجود دارد، اما در اینجا هم شاید مشابه همان اکراه برای زنان وجود داشته باشد که نقش مذکر و یا فاعل را ایفا نمایند). اما آن طور که ساندرز اشاره می‌کند، هم جنس بازی «فعل، قنداق، و لوله تفنگ»، یعنی به صورت هم مفعول و هم فاعل را محکوم می‌کنند. با وجودی که بعضی از محققین مخالفت می‌کنند، اما به احتمال بسیار قوی پولس هم جنس بازی منفعل و فعال را محکوم می‌کند.

malakoi (تحت الفظی «نرم») می‌تواند اشاره به حالت زنانه داشتن باشد، و بعضی‌ها آن را «فاسد، غیر اخلاقی» ترجمه می‌کنند. با وجود این در دنیای یونانی - رومی این یک نامگذاری برای «بچه خوشگل»، مردان یا پسران (مخصوصاً این آخری) بود که برای استفاده جنسی نگاهداری می‌شدند و نقش مؤنث، پذیرا، «پسران فاحشه» یا «فاحشه‌های مذکر» را بازی می‌کردند. (از آنجا که در جامعه امروزی هیچ تمایل جدی برای مدارا و تحمل نسبت به مردان فاحشه وجود ندارد، این کلمه‌ای مسئله ساز نیست که موجب مسئله مهمی بشود). بحث بر *arsenokoitai* (تحت الفظی «آنهایی که با مردان همخوابی دارند) تمرکز یافته، ترجمه شده به عنوان "sodomites" (سدومیها، لواط کاران) یا «هم جنس بازان». جنبش‌هایی برای عدالت در مورد هم جنس بازان موجب چالش‌هایی درباره چنین ترجمه‌ای شده است، و بعضی‌ها اظهار می‌دارند که پولس فقط فاحشه‌های مذکر را محکوم می‌کرد زیرا که این کار شریک فاعل را به خشونت می‌کشاند، همین طور که شریک مفعول را قربانی می‌کند. این شدیداً از چندین جهت مبهم است. همان طوری که در بالا اشاره شد، تلاش برای ایجاد شباهت با *pornoi*، به معنی آنانی که با فاحشه‌های مؤنث روابط جنسی برقرار می‌کنند، غیر محتمل است. بعلاوه، ترکیب زبان شناسی *arsenokoitai* استفاده از این واژه را منحصر به فاحشه‌های مذکر می‌نماید. اجزاء *arsen* و *koimasthai* در لایوان ۱۸:۲۲، ۲۰:۱۳ یافت می‌شوند جایی که خوابیدن یعنی مقاربت با یک مذکر همانند با یک مؤنث را منع می‌کند. پولس که انجیل اساسی او هفتادتنان بود، هنگامی که از این کلمه مرکب برای محکوم کردن هم جنس بازی استفاده نمود مسلماً این جملات را در ذهن داشت. با توجه به این که اول قرن‌تیان ۹:۶-۱۰ اشاره به *arsenokoitai* را در زمینه بسیاری از رسوم محکوم دیگر قرار می‌دهد نمی‌توان تعیین نمود که او تا چه حد به طور جدی به این موضوع توجه می‌نموده. افکار او با وضوح بیشتری در رومیان ۱:۲۶-۲۷ ادا شده، جایی که او صحبت خود را بر اساس خلقت زن و مرد برای یکدیگر توسط خدا قرار می‌دهد، تا با یکدیگر همانند یک باشند. او همچنین به عنوان تخریب و تغییر شکل نظم به وجود آمده توسط خدا زنانی که رابطه جنسی طبیعی را با آنچه خلاف طبیعت است تعویض کرده‌اند، و مردانی که روابط طبیعی با زنان را رها کرده و در شهوت برای یکدیگر می‌سوزند را محکوم می‌کند. بنابراین

به طور کلی می توان گفت که، شواهد قویاً به سود این فرضیه است که پولس هر نوع فعالیت جنسی بیرون از ازدواج مابین یک مرد و یک زن را محکوم می کند. اظهارنظرها توسط موجودات بشری، منجمله آنهایی که در کتاب مقدس هستند، به دیدگاه کلی جهانی آنانی که آنها را ادا کرده اند محدود می باشند. توجه ما بر آنچه که پولس در قرن اول محکوم می نمود متمرکز شده بود. سؤالی متفاوت ولی اساسی این است که محکومیت پولسی برای مسیحیان امروزی تا چه حد الزام آور است. این از موضوع «اخلاقیات مقدماتی» فراتر می رود. ما درباره فیزیولوژی و روان شناسی فعالیت جنسی بسیار بیشتر از آنچه پولس می دانسته می دانیم. به هر حال، این واقعیت که در اول قرن ۱۶:۶ پولس از پیدایش ۲۴:۲ «این دو یک جسم خواهند شد» نقل قول می کند نشان می دهد که محکوم کردن زناکاران و هم جنس بازان توسط او در اول قرن ۹:۶، در خلقت زن و مرد به صورت الهی توسط خدا (پید ۱:۲۷) و مقدر کردن این که آنها در ازدواج متحد خواهند شد، ریشه دارد. همین زمینه از عیسی در مرقس ۷:۱۰-۸ بر علیه طلاق نقل قول می کند. نگرشی بر اساس مکاشفه خدا در خود خلقت به سادگی قابل تغییر نیست. بحث محققانه این موضوع، که نگرش پولس را درباره «غیر طبیعی» به مبارزه فرا می خواند، ادامه خواهد یافت. به هر حال در تأکید بر محدودیتهای جنسی تحمیل شده توسط حالت ازدواج که توسط خدا مابین یک مرد و یک زن دستور داده شد، پولس و در واقع، خود عیسی، که در میان ما و در زمان ما راه می رود، از اینکه از نظر سیاسی و جنسی «نادرست» تلقی شوند، نخواهند ترسید همین طور که در میان دنیای یونانی- رومی و یهودی زمان خود به اینکه زیاده طلب شناخته شوند اهمیت نمی دادند.

عطایا در قرن ۱۲ و ۱۴ (۱) و امروز

در ۲۸:۱۲ ما لیستی از عطایا را می یابیم، که در ابتدا به گروه سه تایی شامل رسولان، انبیاء و معلمین، و سپس به گروهی شماره گذاری نشده شامل اعمال مقتدرانه (معجزات)، نعمت شفاها، اشکالی از کمک و یاری، توانایی های اداره کردن (یا رهبری) و انواع مختلف زبانها تقسیم شده اند. این لیست کامل نیست، زیرا ۱۲:۸-۱۰ هم چنین به بیان حکمت و بیان دانش، ایمان و تشخیص ارواح بعلاوه تمایزی که باید مابین زبانها و ترجمه زبانها قایل شد، اشاره می کند. آنانی که یک عطیه دارند یکی دیگر را هم می خواهند، و در اول قرن ۱۲:۱۲ پولس از تجسم بدن انسانی و اعضای بسیار آن، که احتمالاً از خویشتن داری و حلم گرفته شده است، استفاده می کند تا بر لزوم تنوع تأکید نماید. حتی اعضای کمتر قابل توجه نیز نقش غیر قابل اجتناب دارند. از ۱۴:۱-۳۳ ما درمی یابیم که عطیه صحبت کردن به زبانها، شاید به این دلیل که ملموس تر و واضح تر از عطایای دیگر بود، عامل اصلی کشمکش و نزاع بود. پولس از این وضعیت به چندین روش انتقاد می کند. عطیه صحبت به زبانها

نیازمند ترجمه است، بنابراین عطیه اضافی ترجمه نیز لازم است (۱۳:۱۴). در مقایسه با زبانها، عطیای عالی تری از صحبت به زبانها موجود است، مثلاً نبوت کردن که کلیسا را بنا می‌کند (۵:۱۴). پولس جستجو برای محبت (آگاهیه) که از هر عطیه ای (۱۳:۱-۱۳)، چه صحبت به زبان فرشتگان یا نبوت کردن یا انجام معجزات، مهمتر است را قاطعانه تشویق می‌کند. او پس از اینکه این استدلال را مطرح کرده، اظهار می‌دارد که هر پیامبر حقیقی و شخصی روحانی متوجه خواهد شد که او یکی از احکام خداوند را نوشته است، و آن کسی که این را تشخیص ندهد نادان بماند (۳۷:۱۴-۳۸)؛ اگر پولس می‌باید به آن «خط آخر» استبداد متوسل شود، ما با موضوعی مشکل سروکار داریم.

با وجودی که همیشه کلیساهای کوچکی وجود داشته‌اند و حتی فرقه‌هایی از مسیحیان که از پدیده عطایا به خود می‌بالیدند، در سالهای اخیر «عطایا» توجه بیشتری را جلب کرده‌اند و در میان اعضای بیشتر کلیساهای بزرگ یافت می‌شوند. تنوعی از این موهبات الهی در تجربیات امروزی وجود دارند ولی اغلب توجهات معطوف صحبت کردن به زبانها، «کشته شدن در روح»، و کشف دیوهاست.^{۱۴} به طور عموم پذیرفته شده که تجربیات عطیای الهی قدرت دارند تا زندگی مذهبی یا روحانی افراد را پیشرفت دهند. اما آیا موهبات الهی امروزه همانی را که در اول قرن‌تینان ۱۲ توصیف شده تجربه می‌کنند؟

بعضی از اشارات بدین ترتیب هستند: (a) هیچ شخصی در قرن بیستم دیدگاه جهانی شخصی را که در قرن اول زندگی کرده ندارد، و بنابراین امروزه غیرممکن است که آنچه را که پولس توصیف می‌کند بدانیم یا دقیقاً کپی کنیم، بدون توجه به اینکه خود-اطمینان بخشی موهبت الهی تا چه حد اصیل می‌باشد. در نکته اساسی روح القدس، به طور مثال، مسیحیان اینک توسط الهیات تثلیثی که در قرن چهارم به انجام رسید شکل گرفته‌اند؛ هیچ دلیلی وجود ندارد که پولس درباره شخصیت روح القدس چنین عقیده شفافی داشته باشد. (b) اما درباره صحبت کردن به زبانها، پولس ادعا می‌کند که او به درجات بالاتری از مخاطبین خود در قرن‌تس (۱۸:۱۴) به زبانها صحبت می‌کند. با وجود این آسان نیست که بدانیم که منظور او از «زبانها» چیست. او اشاراتی می‌کند به سخنرانی که نیازمند تفسیر است؛ به سخنانی که به سوی خدا جهت یافته و نه به دیگران، زیرا هیچ کس سخنرانان را درک نمی‌کند؛ به صداهایی که قابل تشخیص نیستند؛ به عطیه ای که فرد را بنا می‌کند به جای اینکه کلیسا را بنا کند (۱۴:۱-۱۹)؛ و به زبانهای فرشتگان (۱:۱۳). نویسنده اعمال که چندین دهه بعد می‌نوشت به نظر می‌رسد که دو تفسیر از صحبت کردن به زبانها ارائه می‌کند

۱۴. عهدجدید تلاش می‌کند تا تفاوت مابین تعمید انجام یافته توسط یحیی تعمید دهنده و آنچه که به وسیله عیسی معرفی شده بود را توضیح دهد و این بعضی وقتها منجر به تشخیص مابین تعمید آب (اجرا شده برای تمام مسیحیان) و تعمید روح القدس، جاری شدن موهبت‌ها، می‌شود. برحسب یوحنا ۳:۵ به هر حال، ایمانداران واقعی از آب و روح القدس مولود شده‌اند.

(۴:۲): یکی که پراگویی به زبانی غیرقابل درک، گویی که صحبت کنندگان مست باشند (۲:۱۳-۱۵)، و دیگری صحبت کردن به زبانه‌های خارجی که شخص آنها را فرا نگرفته است (۲:۶-۷). آیا درک مختلف از «زبانها» همان چیزی است که توسط «انواع مختلف زبانها» منظور نظر بوده؟ (c) عطایایی که توسط پولس توصیف شده همان عطایایی هستند که رایگان توسط خدا داده شده‌اند، به نظر نمی‌رسد که همه آنها حاوی تجربه یا رفتاری احساسی بوده باشند. چنانکه قبلاً اشاره شد، یکی از این موهبات *kyberneseis* (اداره کردنها، رهبری‌ها) می‌باشد. امروزه ما ممکن است در مورد یک شخص متوجه شویم که سرپرستی با استعداد است و این استعداد را به خدا نسبت دهیم، اما معمولاً چنین افرادی را در زمره افرادی که موهبت الهی صحبت کردن به زبانها را دارد قرار نمی‌دهیم. پولس چنین می‌کند. (d) قدرشناسی امروزی از عطایا بعضی وقتها این واقعیت را در نظر نمی‌گیرد که این عطایا در قرن‌تس تفرقه ایجاد نموده‌اند. ناچار، چه یک موهبت یا مقام و منصب درگیر باشد، وقتی که یک مسیحی ادعا می‌کند که مقامی را داراست که دیگران ندارند، موضوع برتری و حسادت مطرح می‌شود. تعمق‌های عهدجدیدی درباره روح القدس وجود دارند که تقریباً برعلیه ایده عطایای گوناگون عمل می‌کنند. بر حسب یوحنا ۱۴:۱۵-۱۶ هرکه عیسی را دوست می‌دارد و احکام او را حفظ می‌کند روح القدس را دریافت می‌کند، و هیچ اشاره‌ای به عطایا یا نقشهای مختلف نیست. در نظر یوحنا همه شاگرد هستند و این همان چیزی است که مهم می‌باشد. (e) نهایتاً در ارزیابی موهبت‌های الهی امروزی باوفاداری به شواهد عهدجدید شخص می‌تواند شادی کند که کلیسا امروز همانند کلیسا در قرن‌تس در هیچ موهبت روحانی ناقص نیست (۱:۷). با وجود این شخص می‌تواند آنهایی که ادعا می‌کنند کسی که عطیه خاصی دریافت ننموده مسیحی نیست، یا کسی که عطیه‌ای دریافت می‌نماید مسیحی بهتری است، را به مبارزه بطلبد.

«سروده» در مورد محبت (۱- قرن ۱۳)

این باب حاوی بعضی از زیباترین سطور است که توسط پولس نوشته شده، و بنابراین آن را «سروده» می‌نامند. پولس پس از مقایسه ما بین محبت و عطایای الهی (۱:۱۳-۳) ۱۳:۴-۸ محبت را تجسم می‌کند و آن را موضوع شانزده فعل می‌سازد (که بعضی از آنها با صفات خبری در انگلیسی ترجمه شده‌اند). این موجب مقایسه‌ای ما بین زمان حاضر که با عطیه‌ای مشخص شده که در آن چیزی جز بازتابی ناچیز در آینه وجود ندارد، و آینده‌ای که ما آن را رو در رو خواهیم دید، می‌شود. ایمان، امید، و محبت باقی خواهند ماند، «اما بزرگترین اینها محبت است» (۱:۱۳-۸).

منظور از محبت مسیحی یا آگاهانه (*agape*) چیست؟ تمام نویسندگان عهدجدید الزاماً

اصلی اعمال می‌شود. برای مرکز توجه قرار دادن بی‌مانندی آگاپه مسیحی، نیگرن آن را با هم بالاترین بیان از محبت (*eros*) در میان فیلسوفان کافر و هم محبتی که در عهدعتیق توصیف شده مقایسه می‌کند. این مقایسه غلو شده و نیاز به تغییر و تعدیل جدی دارد، اما به هر حال سودمند خواهد بود که روشن سازیم که در این باب اول قرنتیان چه منظور بوده است. نیگرن *eros* را به عنوان محبت جذب شده توسط نیکویی هدف توصیف می‌کند: مردمی که در طلب خوبی هستند می‌خواهند آن را به دست بیاورند تا کامل تر باشند. در فلسفه افلاطونی این *eros* عاملی خواهد بود دارای انگیزه برای دسترسی به حقیقت کامل و زیبایی که در خارج از این جهان وجود دارد. در فلسفه ارسطویی *eros* شامل ماده یا دسترسی محدود به کمتر محدود بودن و بدین سبب حرکت صعودی در مقیاس بودن است. خدا که تمام کاملیت‌ها در او وجود دارد، هدف عالی *eros* خواهد بود. آگاپه، از طرفی دیگر، بدون انگیزه است؛ نیکی را در مورد هدف محبوب اعطا می‌کند. بدین سبب آگاپه با خدا که نیازی به چیزی بجز محبت از جانب مخلوقات ندارد شروع می‌کند، آنها را به وجود می‌آورد و عزیز می‌گرداند. عقیده پولس به طور خاص درباره محبت بر مبنای از خود گذشتگی مسیح است، که ما را محبت نمود نه برای اینکه ما نیکو بودیم بلکه هنگامی که ما هنوز گناهکاران می‌بودیم (روم ۸:۵). همان طوری که اول یوحنا ۴:۸، ۱۰ اعلام می‌کند: «خدا محبت است... و محبت در همین است، نه آنکه ما خدا را محبت نمودیم بلکه اینکه او ما را محبت نمود، و پسر خود را فرستاد تا کفار گناهان ما شود». مظهر آشکار محبت در اول قرنتیان ۱۳:۵-۸، محبت و عیسی را با یکدیگر قابل تعویض و مترادف می‌سازد. ما با ارزشی که توسط آگاپه مسیح به ما داده شده (عادل شمرده شده، تقدیس شده) به واسطه‌ای تبدیل می‌شویم برای دادن آن محبت به دیگران که آنها را دوست داریم، نه به خاطر خوبی آنها بلکه بدون انگیزه و دلیل: «دیگران را محبت نمائید چنان که من شما را محبت نمودم» (یو ۱۵:۱۲).

پولس و عیسی رستاخیز کرده (۱- قرن ۱۵)

سنتی که در ۳:۱۵-۵ حفظ شده نشان می‌دهد که تسلسلی اولیه از مرگ، تدفین، رستاخیز و ظاهر شدن‌های عیسی وجود داشته - سنگهای بنای شرح درد و رنج عیسی (مخصوصاً وقتی که با ۲۳:۱۱ که شام آخر را در شب قبل از اینکه عیسی تسلیم شود قرار می‌دهد تلفیق شود). این استدلالی را ارائه می‌دهد برای شناخت اینکه سنتی درباره زندگی دنیوی عیسی پهلو به پهلو با موعظه پولس، که جزئیات اندکی رادرباره آن زندگی گزارش می‌کند، تکامل می‌یافت. این باب با وجودی که در اول قرنتیان به عنوان دلیلی برای واقعیت رستاخیز آنهایی که در مسیح مرده اند ضمیمه شده بود، به قطعه‌ای مرکزی در استدلال درباره واقعیت رستاخیز عیسی تبدیل شده است. در فرم فعلی دو گروه از سه گروه وجود دارند که عیسی را «دیده» بودند،

کیفا (پطرس)، دوازده نفر و بیش از ۵۰۰ نفر؛ سپس یعقوب و تمام رسولان؛ و «آخر از همه من». اشاره نهایی به خودش بی‌نهایت مهم است زیرا پولس تنها نویسنده عهدجدید است که ادعا می‌کند که شخصاً شاهد ظهور عیسی قیام کرده بوده است.^{۱۵} ما می‌توانیم لیستی از مطالب را مطرح کنیم:

(a) پولس ظاهر شدن بر خودش را، حتی اگر آخرین بار بوده باشد، در همان سطح از ظاهر شدن‌ها بر سایر شهود قرار می‌دهد. اعمال تصویری متفاوت ارائه می‌دهد، زیرا عیسی پس از ظاهر شدن‌ها بر روی زمین به آسمان صعود نمود (۹:۱)، نتیجتاً، نور و صدایی از آسمان نزد پولس می‌آید (اع ۹:۳-۵، ۲۲:۶-۸، ۲۶:۱۳-۱۵). معدودی هستند که تصویر لوقایی را برتر از پولسی می‌دانند.

(b) پولس در اول قرن‌تین ۱۵:۳-۵ توالی لفظی مرد/مدفون شد/قیام کرد/ظاهر شد را به کار می‌گیرد و از «ظاهر شد» سه بار دیگر در ۱۵:۶-۸ استفاده می‌کند. به هر حال، بعضی‌ها اظهار داشته‌اند که پولس به دیدن عیسی در فرم جسمانی اشاره نمی‌کند. چون در درک پولس، عیسی بر بیش از ۵۰۰ نفر از افراد در عین حال ظاهر شد، یک تجسم درونی به نظر منتفی می‌رسد. بعلاوه احتمالاً تجربه پولس از عیسی قیام کرده تا حدودی در رابطه است با انتظارات او درباره قیام از مرگ در بقیه باب. در آنجا او آشکارا درباره رستاخیز جسمانی صحبت می‌کند (حتی اگر تبدیل شده) و همانندی و شباهت به کاشتن دانه در زمین و آنچه که از آن بیرون می‌آید (۱۵:۳۵-۳۷) را به کار می‌گیرد.

(c) درباره سکوت پولس در رابطه با قبر خالی عیسی بسیار صحبت شده، گویی این سکوت با توصیف‌های انجیل در تضاد است. با وجود این هیچ دلیلی وجود ندارد که چرا او می‌باید به قبر نیز اشاره می‌نمود، و توالی تدفین/رستاخیز در واقع در نظر می‌گیرد که جسم قیام کرده دیگر در جایی که دفن شده بود نیست.

(d) توصیف لوقا از عیسی قیام کرده که درباره خودش از داشتن گوشت و استخوان صحبت می‌کند و غذا می‌خورد (لو ۲۴:۳۹، ۴۲-۴۳) به نظر می‌رسد که با درک پولس از جسم قیام کرده به عنوان روحانی و نه گوشت و خون (۱- قرن ۱۵:۴۲ و ۵۰) در تضاد باشد. لوقا (که ادعا نمی‌کند عیسی قیام کرده را دیده باشد) به احتمال زیاد از جسم قیام کرده (عیسی) درکی ملموس‌تر و صریح‌تر داشت تا پولس (از بدنهای قیام کرده مسیحیان). باز هم تعداد اندکی تصویر لوقایی را برتر از تصویر پولسی می‌دانند.

۱۵- نویسنده دوم پطرس (۱:۱۶-۱۸)، که به عنوان پطرس صحبت می‌کند، ادعا می‌نماید که تبدیل هیئت را دیده است و نویسنده نبی‌گونه مکاشفه رؤیاهایی از عیسی آسمانی دارد.

موضوعات و مسائلی برای تعمق

(۱) نظر عامه که در اینجا برداشته شده، این است که اول قرن‌تینان اتحاد چند نامه است که در یک زمان فرستاده شده‌اند. نقش و نگار در شکرگزاری (۷:۵-۱)، مثلاً داشتن، نداشتن، کمبود عطایا، انتظار ظهور عیسی مسیح) پیش درآمد موضوعاتی در ۱:۸، ۱:۱۲، ۲۳:۱۵ می‌باشند. با وجود این رابطه‌ای قابل رؤیت مابین جناح‌های اشار شده در بابهای ۱-۴ و تأدیباتی عنوان شده بعد از ۱:۵ وجود ندارد. به طور مثال، ما هیچ نشانی نمی‌یابیم که آیا اعضای جناح‌های کیفا (پطرس) یا اپلس همانهایی هستند که منکر رسول بودن پولس می‌باشند (۲:۹). دو موقعیت در اطلاع‌رسانی تحت # ۴ و # ۵ در بالا عنوان شده توضیح دهنده طبیعت پراکنده و بدون اتحاد نامه است اما تئوریهای مختلف ترکیب را امکان می‌دهد. سیندر استدلال می‌کند که نامه‌ای شامل بابهای ۷-۱۶ توسط پولس در جواب به مکتوبی از قرن‌تس که در ۱:۷ بدان اشاره شده است تنظیم شده بود. پولس قبل از اینکه بتواند نامه خود را بفرستد، از طریق خلویی اخباری درباره وضعیت جدی به وجود آمده توسط گروهها در قرن‌تس به دست آورد، و بدین سبب بابهای ۱-۶ را به اول نامه ضمیمه کرد. بوئر نظم برعکس را ترجیح می‌دهد: نامه پولس شامل بابهای ۱-۴ فرستاده نشد، قبل از اینکه مکتوبی از قرن‌تس دریافت شود (با گزارشهای ضمیمه) که لازمه آن اضافه نمودن بابهای ۵-۱۶ بود.

(۲) توصیف پولس از اخراج نمودن از کلیسا در ۴:۵-۵ چندان روشن نیست بجز اینکه او تأکید می‌کند که مرد گناهکار باید از جامعه (کلیسایی) اخراج شود. ما در اعمال ۱:۵-۱۱ ریشه‌کنی آنهایی را می‌بینیم که با حضور پراز گناه خود جامعه را به فساد می‌کشاند. اینکه یک جامعه مسیحی با کسی که باید اصلاح شود چگونه باید رفتار کند در متی ۱۸:۱۵-۱۷ به تصویر کشیده شده. با وجود این توجه کنید که هم در متی (به ۱۸:۲۱-۲۲ مراجعه کنید) و هم در اول قرن‌تینان (۵:۵) اخراج گناهکار آخرین کلام نیست، هنوز هم برای بخشایش یا نجات امید وجود داشت.

(۳) ما نمونه‌هایی از درک پولس از اقتدار رسولی خود در ۳:۵-۵ (تکفیر کردن) ۷:۱۰-۱۶ (صدور رهنمودی که حکم خداوند را تعدیل می‌کند)، و ۹:۱۵-۱۱ (همگویی با دیگران از یک تفسیر مقتدرانه انجیل) را می‌بینیم. یک اصل بدیهی قدیمی این است که مکاشفه با مرگ آخرین رسول پایان پذیرفت. این بدان معنی بود که روشن سازد که مکاشفه مسیحی نه تنها حاوی آنچه که عیسی در خدمت بشارتی خود گفت می‌باشد بلکه همین طور تفسیر عیسی به توسط رسولان، چنان که در عهدجدید حفظ شده است (به غلا ۱:۸؛ مت ۱۶:۱۹، ۱۸:۱۸؛ یو ۲۰:۲۳ مراجعه کنید). با وجود این در بحثهای امروزی درباره موضوعات مورد بحث (مخصوصاً درباره اخلاق) شخص‌گامی این برداشت را به دست می‌آورد که اگر خود عیسی چیزی را تأیید ننموده شخص باید به کلام پولس که دارای اقتدار

کمتری است رجوع کند. به هر حال، با وجودی که کلیساهای عمده مسیحی درباره عقیده مکاشفات جدید بعد از رسولان مقاومت کرده‌اند، دیگران که به مسیح ایمان دارند، از مونتانیوس در قرن دوم تا ژوزف اسمیت در قرن نوزدهم، اعتقاد داشته‌اند که مکاشفه جدید می‌تواند از طریق یک پیامبر بیاید.

(۴) در اعمال ۱۶:۱۵، ۳۳ ما مواردی را می‌یابیم که پولس آنهایی را که درباره مسیح مطمئن ساخته بود فوراً تعمید می‌دهد، اما بر حسب اول قرن‌تیمان ۱:۱۴ در یک سال و نیم اقامت در قرنتس او شخصاً فقط کریسپوس (تأیید اعمال ۱۸:۸) و گایوس را تعمید داد. به هر حال پولس خود را به عنوان پدر قرن‌تیمان در مسیح از طریق انجیل محسوب می‌نمود. تعمید چگونه با عمل بشارتی پولس مناسبت می‌یافت؟ اگر او اکثر قرن‌تیمان را تعمید نداده بود، پس چه کسی این کار را کرد؟ پولس از کاشتن دانه توسط خود او و آبیاری کردن توسط اپلس صحبت می‌کند (۶:۳). آیا اپلس تعمید در آب را انجام داد؟ این با توجه به اعمال ۱۸:۲۴-۲۸ جایی که او می‌گوید که نمی‌دانسته تعمیدی فراتر از تعمید یحیی تعمید دهنده وجود دارد، جالب خواهد بود. کدام الهیات تعمیدی جدا کردن شخص بشارت دهنده به مسیح را از تعمید دهنده توضیح می‌دهد؟ در اول قرن‌تیمان ۶:۱۱ پولس این تسلسل را ارائه می‌دهد «غسل یافته، مقدس گردیده و عادل شمرده شده‌اید» (اشاره‌ای در اول قرن‌تیمان به عادل شمرده شدن، به ۱:۳۰ و ۴:۴ مراجعه کنید). این نشان می‌دهد که تعمید مرکزیت داشته است. باب دهم تعمید را با رها شدن اسرائیل از مصر توسط موسی در خروج مقایسه می‌کند و آن را در بافتی که صحبت از شام خداوند می‌کند قرار می‌دهد. به تحلیل در رومیان ۱:۶-۱۱ مراجعه کنید.

(۵) نظر پولس در اول قرن‌تیمان ۷:۱-۹ این است که او مایل است همه مثل خود او باشند، ازدواج نکنند، و از روابط جنسی پرهیز نمایند، اما می‌گوید «نکاح از آتش هوس بهتر است»، این تأیید منشأ بحث‌های زیادی گردیده است. به ۷:۲۸ مراجعه کنید: اگر ازدواج کنی گناه نکرده‌ای، اما افراد ازدواج کرده در جسم زحمت خواهند کشید و در ۷:۳۲-۳۳ می‌گوید: شخص مجرد در امور خداوند می‌اندیشد و مرد ازدواج کرده در امور دنیا می‌اندیشد که چگونه زن خود را خوش بسازد. با قبول اینکه این اظهارنظرها توسط اندیشه آمدن زود هنگام مسیح رنگ گرفته است، آنها تصویری پرشور از امکانات قداست در زندگی شخص ازدواج کرده ارائه نمی‌دهند. در مسیحیت بعدی جنبش رهبانیت برای مردان و زنان موجب ایجاد این فرضیه شد که مجرد برای ملکوت خدا بهتر از ازدواج کردن است. از طرفی دیگر در زمانهای بازنگری به مجرد به عنوان تغییر شکلی در انجیل حمله می‌شد؛ و جایی که پروتستان‌گرایی پیروز بود، راهبان و راهبه‌ها اغلب مجبور به ازدواج می‌شدند. امروزه بسیاری از کاتولیکها و پروتستانها مایل به احتراز از طبقه بندی «بهتر» هستند و قبول

دارند که هم مجردها و هم متأهلین که در محبت به خدا زندگی می کنند دعوت‌های/انتخاب‌های شکوهمند دارند. تعمق درباره این موضوع با مطالعه متی ۱۹:۱۰-۱۲ و افسسیان ۵:۲۱-۳۳ مفید است.

(۶) با توجه به نظر شبانی پولس درباره خوردن گوشت قربانی برای بت‌ها (باب هشتم) چه چیزی تا این حد در رابطه با رفتار کیفا (پطرس) در انطاکیه، که در غلاطیان ۲:۱۱ توصیف شده، اشتباه است؟ او به عنوان یک مسیحی یهودی می دانست که آزاد است تا با مسیحیان غیریهودی غذا بخورد، اما هنگامی که مردانی از طرف یعقوب آمده و مخالفت نمودند او از این کار دست کشید. پولس در مخالفت این رفتار را ترسویی، بزدلی، و غیرصادقانه نامید (حتی با وجودی که برنابا هم با پطرس هم عقیده بود)، اما در ذهن پطرس آیا این رفتار نمی توانست برای پرهیز از بی احترامی به یهودیان مسیحی کمتر روشن فکر باشد؟ اگر در قرنتس افرادی بودند که بر اعمال آزادی و خوردن هر چیزی که مایل بودند اصرار داشتند، آیا آنها پولس را به خاطر نظرات محتاطانه اش متهم به خیانت به انجیل نمی نمودند، همان کاری که او پطرس را در انطاکیه به آن متهم کرد؟

(۷) در ۱۰:۱-۴ پولس از نیاکان اسرائیلی صحبت می نماید که در زمان موسی در ابرها و دریا تعمید یافتند، و همه آنها غذای فوق طبیعی خوردند و نوشابه غیردنیوی نوشیدند. صخره ای که در صحنه صحرا به دنبال آنها می آمد مسیح بود. با دادن اشارات به عشای ربانی در ۱۰:۱۴-۲۲ پولس بر هم تعمید و هم شام خداوند در مقایسه با زمینه ای از عهدعتیق تعمق می کند. این یکی از اولین اشارات ما به رابطه نزدیک با آن چیزی است که قرار بود توسط مسیحیان بعدی به عنوان رازهای عمده در نظر گرفته شود. آنها حقیقتاً با نمازهای «نیایشی» مسیحیان اولیه نزدیک و مرتبط بودند؟ قطعه شام خداوند (هم چنین ۱۱:۲۷) مراقبت زیادی درباره اینکه چه کسی می تواند شرکت کند را تداعی می کند. با وجود این ۱۴:۲۲ در مورد جماعتی صحبت می کند که در آن کلام گفته می شده و غیرایمانداران نیز می توانستند داخل شوند. آیا جلسات جداگانه مسیحیان برای شام خداوند و برای اعلام کلام خدا وجود داشته است؟

(۸) تفاوت الهیات کلیساها درباره شام خداوند که توسط مباحثات اصلاح طلبان بیشتر شده بود، تشکیل فاکتوری بسیار تفرقه انگیز در مسیحیت غربی داده است. اول قرنتیان ۱۰:۱۴-۲۲ و ۱۱:۱۷-۳۴ فوق العاده مهم هستند، به عنوان تنها اشارات به شام خداوند در نامه های پولسی و قدیمی ترین شهادت مکتوب که حفظ شده است. مقایسه ۱۱:۲۳-۲۵ و لوقا ۲۲:۱۹-۲۰ از یک سو با مرقس ۱۴:۲۲-۲۴ و از سوی دیگر با متی ۲۶:۲۶-۲۸، از حداقل دو فرم متفاوت از گفتار درباره شام خداوند خبر می دهد - شاید هم سه گفتار اگر یوحنا ۶:۵۱ را نیز به حساب آوریم. (پولس و لوقا شاید فرم مورد استفاده در کلیسای انطاکیه را به

ما می‌دهند). عاقلانه است که بگوییم اگر سوء استفاده‌هایی در قرن‌تس رخ نداده بود، پولس هرگز به شام خداوند اشاره نمی‌کرد؛ و مسلماً بسیاری از محققین استدلال می‌نمودند که هیچ عشای ربانی در کلیساهای پولسی بر روی زمین وجود نداشته که او بتواند درباره آن سکوت کرده و چیزی ننویسد. هم‌چنین چون قطعه دوم به نفاق‌ها در رابطه با مراسم و درک از شام خداوند در قرن‌تس پنج سال بعد از تغییر ایمان اشاره می‌کند، به ما یادآوری می‌شود که شام خداوند چقدر سریع به منبعی برای رقابت و مشاجره تبدیل شد. موضوع نفاق افکن در میان کلیساهای مسیحیان امروزی این است که آیا در تقدیم هدایای شام خداوند جنبه‌ای از قربانی شدن وجود دارد یا نه. موضوع تفرقه‌انگیز دیگر در رابطه با حضور واقعی است، آیا شرکت‌کننده واقعاً جسم خداوند را می‌خورد و خون او را می‌نوشد؟ با قبول اینکه بحث‌های کاتولیک‌های رومی - پروتستانها مسلماً فراتر از افکار پولس می‌رود، تعمق بر اول قرن‌تس ۱۰:۱۴-۲۲ و ۱۱:۲۷-۲۹ کمکی به بحث می‌کند، همراه با یوحنا ۶:۵۱-۶۴. این قطعات شامل آیه‌هایی است که مضمون قربانی شدن دارند، و آیه‌هایی که به واقعیت‌گرایی، ولی هم‌چنین نیاز به ایمان، اشاره دارند.

* * *

فصل بیست و سوم

نامه دوم به قرن‌تیاں

با وجودی که شکی وجود ندارد که خود پولس نامه دوم به قرن‌تیاں را نوشته است، گذر از یک قسمت نامه به قسمتی دیگر بقدری ناگهانی صورت می‌گیرد که بسیاری از محققین مایلند آن را به قطعات کاملاً مستقل تقسیم نمایند. به هر حال، این نامه می‌تواند شیواترین نوشته قانع‌کننده پولس باشد، زیرا در قطعات مختلف مستقل او عباراتی فراموش‌نشده به جای گذارده است. شاید هیچ‌نامه دیگر پولسی تصویری این قدر زنده از یک رسول رد شده و رنج‌دیده، که توسط هم‌نوعان مسیحی خود نیز مورد سوء تعبیر قرار می‌گرفت، ندهد. بعد از زمینه، تحلیل کلی قدرت سخنوری دوم قرن‌تیاں را برجسته خواهد نمود. سپس در زیربخش‌هایی یک نامه یا یک گردآوری بررسی خواهد شد، همچنین تجسم در دوم قرن‌تیاں ۱۶:۴-۱۰:۵، جمع‌آوری پول برای اورشلیم توسط پولس (۲-قرن ۸-۹)، مخالفین در دوم قرن‌تیاں ۱۰-۱۳، موضوعات برای تعمق، و کتاب‌شناسی خواهد آمد.

زمینه

در صفحات قبل لیستی شماره‌گذاری شده از تماسها (# ۱-۶) مابین پولس و قرنتس تا به نوشتن نامه A (گم شده) و B (= اول قرن‌تیاں) وجود دارد که جزیی بودند از نامه نگاری پولس به قرن‌تیاں. حال این لیست شماره‌گذاری شده که به ترتیب الفبا مرتب گردیده را به عنوان توضیحی درباره پیدایش دوم قرن‌تیاں ادامه دهیم.

(# ۷) پس از اینکه پولس اول قرن‌تیاں را در اواخر ۵۶ یا اوائل ۵۷ میلادی نوشت، تیموتائوس که در مکادونیه سفر می‌کرد به قرنتس آمد (اع ۱۹:۲۱-۲۲؛ ۱-قرن ۴:۱۷-۱۹، ۱۶:۱۰-۱۱). این می‌بایستی در اوایل سال ۵۷ اتفاق افتاده باشد (بعد از رسیدن نامه اول به قرن‌تیاں؟). تیموتائوس وضعیت را نامناسب یافت، و بسیاری فرض می‌کنند که این نتیجه ورود رسولان کذب بوده، که در دوم قرن‌تیاں ۱۱:۱۲-۱۵ توصیف شده، که نسبت به پولس حالت خصمانه داشتند. تیموتائوس به افسس رفت تا وضعیت را برای پولس شرح دهد. (# ۸) این وضعیت اضطراری سبب شد که پولس از افسس به راه بیفتد و مستقیماً از طریق دریا به قرنتس برود،^۱ برای دیداری که «حزن‌انگیز» بود (۲-قرن ۱:۲). این دومین از سه دیدار از قرنتس و یک شکست بود. او در اول قرن ۴:۲۱ تهدید

۱- مسیر مستقیم دریایی حدود ۲۵۰ مایل طول داشت (اما همیشه نمی‌شد از آن با امنیت عبور کرد)؛ مسیر زمینی افسس-ترواس-مکادونیه-اخائیه-قرنتس (اغلب) توسط تیموتائوس و نیز توسط پولس در سومین دیدار خود از قرنتس دنبال می‌شد و شامل سفری حدود ۹۰۰ مایل بود.

کرده بود که «با تازیانه» خواهد آمد، با وجود این برحسب دوم قرن‌تیان ۱:۱۰ و ۱۰ در رویارویی با قرن‌تیان و به عنوان فردی بزدل و ترسو و ناتوان شناخته شد. ظاهراً شخصی در ملاً عام به او توهین کرد و اقتدار او را در جامعه سست نمود (۲- قرن ۵:۲-۱۱، ۱۲:۷). پولس احساس کرد به مدتی برای بازیافتن خونسردی خود نیاز دارد و بدین سبب قرن‌تس را ترک گفت با این برنامه که بزودی مراجعت کند. در بازگشت ابتدا به دیدار کلیساهای مکادونیه رفت (همان طوری که او زمانی در اول قرن‌تیان ۵:۱۶ برنامه ریزی کرده بود).

(#۹) پولس قبل یا بعد از بازگشت به افسس^۲ درباره بازگشت مستقیم به قرن‌تس تغییر عقیده داد، زیرا متوجه شد که این یک دیدار دردآلود دیگری خواهد بود (۲- قرن ۱:۲)؛ و به جای آن نامه‌ای نوشت «با اشکهای فراوانش» (۲:۳-۴، ۷:۸-۹، نامه C که مفقود شده^۳). در این نامه ممکن است بعضی سختگیرها بوده باشد، نمونه‌ای از جسارت پولس هنگامی که از قرن‌تس دور شده بود (۱:۱۰، ۱۰). اما این نه به معنی محزون کردن قرن‌تیان بلکه آگاه کردن آنها از محبت خود بود. پولس امیدوار بود که قرن‌تیان به طرز مساعدی پاسخ خواهند داد (۷:۱۴)، این نامه توسط تیطس برده شد.^۴ (#۱۰) نهایتاً پولس از افسس حرکت کرد، احتمالاً در تابستان سال ۵۷، و به شمال، به بندر ترواس رفت و در آنجا از طریق دریا از استان آسیا به مکادونیه عبور نمود (۱- قرن ۵:۱۶، ۸:۲-۱۲-۱۳؛ اع ۱:۲۰). در این میان در قرن‌تس با تیطس برخوردی مناسب شده بود (۲- قرن ۱۵:۷)؛ در واقع او حتی توانست کمکهای مالی برای پولس به منظور بردن به اورشلیم جمع‌آوری کند (۸:۶)؛ و در اواخر تابستان یا اوائل پاییز ۵۷ آن خبرهای خوش را برای پولس به مکادونیه آورد (۷:۵-۷ و ۱۳). با وجودی که نامه «اشک آلود» پولس موجب حزن شده بود، قرن‌تیان توبه کردند و نگرانی خود را در مورد مصیبتی که برای پولس به وجود آورده بودند ابراز نمودند. در واقع آنها با دلهره و رنجش نگران این بودند که بی‌گناهی خودشان را ثابت کنند (۷:۷-۱۳). (#۱۱) پولس در جوابی فوری (بنابراین از مکادونیه [فیلیپی؟] در اواخر تابستان یا اوائل پاییز ۵۷ با تیموتائوس در کنارش) نامه دوم به قرن‌تیان را نوشت (نامه D).

۲- آیا پولس از طریق خشکی از قرن‌تس به سوی مکادونیه (تسالونیکه، فیلیپی؟) رفت و از آنجا چون بازگشت زود هنگام به قرن‌تس را عاقلانه ندانست به سوی افسس رفت؟ یا اینکه از طریق دریا از قرن‌تس به افسس رفت و در آنجا، تا حدودی به دلیل مشکلاتی که با آنها مواجه شد، برنامه خود را تغییر داد؟ در دوم قرن‌تیان ۸:۱-۹ او صحبت از تحمل مصائب بیش از حد تحمل در استان آسیا می‌کند (= افسس) و از حتی یک حکم مرگ. ربط به دوم قرن‌تیان ۱۵:۱-۱۶ بسیار پیچیده است.

۳- در واقع بسیاری محققین فکر نمی‌کنند که نامه «اشک آلود» مفقود شده است. بعضی‌ها پیشنهاد کرده‌اند که اشاره آن به اول قرن‌تیان است که دارای بخش‌های اصلاح‌کننده می‌باشد. پس چرا دیدار حزن‌آور پولس (۲- قرن ۱:۲) که قبل از نامه «اشک آلود» صورت گرفت در اول قرن‌تیان ذکر نشده است؟ تعداد بسیار بیشتری از محققین استدلال می‌کنند که این در آیه شصت و یک اصلاح‌کننده در دوم قرن‌تیان ۱۰-۱۳ حفظ شده است. این به چند دلیل غیرمحمول است. نامه «اشک آلود» در زمانی نوشته شد که پولس تصمیم گرفته بود دیدار حزن‌آور دیگری نداشته باشد (۲- قرن ۱:۲، ۴) اما در دوم قرن‌تیان ۱۰-۱۳ (۱۲:۱۴، ۱۳:۱-۲) پولس صحبت از آمدن دوباره می‌کند. به علاوه ۱۸:۱۲ نشان می‌دهد که تیطس (که نامه «اشک آلود» را آورد) به قرن‌تس رفته و به پولس گزارش کرده بود. بنابراین دوم قرن‌تیان ۱۰-۱۳ بعد از نامه «اشک آلود» نوشته شده است.

۴- «آمدن او». پولس و تیموتائوس در سفر بشارتی قبلی موفق به آرام کردن قرن‌تیان نشدند. به طوری که اینک شخصیت دیگر پولسی در این مورد تلاش می‌کند. دانستن اینکه تا چه حد می‌توان ستایش‌های پرشور پولس در دوم قرن‌تیان ۷:۱۳-۱۶ را تحت‌اللفظی برداشت نمود، مشکل است.

این را می‌بایستی تیطس (و دو برادر دیگر)، به عنوان بخشی از ادامه مأموریت برای جمع آوری پول در قرنتس، برای پولس جهت بردن به اورشلیم (۸:۶، ۱۶-۲۴) به قرنتس ببرند. (#۱۲) پولس خودش به قرنتس رفت (سومین دیدار او از آنجا، ۱۲:۱۴، ۱۳:۱-۲)، و زمستان ۵۷-۵۸ را در آنجا ماند قبل از اینکه هدایای جمع آوری شده را از طرق مکادونیه، فیلیپی و ترواس به اورشلیم ببرد (اع ۲۰:۲-۵). (#۱۳) هیچ دلیل روشنی وجود ندارد که او به قرنتس برگشته باشد. اگر نامه‌های شبانی حاوی اطلاعات تاریخی قابل اعتمادی باشند، دوم تیموتائوس ۴:۲۰ ممکن است بدین معنی باشد که آن کشتی که پولس را به عنوان یک زندانی از افسس به روم برد در قرنتس توقف نموده است. پس از مرگ پولس بازتابی از این تماس‌های او با قرنتیان وجود داشت که به اواخر قرن اول برمی‌گردد. نامه از کلیسای خدا در روم به کلیسای خدا در قرنتس که ما به عنوان اول کلمنت می‌شناسیم یک بار دیگر در رابطه با مسئله تفرقه‌گرایی در قرنتس است (۱:۱)؛ و در باب ۴۷ تفرقه‌گرایی جدید را با آن که در نامه نوشته شده توسط پولس به قرنتیان در شروع موعظه او می‌آید، مقایسه می‌کند.

خلاصه اطلاعات اساسی

تاریخ: اواخر تابستان/اوایل پاییز سال ۵۷ از مکادونیه (۵۵/۵۶، تاریخگذاری تجدید نظر شده)

به: کلیسای مورد خطاب در اول قرنتیان.

اصالت: مورد بحث جدی نیست.

اتحاد: بیشتر محققین فکر می‌کنند که چند (دو تا پنج) نامه با هم ادغام شده‌اند.

صداقت: ۶:۱۴-۷:۱ توسط بعضی‌ها تصور می‌شود که تحریف‌های غیرپولسی هستند.

تقسیم بندی رسمی (از نامه موجود):

A. دستورالعمل افتتاحیه ۱:۱-۲

B. شکرگزاری ۱:۳-۱۱

C. متن اصلی: ۱:۱۳-۱۲:۱

D. دستورالعمل اختتامیه: ۱۳:۱۱-۱۳

تقسیم بندی برحسب محتوا:

۱:۱-۱۱:۱: خطابه/سلام و درود و شکرگزاری، تأکید بر درد و رنج‌های پولس

۱:۱۲-۷:۱۶: قسمت اول: رابطه پولس با مسیحیان قرنتس

(a) ۱:۱۲-۲:۱۳: دیدار عقب افتاده و نامه «با اشکها»

(b) ۲:۱۴-۷:۱۶: مأموریت بشارتی او (قطع: ۶:۱۴-۷:۱)

۸:۱-۹:۱۵: قسمت دوم: جمع آوری پول برای کلیسا در اورشلیم

۱۰:۱-۱۳:۱۰: قسمت سوم: پاسخ پولس به مبارزه طلبی برای اقتدار رسولی او

۱۳:۱۱-۱۳: سلام و درودهای اختتامی، تبرک

تحلیل کلی پیام

دستورالعمل افتتاحیه (۱:۱-۲) و شکرگزاری (۱:۳-۱۱). ما نمی دانیم چرا در اینجا پولس خطاب را از آنچه در اول قرن تیان ۲:۱ است (به کلیسای خدا که در قرن تس است و مسیحیان [مقدسین] در همه جا) تغییر می دهد تا به طور خاص مسیحیانی را «که در تمام اخائیه» هستند ضمیمه کند. آیا این آماده سازی برای جمع آوری پول است که در تمام اخائیه انجام خواهد شد (۲-قرن ۲:۹)؟ در ۱۱-۳:۱ پولس از سختیهای صحبت می کند که او در افسس تحمل نموده - تجربه ای که ضعف خود و راحتی مسیح را برجسته می کند و هم چنین زمینه را برای برخوردهای جدید او با قرن تس فراهم می سازد.

قسمت اول متن اصلی نامه (۱:۱۲-۱۶:۷) درباره آن برخوردها با قرن تیان بحث می کند، هم آنها را روایت می کند و هم به آنها از نظر الهیاتی می نگرد. در زیربخش (a) ۱۲:۱-۱۳:۲ او بر تغییر برنامه خود پس از دیدار درد آلودی که او از افسس انجام داده بود تمرکز می کند (# ۸). این تغییر موضوع برتری انسانی نبود، بلکه قسمتی از «آری» او به آن چیزی بود که خدا برای قرن تیان و برای خود پولس می خواهد. به جای اینکه آنها را در برابر برخورد غم انگیز دیگری قرار دهد که ممکن بود او را به نظر بسیار سلطه جو و مستبد بسازد (۱:۲۳-۲۴)، او نامه ای نوشت با «اشکهای بسیار» (# ۹) تا عقیده آنها را عوض کند، به طوری که وقتی که او بیاید شاید تجربه ای شادی آفرین باشد. از ۵:۲-۱۱ ما می آموزیم که مشکل در طی دیدار درد آلود بر شخصی عربده جو و بلواگر متمرکز بوده است.^۵ قرن تیان در پاسخ به نامه «اشک آلود» پولس این شخص را تنبیه کرده اند، اما اینک پولس به گذشت و بخشش تشویق می کند.^۶ (این نمونه ای جالب از استفاده هم از تنبیه و هم از مهار آن است، همه اینها به خاطر کلیساست). پولس به قرن تیان می گوید که علاقه او برای بهبود روابطش به آنها آنقدر بوده است (پس از ترک افسس) که او خدمت موعظه ای خود را در ترواس قطع کرد تا به مکادونیه آمده و تأثیر نامه اشک آلود خود را از تیطس بشنود (۲:۱۲-۱۳).

در زیر بخش (b) ۱۴:۲-۱۶:۷ پولس خدمت بشارتی خود را در مقیاسی گسترده با بحران قرن تیان در ارتباط قرار می دهد. این بحران از عبارات پولس، با قدرت سخنوری قابل توجهی، هویداست، مثلاً ۵:۱۶-۲۱ کاری را که خدا در مسیح انجام داده توصیف می کند. بسیاری اشاره پولس به خدا را «استدعا از طریق ما» خواهند یافت (۵:۲۰)، هنوز هم راست است، زیرا امروزه استدعا ادامه می یابد تا مؤثر واقع شود. اگر به نظر می رسد که جریان فکری از این شاخه به آن شاخه می پرد، تا حدودی به این دلیل است که استدلال جهت گیری

۵ - بعضی ها نظر می دهند که این شخص که جامعه آنقدر به او فخر می نمود همان مرد مرتکب زنا با مجارم بود که در اول قرن تیان ۵:۱-۲ مورد سرزنش قرار گرفت.

۶ - درباره این فرضیه که دوم قرن تیان ۱۰-۱۳ تشکیل دهنده نامه «با اشکهای بسیار» است، می توان بدین گونه مخالفت نمود که در آن بابها چنین تمرکزی بر یک فرد وجود ندارد.

خود را از فعالیت رسولان در قرن‌تس و حملات آنها به پولس (که او در بابهای ۱۰-۱۲ بیشتر گزارش خواهد داد) می‌گیرد. پولس با تأکید بر اینکه او مغشوش کننده کلام خدا نیست (۱۷:۲)، تأکید می‌کند که او، برخلاف سایرین، نیازی به توصیه نامه به قرن‌تیان نخواهد داشت، - نامه‌های او به عنوان دستاورد خدمات بشارتی معرف او هستند (۳-۱:۳). سپس پولس به برتری خدمتی اشاره می‌کند که با کمک روح القدس بر روی لوح سنگی حک شده که مرگ را آورد (۳:۴-۱۱). موسی هنگامی که با اسرائیل سروکار می‌داشت نقابی بر چهره خود می‌نهاد، و این نقاب هنگامی که اسرائیلیان عهدعتیق را می‌خوانند نیز باقی می‌ماند. اما هنگامی که شخص رو به عیسی می‌آورد، نقاب برداشته می‌شود، زیرا خداوندی که با موسی صحبت کرد اینک در روح القدس حاضر است (۳:۱۲-۱۸). بشارت پولس نقاب بر چهره ندارد مگر برای آنهایی که در حال هلاکت هستند زیرا خدای این جهان اذهان آنان را کور کرده است (۴:۳-۴). قدرت پولس از خداست، حتی با وجودی که این گنج را «در ظروف خاکی» داریم (۷:۴). در شاهکاری از کنایه (۴:۸-۱۲) پولس مابین زحمات فیزیکی خود و مقامی که در مسیح دارد تفاوت قائل می‌شود، زیرا «ما همیشه قتل عیسی خداوند را در جسد خود حمل می‌کنیم تا حیات عیسی نیز در جسد ما ظاهر گردد».

در ۱۶:۴-۱۰:۵ در یک سری تضادها (بیرون/درون، دیدن/نادیدن، برهنه/پوشیده) پولس توضیح می‌دهد که چرا جسارت خود را از دست نمی‌دهد. زحمات او در مقایسه با جلال ابدی برای لحظه‌ای است؛ و هنگامی که خیمه زمینی ویران شود، سکونتگاهی آسمانی و ابدی از خدا خواهیم داشت. در زیربخش «تصورات» در ذیل ما این قطعه را قدری دقیق‌تر بررسی خواهیم نمود؛ اما این به ما درباره حدی که زندگی پولس از نادیدنی‌ها تغذیه می‌کند می‌گوید، زیرا که او در تنش «هم اکنون» و «نه هنوز» زندگی می‌کند. پولس با وجودی که تأکید می‌کند که خود را به قرن‌تیان نمی‌سپارد، اما بوضوح تلاش می‌کند تا آنها را در مورد خدمت بشارتی خود (۵:۱۱-۱۵)، که دیگران بی‌اهمیت جلوه می‌دهند، قدرشناس بگرداند. چه او به محبت مسیح برای خود و یا به محبت خود برای مسیح اشاره کند و یا به هر دو گفته پولس، «محبت مسیح ما را فرو گرفته است» (۵:۱۴) خلاصه‌ای عالی از سرسپردگی اوست. خدا «خدمت مصالحه را به ما سپرده است... پس ما سفیران برای مسیح هستیم» (۵:۱۸-۲۰)، این عبارت احساس وظیفه‌ای را که پولس با آنها سهیم خواهد بود به طرز تکان دهنده‌ای توصیف می‌کند. پولس با التماس به قرن‌تیان که فیض خدا را بی‌فایده نیافته باشند (۶:۱)، به آنها اطمینان می‌دهد که سنگ لغزش در راه هیچ کس قرار نخواهد داد (۶:۳). او در شرحی تکان دهنده توصیف می‌کند که زندگی او چگونه بوده است (۶:۴-۱۰)، و نفس خود را برای قرن‌تیان عربان نموده و از آنها تقاضا می‌کند تا دل‌های خود را بر روی او باز کنند (۶:۱۱-۱۳).

با جابه جایی این تضادهای دوگانه (۶:۱۴-۷:۱، عدالت/شرارت و غیرو) پولس قرننتیان را ترغیب می کند که با بی ایمانان مرتبط نشوند (در توالی حاضر این عبارت به عنوان راهنمایی عمل می کند در این باره که همه چیز در قرننتس شفا نیافته و آنها را آماده می سازد برای بابهای اصلاح کننده ۱۰-۱۳. در ذیل در زیر بخشی درباره اتحاد ما مشکلات مربوط به توالی تفکر و اشتقاق را بحث خواهیم نمود). سپس در ۷:۲ او (به ۲:۱۳ رجوع کنید) به توضیح رفتار خود با قرننتیان پرداخته و به آنها می گوید که چقدر شاد شده بود هنگامی که تیطس خبرهای خوش را به مکادونیه آورد و گفت که نامه «اشک آلود» او تأثیر خوبی برجای نهاده است (# ۹، در بالا). او از این که اینک می تواند اعتماد کاملی نسبت به آنها داشته باشد (۷:۱۶) خوشحال است.

قسمت دوم از متن اصلی نامه (۸:۱-۹:۱۵) در رابطه با جمع آوری پول توسط پولس برای کلیساهای اورشلیم است (۸:۱-۹:۱۵). این اعتماد موجب می شود که او جرأت کند و از آنها برای جمع آوری خود تقاضای پول بکند،^۷ پروژه ای که آنها سال قبل شروع نموده بودند (۸:۱۰، ۹:۲). او به عنوان نمونه مسیحیان مکادونیه را در برابر آنها قرار می دهد، که با وجود فقر خود، سخاوتمند هستند (۸:۱-۵)، همین طوری که خود عیسی مسیح که «با وجودی که ثروتمند بود، به خاطر شما فقیر شد تا شما از فقر او دولتمند شوید» (۸:۹). شاید تحت تأثیر رسم یهودیان در فرستادن اشخاص سرشناس با هدایای جمع آوری شده برای معبد در اورشلیم و آرزوی نشان دادن صداقت خود بوضوح، پولس تیطس را که جدیداً در قرننتس با گشاده رویی از او استقبال شده بود می فرستد تا ترتیب جمع آوری پول را بدهد (و احتمالاً نامه دوم قرننتیان را نیز همراه ببرد). همراه با او (باز هم برای ثبات صداقت، ۸:۱۶-۲۳) برادری خواهد رفت که در همه کلیساها مشهور است (کسی از آخائیه [مخصوصاً از قرننتس به عنوان حرکتی سیاستمدارانه]، که در مکادونیه کار می کند)، و برادر غیور دیگری که به پولس کمک کرده است. دو نفری که ما با وجود پیشنهادات زیاد نمی توانیم از آنها نام ببریم. جمع آوری پول برای اورشلیم هم چنین موضوع باب نهم است، که به نظر می رسد به طور خاص درباره آخائیه صحبت کند (که برخی از محققین آن را به عنوان بررسی جداگانه ای در نظر گرفته اند، اما به ۱:۱ و ملحق شدن قرننتس و آخائیه مراجعه کنید). همین طور که پولس درباره سخاوتمندی اهالی مکادونیه به قرننتیان اغراق می کند، درباره اهالی قرننتس (آخائیه) به اهالی مکادونیه نیز مبالغه نموده است و نمی خواهد که اگر کسی از مکادونیه همراه با او برای جمع آوری هدایا آمد شرمند شود. اعلام پولس که «خدا

۷-۸: توجه کنید که، همانند در نامه به فیلمون ۸-۹، پولس مایل به فرمان دادن نیست. قبلاً اهالی مکادونیه و مخصوصاً فیلیپیان بزرگواری خود را نشان داده بودند (فی ۴:۱۰-۱۹:۲، قرن ۱۱:۹) اما اینک موقعیت در مکادونیه به نظر می رسد که به طور خاص مغشوش باشد (۵:۷). مسیحیان تسالونیکیه ممکن است به دلیل سردرگمی آنها که دست از کار کشیده بودند (۱-۴:۱۱-۱۲:۲-۳:۱۳-۶:۱۳)، به طور خاص فقیر بوده باشند.

دهنده خوش را دوست می‌دارد» (۷:۹) آشکار است که جمله‌ای بی‌زمان برای جمع آوری کنندگان پول بوده است.

قسمت سوم از متن اصلی نامه (۱:۱۰-۱۰:۱۳) شرح دقیق واکنش پولس نسبت به مبارزه با اقتدار رسولی اوست. در حالی که بابهای ۸-۹ درباره واکنش قرنتیان خوش بین بودند، ناگهان چهار باب بعدی به بدبینی تبدیل می‌شود، هنگامی که پولس به بی‌اطمینانی درباره نحوه پذیرایی از او، هنگامی که برای بار سوم بیاید، اشاره می‌کند. در واقع او می‌باید تهدید کند که هنگامی که بیاید همانقدر سخت‌گیر خواهد بود که در نامه خود بوده است، احتمالاً منجمله در نامه «اشک آلود» از # ۹ (۲:۱۰ و ۶ و ۱۱، ۲:۱۳). به هر حال پولس مایل است تأکید کند که اقتداری که توسط خداوند به او داده شده برای بنا ساختن است نه ویران نمودن (۸:۱۰، ۱۳:۱۰؛ ار ۱:۱۰). «رسولانی» بوده‌اند («بزرگترین رسولان»؛ ۱۱:۱۱، ۱۲:۱۱) که زیر پای پولس را در قرنتس سست می‌نمودند، اما تا جایی که به پولس مربوط است، آنها متظاهرين و رسولان کذب می‌باشند (۱۱:۱۳-۱۵) که در پایان مکافات خواهند دید. (ادبیاتی گسترده به این مخالفین وقف شده است که در زیربخش ذیل آنها را بررسی خواهیم نمود). سهم مستدام آنها این است که طولانی‌ترین و پراحساس‌ترین توصیف‌ها از خدمات رسولی خود را از پولس به دست آورده‌اند. در این لحظه بحران‌زای زندگی پولس، از درون روح او فریاد اعتماد به قدرت مسیح طنین انداز می‌شود: «چون ناتوانم، آنگاه توانا هستم» (۱۰:۱۲). با وجودی که ۱۲:۱۲ علامات، معجزه‌ها و نشانه‌ها را به عنوان «علامات یک رسول» که پولس در میان قرنتیان بروز داده است لیست می‌کند، آشکارا زمانهایی که او زندانی شد، شلاق خورد، کتک خورد، سنگسار گردید، کشتی شکسته شد، به مخاطره افتاده، گرسنه، تشنه و عریان شده بود برای او به عنوان بیانی از نگرانی رسولی وی برای همه کلیساها (۱۱:۲۳-۲۹) مهم است. پولس آماده است مخاطرات فخر فروشی را قبول کند تا بتواند نشانه‌ای از صمیمیت خود برای مبارزه طلبی را به قرنتیان نشان دهد: «اما من به کمال خوشی برای جانهای شما صرف می‌کنم و صرف کرده خواهم شد و اگر شما را بیشتر محبت نمایم، آیا کمتر محبت بینم؟» (۱۲:۱۵). ظاهراً این بهترین شیوه‌ای بود که می‌توانست فکر کند برای وادار کردن قرنتیان به پاسخی سخاوتمندانه و دور کردن ایشان از شقاقها و فسادها قبل از اینکه بیاید، تا اینکه سخت‌گیری او لازم نباشد (۱۲:۲۰-۱۳:۱۰).

دستورالعمل اختتامیه (۱۱:۱۳-۱۳) به عنوان پند و اندرز نهایی پولس به قرنتیان در این نامه عمل می‌کند: «راههای خود را اصلاح کنید، به درخواست من توجه نمایید، یک رأی باشید و در صلح زندگی کنید». آیا او موفق بود؟ آیا دیدار سوم او با صلح همراه بود یا مجادله؟ اعمال ۲:۲۰-۳ فقط یک جمله را به توصیف سه ماهی که او در اخائیه (که قرنتس مرکز آن بود) گذراند، پس از اینکه از مکادونیه آمده بود، اختصاص می‌دهد؛ هیچ نشانه‌ای

از درگیری داخلی مسیحیان در آن وجود ندارد. همین طور هم رومیان ۱:۱۶ و ۲۱-۲۳ دوستان مسیحی پولس را در قرن‌تینان (که از آن آدرس او در حال نوشتن آن نامه بود) عنوان نمی کنند. بدون توجه به اینکه چگونه قرن‌تینان واکنش نشان دادند، تبرکات سه گانه پولس برای آنها در ۱۳:۱۳ که شامل خدا، عیسی و روح القدس می شود (کاملترین تیرکی که پولس تدوین نمود)، در نیایشها تا امروز به عنوان مدلی از استغاثه برای مسیحیان عمل نموده است.

یک نامه یا یک گردآوری از چندین نامه؟

در میان نامه ها در مجموعه های پولسی، اتحاد دوم قرن‌تینان بیش از هر نامه دیگری مورد اعتراض قرار گرفته است (فیلیپیان با فاصله زیادی دوم است) و بین دو تا پنج بخش مستقل در آن شناسایی شده است. در ادامه بحث در ذیل، جایی که علامتگذاری الفبایی با حرف D شروع می شود خوانندگان از # ۳ و # ۶ در بالا به خاطر خواهند آورد که نامه A قبل از اول قرن‌تینان نوشته شده بود، به طوری که اول قرن‌تینان نامه B محسوب می شود. سپس نامه اشک آلود C، قبل از دوم قرن‌تینان (# ۹ در بالا)، به رشته تحریر درآمده.

بسیاری از افراد که دوم قرن‌تینان را یک واحد در نظر می گیرند از آن به عنوان نامه D یاد می کنند به طوری که نامه نگاری کلاً چهارگانه به قرن‌تینان شامل دو نامه مفقود شده و دو نامه حفظ شده است. این واقعیت از اتحاد در دوم قرن‌تینان حمایت می کند که فقط یک دستورالعمل افتتاحیه (۱:۱-۲) و یک دستورالعمل اختتامیه (۱۳:۱۱-۱۳) در آن وجود دارد، اگر زمانی نامه های مستقل در دوم قرن‌تینان ضمیمه شده باشند، آنها را باید مثله کرده (سر آنها را زده) باشند، و شخص نمی تواند با به هم چسباندن آنها را بازسازی کند.

از طرفی دیگر تغییر لحن در دوم قرن‌تینان از بابهای کلاً خوشبینانه ۱-۹ به بیشتر بدبینانه ۱۰-۱۳ قاطع است و اکثر محققین در مورد منشأ و اصالت مستقل حداقل دو جزء از این نامه بحث می کنند - بدین ترتیب: بروس، بارت، فورنیش، مورفی، اوکانر - که بدین ترتیب منجر به نامه های D و E در سلسله الفبایی ما خواهد شد. در ورای آن، دوم قرن‌تینان ۶:۱۴-۷:۱ حال و هوایی از یک واحد خودکفا دارد و بابهای ۸ و ۹ به نظر می رسد که دارای بعضی از تکرارها در اشاره به جمع آوری (پول) می باشد. جی. بورن کام پنج نامه در دوم قرن‌تینان تشخیص می دهد. در توالی الفبایی ما اینها شامل: حرف C = ۱۰:۱۳-۱۰:۱۰ = نامه «اشک آلود» اشاره شده در ۲:۳-۴؛ حرف D = ۲:۱۴-۷:۱۴ (منهای نامه ای مصالحه آمیز)؛ حرف F = ۸:۱-۲۴ به قرنتس در رابطه با جمع آوری هدایا برای اورشلیم نوشته شده؛ حرف G = ۹:۱-۱۵ یک مکتوب به اخائیه در باره جمع آوری هدایا. در این فرضیه هر موضوع ناپیوسته در دوم قرن‌تینان به عنوان یک نامه جداگانه و مستقل تفسیر شده است.

مشکل تسلسل را می‌توان به مشکل واحدهای زمانی مستقل اضافه نمود. به طور مثال سوردز به پیروی از بورن کام و جورجی استدلال خواهد کرد که دوم قرن‌تبیان ۸ در ابتدا نوشته و توسط تیطس فرستاده شده است، که در بازگشت از مشکلات در قرن‌تس خبر آورد. پس از آن پولس دوم قرن‌تبیان ۲:۱۴-۷:۴ را نوشت، نامه‌ای که بی نتیجه ماند. سپس پولس از قرن‌تس بازدید کرد (# ۸ در بالا) و هنگامی که این نیز شکست خورد او نامه «اشک آلود» را نوشت (# ۹) که حاوی دوم قرن‌تبیان ۱۰-۱۳ بود. تیطس خبر آورد که پولس این بار موفق بوده است، و بدین سبب او دوم قرن‌تبیان ۱:۱-۲:۱۳ و ۷:۵-۱۶ را نوشت. نهایتاً او دوم قرن‌تبیان ۹ را به رشته تحریر در آورد. در برابر این سؤال که چرا یک ویراستار این مطالب را در این نظم موجود می‌شناسد بعضی‌ها فرض را بر حماقت خواهند گذاشت. فالون (دوم قرن‌تبیان ۷)، به پیروی از بورن کام، فکر می‌کند که دوم قرن‌تبیان بعد از مرگ پولس به عنوان آخرین وصیتنامه او سازماندهی شده است، و بابهای ۱۰-۱۳ پیش‌گویی درباره انبیای کاذب در آینده است، و ۱۳:۱۱-۱۳ به عنوان خداحافظی و دعای نهایی اوست. هورد (خبرهای خوش) ساده‌ترین توضیح را دارد: سه نامه به قرن‌تبیان تحت این عنوان بر حسب کوتاه‌تر شدن متن آنها جمع‌آوری شده است، یعنی آنچه ما به عنوان اول قرن‌تبیان، دوم قرن‌تبیان ۱-۹، و باز هم دوم قرن‌تبیان ۱۰-۱۳ می‌دانیم، اما شخصی که آنها را به نظم شرعی تقسیم نمود متوجه نشد که او دو نامه جداگانه را به عنوان دوم قرن‌تبیان ادغام نموده است. چه چیزی در ریشه این تئوری و حدود یک دوجین تئوریهای دیگر وجود دارد؟ فاکتوری مهم در داوری اتحاد این است که آیا قطع مطلب از یک بخش دوم قرن‌تبیان به بخشی دیگر آنقدر تند و تیز است که نمی‌توان آنها را به عنوان متمرکز در درون یک مکتوب تفسیر نمود. با وجود این موضوعات دیگری بعضی وقتها وارد می‌شوند. در این مقدمه ما نمی‌توانیم امیدوار باشیم که تمام بخش‌های مشکل‌ساز را مورد بحث قرار دهیم، اما هم بابهای ۱۰-۱۳ و هم ۶:۱۴-۷:۱ شایسته بذل توجه هستند.

(a) دوم قرن‌تبیان ۱۰-۱۳. انسان از گزارشی که تیطس در ۷:۵-۱۶ آورده این احساس را می‌یابد که مشکلات مابین پولس و قرن‌تبیان پایان یافته است. «من شادی می‌کنم زیرا اعتماد کامل به شما دارم»، با وجود این در بابهای ۱۰-۱۳ جو متفاوت است. پولس می‌ترسد که هنگامی که بیاید مجبور شود سخت‌گیری کند، انبیای کذب‌به‌ای وجود دارند که پولس را تحقیر می‌کنند و قرن‌تبیان به آنها گوش فرا می‌دهند. سه توضیح پیشنهاد شده است. توضیح اول این است که ۱۰-۱۳ از نامه‌ای که زمانی مستقل بود آمده و در زمانی دیگر نوشته شده است. بعضی‌ها که فکر می‌کنند این نامه قبل از بابهای ۱-۹ تدوین یافته است، بابهای ۱۰-۱۳ را به عنوان حرف C شناسایی می‌کنند، نامه «با اشکها» که در دوم قرن‌تبیان ۲:۳-۴ اشاره شده، اما در اینجا اعتراضات جدی بر علیه این فرضیه وجود دارند. (شماره‌های ۴ و ۹ در بالا). پیشنهاد معقولانه‌تر این است که بعد از اینکه دوم قرن‌تبیان ۱-۹

به عنوان نامه D فرستاده شد، بحرانی جدید در قرنتس به دلیل ورود «بزرگترین رسولان» به وجود آمد، که پولس را مجبور می کرد تا نامه جدید خود را که بابهای کوتاه شده ۱۰-۱۳ باقیمانده آن است بنویسد (نامه E). توضیح دوم این است که بابهای ۱۰-۱۳ قسمتی از همان نامه (D) هستند به عنوان بابهای ۱-۹، اما به دلیل اطلاعات جدید نگران کننده که به پولس رسید قبل از اینکه او بابهای ۱-۹ را بفرستد ضمیمه ای افزوده شد. در واقع خط مابین ضمیمه غیرمنتظره به نامه اصلی و یک نامه جدید، مبهم است. این واقعیت که دستورالعمل افتتاحیه ای در باب ۱۰ وجود ندارد را شاید بتوان آسان تر توجیه نمود اگر بگوییم که ما با یک ضمیمه سروکار داریم. سومین توضیح این است که بابهای ۱۰-۱۳ همانند بابهای ۱-۹ بخشی از همان نامه (D) هستند، و از همان لحظه ای که پولس شروع به نوشتن دوم قرنتیان نمود منظور نظر وی بودند. شخص در این صورت می بایستی فرض کند که پولس در طی مراحل نسبت به وضعیت قرنتیان واکنش نشان می داد. تسکین خوشبینانه در باب ۷ کاملاً ملموس است به این دلیل که تیطس خبر آورد که بحران مهم حل شده است. شخص بلواگر که به طور علنی و رو در رو موجبات ناراحتی پولس را فراهم آورده بود با کمک افراد جامعه تأدیب شده بود. جامعه به طور قاطع پولس را رد نکرده بود. اما هنوز هم خطر وجود داشت، از جانب آنهایی که خود را به عنوان رسول معرفی می نمودند و اشارات تحقیر کننده درباره پولس اظهار می داشتند. پولس با وجودی که در مورد حسن ظن قرنتیان اعتماد بیشتری یافته بود، زیرا که آنها فرد بلواگر را رد نموده بودند، می بایستی تأدیب کننده باشد اگر آنها متوجه فریب رسولان کذب نمی شدند. ما در بحث درباره اول قرنتیان دیدیم که حس پولس برای توالی زمانی چندان خوب نیست و بدین سبب این تئوری را نمی توان فوراً مردود دانست. مهمترین استدلال این است که بعضی اشارات در بابهای ۱-۹ به نظر می رسند که همان مخالفینی را مدنظر داشته باشند که بابهای ۱۰-۱۳ توصیف نموده اند (به زیر بخش درباره انبیای کاذب در ذیل مراجعه نمایید). به هر حال در ۱۰-۱۳، به دنبال درخواستی برای پول در بابهای ۸-۹ می تواند حمله ای بی امان برنامه ریزی شده باشد؟

(b) دوم قرنتیان ۶:۱۴-۷:۱. در اینجا نیز مشکل تسلسل وجود دارد، زیرا که موضوع دلهای گشاده از ۶:۱۳ دوباره در ۷:۲ از سر گرفته شده به طوری که بوضوح ۶:۱۴-۷:۱ یک گسستگی است. اما سؤالات درباره واژه نگاری و تفکر نیز وجود دارند. این قطعه حاوی کلماتی است که در جاهایی دیگر در نامه های بدون جروبحث پولسی یافت نشده است، مثلاً بلیعال و نقل قول های کتاب مقدسی او. اگر «بی ایمانان» که هدف اصلی هستند غیریهودیان باشند، پس تماس بیش از اندازه آشنا با غیریهودیان مسئله ای در دوم قرنتیان نبوده است.^۸ آیا پولس قرنتیان را از اختلاط با امتهای منع می نمود در حالی که در انطاکیه او با پطرس بحث کرده بود (غلا ۲:۱۱-۱۳) که غذا خوردن با غیریهودیان نشان دهنده آزادی انجیل است؟ آیا ما باید فکر کنیم که «غیر ایمانداران» امتهای نشان دهنده خطری اخلاقی در جو بی بندوبار

۸. بعضی ها به ۱-قرن ۵:۹-۱۱ تمسک می جویند، جایی که پولس می گوید که او نامه ای نوشته (نامه A) و به قرنتیان گفته است که با مردان فاسد اخلاق و هرزه همدم نشوند. آیا دوم قرنتیان ۶:۱۴-۷:۱ آن نامه است؟ آیا پولس در سطح جهانی غیریهودیان بی ایمان را به عنوان افراد هرزه معرفی می کند؟

شهر بندری «کاملاً باز» قرن‌تس هستند؟ سه موضوع در دوگانگی (عدالت/شرارت، نور/ظلمت، مسیح/بلعالم) حاوی بعضی از واژه‌های آشنا در دوگانگی طومارهای بحرال‌میت هستند، و برخی از محققین پیشنهاد کرده‌اند که یا پولس یا یک ویراستار دوم قرن‌تیان این عبارات را از آن منبع برداشت نموده‌اند. به هر حال، برخی منتقدین بسیار سرشناس استدلال می‌کنند که پولس خود ۱۴:۶-۱۰:۷ را برای جایگاه فعلی آن تحریر نمود. آیا «غیرایمانداران» می‌توانند واژه‌ای بحث‌انگیز برای مخالفین باشد که در بابهای ۱۰-۱۳ آشکارتر در مرکز توجه قرار خواهند گرفت؟ هر نظریه‌ای که انسان قبول کند، باز هم این سؤال که چرا این قطعه در اینجا قرار گرفته، و چگونه تصویر می‌شده که با تفکر بقیه نامه جور در بیاید، وجود دارد.

این دو نمونه باید دامنه‌ای از امکان تا معقولیت برای این تئوری برپا کند که دوم قرن‌تیان نامه‌ای ترکیبی است. قطعیت دست‌یافتنی نیست. بحث درباره اتحاد دوم قرن‌تیان برای دانش یا جزئیات تاریخی رفتار پولس با قرن‌تیان اهمیت دارد، اما دوم قرن‌تیان از همان زمانهای اولیه در شکل و تسلسل فعلی آن عرضه شده است. همان طوری که من در مقدمه بارها دعوت به احتیاط کرده‌ام، نقدهایی که بر اساس بازسازیها بنا شده‌اند دارای ارزشی قابل بحث هستند. برای درک اینکه پولس چه چیزی را می‌خواهد منتقل سازد برای بیشتر خوانندگان کافی خواهد بود که تشخیص دهند که دوم قرن‌تیان حاوی مطالبی متفاوت است که با تأکیدات شیوایی متفاوتی بیان شده است.

تجسم و تصور در ۴:۱۶-۵:۱۰

پولس افکار خود را درباره موجودیت فناپذیر و موجودیت معادی بازبانی تلویحی بیان می‌کند که کشف کردن آن آسان نیست. تضاد او مابین موجودیت بیرونی انسانی (*anthrpos*) و موجودیت درونی انسانی است. این جسم برعلیه نفس نیست، بلکه موجودیت انسانی در این جهان معنی زندگی کردن یک انسان به آن زندگی که از والدین خود یافته، برضد آن حیاتی که از طریق ایمان از عیسی مسیح قیام کرده دریافت نموده است. اولی فناپذیر است، دائماً در معرض واگذاری به مرگ، دومی تازه شدن و روز به روز پر جلال تر گردیدن به موازات تبدیل شدن به شباهت مسیح است (۴:۱۱، ۳:۱۸). در زندگی فناپذیر پولس بارها به مرگ نزدیک شده است اما هر بار حیات عیسی در جسم پولس بیشتر متجلی گشته است. همان طور که فورنیش (۲-قرن ۲۹۰) اظهار می‌دارد در حالی که در فلسفه انسانهای خویشتن دار روح شخص توسط نظم کاملتر می‌شود، در ایمان پولس تکامل از خداوند می‌آید که روح است (۳:۱۸).

با وجود این بعضی از تجسمات و تصورات پولس دیدگاهی به او می دهد در مورد آنچه که او در دنیای دیگر انتظار دارد و اتفاقاتی که می افتد اگر خانه خیمه مانند زمینی او ویران شود (۱:۵) - خیمه ای که در آن او گرانبار شده آه می کشد (۴:۵)، بدنی که در آن او مادام که متوطن است از خداوند غریب می باشد (۶:۵). ویرانی برای پولس به این معنی نیست که پوشیده نبوده و عربان یافت خواهد شد (۳:۵-۴) بلکه او با شکوه بیشتر ملبس خواهد گشت. خانه خیمه مانند با عمارتی از طرف خدا جایگزین خواهد شد، عمارتی ناساخته شده به دستها و جاودانی در آسمانها (۱:۵). پولس در واقع ترجیح می دهد که از خانه جسم دور گردد و به نزد خداوند متوطن شود (۸:۵)؛ به فیلیپیان ۱:۲۰-۲۶ مراجعه کنید). آیا این عمارتی که به دستها ساخته نشده است هم اکنون هم موجودیت دارد یا اینکه توسط خدا ساخته می شود هنگامی که خیمه زمینی فرو بریزد؟ آیا این یک جسم روحانی است که باید جایگزین جسم فانی شود؟ اگر چنین است چه زمانی یک ایماندار در برابر مسند داوری مسیح قرار می گیرد (۱۰:۵) و با این جسم ملبس می گردد - در لحظه مرگ یا در رستاخیز از مردگان (۱-قرن ۱۵:۳۶-۴۴)؟ یا این اشاره بیشتر کلیسایی است، شامل یکی شدن با جسم مسیح؟ یا اینکه اشاره بیشتر آخر زمانی و در برگیرنده نوعی محراب آسمانی است؟ یا بدون اینکه دقیق باشیم، این تجسمات و تصورات به سادگی به منظور تضاد مابین موجودیت گذرای فعلی با موجودیت باقی آینده است؟ به هر حال، آیا پولس اطلاعات مکشوف شده خاصی درباره آنچه بعد از مرگ در انتظار مسیحیان است داشته است؟ یا اینکه در این تجسمات و تصورات او به سادگی درباره پیروزی و بودن با مسیح ابراز اطمینان می کند؟

جمع آوری پول توسط پولس برای اورشلیم (بابهای ۸-۹)

اعمال ۲۹:۱۱-۳۰ گزارش می کند که پولس و برنابا برای مشایخ اورشلیم هدیه ای از انطاکیه آوردند به جهت «خدمت به برادرانی که در یهودیه زندگی می کنند» - حرکتی که به سختی با یادآوریهای خود پولس از روابطش با مسیحیان اورشلیم قبل از تشکیل جلسه اورشلیم در سال ۴۹ میلادی مطابقت دارد. در آنجا پولس تسلیم درخواست مسؤلین اورشلیم برای یادآوری فقرا شد، کاری که او بسیار مشتاق انجام آن بود (غلا ۲:۱۰). ما نمی دانیم که آیا پولس بلافاصله جمع آوری پول را ترتیب داد تا موافق آن خواسته عمل کند و آیا پس از آنکه «آن افرادی از طرف یعقوب» آمده و در انطاکیه تولید مشکل نمودند از این کار دست کشید. به هر صورت حدود سال ۵۶-۵۷، چندین سال بعد، جمع آوری پول برای اورشلیم، «خدمت برای مقدسین»، به نگرانی عمده ای در روند شغلی بشارتی او تبدیل می شود. به کلیساهای غلاطیان و قرنطیان گفته شد که در اولین روز هر هفته مقدار معینی پول کنار بگذارند (۱-قرن ۱:۱۶-۴). احتمالاً روزی که مسیحیان دور هم جمع می شوند، و در دوم

قرنتیان ۸-۹ و رومیان ۱۵:۲۶ ما پولس را در مکادونیه و اخائیه^۹ در حال زمینه یابی می بینیم. چرا پولس درباره موفقیت تلاشهای خود اینقدر نگران بود؟ سخاوتمندی نسبت به فقرا در عهدعتیق (مز ۱۱۲:۹) تأیید گردیده و توسط عیسی تعلیم داده شده است. آنهایی که به فراوانی دارند باید با نیازمندان تقسیم کنند - شاید روزی میزها واژگون شوند (۲-قرن ۸:۱۴). اما چرا فقر در اورشلیم؟ مسلماً یک دلیل آن آرزوی پولس برای متحد کردن جوامع غیریهودی خود با اورشلیم است (*koinonia* به غلاطیان ۲:۹ مراجعه شود). غیریهودیان در برکات روحانی یهودیان سهیم بوده اند، و بدین سبب آنها به یهودیان بدهکار هستند که در برکات مادی با آنها سهیم گردند (روم ۱۵:۲۷). بدین ترتیب مشخص خواهد شد که غیریهودیان و یهودیان (مخصوصاً آنهایی که در کلیسای مادر می باشند) در مسیح یکی هستند. هم از نظر روانشناسی و هم عملی چیزهای کمی در زندگی وجود دارد که افراد و تشکیلات را به هم پیوند می دهد، مؤثرتر از اینکه در حسابهای بانکی خود شریک همدیگر شوند.

آیا در آنجا موضوعی شخصی نیز وجود داشت؟ اگر آنهایی که در قرنتس پولس را تحقیر می کنند از اورشلیم هستند و از پولس به عنوان بی وفا به جامعه مسیحی مادر بدگویی می کنند، آیا جمع آوری پول برای مسیحیان اورشلیم در جهت اثبات عدم این اتهام خواهد بود؟ آیا مخالفین پولس در غلاطیه انتقادهای کنایه آمیز او از به اصطلاح ارکان کلیسای اورشلیم که برای او اهمیتی ندارند (غلا ۲:۶ و ۹) را بازگو کرده اند و همین طور توصیف او از اورشلیم فعلی به عنوان در بردگی (نسبت به شریعت) با فرزندان او (۴:۲۵)؟ و اگر این طور است آیا پولس امیدوار است که جمع آوری هدایا کمک کند و شفا دهد به احساسات سختی که میان او و مسوولین اورشلیم وجود دارد کمک کند و آن را بهبود بخشد؟ مسلماً در رومیان ۱۵:۳۰ پولس به نظر می رسد درباره اینکه آیا خدمت او در اورشلیم مقبول مسیحیان در آنجا واقع خواهد شد یا نه نگران باشد. در اعمال ۲۱:۱۷-۲۵ شخص می تواند تنشی را کشف کند مابین پولس و یعقوب هنگامی که پولس به اورشلیم نمی رسد. بنابراین جمع آوری ممکن است نقشی روحانی، کلیسایی و سیاسی در خدمت بشارتی پولس ایفا نموده باشد - نمونه ای از نقش های پیچیده ای که جمع آوری پول در کلیساها از این زمان به بعد ایفا نموده است.

مخالفین یا رسولان کذب در دوم قرنتیان ۱۰-۱۳

با وجودی که برخی محققین استدلال می کنند که «بزرگترین رسولان» در ۵:۱۱ و ۱۱:۱۲ با «رسولان کذب» (۱۳:۱۱) تفاوت دارند، اما این یک نظریه اقلیت است.^{۱۰} با

۹- ظاهراً آوردن هدایای جمع شده به اورشلیم در اعمال ۲۴:۱۷ توصیف شده است: «پس از سالهای بسیار آدم تا صدقات و هدایا برای قوم خود بیاورم».

۱۰- اغلب در این تئوری رسولان کذب و اعظین در قرنتس هستند در حالی که سوپر-رسولان مسوولین در اورشلیم می باشند، احتمالاً همان به اصطلاح ارکان کلیسا در غلاطیان ۲:۹. اما مسلماً باید ۵:۱۱ (بزرگترین رسولان) را در نور ۴:۱۱ تفسیر نمود که در آن توصیف می شود که شخصی دیگر می آید و به عیسای دیگری موعظه می کند.

قبول این تئوری که فقط یک دسته از «رسولان» در طی تمام بابهای ۱۰-۱۳ توصیف شده است، مشخصات آنها چه می باشند؟ با این سؤال در ذهن با خواندن این بابها شخص ممکن است این تصویر را نه تنها از آنچه که پولس در انتقاد مستقیم می گوید بلکه همین طور از دفاعیات از خود به وجود آورد. آنها «جدیداً» به قرنتس آمده اند. آنها از تبار یهودی هستند اما مهارتهای سخنوری (شاید هلنیستی) داشته و به عیسی و آنچه که احتمالاً به عنوان انجیل به نظر می آید موعظه می کنند. آنها به قدرتهای فوق العاده و تجربیات خود می بالند، و این واقعیت که آنها درخواست حمایت دارند در قرنتیان احساسی از اهمیت به وجود می آورد. جالب توجه اینکه، پولس حملات خود به آنان را به خودنمایی هایی پرزوق و برق و دیدگاه های آنان متمرکز می کند تا به اصول ایمانی آنها، و این کار را بیشتر به صورت خرد کردن روحیه ایشان انجام می دهد. اگر آنها عبرانی و اسرائیلی و خادمین مسیح هستند، او نیز هست (۱۱:۲۱-۲۳). اگر «بزرگترین رسولان» درباره قدرتهای خود صحبت می کنند، پولس نیز هنگامی که در قرنتس بود نشانه ها، معجزات، انجام داد (۱۲:۱۱-۱۲). اگر آنها درباره تجربیات خود صحبت می کنند، پولس نیز چهارده سال قبل به آسمان سوم رفته شد و چیزهایی شنید که نمی تواند بازگو کند (۱۲:۱-۵). آنها باید بر بنیاد او بنا کنند و درباره چیزی که در واقع نتیجه زحمات دیگران است فخر بفروشند، اما او بر بنیاد کسی بنا نمی کند (۱۰:۱۵؛ ۱-۳:۱۰). اما مهمتر از همه، آیا آنها می توانند با درد و رنج و جفای او به خاطر مسیح، برابری نمایند (۲-۱۱:۲۳-۲۹)؟ اما شکست پولس در جستجوی کمک، نشانه ای از قدرت او بود نه از ضعف او - دقیقاً برای اجتناب از بار نهادن بر قرنتیان، به خاطر محبت برای آنها (۱۱:۷-۱۵). «کلیساهای دیگر را غارت نموده اجرت گرفتم تا شما را خدمت نمایم». اینک علیرغم کنایه های رسولان کاذب، پولس هنگام جمع آوری هدایا تلاش می کند، تا با درستی و صداقت عمل کند و تیطس و یک برادر شاگرد را برای بردن پول می فرستد (۱۲:۱۶-۱۸).

تصویر رسولان کاذب را می توان بزرگ کرد و با تشخیص اینکه پولس آنها را در زمانهای قبل نیز در دوم قرنتیان (۳:۱-۶:۱۳) در ذهن خود داشته است تأیید نمود. آنها از قرار معلوم با نامه های توصیه از سایر مسیحیان به قرنتس وارد شدند، پولس احتیاجی به آنها ندارد، زیرا قرنتیانی که او به مسیح آورده است نامه او هستند (۳:۱-۳). تأیید در اینجا یافت می شود که آنها برای انجیل خودشان متهم هستند (۲:۱۷) و اینکه درباره چیزی که دیده اند فخر فروخته اند (۵:۱۲). آیا دفاع پولس از تحمل مصائب و مخمصه های خطرناک او (۴:۷-۵:۱۰، ۶:۴-۱۰) نشانه ای است که رسولان کاذب به عنوان علامتی برای شکست او به آنها استناد می نمودند؟ آیا تأکید پولس بر اینکه گنجی که از خدا دریافت کرده در ظروف خاکی است نشانه این است که رسولان کاذب فکر کرده اند که قدرت اینک به آنان تعلق دارد به جای اینکه به خدا (۴:۷)؟

اما درباره آموزه اعلام شده توسط این افراد، آیا این آموزه فی نفسه از دیدگاه پولس غلط بود، یا تشکیل دهنده رفتار متظاهرانه آنها بود؟ ما نمی‌توانیم زیاد درباره اشاره فصیحانه به امکان آمدن کسی که به عیسی دیگری و یا انجیل دیگری موعظه می‌کند صحبت کنیم (۴:۱۱).^{۱۱} در دوم قرن‌تینان چیزی قابل مقایسه با حمله‌ای در غلاطیان به آنهایی که می‌خواستند مسیحیان غیر یهودی ختنه شوند یافت نمی‌شود. با این وجود پولس بر زمینه عبری و غیراسرائیلی خود تأکید می‌کند، و در ۳:۶-۱۸ او از خدمتی نوین و عهد روح القدس بر آنچه که روی نامه‌ها و یا سنگها حک شده بود تجلیل می‌کند، و برتری بازتاب جلال خداوند با چهره‌ای بی نقاب را بر بازتاب آن از چهره‌ای نقاب دار تحسین می‌کند، چنان که موسی کرد. تأکید ممکن است بر این باشد که مخالفین میراث یهودی خود را بسیار ارج می‌نهادند. اما روی هم رفته، در ورای اشارات ضمنی روحانی که رسولان کذب درباره خودشان ادعا می‌کنند، هیچ آموزه آشکارا سفسطه‌آمیز از دوم قرن‌تینان ۳-۷، ۱۰-۱۳ به دست نمی‌آید.

چه اتفاقی می‌افتد اگر ما اول قرن‌تینان را به دوم قرن‌تینان متصل کنیم؟ آیا آنهایی که به پولس در اول قرن‌تینان حمله می‌کردند همان مخالفینی هستند که در دوم قرن‌تینان رسولان کذب نامیده شده‌اند؟ برحسب اول قرن‌تینان، مسیحیان قرن‌تس برحسب اینکه پیرو پولس، اپلس، کیفا (پطرس) یا مسیح بودند دسته بندی شده بودند، و حداقل پطرس می‌توانسته به عنوان یک رسول در نظر گرفته شده باشد، با وجودی که مطمئن نیستیم که آیا او در قرن‌تس بوده یا نه. اول قرن‌تینان ۹:۱-۲۷ از حقوق پولس به عنوان یک رسول و ۸:۱۵-۱۰ از مقام او به عنوان دریافت کننده یک ظهور عیسی قیام کرده، که به همه رسولان داده شده بود، دفاع می‌کند. به هر حال، دقیقاً به این سبب که پولس عیسی را در زمان خدمت بشارتی عام او ندیده بودند، بسیاری اوقات در طول زندگی پولس دفاع از رسول بودن او توسط منتقدینی که هیچ ادعایی بر رسول بودن نداشته‌اند بر او تحمیل شده است. رسولان کذب (۲-قرن ۳:۱، ۴:۱۱) در واقع می‌توانسته‌اند به عنوان قدرتی بسیار مهم ظاهر شوند که فقط پس از دیدار تیطس با نامه «اشک آلود» (# ۹) می‌توانست خنثی شود. به هر حال چون به نظر غیرممکن می‌رسد که اول قرن‌تینان بر تمام مخالفین پولس که در آن به آنها اشاره شده بود غلبه کرده، چه چیز محتمل‌تر از اینکه بعضی از دشمنان قدیمی پولس با آنهایی که به تازگی وارد شده بودند همدست شده و اینک نوعی جماعت دو رگه به وجود آمده بود تا برای پولس در قرن‌تس ایجاد مشکل کند؟ بعضی محققین عقیده دارند که رسولان کذب دارای ریشه‌های اورشلمی از دوازده نفر یا

۱۱- در غلاطیان ۲:۱۴ او به پطرس اتهام می‌زند که درباره حقیقت انجیل راست و صریح نیست، اما در اول قرن‌تینان ۵:۱۵، ۱۱ تأکید دارد که او و پطرس به همان پیام اصولی که باید باور نمود موعظه می‌کنند. در دوم قرن‌تینان ۶:۱۴-۷:۱ پولس بر علیه غیرایمانداران هشدار می‌دهد، آیا این می‌تواند زیاده روی خطیبانه در مورد پیروان گمراه مسیح باشد که او در بابهای ۱۰-۱۳ آنها را توصیف می‌کند؟

یعقوب بودند، یا واعظین یهودی هلنیستی که بر عیسی به عنوان یک معجزه گر تأکید داشتند، و یا گنوستیک بودند. با وجود این که بعضی وقتها عباراتی که از این یا آن تئوری حمایت می کند وجود دارند، مدرک کافی در نامه نگاری به قرن تیان وجود ندارد که یکی از اینها را به طور قانع کننده اثبات کند. در غلاطیان ۲:۱۲ پولس درباره «مردانی که از طرف یعقوب» (یا اورشلیم) آمدند تا او را در انطاکیه آزار رسانند بسیار دقیق است، اگر کسانی که یعقوب از اورشلیم فرستاد موجب آزار او در قرنتس بودند، چرا می بایستی او در این باره چندان دقیق نباشد؟ ما شاید باید راضی باشیم که آن کسانی که «رسولان» نامیده شده اند درباره عطایای عالی روح القدس در خودشان مغرور بوده و بر مسیحی پیروز موعظه می نمودند، با تأکید کمی بر تحمل درد و رنجها توسط او یا تقلید مسیحیان از این درد و رنجها.

موضوعات و مسائلی برای تعمق

(۱) «او را که گناه را نشناخت - به خاطر ما خدا او را گناه ساخت» (۲- قرن ۵: ۲۱). این تعلیم کلی در عهدجدید وجود دارد که عیسی بدون گناه بود (یو ۸: ۴۶، ۱۴: ۳۰؛ عبر ۴۰: ۱۵؛ ۱- پطر ۲: ۲۲؛ ۱- یو ۳: ۵). آیا در اینجا پولس برضد این تعلیم صحبت می کند هنگامی که ادعا می کند که خدا عیسی را شخصاً یک گناهکار ساخت که می بایستی مورد بی مهری خدا قرار گیرد؟ (بعضی ها از این موضوع دفاع می کنند و مدعی هستند که عیسی سعی می کرد تا از نوشیدن پیاله خشم الهی اجتناب کند (۱۴: ۳۶). در غیر این صورت، چندین امکان وجود دارد: (a) خدا اجازه داد تا عیسی یک گناهکار محسوب شود (کفرگو) و به مرگ یک گناهکار بمیرد. مشابه با این در غلاطیان ۳: ۱۳ است «مسیح در راه ما لعنت شد»، و چنانکه مکتوب است «ملعون است هر که بردار آویخته شود» (مجازات برای کفرگویی: لاو ۲۴: ۱۶ و تث ۲۱: ۲۲-۲۳ توسط ژوزفوس ادغام شده اند). (b) خدا به عیسی اجازه داد تا برای بشریت گناهکار بایستد. ادامه جمله در دوم قرنتیان ۵: ۲۱ ممکن است این تفسیر را ترجیح دهد که «تا ما در وی عدالت خدا شویم». (c) خدا عیسی را قربانی گناه ساخت. در لاویان یونانی ۴: ۲۵ و ۲۹ «گناه» به جای قربانی گناه به کار رفته. با وجود این در متن دوم قرنتیان هیچ آماده سازی برای چنین ایده ای وجود ندارد.

(۲) تاریخی بودن کتاب اعمال با چهره نگاری قهرمانانه اش از بطرس و پولس، روند شغلی مملو از اعجاز آنها، اغلب مورد مبارزه قرار گرفته است (حتی اگر معجزاتی که به عیسی نسبت داده شده اغلب به عنوان تبلیغات بعدی به کنار نهاده شده است). دوم قرنتیان ۱۲: ۱۲ ارزش بررسی در نور این داورها را دارد. خود پولس ادعا می کند که «آیات و معجزات و

قوات» در میان قرنتیان پدیدار گشته است (همچنین در رومیان ۱۵:۱۹). مقایسه ای مابین شرح پولس از آنچه که بر سر او آمد در دوم قرنتیان ۱۱:۲۳-۳۳ با آن طوری که کتاب اعمال از او نشان می دهد، اگر هر چیز، حداقل، اعمال ما را هدایت می کند تا در مورد رفتار فوق العاده رسول کمتر از واقع تخمین بزنیم. حتی برخی از جنبه هایی که در اعمال بیشتر مورد مبارزه قرار گرفته، همانند موعظه اولیه پولس در کنیسه ها و مخالفت از جانب یهودیان پراکنده شده، مورد تأیید قرار می گیرند (۱۱:۲۴، ۲۶). اختلافات جزئی وجود دارند، مثلاً سبب حرکت پولس از دمشق خصومت ارتاس پادشاه بود و نه فقط خصومت یهودیان (مقایسه کنید ۱۱:۳۲-۳۳؛ اعمال ۹:۲۲-۲۵). با وجود این شباهتها مابین اعمال و نوشته های خود پولس را نباید کم ارزش شمرد (جدول شماره ۵ در فصل ۱۶ در بالا).

* * *

فصل بیست و چهارم

نامه به رومیان

طولانی‌ترین نامه عهدجدید، با نگرشی وسیع‌تر از هر نامه غیرقابل بحث پولسی، در بررسی سؤال کلیدی عادل شمردگی و شریعت آرام‌تر از غلاطیان استدلال شده؛ نامه به رومیان نوشته‌ای رسولی است که بیش از همه مورد مطالعه قرار گرفته - بدون شک شاهکار الهیاتی پولس است. از آگوستین تا ابلارد، لوتر، کالوین تا بارت این نامه نقشی اساسی در تکامل الهیات ایفا نموده است. با قدری مبالغه شخص می‌تواند ادعا کند که مباحثات بر روی ایده‌های اصلی در رومیان باعث ایجاد شکاف در مسیحیت غربی شده است. در واقع قفسه‌ها را می‌توان با بحث‌ها درباره موضوع کلیدی عادل شمردگی پر کرد - بحث‌هایی که برای مبتدیان اغلب بسیار مشکل هستند. قسمت زیادی از تحلیل توسط برخوردهای اصلاح‌طلبی درباره ایمان و اعمال رنگ گرفته، و این موضوعات بحث شده در رومیان به نظر دور از زندگی معمولی امروزه مسیحی می‌رسد. برای آنهایی که ممکن است وقت مطالعه عمیق‌تر داشته باشند فقط یک نامه پولسی، رومیان، توصیه من نخواهد بود، با وجودی که این مهم‌ترین نامه است. در این مقدمه بنابراین، من فضای کمتری به رومیان تا به اول قرن‌تین می‌دهم که در آن بحث‌ها و موضوعات آسانتر قابل تعقیب و سریع‌تر قابل اجرا بود. پس از زمینه و تحلیل کلی، زیربخش‌هایی وقف اتحاد رومیان و باب ۱۶ عادل شمردگی/عدالت، دیدگاه پولس درباره رعایت شریعت توسط یهودیان، گناه اولیه و رومیان ۵: ۱۲-۲۱، موضوعات و مسائلی برای تعمق، و کتاب شناسی خواهد شد.

زمینه

دو موضوع مهم مقدماتی وجود دارد: وضعیت در زندگی پولس که به عنوان بافت متن نامه عمل می‌کند، و تاریخ جامعه رومیان که آن نامه را دریافت نمود. موضوع اول به آسانی قابل تشخیص است. پولس از نزدیکی کنخریا (بندر قرن‌تس) نامه می‌نویسد زیرا او به دریافت کننده نامه، فوبه، شماسی از آن شهر توصیه می‌کند (۱۶: ۱-۲). او سلام و درودهای غایس را می‌فرستد، که میهماندار تمام کلیسایی است که از آنها پولس نامه می‌نویسد؛ و یک غایس مشهوری نیز در قرن‌تس وجود داشت (۱۶: ۲۳، ۱- قرن ۱: ۱۴). پولس همان‌طوری که می‌نویسد، در تدارک بردن هدایای جمع‌آوری شده به اورشلیم است (روم ۱۵: ۲۶-۳۳).

خلاصه اطلاعات اساسی

تاریخ: زمستان ۵۸/۵۷ از قرن تس (۵۶/۵۵ در سلسله زمانی تجدید نظر شده)
به: عزیزان خدا در روم، جایی که پولس هرگز نبوده ولی دوستانی داشت
اصالت: مورد بحث جدی نیست.
اتحاد: یک اقلیت کوچک فرض می کنند که دو نامه در هم ادغام شده، اقلیتی بزرگتر عقیده دارند که باب ۱۶ بعداً اضافه شده است.
صداقت: در کنار باب ۱۶ (یا حمد و ثنا در ۱۶:۲۵-۲۷). بعضی ها بابهای ۹-۱۱ را به عنوان نه واقعاً متعلق به پولس رد نموده اند.
تقسیم بندی رسمی:

A: دستورالعمل افتتاحیه: ۱:۱-۷

B: شکرگزاری: ۱:۸-۱۰

C: متن اصلی: ۱:۱۱-۱۳:۱۵

D: دستورالعمل اختتامیه: (۱۵:۱۴-۱۶:۲۳) به اضافه حمد و ثنا (۱۶:۲۵-۲۷).

تقسیم بندی بر حسب محتوا:

۱:۱-۱۵: خطاب به/سلام و درود، شکرگزاری، و مقدمه ای درباره آرزوی پولس به آمدن به روم

۱:۱۶-۱۱:۳۶: بخش آموزه ای

قسمت اول: ۱:۱۶-۴:۲۵: درستکاری خدا آشکار شده از طریق انجیل

۱:۱۸-۳:۲۰: خشم خدا و گناهان امتهای و یهودیان

۳:۲۱-۴:۲۵: عادل شمردگی به وسیله ایمان جدا از شریعت

قسمت دوم: ۵:۱-۸:۳۹: نجات خدا برای آنهایی که توسط ایمان عادل شمرده شده اند

قسمت سوم: ۹:۱-۱۱:۳۶: وعده های خدا به اسرائیل

۱:۱۲-۱۳:۱۵: بخش پندآمیز:

قسمت اول: ۱:۱۲-۱۳:۱۴: نصیحت مقتدرانه برای زندگی مسیحی

قسمت دوم: ۱:۱۴-۱۳:۱۵: دین قوی محبت به ضعف

۱۴:۱۵-۳۳: نقشه های مسافرتی پولس و یک تبرک

۱:۱۶-۲۳: توصیه ها به فوبه و سلام و درودها به افراد در روم

۱۶:۲۵-۲۷: حمد و ثنای اختتامیه

رسول زمستان ۵۸/۵۷ (ترتیب زمانی سنتی) را در قرن تس می گذرانند، و سپس (اع ۲۰:۲-۲۱:۱۵) از طریق مکادونیه آسیا و قیصریه به اورشلیم می رود، جایی که او دستگیر می شود. به این جهت است که محققین می گویند پولس از قرن تس به رومیان نامه نوشت (در ۵۸/۵۷ یا زودتر در ترتیب زمانی تجدید نظر شده).

موضوع دوم مربوط به دریافت کنندگان نامه است. یک نگرش تاریخ مسیحیت را در روم به عنوان زمینه نامربوط محسوب می دارد. پولس مؤسس جامعه مسیحی رومی نبود،^۱ و طرفداران این نگرش فرض می کنند که او درباره آن جامعه اطلاعات چندانی نداشته است. او در نامه اش خلاصه ای قاطع و رسمی درباره دانش الهیات خود یا تعمق های کلی که بر اساس تجربیات گذشته اش بنا شده بود می نویسد، به جای نوشتن موضوعات خطابه ای مورد توجه مسیحیان رومی. اغلب این نگرش در ارتباط است با این تئوری که باب ۱۶، که حاوی سلام و درودهایی از پولس به بیست و شش نفر می باشد، به نامه تعلق ندارد و بنابراین این باب خطاب به مسیحیانی نبود که پولس در روم می شناخت. اما اگر باب ۱۶ به رومیان تعلق دارد (نظریه غالب در جوامع انگلیسی زبان امروزه) و پولس این همه افراد را در روم می شناخته، پس احتمالاً او چیزی درباره کلیسای رومی نیز می دانسته.

بنابراین یک نگرش پرتطرفدار این است که منشأ مسیحیان در رم، پایتخت امپراتوری، و طبیعت کلیسای رومی زمینه ای مهم می باشند. احتمالاً حدود ۴۰۰۰۰-۵۰۰۰۰ یهودی در روم در قرن اول میلادی زندگی می کردند و طبق مدارک موجود در قرن دوم قبل از میلاد یهودیان بسیاری به عنوان تاجر، مهاجر و یا اسیر از نواحی فلسطین/سوریه به روم آمده بودند. روابط نزدیک سیاسی برای دو قرن هنگامی که روم با دقت بر پادشاهی های دست نشانده در فلسطین نظارت می نمود ادامه یافت و شاهزادگان هرودی به روم فرستاده می شدند تا تعلیم دیده و تربیت و پرورش یابند. پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، ژوزفوس تاریخ نویس یهودی به عنوان دست نشانده فلاویان امپراتور در روم زندگی می کرد، و در سالهای دهه ۷۰ تیپس که بزودی امپراتور می شد پادشاه یهود، اغریپاس دوم، را به روم آورد و خواهر اغریپاس، برنیسه معشوقه تیپس شد.

با توجه به این تاریخچه حضور یهودیان، کوتاه زمانی بعد یهودیانی که به عیسی ایمان داشتند، تبدیل ایمان یافتگان، در سایر شهرهای امپراتوری، مانند دمشق و انطاکیه، راه خود را به چنین حیطه بشارتی سرشار از امید باز کردند. در چه زمانی اولین کلام درباره مسیح به روم رسید؟ باید قدری به عقب باز گردیم تا بتوانیم به این سؤال جواب دهیم. در شرح تاکیتوس درباره تعقیب و آزار نرون پس از آتش سوزی روم در سال ۶۴ میلادی، می خوانیم که تشخیص مابین مسیحیان (*Chrestiano*) و یهودیان در روم ممکن بود. مسیحیان پرجمعیت بودند؛ و این «خرافه پرستی [مسیحی] زیان بار» «از یهودیه سرچشمه گرفته بود - یک حدس غیرمستقیم از این که مسیحیت از یهودیه به روم آمده بود. نامه پولس در ۵۸/۵۷ تلویحاً اشاره می کند که جامعه مسیحی مدت زمانی طولانی موجودیت داشته، زیرا که او «سالهای بسیاری»

۱- برای قرنهای پولس همانند یک پدر بود (۱- قرن ۱۵:۴) و می توانست آنها را با قاطعیت اصلاح کند. اما او باید بسیار محتاطانه تر به رومیان نزدیک شود، و تقریباً برای نوشتن بی پرده و صریح از آنها عذرخواهی کند (روم ۱۵:۱۵).

بود که آرزوی دیدار از آنجا را در سر می‌پروراند (۲۳:۱۵). در واقع، ایمان رومیان «در تمام عالم شهرت یافته است» (۸:۱)، تملق‌گویی که چندان با معنی نمی‌بود اگر پولس به گروهی کوچک که تازه به وجود آمده بودند نامه می‌نوشت. بنابراین به نظر می‌رسد که جامعه مسیحی رومی می‌بایستی از اوائل دهه ۵۰ به وجود آمده باشد. اعمال ۱۸:۱-۳ گزارش می‌کند که پولس هنگامی که به قرنتس آمد (حدود ۵۰ میلادی) نزد اکیلا و پرسکله سکونت نمود، زوجی یهودی که به تازگی از ایتالیا آمده بودند، «زیرا کلادیوس دستور داده بود که تمام یهودیان باید روم را ترک کنند». از آنجا که هرگز گزارش نشده که پولس آنها را مسیحی نمود، پس آنها از روم به عنوان یهودیانی که به عیسی ایمان داشتند به قرنتس آمده بودند. سوتانیوس اظهار می‌دارد که کلادیوس «یهودیان را به دلیل اغتشاشات دائمی آنها تحت تحریکات کرسستوس (*impulsore Chresto*)، از روم اخراج نمود. «همچنان که در فصل شانزدهم در بالا دیدیم، این اخراج می‌توانست بدین معنی باشد که تا سال ۴۹ میلادی بشارت مسیحی در روم به اندازه کافی طولانی بوده که موجب بروز اصطکاک جدی در کنیسه‌ها شده باشد. ما هیچ مدرک عمده‌ای مربوط به قبل از آن نداریم، اما به احتمال زیاد مسیحیت در اوائل دهه ۴۰ به روم رسیده بود.

واعظین مسیحی از کجا می‌آمدند؟ حدود سال ۳۷۵ آمبروسیاستر، که در روم زندگی می‌کرد و تفسیری بر نامه به رومیان می‌نوشت، گزارش می‌کند که رومیان «ایمان را دریافت کردند گرچه با یک تمایل یهودی [*ritu licet judaico*]». پولس هیچگاه در روم نبوده، در توصیف اعمال از انطواکیه هیچ چیز نیست که دلالت بر مأموریتی بشارتی از آن شهر به روم داشته باشد. در واقع هیچ دلیلی برای منبعی غیر از اورشلیم وجود ندارد، و اعمال ۲۸:۲۱ نقل می‌کند که یهودیان در روم کانالهایی از اطلاعات مذهبی داشتند که از اورشلیم می‌آمد، ارتباطی که توسط اسناد یهودی حمایت می‌شود و اشخاصی را از اواخر قرن اول توصیف می‌کند.

چرا همه اینها برای درک نامه به رومیان مهم است؟ این می‌تواند اهمیت دوگانه داشته باشد اگر ما باب شانزدهم را به عنوان بخشی از نامه قبول کنیم. اولاً با شناخت تعداد زیادی از مسیحیان در روم پولس می‌بایستی نامه خود را طوری تنظیم کند که به صورت شبانی برای جامعه آنجا صحبت نماید. اعمال و غلاطیان اشاره می‌کنند که مسیحیتی که از اورشلیم می‌آمد احتمالاً می‌بایستی درباره میراث و شریعت یهود^۴ محافظه کارانه تر باشد تا مسیحیت غیریهودیانی که توسط پولس مسیحی شده بودند. نامه به رومیان به گونه‌ای محسوس درباره

۴ - بسیاری از محققین اظهار می‌دارند که چون مسیحیان یهودی توسط امپراتور کلادیوس قبلاً اخراج شده بودند، جامعه رومی که پولس آن را می‌شناخت دارای درصد بالایی از غیریهودیان بود. و این غیریهودیان بازتاب مسیحیت یهودی بودند که باعث تبدیل ایمان آنها شده بودند. به علاوه بعضی از مسیحیان یهودی پس از مرگ کلادیوس در سال ۵۴ دوباره بازگشتند.

ارزش میراث یهودی محتاط تر است تا غلاطیان و نه فقط به خاطر وجود بابهای ۹-۱۱ بلکه همین طور وقتی که تک تک عبارات با غلاطیان مقایسه شود. (این دارای معنی می شود اگر بازتاب نامه به غلاطیان به اورشلیم نیز رسیده بود و امید پولس برای پذیرایی صمیمانه در آنجا را تهدید می کرد). به طور مثال در حالی که در غلاطیان ۲:۵ پولس نوشته است «اگر مختون شوید، مسیح برای شما هیچ نفعی ندارد»، در رومیان ۳:۱-۲ سؤال می کند «از ختنه شدن چه فایده؟ بسیار از هر جهت...». پولس خرسند است، زیرا برخلاف وضعیت مجسم شده در غلاطیان (و فیلیپیان ۳) در رومیان مخالفینی وجود ندارند که برضد انجیل لزوم ختنه شدن غیریهودیان را اعلام کنند. ۳ رومیان هم چنین «نیایشی ترین» رساله از نامه های غیر پولسی است به این معنی که زبان پرستشی یهود را به کار می گیرد، یعنی مسیح به عنوان یک قربانی کفاره ای توصیف شده (۲۵:۳)، افراد تشویق شده اند تا بدنهای خود را به عنوان قربانی زنده تقدیم کنند (۱:۱۲)، و خدمت بشارتی خود پولس نیز خدمت کهناتی انجیل است (۱۶:۱۵). آیا این واژه نگاری می تواند با توجه به دریافت کنندگان که به نیایش در معبد اورشلیم احترام می گذاردند به کار گرفته شده باشد؟ ثانیاً پولس تصمیم گرفته بود به اورشلیم برود، و اگر مسیحیت رومی از اورشلیم نشأت گرفته باشد نامه ای متقاعد کننده از طرف پولس به روم می توانست به او برای بیان آنچه که ممکن است در اورشلیم بگوید کمک کند و در عین حال تشویقی باشد برای وساطت مسیحیان رومی به خاطر او در نزد مسؤلین اورشلیم.

نامه به رومیان گاهی اوقات به عنوان آخرین وصیتنامه پولس توصیف شده. و این می تواند فقط به این معنی باشد که این آخرین نوشته از نامه های انکار ناپذیر پولس است. اتفاقاً «آخرین» آنها. من در پاراگراف قبلی اشاره کرده ام که پولس ممکن است درباره بردن هدایای جمع آوری شده (از مسیحیان غیریهودی) به اورشلیم نگران بوده باشد. اگر این رد می شد آیا *koinonia* مابین جوامع پولسی و اورشلیم شکسته می شد؟ این می توانست بدین معنی باشد که در بسیاری از جاها منجمله روم پولس تبدیل به عنصری نامطلوب می شد، و بنابراین او ممکن است این نامه را نوشته باشد تا مسیحیان این کلیسای بسیار بانفوذ حقیقت را درباره انجیلی که برای آن او حاضر به مردن بود بدانند. دقیقاً آخرین وصیتنامه بدین منظور که دیدگاههای او از بین نرود. این تئوری بسیار تجسمی بر اساس پایه های سست رومیان ۱۵:۲۲-۳۲ است. با وجود این حتی بدون چنین دلواپسی، پولس مسلماً به سفر آینده خود به اورشلیم برای بردن هدایا، به عنوان یک لحظه مهم در فعالیت بشارتی خود می نگریست. او ممکن است تصمیم گرفته باشد یک اظهار نظر کاملاً حساب شده درباره

۳- رومیان ۱۶:۱۷-۲۰ پولس را دارد که برعلیه جروبحث و مناقشه درمورد تعلیمی که رومیان آموخته اند اخطار می کند، اما از این عبارات مشخص نیست که آنهایی که چنین جروبحثی را ترویج می دهند از طریق تعلیم غلط در صحنه بوده اند. این ممکن است مجادله ای کلی برعلیه کسانی باشد که احتمال دارد حضور یابند.

انجیل خود به خانه - کلیسای رومی بفرستد. او می‌توانست امیدوار باشد که انجیل او، معانی ضمنی اش برای یهودیان و امتها، بتواند خصومت‌ها را در اجتماع مختلط روم بهبود بخشد.

قانع‌کننده‌ترین تفسیر از رومیان حاوی عناصری از پیشنهادات مختلف است. نامه به رومیان به نوعی خلاصه‌ای از افکار پولس بود هنگامی که او ایده‌های خود را قبل از رفتن به اورشلیم، که می‌بایستی در آنجا از آنها دفاع کند، گرد آورد. اما چرا این تلخیص به روم فرستاده شد؟ به چندین دلیل. پولس در این زمان سفر بشارتی خود را در شرق مدیترانه به پایان رسانیده بود و امیدوار بود که مأموریتی مهم را در غرب دور، در اسپانیا، شروع کند. روم می‌توانست پایگاهی مناسب برای آن مأموریت باشد (همان طوری که انطاکیه و فیلیپی به عنوان پایگاه‌هایی عمل می‌کردند که از آنها او سفرهای قبلی خود به طرف غرب را انجام می‌داد).^۴ بدین سبب پولس فکر کرد که مهم است رومیها درک و برداشت درستی از مأموریت رسولی او داشته باشند، به نحوی که نامه به رومیان در حالی که به عنوان یک توصیه برای خود پولس عمل می‌کرد معرفی باشد برای انجیل او. توصیفی دقیق از ایده‌های پولس می‌توانست به بهبود روابط مابین مسیحیان با مرام و مسلک‌های مختلف («قوی» و «ضعیف» در ۱:۱۴-۱:۱۵ کمک کند) و مسؤولیت پولس را که رسولی باشد برای نواحی امتها هدایت نماید. بعلاوه، مسیحیان رومی اگر مطمئن می‌بودند که پولس بر علیه یهودیت پیش‌داوری نمی‌کند، می‌توانستند واسطه‌هایی بشوند با نیاکان اورشلیمی خود، و راه را برای پذیرش مطلوب پولس توسط مسؤولین یهودیان مسیحی در آنجا هموار کنند. پس در چندین جبهه مقصود بود که نامه به رومیان متقاعدکننده باشد، و این می‌تواند استفاده از شکل انتقاد شدید را توجیه کند - نوعی که توسط فیلسوفان یونانی - رومی برای اثبات فرضیه‌ها و پاسخ به اعتراضات به کار گرفته می‌شد. بیایید اینک نامه به رومیان را به صورت پشت سر هم بررسی کنیم و ببینیم که آیا این مشاهدات معتبر هستند یا نه.

تحلیل کلی پیام

دستورالعمل افتتاحیه (۱:۱-۷)، شکرگزاری (۱:۸-۱۰)، و مقدمه‌ای (۱:۱۱-۱۵) که به عنوان شروع متن نامه عمل می‌کند را می‌توان با هم بررسی نمود زیرا دارای ویژگیهای قابل توجهی هستند. عدم استفاده پولس از عبارت «به کلیسای خدا که در روم است» یا «به کلیساهای در روم» (مقایسه کنید با: ۱-قرن ۲:۱؛ ۲-قرن ۱:۱؛ غلا ۲:۱؛ ۱-تسا ۱:۱)

۴- در ۱:۱۶-۲ پولس برای فیلیپی، که ظاهراً حامل نامه است، طلب کمک می‌کند. شاید منظور این بوده که این زن با پرسکله و اکیلا در پایه‌گذاری چنین پایگاهی همکاری کند. هر سه نفر اینها با پولس در فعالیتهای بشارتی در شرق مدیترانه همکاری کرده بودند.

روم سلام و درود بفرستد (۵:۱۶)، این طور استدلال شده که او جامعه رومی را یک کلیسای واقعی نمی‌دانست، احتمالاً به دلیل الهیات آن. این مسلماً ایده نادرستی است. در نامه‌ای که طرح شده بود رفتار پولس برای جلب حسن نیت رومیها توهین آمیز نمی‌نمود، او به زحمت می‌توانست گروهی را که به عنوان کلیسا نمی‌شناخت «عزیزان خدا در روم که خوانده شده‌اند تا مقدس باشند» بخواند (روم ۷:۱): و کوتاهی در استفاده از واژه «کلیسا» در ابتدای نامه به فیلیپیان، خطاب به جامعه‌ای که پولس بنا نهاده و دوست می‌داشت، نشان دهنده سکوتی نامطمئن است.

در آیه ۸ پولس به ایمان مسیحیان رومی که در تمام جهان اعلام شده شهادت می‌دهد - ستایشی زیاد، زیرا که از آیات ۱۱-۱۵ مشخص می‌شود که پولس با وجودی که مدت طولانی در آرزوی دیدار آنها بوده هرگز آنها را ندیده. در این متن برای ادای احترام، رسمی‌ترین از نوع خود در نوشته‌های پولسی، شیوه‌ای که در آن پولس خود را به مسیحیان رومی معرفی می‌کند چشمگیر است. او فقط اسم خود را عنوان می‌کند - بدون همراه - و نشان می‌دهد که او «رسولی است جدا شده برای انجیل خدا» (۱:۱) و اظهار می‌دارد: «انجیلی در رابطه با پسر خدا که مولود شد بر حسب جسم از نسل داود و به حسب روح قدوسیت پسر خدا به قوت معروف گردید از قیامت مردگان» (۱:۳-۴). «محققین در اینجا می‌گویند که پولس از زبان آموخته خود استفاده نمی‌کند بلکه یک فرمول بندی یهودی مسیحی از انجیل را ارائه می‌دهد - احتمالاً بدین دلیل که این فرمول بندی برای مسیحیان رومی شناخته شده و مورد قبول آنها می‌باشد. اگر انجیل پولس بد ارائه شود و یا درباره آن بدگویی شود، او از همان ابتدا از خود دفاع می‌کند، با نشان دادن اینکه آنچه که او بدان موعظه می‌کند در توافق است با موعظه آنهایی که رومیان را مسیحی نمودند. بدین سبب او و رومیان می‌توانند به وسیله ایمان یکدیگر تشویق شوند (۱:۱۲). گذر به متن اصلی نامه (۱:۱۰-۱۵) نقشه آینده پولس برای آمدن به روم به منظور موعظه انجیل که این مکتوب مقدمه‌ای بر آن است را افشا می‌کند.

بخش آموزه‌ای در متن نامه: قسمت اول (۱:۱۶-۴:۲۵): راستی/عدالت

(dikaioyne) خدا از طریق انجیل آشکار شده. پولس ادامه می‌دهد به بخش اصلی نامه خود با تأکید بر اینکه این انجیل قوت خداست برای نجات^۵ هر کس که ایمان آورد، اول یهود و پس یونانی (دقت کنید به توالی الهیاتی آن، که برعکس هر کسی که ادعا می‌کند پولس ایمانداران یهودی را خوار می‌شمارد مؤثر است). موضوع محوری در نامه به رومیان «عدالت خدا» است که اینک آشکار می‌شود (۱:۱۷)، یعنی این کیفیت که توسط آن خدا در داوری مردمان را از

۵ - در نامه‌های اصیل پولسی نجات و رستگاری یک جنبه آینده و مربوط به آخر زمان از عمل خداست که در آن مسیح شفاعت کننده در آسمان نقشی دارد، یهودیان این را در مقایسه با زمینه عهدعتیق از خدا در نجات و رستگاری اسرائیل درک می‌نمودند، و غیریهودیان ممکن است بازتابی از پادشاه یا امپراتوری به عنوان «نجات دهنده» به معنی حفاظت از یک قوم یا شهر از شرارت می‌شنیدند. معمولاً پولس نجات را متمایز از تیره شدن نگاه می‌دارد که واقعیت فعلی است. به نظر می‌رسد که نامه به افسسیان نجات را با عادل شمردگی همراه بداند.

گناهانشان تبرئه می‌سازد، به سبب ایمان آنها به عیسی مسیح. (با استفاده از حقوق ۲:۴: «مرد عادل به ایمان خود زیست خواهد نمود»). به فصل ۱۹ موضوع ۳ رجوع کنید). رابطه مردمان با خدا قبل از آمدن انجیل مسیح چگونه بود؟ در این نامه پولس (۱۸:۱-۲۳) با برگشت به امتهای مایل است به مسیحیان پایتخت تمام دنیای رومی، توضیح دهد که خدای بخشنده و رحیم از زمان خلقت قابل شناختن بوده است. فقط اشتباه و حماقت انسانی سبب شد که تصویر الهی در دنیای کفر امتهای، در نتیجه خشم خدا مبهم باقی بماند. در توصیف تصویری از بت پرستی امتهای، شهوت و رفتار فاسد که به آن منجر شد (۱:۲۴-۳۲) بازتابنده استانداردهای یهودی پولس از ارزشهاست. در بسیاری از تصویر نگاریها از امتهای که شروع نامه به رومیان است پولس شاید از یک استاندارد هلنیستی توصیف کنیسه که با آن رشد نموده است برداشت می‌کند. اما سپس در ۱:۲ در سبکی که از طریق انتقاد شدید Stoic (رواقی) معلوم است، پولس با یک شنونده خیالی یهودی صحبت می‌کند، که ممکن است بر آنچه که پولس محکوم کرده، و خود آنها را انجام می‌دهد، داوری کند. خدا جانبداری و عنایت نشان نمی‌دهد: حیات جاودان یا تنبیه، برحسب اعمال افراد تعیین خواهد شد، اول یهودیان که بر حسب شریعت داوری خواهند شد، سپس امتهای که بر حسب طبیعت (Physis) و بر حسب آنچه که در دلها و ضمیر ایشان نوشته شده (۲:۵-۱۶).

در بخشی جالب توجه (۲:۱۷-۲۴) پولس ادعای غرورآمیز برتری یهودیت را سرزنش می‌کند. او انکار نمی‌کند که ختنه دارای ارزش است،^۶ اما فقط در صورتی که انسان شریعت را رعایت نماید. در واقع شخصی نامختون که بر حسب الزامات شریعت زندگی می‌کند مختون شریعت شکن را محکوم خواهد نمود (۲:۲۵-۲۹). تمام انسانها در برابر خدا گناهکار هستند، پس چه مزیتی وجود دارد برای یهودیان ختنه شده اگر آنها نیز تحت خشم خدا هستند (۳:۱-۹) و هیچ کس عادل نیست؟^۷ در ۳:۲۱-۲۶ پولس جواب می‌دهد: به یهودیان کلام وعده خود خدا داده شد، و خدا وفادار و امین است. رسول توصیف می‌کند که چه چیز در شریعت و کتب انبیا وعده داده شده و یا از پیش تصویر شده، یعنی عدالت خدا را از طریق ایمان به عیسی مسیح، که بدون استثناء یهود و یونانی را تبرئه می‌کند. صداقت خدا اثبات شده است. خدا دور از انصاف نیست زیرا که گناهان همگان توسط خون مسیح کفاره شده است. هیچ کس حق فخر فروشی ندارد، زیرا که خدا در کمال بخشایش مختونان و نامختونان را به همان طریق از راه ایمان عادل شمرده است، جدا از اعمال (توصیف شده توسط) شریعت (۳:۲۷-۳۱).

۶- در جایی دیگر پولس آشکارا مخالف ختنه شدن نوایمانداران غیریهودی است، اما در اینجا او درباره یهودیان صحبت می‌کند. به زحمت می‌تواند تصادفی باشد که در رومیان پولس درباره نظر خود نسبت به یهودیت صحبت کند. مسیحیان رومی در این باره علاقه نشان می‌دادند.

۷- در ۳:۱۰-۲۰ پولس برای اثبات این نکته آخر عباراتی از کتاب مقدس را عنوان می‌کند که محققین آنها را به عنوان مدرک، یعنی متون جمع‌آوری شده درباره یک موضوع، توصیف می‌کنند، که شاید در یک قالب نیایشی گردآوری شده‌اند.

پولس از شریعت و از کتب انبیا نقل قول می کند؛ و در باب ۴ به کتاب اول شریعت برمی گردد و از ابراهیم نقل قول می کند تا نشان دهد که خدا دائماً کار کرده است، زیرا ابراهیم به ایمان عادل شمرده شد، نه به وسیله شریعت. ما قبلاً دیده بودیم که توسل پولس به ابراهیم احتمالاً به وسیله استفاده از ابراهیم توسط آنهایی که در غلاطیه تأکید داشتند که ختنه شدن برای نجات لازم است کمک شده بود. اینک مثال ابراهیم در درک پولس از نقشه خدا به بخشی سازنده تبدیل شده است. یهودیان زمان پولس ابراهیم را جد خود می دانستند، اما برای پولس او «پدر همه ما» است که در ایمان او سهیم هستیم (۱۶:۴).^۸ این بخش با بیانی مختصر درباره تئوری پولس به اتمام می رسد. داستان عدالت نسبت داده شده به ابراهیم برای ما که به خداوند عیسی «که به سبب گناهان ما تسلیم گردید و به سبب عادل شدن ما برخیزانیده شد» (۲۵:۴) ایمان داریم نوشته شده بود. در حالی که این عمل نجات بخش بر افراد تأثیر می گذارد، پولس ایمانداران منفردی را مجسم می کند که در یک جامعه همگانی مذهبی یا کلیسا به یکدیگر مرتبط هستند، حتی اگر اسرائیل مردمی تحت عهد بودند.

بخش آموزه ای متن نامه. قسمت دوم (۵:۱-۸:۳۹): آشتی با خدا در مسیح و فواید آن. اگر مردم از طریق مسیح عادل شمرده شده اند، اینک آنان با خدا در آشتی هستند. این فواید زیادی در بردارد: آشتی با خدا، امید به سهیم شدن در جلال خدا، و باران محبت خدا (۵:۱-۵). توصیف اینکه چگونه مرگ مسیح عادل شمرده شدن، نجات، و آشتی را به دست آورد (۵:۶-۱۱) حاوی یکی از توصیف های بزرگ عهدجدید است از آنچه که در محبت الهی درگیر است: آمادگی برای مردن برای گناهکاران که شایسته چنین محبت بزرگوارانه ای نیستند. پولس پس از استفاده از ابراهیم به عنوان نمونه ای از عادل شمرده شدن توسط ایمان در تاریخ اسرائیل، آنچه را که اینک از طریق مسیح به دست آمده با وضعیت همه موجودات بشری که از آدم سرچشمه می گیرند مقایسه می کند: فیض و حیات در مقایسه با گناه و مرگ. (برای پولس، مرگ به سادگی توقف حیات نیست، زیرا که از طریق گناه آمده است، نفی حیات.) همچنان که گناه آدم موجب محکومیت برای همه گردید، همین طور هم به یک عمل اطاعت بخشش شد بر جمیع مردمان برای عدالت و حیات. این قطعه (۵:۱۲-۲۱) باعث به وجود آمدن الهیات گناه اولیه گردید. به زیربخش ذیل مراجعه کنید.

در ۱:۶-۱۱ پولس توضیح می دهد که این تأثیر از طریق تعمید به وجود آمده است. طولانی ترین بررسی موضوع در نامه های او، با وجودی که حتی در اینجا هم او هرگز رابطه دقیق ما بین تعمید و ایمان را در این عمل الهی بیان نمی کند. خویشتن سابق ما با مسیح مصلوب شد و ما به مرگ او تعمید یافته و با او مدفون شدیم، تا اینکه همان گونه که او از مردگان قیام کرد ما نیز در تازگی حیات قدم برداریم. اما گناه یک قدرت فعال باقی می ماند،

۸. در طی این بررسی پولس یکی از جدی ترین اظهارات خود را عنوان می کند: «شریعت باعث غضب است، زیرا جایی که شریعت نیست تجاوز هم نیست» (۱۵:۴).

حتی با وجودی که ما اینک بیشتر زیر فیض هستیم تا زیر شریعت، و ۶:۱۲-۲۳ به ما بر علیه بردگی توسط گناه اخطار می دهد. بعضی ها فکر کرده اند که رسول در اینجا بار دیگر از یکی از موعظه های خود در مورد تعمید استفاده می کند، شاید برای اینکه از خود در برابر هر اتهامی دفاع کند که انجیل عادل شمردگی او جدا از شریعت، از بی بند و باری حمایت می کند.

در باب ۷، پولس به موضوع شریعت موسی باز می گردد. اصل اساسی این است که مرگ مسیح قدرت الزام آور شریعت را باطل کرده است. شریعت نمی تواند با گناه یکی دانسته شود، اما احساسات گناه آلود توسط شریعت بیدار می شوند «من گناه را نمی شناختم، اگر برای شریعت نبود» (۷:۵ و ۷). تک گویی «من» در ۷:۷-۲۵ ادامه می یابد، در میان عبارات بسیار احساسی و بلیغ در رومیان: «من آنچه را که می کنم نمی دانم، آنچه می خواهم نمی کنم، بلکه آن کاری را می کنم که از آن نفرت دارم... من در شریعت خدا خشنودم اما در اجزای خود شریعتی دیگر می بینم که با شریعت ذهن من منازعه می کند». این خطابه پر احساس موجب تفسیرهای بسیاری شده است. فیتزمایر شباهتی جذاب با طومارهای خطی بحرالْمیت ارائه می کند، جایی که نویسنده یک «من» را توصیف می کند که با موضوع نجات کشتی می گیرد، و با کلمات: «من به بشریتی شرور تعلق دارم» شروع می کند. هر دو هم آن نویسنده و هم پولس انسانیت گناه آلوده را از دیدگاه یهودیان توصیف می کنند؛ اما برای نویسنده طومارهای خطی بحرالْمیت، رهایی از جانب خدای بخشنده، از طریق شریعت یا تورات می آید، در حالی که برای پولس این رهایی از جانب خدای بخشنده، از طریق ایمان به عیسی مسیح می آید.

اگر مسیح از مرگ و گناه رهایی می بخشد و حیات می آورد، پس چگونه است زندگی کردن به این حیات، مخصوصاً اینکه ما هنوز در جسم هستیم و جسم فرمانبردار شریعت خدا نیست؟ در باب هشتم پولس پاسخ می دهد که ما باید زندگی کنیم، نه بر حسب جسم بلکه بر حسب روح القدس خدا که مسیح را از مردگان برخیزانید. «زیرا اگر بر حسب جسم زیست کنید هر آینه خواهید مرد، لکن اگر افعال بدن را به وسیله روح بکشید، همانا خواهید زیست» (۸:۱۳).^۹ بنابراین ما به فرزندان خدا تبدیل می شویم (قادر به ندا کردن «ابا، ای پدر» همان طوری که عیسی بود) وارثین خدا و هم ارث با مسیح، با این وعده که اگر شریک مصیبت های او باشیم در جلال او نیز شریک خواهیم بود (۸:۱۴-۱۷). قوم اسرائیل دریافته بودند که آنها نخست زاده خدا هستند یا پسران/فرزندان خدا (خروج ۴:۲۲؛ اش ۱:۲) اما حال این رابطه از طریق روح القدس او که یکتا پسر خدا بود عمیق تر شده است (پولس برای «ما» از زبان «پسر خواندگی» الهی (*huiiothesia*) استفاده می کند، زبانی که یوحنا تنها به

۹. این یک نظریه تئلیتی نیست، زیرا روح القدس در توصیف پولس هنوز به طور آشکار به عنوان یک شخصیت عمل نمی کند، اما انتساب چنین فعالیتی به روح خدا موجب خواهد شد که افکار مسیحی در آن جهت به پیش برود. «جسم» برای پولس شریر نیست، اما از طریق آن ممکن است انگیزه های شرارت بر مردم غالب شوند.

(پید ۳: ۱۷-۱۹، ۵: ۲۹): و بدین سبب در ایام آخر در عهد عتیق رؤیاهایی وجود دارند از آسمانی جدید و زمینی جدید (اش ۱۷: ۶۵، ۲۲: ۶۶). بنا بر این، به عنوان بخشی از این تضاد ما بین آدم و مسیح، پولس (روم ۸: ۱۸-۲۳) درباره تأثیر شفا بخش مسیح بر تمام خلقت مادی (منجمله جسم بشری) صحبت می کند. که از اسارت فساد آزاد خواهد شد و به آزادی خواهد رسید. ما همه اینها را نمی بینیم، اما امیدواریم و با بردباری صبر می کنیم، و برای کمک به ضعفهای ما روح القدس برای ما شفاعت می کند، با ناله هایی که نمی توان بیان نمود (۸: ۲۴-۲۷). هیچ چیز از این آینده اتفاقی نخواهد بود. هم عادل شمردگی و هم تجلیل بخشی از نقشه نجات هستند که خدا از ازل برای ما مقدر فرموده (۸: ۲۸-۳۰). خدا «که پسر خود را دریغ نداشت و او را به خاطر ما تسلیم نمود» در کنار ماست و این سرچشمه اعتمادی عظیم است. در ۸: ۳۱-۳۹ پولس این بخش دوم از آموزه رومیان را با یکی از اظهارات بسیار فصیح در تمام نوشته های روحانی مسیحی به پایان می برد: «اگر خدا با ماست. پس کیست برضد ما؟ ... زیرا یقین می دانم که نه موت و نه حیات و نه فرشتگان و نه رؤسا و نه قدرتها و نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده ... قدرت خواهند داشت که ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است جدا سازد».

بخش آموزه ای در متن نامه: قسمت سوم (۹: ۱-۱۱: ۳۶): چگونه عادل شمردگی

از طریق مسیح با وعده های خدا به اسرائیل سازگار است؟ اگر از ابتدا نقشه ای الهی وجود داشته که به سوی مسیح هدایت می نمود، پس چگونه است که اسرائیلیان (یهودیان) که وعده ها را از طریق شریعت و انبیا دریافت نمودند مسیح را رد کردند؟ نیاز منطقی برای پاسخ به این سؤال که از بابهای پولس بیرون کشیده شده آنقدر تعجب آور است که بعضی محققین (با شروع از قرن دوم توسط مارسیون) آنها را برای نامه بیگانه و ضد و نقیض تلقی نموده اند. بشارت دهنده ای که سالهای بسیاری را صرف نمود تا انجیل را به امتهای اعلام کند آماده بود که از مسیح محروم شود، به خاطر خویشاوندان یهودی خود! با توجه به دروغی همگانی که می گوید که او یهودیت را خرد و خوار می شمارد، او با افتخار مزایای عالی اسرائیلیان را عنوان می کند (۹: ۴-۵).

پولس در توضیح این که کلام خدا شکست نخورده است، از کتب مقدسه نقل می کند تا نشان دهد که تمام نسل ابراهیم به عنوان فرزندان او شناخته نمی شوند: خدا اسحاق را برگزید نه اسماعیل، یعقوب را و نه عیسو (۹: ۶-۱۳). این دلیل بی عدالتی خدا نیست بلکه خدا همانند کوزه گری عمل می کند که انتخاب می کند که از یک گل کدام کوزه را مرغوب و کدام را معمولی بسازد (۹: ۱۴-۲۳). و بدین سبب از خدا نمی توان خواست که برای انتخابی که نموده پاسخگو باشد. با استفاده از یک لیست دیگر *testimonia* (۹: ۲۴-۲۹) پولس تلاش می کند تا نشان دهد که خدا هم بی وفایی اسرائیل و هم دعوت از امتهای را از قبل

دیده بود. اسرائیل شکست خورد زیرا خواستار عدالت از طریق اعمال شده بود، نه از طریق ایمان، و برای کنار آمدن با این اشتباه، علیرغم غیرت خود، ندانست که خدا عدالت را در آنهایی متجلی ساخت که به مسیح ایمان آوردند و اینکه، در واقع مسیح پایان شریعت است (۹: ۳۰-۱۰: ۴). پولس با این تأکید ادامه می‌دهد که جستجو کردن برای عادل بودن در برابر خدا بر حسب اعمال بی‌فایده است، در حالی که «اگر تو با لبه‌های اقرار کنی که «عیسی خداوند» است و در دل ایمان بیاوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت» (۹: ۱۰). در این «تو» هیچ تفاوتی مابین یهودی و یونانی وجود ندارد (۱۰: ۱۲) و تمام اینها کلام یوئیل نبی را ۳: ۵ (۲: ۳۲) به کمال می‌رسانند که: «هر که نام خداوند را بخواند نجات یابد».

در ۱۴: ۱۰-۲۱ پولس برای اسرائیلی‌ها عذر کمی باقی می‌گذارد: خبرخوش توسط انبیا هم اکنون موعظه شده است، اما اسرائیلیان باور نکردند. آنها بهانه‌ای برای درک نکردن ندارند، زیرا آنها مردمانی نافرمان و سرکش هستند در حالی که امتهای احمق غیریهودی پاسخ داده‌اند. «آیا خدا قوم خود را رد نموده است؟» (۱: ۱۱). در یک پاسخ منفی برآشفته در واکنش به سؤالی که او بدون انتظار جواب مطرح می‌کند، پولس به عنوان یک اسرائیلی، نواده‌ای از قبیله بنیامین که به توسط فیض برگزیده شده است، صحبت می‌کند. او نمونه‌هایی از تاریخ اسرائیل را نقل می‌کند که در آن اکثریت شکست خوردند، اما خدا باقیمانده‌ای را حفظ کرد (۲: ۱۱-۱۰). در واقع، پولس از پیش می‌بیند که همه چیز به خوبی تمام خواهد شد (۱۱: ۱۱-۳۲). لغزش خوردن اسرائیل و سخت شدن دل‌های آنان تقدیر بوده است تا اجازه دهد نجات به امتهای نیز بیاید. پس از آن اسرائیل تغییر روحیه داده، حسود خواهد شد و تمام اسرائیل نجات خواهند یافت. ایمانداران امتهای نباید مغرور شوند؛ آنها شاخه‌ای از یک درخت زیتون بری هستند که به درختی پرورش یافته پیوند زده شده‌اند، به جای شاخه‌هایی که قطع شده بودند. دوباره پیوند زدن شاخه‌های طبیعی (اسرائیل) آسانتر خواهد بود. (تا حدودی شوک آور است که رسول امتهای به نظر می‌رسد تبدیل ایمان امتهای را نه به عنوان پایانی در خود، بلکه به عنوان نیمه‌گامی در راه به سوی تبدیل ایمان اسرائیل می‌بیند). در گذشته امتهای و اینک اسرائیل نافرمان‌بردار بوده‌اند، و خدا رحمت را به همه نشان می‌دهد. پولس این تصویر را با سرودی در ستایش عمق‌های غنا و حکمت خدا به پایان می‌برد: «او را تا ابدالابد جلال باد آمین» (۱۱: ۳۳-۳۶).

بخش پنجمین متن نامه. قسمت اول (۱: ۱۲-۱۳: ۱۴): اندرز مقتدرانه برای زندگی مسیحی. پولس اینک پیشنهادهای به مسیحیان رومی می‌دهد درباره اینکه آنها چگونه باید در پاسخ به رحمت خدا زندگی کنند. از یک سو این تعجب‌آور نیست زیرا از ابتدا (۱: ۵) پولس این را روشن ساخته که فیض رسول بودن او را به اطاعت از ایمان هدایت کرده

است. از سوی دیگر این اقدامی متهورانه است، چون پولس با اکثریت مسیحیان رومی هیچ گونه آشنایی شخصی نداشت. با شروع در ۱۲:۳ پولس ایده‌هایی را مطرح می‌کند که در اول قرن‌تین نیز بیان نموده و احتمالاً کمتر از یک سال قبل نوشته شده بود: یک جسم، اعضای بسیار، عطایا/موهبت‌های گوناگون، که نبوت و تعلیم از آن جمله‌اند، و تأکیدی بر محبت. همانند نویسنده عهد عتیق کتاب حکمت، در ۱۲:۹-۲۱ او یک رشته نصایحی را با تأکید خاص بر هماهنگی، شکیبایی و بخشش ارائه می‌کند - همه اینها به عنوان بخشی از هم شکل این زمانه/جهان نشدن (۲:۱۲) و تازه شدن در عصر یا زمانه‌ای جدید است که به توسط مسیح افتتاح شده.

راهنمایی برای مطیع بودن در برابر قدرتهای برتر حکومتی (۱۳:۱-۷) به طور خاص در یک نامه به پایتخت به گونه مناسب نوشته شده است (۱. پطرس ۲:۱۳-۱۵، نوشته شده از پایتخت نیز لحنی مشابه دارد). در این زمان کلادیوس که یهودیان را از روم اخراج کرده بود، وفات یافته، و امپراتور جدید (نرون) هنوز خصومتی نسبت به مسیحیان نشان نداده بود، نتیجتاً پولس می‌توانست از حکام (رومی) به عنوان خادمین خدا صحبت کند. اطاعت از دستورات برای پرداخت مالیاتها و احترام گذاردن به مسؤولین از مسیحیان شهروندانی نمونه می‌ساخت. آیا دیدگاه مطیعانه پولس ناشی از تجربه شخصی خوب او با مسؤولین رومی بود (مثلاً با گالیون در قرن‌تس در اعمال ۱۸:۱۲-۱۷)؟ یا اینکه دستورات او سیاستهای دفاعی بودند در برابر این اتهام که الهیات آزادی و جهان دیگری بودن او، بی‌مسئولیتی خطرناک مدنی او را ترویج می‌داد، یا اینکه او از نظر شبانی نگران بود که دو مورد نسبتاً جدید اخراج یهودیان (۱۹ و ۴۹ میلادی) توسط امپراتوران ناراحت رومی در مورد مسیحیان تکرار نشود؟ (آیا مسیحیان، به این دلیل که امتها را به ایمان دعوت می‌کردند، بالقوه ناراحت کننده‌تر از یهودیان بودند؟ به فصل ۸ مراجعه شود). هنگامی که مکاشفه را مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که در اواخر قرن دیدگاه متفاوتی در مسیحیان نسبت به امپراتوری رومی به وجود آمده بود، که با تعقیب و آزار و مزاحمت مسیحیان توسط امپراتوری، شکل یافته بود. بنابراین موجه نیست اگر دستورات پولس را قاطع جلوه دهیم به طوری که گویی دیدگاه عهدجدید، در رابطه با قابل اعمال بودن به تمام مسؤولین حکومتی در تمام زمانها متعلق به اوست. در ۱۳:۸-۱۰ جایی که «همدیگر را محبت کنید، زیرا کسی که همسایه اش را دوست دارد شریعت را به انجام رسانیده است» با این عقیده همراه است که فرامین در این خلاصه شده‌اند که «تو همسایه ات را دوست خواهی داشت همانند خودت». پولس به سنت عیسی در متی ۲۳:۳۸-۴۰؛ رومیان ۱۳:۱۱-۱۴ نزدیک می‌شود که پایان قسمت اول از بخش پنجاهم می‌باشد با تأکید بر اینکه لحظه آخرت چقدر خطرناک است، این *kairos* که توسط مسیح افتتاح شده. (آیه ۱۲ با تجسم شب و روز، اعمال ظلمت و اسلحه نور، ممکن

است یادآور سرودی برای تعمید بوده که رومیان می‌شناخته‌اند). اضطراب موجب نصیحت پولس می‌شود که آنها باید در برابر شهوات جسم خودشان را مسلح کنند «عیسی مسیح خداوند را بپوشید» (۱۴:۱۳).

بخش پنجمین متن نامه، قسمت دوم (۱:۱۴-۱۳:۱۵): قوی مدیون محبت به ضعیف است. ما مطمئن نیستم که زبان «قوی» و «ضعیف» که در اینجا یافت می‌شود اصطلاح نوین پولسی است یا اینکه در میان حضار رومی رایج بوده است. این نامگذاریها به نظر می‌رسند بیشتر شیوه‌های نگریستن به نیازهای مسیحیان را دربرگیرند تا فرقه‌های منقسم شده، همانند آنهایی که پیرو شخصیت‌های گوناگون مسیحی در قرن‌تس بودند. «قدرتمندان» اطمینان دارند که می‌توانند هر چیزی را بخورند و نیازی ندارند روز را به عنوان روز خاص در نظر بگیرند، «ضعفا» درباره خوردن محتاط هستند، فقط به سبزیجات اعتماد می‌کنند و روزهای مشخص مقدس را رعایت می‌کنند. با وجود تلاشهای بعضی از محققین برای ربط دادن چنین اولویتهایی با گنوستیک هلنیستی یا رسوم مذهب - سری، این موضوع احتمالاً بیانگر رسوم و آیین‌هایی است که از درخواستهای شریعت موسی درباره طهارت و پرستش ناشی می‌شود. «قوی» این درخواستها را بی‌مورد تلقی می‌کند، «ضعیف» (که به نظر می‌رسد با «ضعیف در ایمان» در ۱:۱۴ برابر دانسته شده باشد) فکر می‌کند که آنها الزام‌آور هستند. بسیاری از محققین «قوی» را به عنوان اکثریت غیریهودیان مسیحی در روم می‌شناسند و «ضعیف» را به عنوان یهودیان مسیحی، اما این فراتر از (یا حتی برضد) شواهد است. مسیحیان غیریهودی به خوبی می‌توانسته‌اند در اکثریت بوده باشند، که از این جا اخطارها در این باره که غیریهودیان نباید فخر بفروشند زیرا که یهودیان مسیح را رد نمودند (۱۷:۱۱-۱۸)، اما این به ما نمی‌گوید که آیا مسیحیان غیریهودی شریعت موسی را رعایت می‌کردند یا نه. ۱۰ اگر بشارت دهندگان اولیه روم از مبشرین اورشلیم بودند (امکانی که در بالا مطرح شد) ممکن است نوایمانان غیریهودی وجود داشته‌اند که (شریعت) را رعایت می‌نمودند. «ضعیف‌ها» در این صورت ترکیبی از چنین افرادی از امتها و برخی مسیحیان یهودی بوده‌اند که پس از مرگ کلاودیوس به روم بازگشتند. از طرفی دیگر سایر مسیحیان یهودی که دوستان پولس بودند و او در رومیان ۱۶ به آنها اشاره می‌کند می‌بایستی در میان «اقویا» بوده باشند.

پولس نگران این است که این دو گروه نباید همدیگر را داوری کرده و با یکدیگر دشمنی داشته باشند (۱۴:۳-۴، ۱۰-۱۳). چه آنها بخورند یا پرهیز نمایند، هر گروه می‌باید این را برای خداوند کرده باشد: «اگر زیست کنیم برای خداوند زیست می‌کنیم، و اگر بمیریم

۱۰ - به طور مثال جامعه غلاطیان که توسط پولس ایماندار شدند ممکن است به طور کامل غیریهودی بوده باشند، اما بعد از اینکه واعظین ضد پولسی آنها را متقاعد نمودند، بسیاری از مسیحیان غیریهودی غلاطیه ختنه شدن و الزام به رعایت شریعت را پذیرفتند.

برای خداوند می‌میریم» (۸-۶:۱۴). اگر مسیحیان رومی، «قوی» یا «ضعیف»، شنیده‌اند که پولس نوایمانان مسیحی غیریهودی را به رعایت شریعت موسی ملزم نمی‌کند، آنها در حال یادگیری هستند، همان‌طور که قبل از آنها قرن‌تینان (۱- قرن ۸:۷-۱۳، ۱۰:۲۳-۳۳). او هرگز از استفاده از این آزادی، در جهت منقسم نمودن جامعه، پشتیبانی نمی‌کند و به‌طور خاص به «قوی» اخطار می‌دهد که بهتر است گوشت نخورند و یا شراب ننوشند اگر موجب شود که برادر یا خواهری لغزش بخورد یا بیفتند (۲۱:۱۴). پولس با هم ردیف اعلام کردن خود با آنها می‌افزاید «ما که توانا هستیم باید ضعفهای ناتوانان را متحمل شویم به‌جای اینکه خوشی خودمان را طالب باشیم» (۱:۱۵). مسیح نیز خوشی خود را طالب نبود (۳:۱۵) بلکه خادم ختنه‌گردید به جهت راستی خدا تا وعده‌های اجداد را ثابت گرداند به طوری که امتها خدا را تمجید نمایند (۸:۱۵-۹a). پولس این بخش را با لیستی دیگر از شهادت‌ها به پایان می‌رساند (۹b:۱۵-۱۲). این بار اینها عباراتی هستند از کتب انبیا، شریعت، و نوشته‌ها (سه تقسیم بندی عهد عتیق) که در رابطه با نقشه خدا برای امتهاست.

اولین بخش اختتامیه (۱۴:۱۵-۳۳): نقشه‌های پولس برای آینده. رسول نامه خود را با دو بخش مربوط به هم به پایان می‌رساند. بخش اول توضیح رفتارهای او با رومیان است، او می‌داند که آنها خوب هستند، اما او به آنها نامه نوشت برای اینکه فیض خدا به او داده شده تا خادم امتها باشد. همان طوری که کاهنان یهود برای خدمت به خدا در معبد وقف شده بودند، موعظه پولس به انجیل نیز یک خدمت نیایشی است تا امتها نیز بتوانند قربانی مقبول هدیه شده به خدا باشند (۱۶:۱۵). در راه انجام این خدمت پولس از اورشلیم به ایلیریوم (یونان غربی) رفته است.^{۱۱} اینک او امیدوار است فراتر به طرف غرب برود، از طریق روم که سالها است که آرزوی دیدار مسیحیان آنجا را دارد، تا انجیل را در جایی که از مسیح نامی برده نشده، یعنی اسپانیا، موعظه کند (۱۴:۱۵-۲۴). اما در ابتدا باید پولی را که در مکادونیه و آخائیه جمع نموده است برای فقیران در اورشلیم ببرد، و این سفر باعث نگرانی او می‌شود. آیا او از دشمنی بی‌ایمانان در یهودیه خواهد گریخت (که ظاهراً او را به عنوان خیانتکاری محسوب می‌کردند که به کلیسایی که زمانی آنها را مورد تعقیب و آزار قرار می‌داد ملحق شده بود) و آیا پولی که جمع‌آوری نموده مورد قبول مسیحیان در اورشلیم قرار خواهد گرفت (که آن طوری که حدس می‌زنیم به خاطر برخی اظهارنظرهای تحقیرکننده پولس بر علیه «ارکان» کلیسا در اورشلیم، ناراحت بودند، غلاطیان ۲:۹ و ۶:۹؟) پولس مایل است که رومیان برای این سفر نزد خدا دعا کنند (۲۵:۱۵-۳۳). آیا او هم چنین امیدوار است که آنها کلامی خوب برای او به دوستانشان در اورشلیم بفرستند؟

۱۱. ناحیه‌ای در همسایگی مکادونیه. پولس چه زمانی به آنجا رفت؟ شاید چند ماهی قبل از اینکه او این نامه را بنویسد، هنگامی که از افسس به ترواس و از آنجا از طریق مکادونیه به قرنتس می‌رفت.

دومین بخش اختتامیه (۱:۱۶-۲۷): سلام و درودها به دوستان رومی. اما پولس که مشتاق است در سر راه خود از اورشلیم به اسپانیا مدت زمانی را در روم بگذرانند، نیاز به توصیه ای خوب دارد که برای او در روم گفته شود. ابتدا، فیبی شماسه ای^{۱۲} از کلیسای کنخریا، چند مایل دورتر از جایی که پولس این نامه را می نویسد، که کمک بزرگی برای اوست، به روم می رود (و شاید نامه او را حمل می کند). از او باید به خوبی پذیرایی نمود. اگر در آنجا مسیحیان رومی هستند که نسبت به پولس مشکوک می باشند، این زن به عنوان یک واسطه می تواند کمک کند، همانند افراد مختلف در روم که او را می شناسند، که بیست و شش نفر از آنها را او اینک در ۱۶:۳-۱۶ سلام و درود می فرستد. (من فرض را بر این می گذارم که این باب ۱۶ اصالتاً توسط پولس به عنوان بخشی از رومیان نوشته شده بود؛ ما فقط با چند تن از آنان، از کتاب اعمال و سایر نوشته های پولسی، آشنا هستیم و با وجودی که درباره پولس بیشتر از درباره هر مسیحی عهدجدید می دانیم اما اطلاعات ما درباره او هنوز هم کافی نیست. اشارات به خانه - کلیسا در ۵:۱۶ و به خانواده ها در ۱۰:۱۶ و گروه های مرتبط در ۱۴:۱۶ و ۱۵ نشان می دهند که جامعه رومی از تعداد قابل توجهی کلیساهای خانگی کوچک تشکیل شده بود، و در واقع این طرح را در روم در سرتاسر قرن دوم می یابیم. امروزه متوجه شده اند که اندرونیکوس و یونیا س «در میان رسولان، برجسته» بوده اند (۷:۱۶). یونیا س، که به احتمال قوی یک نام زنانه است، ممکن است همسر اندرونیکوس بوده باشد. این بدین معنی است که پولس می توانسته واژه «رسول» را در مورد یک زن به کار گیرد.^{۱۳} این عمدتاً برای آنهایی که برخلاف شهادت عهدجدید رسالت را منحصر به دوازده نفر می دانند آیه مشکلی است. (چون برخلاف روند تاریخ می توان در مورد هر رسول به عنوان کاهنی دستگذاری شده فکر نمود، این آیه در بحث های امروزی که آیا زنان می باید و یا می توانند به عنوان کشیشان عشاء دهنده دستگذاری شوند، تعیین کننده نیست).

نامه با (۱۶:۲۱-۲۳) خاتمه می پذیرد و پولس سلام و درودهایی از سایر مسیحیان در قرنتس اضافه می کند. طرتیوس، کاتب رساله، خود را معرفی می کند (تنها باری که منشی پولس خود را معرفی نموده)، احتمالاً به این دلیل که او شاگردی همکاری کننده در نوشتن نامه بوده است (بعضی کپی برداران تبرک را به ۲۰b:۱۶ به دنبال ۲۳:۱۶ به عقب می برند و بدین ترتیب آیه ساختگی ۱۶:۲۴ را به وجود می آورند). حمد و ستایش (ستایش خدا) در ۱۶:۲۵-۲۷ در بسیاری از نسخه ها وجود ندارد، و می تواند به خوبی اضافات نیایشی کپی برداران اولیه برای خواندن در کلیسا باشد.

۱۲- ما نمی دانیم که آیا شماسان در کلیساهای پولسی در سالهای ۵۰ (ر.ک فی ۱:۱) همان طور سازمان یافته بودند که شماسان در اول تیموتائوس ۳:۸-۱۳، نامه ای که چندین دهه بعد نوشته شد. به هر حال، هر آنچه که یک شماس مرد انجام می داد، احتمالاً شماسان زن هم انجام می دادند.

۱۳- «رسول» دارای معانی بسیاری بود و برای پولس معنی متداول آن این بود: کسی که عیسی قیام کرده را دیده و به یک واعظ انجیل تبدیل شده باشد. چون بیش از ۵۰۰ نفر زمانی خداوند قیام کرده را دیدند (۱-قرن ۱۵:۶)، عجیب خواهد بود اگر رسولان زن بدین معنی در میان آنها نبوده باشند.

اتحاد رومیان و باب ۱۶

Beatty Papyrus دوم (حدود سال ۲۰۰ میلادی) شاهی ارائه می کند برای باب پانزدهم رومیان. در قرن نوزدهم یک تئوری نظریها را به خود جلب نمود، بخصوص در آلمان که باب شانزدهم زمانی یک نامه جداگانه پولسی برای توصیه بوده خطاب به افسس و به خاطر فیبی، که از کنخریا به آنجا می رفت (روم ۱:۱۶-۳).^{۱۴} مطالعه دقیقی توسط گمبل، نشان دهنده ضعف هر تئوری است که باب شانزدهم را از رومیان جدا می کند. دلیل متنی برای باب شانزدهم به عنوان بخشی از رومیان، بی نهایت قوی است. خاتمه بخشیدن به نامه با آخرین آیه باب پانزدهم، «خدای سلامتی با همه شما باد»، موجب این فرض می شود که خاتمه این نامه شباهت به یک نامه اصیل پولسی ندارد، در حالی که ۲۱:۱۶-۲۳ کاملاً پولسی است. تعداد افرادی که پولس در رومیان باب شانزدهم درود می فرستند نباید مشکل ساز شود. پولس، که هنگام نوشتن نامه به جایی که او مدت زمان زیادی سپری کرده بود (مثلاً در نامه خود به قرنتس)، افرادی را به نام سلام نمی رساند، احتیاج به دوستانی داشت که او را به دیگران در روم، جایی که او هرگز نبوده است معرفی و توصیه کنند. بسیاری از اسامی که پولس در باب شانزدهم اشاره می کند با صحنه رومیان جور در می آید، مثلاً «اریستوبولوس» (نوه هیرودیس کبیر با این نام به نظر می رسد که زندگی خود را در روم سپری کرده باشد) و «نارسیسوس» (نام یک مرد آزاد قدرتمند در زمان کلادیوس).^{۱۵} Muratorian Fragment از اواخر قرن دوم رومیان را به عنوان یکی از رسالات پولسی می بیند که تمام کلیسا را مجسم می کند. در همین جهت بابهای چهاردهم و پانزدهم رومیان احتمالاً اختصاریایی بوده اند برای اینکه نامه را کمتر مخصوص یک کلیسا بنمایند تا بتوانند در کلیساهای سایر نقاط و در زمانهای دیگر آسانتر خوانده شود.

عادل شمردگی / پرهیزکاری / راستی / عدالت

این ایده کلیدی در تفکر پولسی و رومیان با واژه های متعددی بیان شده است: فعل *dikaion* اسامی *dikaiosis*، *dikaiosynē*؛ و صفت *dikaios*. ادبیات زیادی، منجمله بحث های به طور خاص مشکل و موشکافانه صرف آن شده است. من از واژه های «راستی» و «عادل شمردگی» استفاده خواهم کرد اما حتی ترجمه هم موجب جروبحث است (بعضی ها

۱۴- استدلال شده است که پرسکله و اکیلا که در ۳:۱۶ به آنها درود فرستاده شده قبل از نوشته شدن نامه به رومیان چندین سال در افسس بوده اند (اع ۱۸:۲۴-۲۶)، در واقع تا سال ۵۶ (۱- قرن ۱۶:۱۹)، و آن اپینتس که در ۵:۱۶ به او درود فرستاده شده اولین تبدیل ایمان یافته در آسیا بود. اما با وجود این، این افراد می توانسته اند پس از اینکه پولس افسس را در تابستان ۵۷ ترک نمود به روم نقل مکان کرده باشند. مسلماً بعضی از آنهايي که در روم ملاقات شدند پناهندگان یهودی مسیحی بودند که توسط امپراتور کلادیوس در سال ۴۹ از روم بیرون رانده شده بودند و پولس آنها را در قرنتس و جاهای دیگر ملاقات نمود. آنها ممکن است پس از مرگ امپراتور در سال ۵۴ به پایتخت بازگشته باشند.

می ترسند که «راستی» به عنوان خود - عادل بودن و «عدالت» به عنوان «جزا» سوء تعبیر شود. در اینجا به اختصار و به شیوه ای مقدماتی بعضی از مطالب اساسی را توصیف خواهم نمود تا خوانندگان بتوانند موضوع را خودشان بیشتر دنبال کنند.

پولس از *dikaioynē theou* «راستی خدا» صحبت می کند اما حالت اضافی را چگونه باید درک نمود؟ در گذشته این به عنوان حالت تملکی درک شده است، شامل توصیف حالتی از ویژگی و خصلت موجودیت خدا، مزیتی الهی، تقریباً معادل با «خدای عادل یا راست». به هر حال عقیده پولس فعالیت را به طور ضمنی بیان می کند؛ و برای اینکه نسبت به آن عادل باشیم، دو درک دیگر امروزه از حمایت عمده ای برخوردار هستند. این عبارات را می توان به عنوان حالت اضافی انحصار طلب درک نمود، که فعال بودن خدا را توصیف می کند، مثلاً خشم خدا یا قدرت خدا، برابر با فعالیت تبرئه کننده خدا، مثلاً رومیان ۳: ۲۵-۲۶ که از تحمل و صبر خدا صحبت می کند «به عنوان دلیلی بر عدالت خدا در زمان حاضر؛ اینکه او خود عادل است و شخصی را که به عیسی ایمان دارد عادل می گرداند». یا جمله را می توان به عنوان حالت اضافی از منبع یا منشأ درک نمود، توصیف حالت پرهیزکاری داده شده به موجودات بشری به عنوان فیض از یا توسط خدا، مثلاً فیلیپیان ۳: ۹: «نه با عدالت خود که از شریعت است بلکه با آن که به وسیله ایمان در مسیح می شود، یعنی عدالتی که از خدا بر ایمان است». شخص می تواند بپرسد که آیا پولس در درگیر کردن حالت های اضافی خود چنین تمایز دقیقی را انجام می داد، چون هر دو ایده در تفکر او یافت می شوند. آنچه که باید نگاه داشت زمینه حقوقی در ریشه کلمه است، گویی که افراد برای داوری به جلوی مسند خدا آورده می شوند و خدا آنها را تبرئه می کند، و بدین ترتیب مهربانی و بزرگواری او متجلی می گردد. علاوه بر این در این داوری پررحمت و عادل الهی احساسی از خدا که اقتدار و قدرت ظاهر می سازد وجود دارد، که بر قوایی که افراد را گمراه می کنند پیروز است، و همه چیزها را مرتب کرده و جهان را نجات می دهد. با وجودی که چنین عقیده ای در مورد عدالت خدا، اغلب واژه پردازی دیگری، برای اسرائیل عهدعتیق یک واقعیت بود، برای پولس در مسیح یک تجلی روز آخرت از *dikaioynē* خداست که به همه عرضه شده.

«عادل شمردگی» هم چنین توسط پولس برای توصیف تأثیری که در آنهایی که ایمان دارند که خدا در مسیح چه کرده است به کار می رود استفاده می شود. چون خدا افراد را در داوری تبرئه نمود، آنها اینک عادل شمرده شده هستند. عادل شمردگی صورت گرفت نه به این دلیل که افراد بی گناه بودند بلکه، با وجودی که آنها گناهکار بودند، عیسی واقعاً بی گناه برای خاطر دیگران به گناه تبدیل شد (۲- قرن ۵: ۲۱). به توسط عمل محبت، مسیح برای گناهکاران مرد (روم ۸: ۵)؛ «به سبب گناهان ما تسلیم گردید و به سبب عادل شدن ما برخیزانیده شد» (۲۵: ۴). برای پولس این عادل شمرده شدن جای عادل شمردگی تحت

شریعت را می‌گیرد (فی ۳: ۶). پولس با وجودی که این واژه نگاری عادل شدن مسیحی را به وجود نیاورد، آن را به عنوان نقش و نگاری اصلی در چندین نامه خود به کار برده و تأکید نموده است که این فیض یا عطیه ای است که از طریق ایمان به دست می‌آید (روم ۳: ۲۴-۲۵). اینکه آیا پولس این الهیات را از زمان مکاشفه اول خدا از مسیح به او درک کرد یا به مرور آن را درک نمود، مخصوصاً از تجربه اش با غلاطیان، قابل بحث است. این آخری توضیح می‌دهد که چرا الهیات عادل شمردگی و زبان در غلاطیان، فیلپیان، و رومیان عمدتاً ظاهر می‌شود. بحث عمده تحقیقاتی دیگر در اطراف این دور می‌زند که آیا برای پولس خدا به سادگی افراد را درستکار خطاب می‌کند، به وسیله نوعی رأی قضایی (دادگاهی یا عادل شمردگی اعلام شده)، یا اینکه واقعاً افراد را متحول کرده و آنها را درستکار می‌سازد. بنابراین افراد نمی‌توانند با خدا آشتی کنند بدون اینکه تبدیل شوند.

نظر پولس درباره رعایت کردن شریعت یهود

با مشاهدات مقدماتی باز هم باید راضی باشیم، زیرا تحقیقات انجام شده در این موضوعات بسیار مشکل نشان داده است که یهودیت در زمان پولس تابع شریعت بود، که اصرار داشت افراد فقط موقعی عادل شمرده می‌شوند که اعمالی را انجام دهند که قانون موسی حکم می‌کرد. از محکوم کردن چنین یهودیتی توسط پولس، برای رد کردن کاتولیسیم قانون زده رومی که عقیده داشت افراد فقط می‌توانند به وسیله اعمال نیکو که انجام می‌دهند و یا به نیابت آنها انجام می‌شود نجات یابند استفاده می‌شد. به کاتولیک‌ها بلافاصله اعتراض کردند، زیرا در الهیات دقیق کاتولیک عادل شمردگی یک فیض رایگان خدا بود که نمی‌شد آن را به وسیله انجام اعمال نیکو کسب کرد. هر دو طرف به هر حال، بر این فرض بودند که یهودیان زمان پولس عقیده داشتند که عادل شمردگی را به وسیله اعمال نیکو می‌توان به دست آورد، و بدین ترتیب رفته رفته چالشی میان مسیحیان به وجود آمد. حساسیت امروزی درباره این موضوع از چندین جانب تکامل یافته است: (a) آگاهی روز افزون که موضوعات بازنگری اغلب به درکی از پولس به عقب برده می‌شود. (b) درک اینکه بسیاری از اوقات پولس بحث می‌کرد نه بر علیه افکار یهودیان بلکه بر علیه افکار مسیحیان یهودی، به طور مثال، بر علیه آنهایی که اصرار داشتند که تبدیل ایمان یافتگان امتهای یهودیت نمی‌توانند از طریق مسیح عادل شمرده شوند مگر اینکه ختنه را بپذیرند. (c) تقاضا برای دقت بیشتر بر آنچه که پولس درباره اعمال و شریعت می‌گوید. (d) و اعتراضی از طرف محققین یهودی و متخصصین مسیحی در یهودیت به اینکه یهودیان الهیات ساده‌ای از کسب نجات به توسط اعمال ندارند. این دو نکته آخر احتیاج به بحث دارند.

در مورد (c) نامه به رومیان پیچیدگی نظریه پولس نسبت به شریعت را به تصویر می‌کشد. او از شریعت حمایت می‌کند (۳:۳) و آن را مقدس (۷:۲۰) و تحقق یافته می‌داند (۸:۴)، و بر فرامین موسی تأکید دارد (۱۳:۸-۱۰؛ ۱-۱۹:۷؛ هم چنین غلا ۵:۱۴). با وجود این هیچ موجود بشری در نظر خدا به وسیله اعمال شریعت عادل شمرده نخواهد شد (روم ۳:۲۰)؛ شریعت خشم می‌آورد (۴:۱۵)؛ باعث افزونی گناه می‌شود (۵:۲۰؛ غلا ۳:۱۹). بعضی از محققین تمایز قائل هستند مابین دو درک متفاوت از شریعت یا دو جنبش متفاوت از شریعت، با فرامین اخلاقی (برعلیه بت پرستی و رفتار جنسی) معتبر برای همه منجمله مسیحیان غیریهودی، اما نه خواسته‌های فرقه‌ای (ختنه: اعیاد تقویمی). ساندرز در کتاب ۱۹۹۱ خود در مورد پولس انعطاف پذیرتر است: پولس جنبه‌هایی از شریعت را که برضد مأموریت بشارتی خودش بود، آنهایی که در قوم خوانده شده خدا در مسیح یهودیان را از امتها جدا می‌نمود، رد کرد. این ارزیابی تأیید می‌کند که واکنش پولس نسبت به شریعت از تجربه خود از رحمت و بخشایش خدا در مسیح ناشی می‌شود نه از تئوری‌های سیستماتیک.

هنگامی که ما به (d) رجوع می‌کنیم، اظهار نظرهای پولس تا چه حد به آنچه که ما درباره نظر یهودیان در مورد عادل شمرده‌گی/راستی از طریق اعمال شریعت می‌دانیم، مربوط است؟ ساندرز در کتاب «پولس و یهودیت فلسطینی» توضیحی از دیدگاه‌های یهود ارائه نموده که قابل توجه است. خدا آزادانه اسرائیل را برگزید و با آنها عهدی بست که به عنوان قوم خدا زندگی کنند، فیضی که نمی‌شد کسب کرد. بلکه، رعایت شریعت شیوه‌ای از زندگی خدا داده در درون آن عهد ارائه نمود، به طوری که شخص نمی‌تواند از عدالت - اعمال صحبت کند بلکه عدالت - نگاه‌دارنده - عهد (به عنوان «مراعات اصول اخلاقی عهد» نیز شناخته شده). ساندرز استدلال می‌کند که چنین جایگاهی شاید از نوشته‌های یهودی توجیه پذیر باشد، حتی اگر جهانی نباشد. دیگران اعتراض می‌کنند که اگر این نظری است که به طور معمول در یهودیت رایج می‌باشد، پولس نمی‌بایستی برخوردی جدی مابین آن و نظریه خودش که خدا از روی محبت و عدالت از طریق ایمان در مسیح را ارائه نمود، دیده باشد. با وجود این در قطعه‌ای مانند فلیپیان ۳:۶-۷ او به وضوح حالت بی‌ملامت بودن خودش در عدالت شریعت را با آنچه که او در مسیح یافته است، مقایسه می‌کند. آیا کافی است که با ساندرز هم فکر شویم که آنچه را که پولس در یهودیت اشتباه یافت از آن مسیحیت نبود؟

اگر اعتراضات پولس به شریعت - عدالت بیشتر قابل توجه می‌بود، می‌توانست این باشد که پولس به اشتباه درک کرد و یا در اشتیاق جدیداً یافته برای مسیح، حتی به صورت جدلی نقش اعمال را در تصویری که خود از مفهوم یهودی عدالت داشت بسیار بزرگ نمود. رایزنان به طور مثال، در نظریات پولس گسستگی می‌یابد و ادعا می‌کند که پولس تصویر یهودی را

مغشوش نموده است. اما آیا باید بازسازیهای قرن بیستم از افکار یهودی قرن اول، که بر پایه قرائت مدارک باستانی استوار است، را بر شهادت یک ناظر تیزهوش همانند پولس که به عنوان یک یهودی تیزبین در آن قرن زندگی می کرد ترجیح داد؟ گذشته از اینها، در بحث پیرامون قرن اول و پولس، بایستی سؤال شود که آیا ظرافت های رابطه شریعت به عدالت - نگاه دارنده - عهد در سطحی مردم پسند درک شده است (بیشتر از اینکه الهیات ظریف کاتولیک درباره افراط کاری، همیشه در سطح مردم پسند درک شده است). اظهارات اولیه کهنانته وجود دارند که عهد و شریعت (یا بهتر تورات) را یکسان می دانند و ویژگیهایی همانند ختنه، قوانین تغذیه، و رعایت سبت را به خطوط قابل رؤیتی مابین یهودیان و امتهای تبدیل می نمایند. به این ترتیب رعایت اعمال شریعت می توانسته به راحتی باعث غرور شده باشد، زیرا در نظر عامه رعایت اعمال شریعت موجب می شود که یک یهودی در نظر خدا «عادل» گردد. هنگامی که او درباره افکار یهودیان می نوشت (که از آنچه که مخالفین یهودی مسیحی او داشتند متفاوت است)، پولس می توانست بر علیه چنین درک قانون مداری از عهد خدا با اسرائیل اعتراض کند، نه به این دلیل که او آن را بد درک کرد بلکه به این خاطر که او آن را به درستی به عنوان نظریه ای در نظر گرفت که بسیاری از یهودیان داشتند.

گناه اولیه و رومیان ۵: ۱۲-۲۱

پولس اظهار می دارد که گناه به توسط یک شخص به جهان وارد شد و از طریق گناه مرگ نیز، و بدین ترتیب مرگ بر همه موجودات بشری گسترش یافت (۵: ۱۲). پولس هرگز از واژه «گناه اولیه» استفاده نمی کند، و هرگز نیز اشاره ای به سقوط از فیض گذشته نمی نماید. اما در تعمق بر این آیه بود که آگوستین در قرن چهارم الهیات گناه اولیه را به وجود آورد (*peccatum originale*)، تا حدودی در بحث با پلازیوس. آگوستین اظهار می دارد که آدم به وسیله گناه خود از جایگاه فوق طبیعی اولیه خود فرو افتاد، و که با افزایش جمعیت انسانها، که در برگیرنده شهوت بود، فقدان فیض به هر موجود بشری از نسل و تبار آدم انتقال یافت. این بحث به حیطة الهیات سیستماتیک تعلق دارد، اما برخی اظهار نظرها درباره افکار پولس می تواند به عنوان توضیح عمل کند:

(۱) در بخشهایی از داستان در پیدایش ۲: ۲-۳: ۲۴ آدم یک مذکر منفرد نیست بلکه شخصیتی است نماینده کل بشریت. اما برای پولس آدم یک شخص منفرد است همانند عیسی؛ و بدین ترتیب رسول انسان اول را با انسان آخر مقایسه می کند. (۲) تفسیر پولس از پیدایش شاید تا حدودی به وسیله تفسیرهای زمانه او شکل گرفته باشد، اما آنچه در تصویر او از آدم غالب است الهیات او از عیسی است. به کلام دیگر او پیدایش را نخواند تا به درک از

عیسی برسد، او عیسی را درک نمود و پیدایش را در نور این درک خواند. این رویکرد ناشی از گذشته بدین معنی است که پولس واقعاً چیزی تازه برای آموزش به ما درباره تاریخچه منشأ نژاد بشری ندارد. (۳) نظریه پولس از جهانی بودن گناه و مرگ از مشاهده جهان موجود نشأت می‌گیرد و او از داستان پیدایش برای توضیح آن استفاده می‌کند. در واقع نویسنده پیدایش، با وجودی که از روایت قبلی برداشت نموده بود، داستان خود را به طریقی مشابه نوشت، و از دنیایی که او می‌شناخت شروع کرد و به عقب برگشت تا منشأ آن را به تصویر بکشد. (۴) برای بعضی ایده گناهکار بودن بشر که از اعمال شرورانه شخصی فراتر می‌رود عجیب است. کل تجربیات بشری بسیاری افراد دیگر را مجبور می‌کند تا راز شرارتی را که لحن جمعی دارد بشناسند. (۵) توجه عمده پولس نه به گناه آدم بلکه به فراوانی فیض مسیح است. او اظهار می‌دارد که عمل عدالت مسیح موجب عادل شمرده شدن و حیات همگان گردید - چیزی که مشاهده آن بسیار سخت‌تر از گناهکار بودن جهانی است. در واقع، بعضی‌ها از این قطعه برای نجات جهانی استدلال می‌کنند.

موضوعات و مسائلی برای تعمق

(۱) بخش آموزه‌ای (۱:۱۶-۱۱:۳۶) را رومیان به سه زیر بخش تقسیم می‌کنند (۱:۱۶-۴:۲۵ و ۵:۱-۸:۳۹ و ۹:۱-۱۱:۳۶). پوسکاس (۷۶-۷۸) نامه به رومیان را به عنوان سخنوری خودنما می‌بیند و چهار قسمت در آن می‌یابد (۱:۱۶/۱۸-۳:۲۰ [استدلال منفی]؛ ۳:۲۱-۵:۲۱ [استدلال مثبت]؛ ۶:۱-۸:۳۹ و ۹:۱-۱۱:۳۶). بکر در کتاب خود در مورد پولس، اظهار می‌دارد که باب پنجم نامه به رومیان دارای عملکردی لولایی است، در ۱:۱۸-۵:۲۱ بسته می‌شود و در ۶:۱-۸:۳۹ باز می‌شود. چون محققین مطمئن هستند که نامه به رومیان به دقت برنامه‌ریزی شده بوده، تشخیص ساختار آن بعضی وقتها با تشخیص الهیات آن مترادف است.

(۲) رومیان ۵:۹ دو بند متصل به هم دارد: «از آنها (یعنی اسرائیلیان) مسیح به حسب جسم شد که فوق از همه است، خدای متبارک تا ابدالآباد، آمین». «فوق از همه است خدای متبارک تا ابدالآباد» به چه کسی اشاره می‌کند؟ (a) می‌توان نقطه‌ای بعد از «جسم شد» گذاشت به طوری که کلمات به دنبال آن تشکیل عبارت جداگانه تبرک خدا را بدهند. (b) یک کما (،) می‌توان بعد از «جسم شد» قرارداد و یک نقطه بعد از «تا ابدالآباد». این نقطه گذاری بدان معنی خواهد بود که پولس مسیح را به عنوان «خدای متبارک تا ابدالآباد» خطاب می‌کند. از نظر گرامری بهتر است، حتی اگر آیه در این صورت به تنها نمونه در نامه‌های انکارناپذیر پولسی که او عیسی را «خدا» خوانده، و قدیمی‌ترین نمونه از آن کاربرد در عهدجدید، تبدیل شود.

(۳) من در بالا در مورد تفسیر معقولانه واژه‌های الهیاتی پولس نظر دادم، اما برخی از آنها

موضوع بحث های بی انتها بوده اند. به طور مثال، بسیاری صحیح می دانند که در نامه به رومیان «شریعت» به معنی شریعت موسی است. با وجود این برای قطعاتی مثلاً در باب هفتم، پیشنهادات دیگر قوانین رومی، قانون به طور کلی، تمام ادراکات از خدا، یا قانون طبیعی می باشند. «من» در باب هفتم به طور معقول از نظر مسیحیان یهودی، بشریت غیر قابل تجدید است، اما دیگران فکر کرده اند که این «من» به شخص پولس، یا به پسر یهودی، یا به مسیحیانی که پس از ایمان آوردن تلاش می کند، و یا حتی به آدم اشاره دارد. به نقدهای مخالف و موافق توجه شود.

(۴) زیر بخشی وقف موضوع گناه اولیه در ۱۲:۵-۲۱ شده است، اما بحث هایی وجود داشته که جدا از این موضوع چگونه باید پولس را درک کرد، اکثریت می توانند مرگی را که از طریق گناه عارض شده به عنوان مرگ روحانی درک کنند، و نه فقط مرگ جسمانی (حتی اگر این از داستان آدم فراتر می رود). یک ترکیب اضافی یونانی در ۱۲:۵ به طور خاص مشکل بوده است: «مرگ به همه موجودات بشری سرایت کرد، همه گناه کردند». آیا در اینجا اشاره به آدم است «که در او» و یا «از طریق او» یا «به خاطر او» همه گناه کردند؟ یا، بدون ارتباط با آدم، منظور پولس این است که «تا آن اندازه که همه گناه کردند» یا «به این علت که همه گناه کردند» یا «با این نتیجه که همه گناه کردند»؟

(۵) در عهد عتیق روح القدس طریقی است برای توصیف وساطت خدا در خلقت (پید ۲:۱؛ مز ۱۰۴:۳۰)، احیا کردن (حزق ۳۷:۵)، و افراد را نمایندگان برنامه الهی ساختن (اش ۱۱:۲؛ یول ۱:۳ [۲۸:۲]) - وساطتی که از بیرون می آید اما در درون افراد نیز عمل می کند. در دوگانگی طومارهای خطی بحرالْمیت یک روح بزرگ و قدوس حقیقت وجود دارد - نوعی قدرت فرشتگان که از بالا بر افراد حکومت می کند اما در درون آنها نیز ساکن است و زندگیهای آنان را هدایت می کند (فیتزمایر در کتاب خود در مورد نامه به رومیان نمونه هایی ارائه می دهد از نقشی که برای روح القدس در زندگی آنها در نظر گرفته شده که به گروه طومارهای خطی بحرالْمیت تعلق دارند). بعضی از همین ایده ها در تصویر پولس از روح القدس ظاهر می شود، واژه ای که او هیجده بار در باب هشتم به کار می گیرد. بعضی نمونه های دیگر از استفاده مکرر از این واژه بابهای پولسی توسط اول قرنیتیان ۱۲:۲۰، ۱۴؛ دوم قرنیتیان ۳ و غلاطیان ۵ است. یافتن تصویر کامل پولس از روح القدس و مقایسه آن با سایر مفاهیم عهدجدید از روح القدس کاری با ارزش خواهد بود.

(۶) در رومیان ۸:۲۹-۳۰ پولس می گوید خدا آنها را که از قبل می شناخت، از «پیش مقدر» فرمود (*proorizein*، «از قبل تعیین کردن») و آنها را که از پیش مقدر فرمود آنها را نیز خواند. در طی تاریخ الهیات این قطعه در مباحث مهم درباره از پیش مقدر بودن آنها که توسط خدا نجات خواهند یافت مطرح شده است. ما باید بدون وارد شدن به

این مباحث آگاه باشیم که با وجود جمله بندی، این عبارت الزاماً به این معنی نبوده است که رفتار خدا را با تمام موجودات بشری در تمام زمانها شامل باشد. اولاً موجب مشکلی خاص می شود، یعنی، این که بیشتر یهودیان که با مکاشفه در مسیح روبه رو شدند او را رد کردند. ثانیاً هدف از پیش مقرر بودن «نجات» است. پولس فکر می کند که هدف نهایی از سخت دل شدن اسرائیل این است که «مادامی که پری امتهای در نیاید ... همچنین همگی اسرائیل نجات خواهند یافت» (۱۱: ۲۵-۲۶). همین طور «خدا همه را در نافرمانی بسته است تا بر همه رحم فرماید» (۱۱: ۳۲). این بسیار دور از از پیش مقدر داشتن بعضی ها برای لعنت و محکومیت است. سوماً شناسایی اینکه یهودیان درباره اصل علیت الهی چگونه فکر می کردند مهم است. در طومارهای بحرالمیت ما می شنویم که خدا تمام نقشه خود را قبل از بنای عالم استوار نمود؛ با وجود این برخی متون دیگر این را کاملاً آشکار می سازند که مردم آزادانه عمل می کنند. یک منطق غربی که می گوید، اگر خدا از قبل تعیین فرموده است، که می باید به این معنی باشد که موجودات بشری از قبل تعیین شده و مقدر هستند، را نمی توان به آسانی بر پولس تحمیل کرد.

(۷) در ۲۶-۲۵:۱۱ پولس از سرنوشت اسرائیل به عنوان یک راز صحبت می کند، یک سخت دلی تا امتهای به پری در تعداد آمده باشند، و بدین ترتیب تمامی اسرائیل نجات خواهند یافت. آیا پولس به طور ضمنی می گوید که او مکاشفه ای برای سرنوشت آتی اسرائیل داشته است، آیا او امیدی را بیان می کند؟ به احتمال قوی او درباره مکاشفه فکر می کند، زیرا که او از رازی در فکر خدا صحبت می کند. اما در این صورت می توان بحث کرد که آیا خدا تعهدی به تفسیر پولس از مکاشفه دارد. ارمیا در ۱۷: ۱۵، ۲۰: ۷-۸ شکایت می کند که خدا از تفسیر وی از کلام خدا که او اصالتاً دریافت نموده بود، حمایت نمود. بعلاوه، پولس مطالب خود را در زبان یک تسلسل آخر زمانی بیان می کند که همیشه دارای عنصری مجازی استعاری است و نباید با تاریخ طولی اشتباه شود.

(۸) قابل توجه است که نامه به رومیان که اینقدر به تفصیل درباره گناه و عادل شمردگی صحبت می کند، درباره توبه تقریباً ساکت است. در لوقا ۲۴: ۲۷ می بایستی بیاناتی باشد که مردم را به توبه بکشاند تا در نام عیسی آمرزیده شوند. بسیاری از مفسرین توضیح می دهند که برای پولس آمرزش الهی واکنشی به توبه بشری نیست بلکه کاملاً از روی مهربانی است، زیرا خدا بدون ابتکار عمل قبلی انسانی عمل می کند. آیا تضاد مابین پولس و لوقا اینقدر شدید است؟ آیا نویسندگان عهدجدید که بر توبه اصرار دارند ابتکار عمل بشری را پیشنهاد می کنند، یا اینکه توبه کردن به نوبه خود نیز یک فیض از خداست؟ اعلام لوقایی می تواند حاوی فیضی مضاعف باشد: در برابر انگیزه های داده شده از طرف خدا دلت را برای توبه باز کن و بخشایش داده شده از طرف خدا را دریافت نما. آیا پولس با این رویکرد مخالفت می نمود؟

فصل بیست و پنجم

نام مستعار داشتن و نوشته‌های دوترو پولسی

قبل از اینکه وارد حیطه مشکل آفرین نامه‌های دوترو پولسی بشویم، یعنی آنهایی که نام پولس را بر خود دارند اما احتمالاً توسط او نوشته نشده‌اند، بگذارید مفهوم مشکل استعمال اسامی مستعار برای نوشته‌ها (تحت اللفظی ولی اغلب گمراه کننده «نوشته‌های دروغین») یا مستعار بودن («نام دروغین») ^۱ واژه نگاری که در بحث‌های کتاب مقدسی با لحنی خاص به کار گرفته می‌شود را مورد بحث قرار دهیم.

(A) مستعارنویسی به‌طور کلی

در اینجا شاید واضح‌تر باشد از «نویسنده» صحبت کنیم تا از «مؤلف». معمولاً این واژه برای ما به معنی کسی نیست که مسؤل ایده‌های موجود در این اثر باشد، بلکه کسی که در واقع نحوه بیان را طرح می‌کند. قدیمی‌ها در این مورد بسیار دقیق بودند و منظورشان از «مؤلف» ممکن است اقتداری بوده که پشت سر یک اثر قرار داشته است. ما با چنین تمایزی بیگانه نیستیم، زیرا با پدیده «نویسندگان موهوم» آشنا می‌باشیم، مخصوصاً در مورد هنرمندانی که مایلند شرح زندگی خود را بنویسند اما نیاز به کمک یک نویسنده ماهر و با تجربه دارند تا داستان خود را به شیوه‌ای جذاب و صحیح شکل دهند. اینک اغلب، حتی یک نویسنده موهوم را هم به این شکل معرفی می‌کنند: «شرح حال یوحنا/ژان دوم، با همکاری (یا کمک) جان اسمیت». این پدیده به استفاده از کاتبین در عهد باستان شبیه است، و می‌توان در نامه‌های اصیل پولسی هم آن را دید، اگر پولس ایده را دیکته می‌نموده و شخصی همانند سیلوانوس آنها را به رشته تحریر درمی‌آورده. این چیزی نیست که محققین با مستعار بودن در اشاره به نوشته‌های عهدجدید منظور نظرشان است.

خوانندگان امروزی هم با نوشته‌هایی با نام یا قلم دیگر برخورد می‌کنند، شیوه‌ای که به دلایل مختلف برگزیده شده. در قرن نوزدهم ماری آن اوانز تحت نام مردانه جورج الیوت

۱- متأسفانه بعضی‌ها نگارش‌های مستعار نویسی (آثاری که توسط شخصی که ادعا می‌شود نوشته نشده است) را با نگارش‌های مجهول (آثاری که نام نویسنده را بر خود ندارند) اشتباه می‌گیرند، مخصوصاً در مواردی که نویسنده به صورت ظاهری شناسایی شده است. به‌طور مثال، اناجیل گمنام هستند؛ آنها نویسنده خود را شناسایی نمی‌کنند (ر.ک. یو ۲۴:۲۱): نسبت دادن‌ها به متی، مرقس، لوقا، و یوحنا از (اواخر؟) قرن دوم ناشی شده و این اسامی در آثار اصلی موجود نبوده‌اند. کتاب اعمال، عبرانیان، اول یوحنا (دوم و سوم یوحنا ادعا می‌شود توسط «شیخ» نوشته شده‌اند) گمنام هستند. نگارش‌های مستعار در عهدجدید، یعنی نوشته‌هایی که کلمات آنها نویسنده‌ای را معرفی می‌کنند که ممکن است آنها را تدوین نموده باشد، شامل دوم تسالونیکیان، کولسیان، افسسیان، اول و دوم تیموتائوس، تیطس، یعقوب، اول و دوم پطرس، و یهودا هستند. (خود-شناسایی نویسنده در هفت نامه پولسی، که درباره آنها بحث شده، و نیز در مکاشفه (یوحنا‌ی رسول) به‌گونه‌ای معقوله مورد بحث نیست. من در این فصل کتابهایی را کنار می‌گذارم که در مجموعه شرعی و قانونی کتاب مقدس پذیرفته نشده‌اند.

می نوشت زیرا برای زنان دشوار بود که نوشته های جدی خود را بقبولانند. در قرن بیستم بیش از یک نویسنده رازها تحت اسامی مختلفی نوشته اند، مثلاً جان دیکسون کار و کارتر دیکسون نام هایی برای یک نویسنده مذکر هستند، و روت رندل و باربارا واین نام هایی برای یک نویسنده مؤنث. نوشتن تحت یک نام مستعار زمانی مورد مخالفت قرار می گیرد که منظور گمراه کردن باشد (مثلاً تدوین یک داستان شرلوک هولمز و فروختن آن به عنوان داستانی تازه کشف شده و نسخه اصیلی توسط آرتور کانون دوپیل، که تا به حال چاپ نشده اما نه وقتی که کسی در ملاء عام به سبک نویسنده اصلی که مرحوم شده به نوشتن ادامه می دهد (مثلاً نمایشنامه شرلوک هولمز که او را در زمان جنگ دوم جهانی فعال نشان می دهد).

در تحقیقات عهدجدید بعضی ها که در ابتدا پیشنهاد کرده بودند که نامه های منتسب به پولس واقعاً مستعار بوده اند اشاره کرده اند که هدف ممکن است ریاکارانه باشد، اما این معنی ضمنی در بحث دیده نمی شود. اغلب آنچه پیشنهاد می شود این است که یکی از شاگردان «مکتب» پولسی که می خواسته نامه اش با اقتدار جلوه کند نامه ای تحت نام پولس می نویسد. چنین وضعیتی دارای معنی می شود اگر شخص فرض کند که پولس فوت کرده بوده و شاگرد او که خود را مفسر معتبر رسول می دانسته، تصمیم گرفته افکار او را ثبت کند. نسبت دادن یک نامه به پولس در این گونه شرایط، استفاده کردن از نامی دروغین یا داشتن ادعایی کاذب که پولس نامه را نوشته، نبود. این استفاده از نام پولس است به عنوان مؤلف، یعنی استفاده از نام پولس به عنوان اقتدار پشت سر نامه ای که به عنوان توسعه افکار او در نظر گرفته شده بود. در واقع، چنین نسبتی می تواند حضور رسول را تداوم بخشد، زیرا نامه ها جایگزینی بودند برای مکالمات رو در روی شخصی. آنهایی که خود را در مکتب یعقوب (در اورشلیم) یا پطرس در نظر می گرفتند ممکن است نامه هایی تحت نام با اقتدار آنها نوشته باشند.^۲

توجه برای اینگونه فرض دارای نام مستعار بودن، در عهدعتیق یافت می شود. کتب قانون ۷۰۰ تا ۸۰۰ سال بعد از زمان موسی تحت نام او نوشته شدند زیرا که او قانون گذاری بزرگ بود. مزامیر (حتی آنهایی که برحسب تیتیر به دیگران نسبت داده می شدند) در کتاب مزامیر داودی جمع آوری شده بودند، چون داود به عنوان سراینده مزامیر شهرت داشت. کتابی همانند حکمت که به زبان یونانی نوشته شده حدود سال ۱۰۰ قبل از میلاد به سلیمان نسبت داده شده بود که حدود ۹۰۰ سال قبل از مسیح زندگی می کرد، او مردی با حکمتی بی نظیر بود. انبیا در مکتب اشعیا حتی پس از ۲۰۰ سال بعد از مرگ پیامبر به نوشتن ادامه دادند و نوشته های خود را در کتاب اشعیا ضمیمه نمودند. کتب مکاشفه ای، هم شرعی و هم غیر شرعی، در نظر داشته اند نام شخصیت های معروف گذشته را زنده کنند (دانیال، باروخ،

۲. نامه/رساله یهودا ممکن است توسط یکی از پیروان یعقوب نوشته شده باشد زیرا نویسنده فرض شده به عنوان «برادر یعقوب» معرفی شده.

خنوخ، عزرا) به عنوان بینندگان رؤیاهایی که امروزه، زمان بسیاری پس از مرگ آنها بیان می شوند.^۳ در زمانهایی درست قبل و بعد از زمان عیسی مستعار نویسی به نظر می رسد به طور خاص حتی در آثاری با طبع غیر مکاشفه ای یهودی رایج بوده باشد، مثلاً نیایش های نابونیدوس، غزلهای سلیمان، مزامیر سلیمان.

(B) مسائلی درباره مستعار بودن

هر چقدر هم که اینها حقیقت داشته باشند وقتی که ما آثار شخصیت مستعار نوشته عهدجدید را در نظر می گیریم، مشکلاتی باقی می ماند که نمی توان آنها را نادیده گرفت؛ و از خوانندگان خواسته می شود که در فصول بعدی اینها را در خاطر داشته باشند. من نمونه هایی از عهد عتیق از نام های مستعار ذکر کرده ام که بعضی وقتها از زمان زندگی شخص تا نوشته ها قرنها فاصله بوده، نتیجتاً آنها در واقع مشابه آثاری نیستند که تا چند سال بعد از زندگانی پولس نوشته شده اند. ما از شاگردان پولس یا پیروان مکتب تفکر پولسی به عنوان نویسندگان مستعار صحبت می کنیم، اما هویت دقیق آنها را نمی دانیم. (سیلوانوس، تیموتائوس، تیطس و حتی لوقا برای نوشته های مختلف پیشنهاد شده اند). چقدر شخص باید به پولس تاریخی نزدیک بوده باشد تا بتواند به نام او بنویسد؟ زمانی این فقط مسئله شناختن نوشته های پولسی و استفاده از یک نام قبلی به عنوان پایه ای برای تدوین مطالب بیشتر بود (نوشتن دوم تسالونیکیان در رابطه با اول تسالونیکیان، و افسسیان در رابطه با کولسیان). بعضی از محققین این نام های شبانی را به ۱۲۵ میلادی و یا حتی دیرتر تاریخ گذاری می کنند، هنگامی که پولس حدود نیم یا سه چهارم قرن قبل مرده بود. تا چه زمانی بعد از مرگ استاد شخص می تواند ادعای اقتدار برای نوشتن در نام او را بکند، مخصوصاً وقتی که سایر نویسندگان مسیحی نسل بعد از رسولان تحت نام خودشان می نوشتند؟ نوشته های شرعی با نام های مستعار چگونه از نوشته هایی که تحت نام شخصیت های عهدجدید نوشته شده، و توسط کلیسا به عنوان نوشته های غیرشرعی رد شده اند متمایز می باشند؟

آیا شنونده (کلیسا) مورد خطاب را باید به عنوان تاریخی پذیرفت؟ به طور مثال، چنانچه با نام مستعار باشد، آیا دوم تسالونیکیان همانند اول تسالونیکیان به کلیسا در تسالونیکیه نوشته شده، یا نویسنده به سادگی آن آدرس را کپی کرده زیرا که او نامه اول تسالونیکیان را به عنوان راهنما برای طرح خود استفاده نموده است؟ چگونه در قرن اول یک جماعت گسترده نامه ای را که ظاهراً به مسائل موجود در کلیسای تسالونیکیه تخصیص یافته بود دریافت

۳- چون عیسی و مسیحیان اولیه بینشی شدیداً مکاشفه ای داشته اند، آیا می توان از این نکته برای توجیه فراوانی مستعار نویسی در عهدجدید بهره گرفت؟ با وجود این در مکاشفه تمام عبار عهدجدید، کتاب مکاشفه، دلیل کمی وجود دارد برای تردید در خود نام گذاری پیش بین به عنوان یوحنا (۱:۱، ۴، ۹، ۲۲:۸).

می نمود؟ آیا جماعتی که نامه مستعار را دریافت کردند می دانستند که این درواقع توسط شخصی دیگر اما در نام پولس نوشته شده است؟ آیا اقتدار نامه کاهش می یافت اگر این موضوع فاش می شد؟ آیا نویسنده فکر می کرد که چنین آگاهی تفاوتی به وجود می آورد؟ (دوم پطرس هویت رسولی نویسنده را اهمیت کلیدی می دهد، مثلاً ۱:۱۶). آیا کلیسای بعدی اگر می دانست که این نامه ها با نام مستعار هستند آنها را به عنوان قانونی و شرعی می پذیرفت؟ نظر محققین در این باره که نویسنده مدعی نیست، درمورد آثار مختلف متفاوت است و بنابراین این وظیفه سؤال کردن و جواب دادن باقی می ماند.

ملاک و معیار برای تعیین اصالت و مستعارنویسی چیست؟ آنها شامل اطلاعات داخلی، ساختار، سبک، واژه نگاری و تفکر/الهیات می شوند. ما در صفحات قبل بعضی از مشکلات درباره این معیارها را دیدیم، اما چون تحقیقات تقریباً یکسان تقسیم شده است در این باره که آیا پولس دوم تسالونیکیان را نوشته است یا نه، در فصل بعد بیشتر می خوانیم.

* * *

فصل بیست و ششم

نامه دوم به تسالونیکیان

بحث زیادی وجود دارد در این باره که آیا دوم تسالونیکیان را پولس نوشته یا یکی از شاگردان مکتب او. پس از تحلیل کلی، زیر بخش هایی به: آیا پولس دوم تسالونیکیان را نوشت، هدف، موضوعاتی برای تعمق، و کتاب شناسی وقف خواهد شد.

تحلیل کلی پیام

همانند اول تسالونیکیان، دستورالعمل افتتاحیه (۱:۱-۲) به این ترتیب عنوان می کند: «پولس، سیلوانوس، و تیموتاوس»، با وجودی که این پولس است که نامه را می نویسد. تنها اشاره ممکن به یک مکتوب قبلی در ۲:۱۵ است جایی که به تسالونیکیان گفته می شود «به آن سنتها که آموخته شده اید پای بند باشید، خواه از کلام یا از نامه ها». شکرگزاری (۱:۱۰-۳) ایمان و محبت تسالونیکیان و نیز استواری آنها را در تحمل رنج و دردی که بر آنها تحمیل شده است می ستاید. عیسی هنگامی که از آسمان ظاهر شود، و تنبیه جاودانی بر جفا کنندگان آنها وارد خواهد کرد، در حالی که آنها را از سختی و پریشانی راحتی داده و جلال خواهند یافت. دعا در (۱:۱۱-۱۲) به این منظور است که خدا آنها را مستحق این دعوت بگرداند.

پولس هنگامی که بخش مجموع خبری را شروع می کند (۱:۲-۱۷) مایل نیست تسالونیکیان بیش از حد درباره «روح کلام» و یا هر نامه منتسب به او در مورد قریب الوقوع بودن «روز خداوند» (۲:۱-۲)، هیجان زده شوند. به جای آن، آنها می توانند آرام باشند زیرا نشانه های آخر زمان که می باید قبل از آمدن آن روز اتفاق افتد هنوز به وقوع نپیوسته، یعنی: ارتداد و ظاهر شدن آن مرد شریر یا فرزند هلاکت که ضد خداست، و فعالیت های شیطان با نشانه های ظاهر شده و دروغ و عجایب (۲:۳-۱۲).^۱ با وجود این راز شرارت هم اکنون در کار است و چیزی/کسی در حال حاضر شرور را مهار می کند تا او در زمان خود ظاهر شود (۲:۶-۷).

پولس سپس خدا را سپاس می گوید که ایمانداران تسالونیکیه را از ابتدا برگزید. آنها باید در روایات که «توسط ما» به آنها آموخته شد راسخ بمانند. و او دعا می کند که باشد که آنها تسلی یابند (۲:۱۳-۱۷).

۱- این واقعا یک جدول زمانی نیست گرچه بسیاری مفسرین از این واژه استفاده می کنند. اینکه نویسنده انتظارات سنتی را صحیح می داند در «مکاشفه» مرقسی مشهود است. این مکاشفه از بی احترامی حزن آور و از مسیحیان کذب و انبیاپی صحبت می کند که با نشانه ها و معجزات به گمراهی خواهند کشاند (مر ۱۳:۱۴-۲۲)، و با وجود این فقط پدر آسمانی از روز و ساعت آن زمان که آسمان و زمین از بین خواهند رفت اطلاع دارد (۱۳:۳۲).

خلاصه اطلاعات اساسی

تاریخ: اگر توسط پولس، احتمالاً حدود ۵۲/۵۱ میلادی، قدری بعد از اول تسالونیکیان؛ اگر با نام مستعار احتمالاً اواخر قرن اول، هنگامی که اشتیاق مکاشفه‌ای آشکار شده بود.

مکان: اگر توسط پولس، احتمالاً از قرنتس، همانند ۱-تسا؛ اگر با نام مستعار هیچ راهی برای دانستن مکان نوشتن آن وجود ندارد.

به: اگر توسط پولس، به تسالونیکیان. اگر با نام مستعار باز هم احتمالاً به تسالونیکیان با وجود این خطاب به تسالونیکیان شاید از اول تسالونیکیان به عاریت گرفته شده باشد.

اصالت: ۵۰ درصد محققین بر این عقیده اند که پولس این نامه را نوشته، با وجودی که این نظریه که او نوشته به نظر می‌رسد حتی میان میانه‌روها هم طرفدار داشته باشد.

اتحاد: معدودی افراد شک دارند.

صداقت: هیچ ادعای عمده‌ای بر تحریف وجود ندارد.

تقسیم بندی رسمی:

A: دستورالعمل افتتاحیه ۱:۱-۲

B: شکرگزاری: ۱:۳-۱۰، به اضافه دعا (۱:۱۱-۱۲)

C: متن نامه: ۲:۱-۱۷: دستورات پولسی

۱:۳-۱۶: اندرزهای پولسی

D: دستورالعمل اختتامیه: ۳:۱۷-۱۸

تقسیم بندی برحسب محتوا:

۱:۱-۲: سلام و درودها

۱:۳-۱۲: شکرگزاری برای ایمان و محبت تسالونیکیان که آنها را در آمدن دوباره مسیح هنگامی که جفاکنندگان آنها مجازات خواهند شد، حفظ خواهد نمود؛ ادامه دعا برای آنها

۲:۱-۱۲: هشدار درباره نشانه‌ها که قبل از آمدن دوباره مسیح ظاهر می‌شوند.

۲:۱۳-۱۷: شکرگزاری و راهنمایی برای انتخاب آنها توسط خدا به منظور نجات

۳:۱-۵: پولس تقاضای دعا دارد، و برای آنها دعا می‌کند

۳:۶-۱۵: تذکرات اخلاقی و اندرزها برضد بی‌اطاعتی و بطالت

۳:۱۶-۱۸: تبرک اختتامیه و درود

در ۳:۱-۲ که گذری است به **بخش ضروریات در متن (۳:۱-۱۶)** پولس تقاضای دعا می‌کند: «برای ما ... باشد که ما از مردم ناشایسته شریر رهایی یابیم». خداوند تسالونیکیان را قوی خواهد گردانید و آنها را از آن شریر محافظت خواهد نمود، و پولس اطمینان دارد که کارهایی را که به ایشان امر می‌کند به عمل خواهند آورد (۳:۳-۵). سپس پولس دستوری خاص را بیان می‌کند (۳:۶-۱۳) به خاطر انتظارات بیش از حد گرم برای روز خداوند. بعضی‌ها دیگر کار نمی‌کنند (احتمالاً به خاطر اینکه فکر می‌کردند که وقت بسیار کمی باقی

مانده و کار کردن بی فایده به نظر می آمد). این تقلید از پولس نیست که در زمان اقامت در میان آنها، دقیقاً برای اینکه نمونه ای بر پا کند، شب و روز کار می کرد. نتیجتاً «اگر کسی کار نکند، باشد که او خوراک هم نخورد» (۱۰:۳). برای نشان دادن جدیت این دستور، راهنمایی دیگری نیز داده می شود: «ولی اگر کسی سخن مارا در این رساله اطاعت نکند بر او نشانه گذارید و با وی معاشرت مکنید» (۱۴:۳). با وجود این ما حالتی از مهربانی شبانی را هم می بینیم «اما او را دشمن م شمارید بلکه چون برادر به او اخطار دهید» (۱۵:۳). همان طوری که قسمت اول متن با آرزویی همراه با دعا برای تسالونیکیان در ۱۶:۲-۱۷ خاتمه می یابد، قسمت دوم در ۱۶:۳، و این بار دعایی برای صلح و آرامش. در دستورالعمل اختتامیه (۱۷:۳-۱۸) پولس از «ما» به «من» تغییر می کند هنگامی که با دست های خود سلام و تحیت می فرستد.

آیا پولس نامه دوم به تسالونیکیان را نوشت؟

محققین در قرون و اعصار مختلف نظریه های گوناگونی در این مورد ارائه داده اند. در اواخر سال ۱۷۰۰ این دیدگاه سنتی که پولس این نامه را نوشته است دچار شک و تردید شد. در قرن بیستم محققین آلمانی، دلائلی ارائه کردند بر علیه نوشتن پولسی که به مرور این نظریه اقلیت را بیشتر و بیشتر قابل پذیرش نمود. تحقیقات به زبان انگلیسی تمایل به دفاع از نوشته شدن این نامه توسط پولس داشتند، اما جدیداً تعدادی دیگر از دانشمندان علم الهیات به تعداد روز افزون برای مستعار بودن نامه استدلال نموده اند.

قضاوت بر دلائل آسان نیست. دوم تسالونیکیان قدری بیشتر از نصف اول تسالونیکیان طول دارد، و شباهتهای نزدیک مابین اول و دوم تسالونیکیان تخمین زده می شود که بر ثلث دوم تسالونیکیان تأثیر گذارده باشد. شباهت ساختاری مابین دو نامه چشمگیر است. در واقع بیشتر از هر دو نامه اصیل دیگر: دستورالعمل افتتاحیه مشابه؛^۲ یک شکرگزاری مضاعف (که در نامه های پولسی یک خصیصه است) در اول تسالونیکیان ۲:۱، ۲:۱۳ و در دوم تسالونیکیان ۱:۳، ۲:۱۳، دعای خیر و برکت اختتامیه در اول تسالونیکیان ۳:۱۱-۱۳ و دوم تسالونیکیان ۲:۱۶-۱۷، که از خدای پدر و خداوند عیسی مسیح تقاضا می کند تا دلهای تسالونیکیان را استوار گرداند، همین طور آخرین آیه. (حتی فراتر از ساختار، دوم تسالونیکیان ۳:۸ کلمه به کلمه اول تسالونیکیان ۲:۹ را درباره زحمت و مشقت شب و روز پولس تکرار می کند). چرا باید پولس نوشته خود را در این شیوه تقریباً مکانیکی تکرار و کپی کند؟ آیا

۲- پیشهادات ارائه شده در فصل ۲۳ درباره نامه نگاری به قرننیان و فرمول اختتامیه آن می تواند درباره مکاتبات با تسالونیکیان نیز اعمال شود و این شهادت را توجیه می کند.

۳- اشاره سومی به شکرگزاری در اول تسالونیکیان ۳:۹ وجود دارد که در دوم تسالونیکیان بی مانند است. بعضی ها از این نقصان در شباهت به عنوان دلیلی برای اثبات اصالت دوم تسالونیکیان استفاده می کنند.

این بیشتر نشانه‌ای از حضور نویسنده‌ای دیگر نیست که در دوم تسالونیکیان ردای پولس، نویسنده اول تسالونیکیان، را بر دوش کشیده؟

به دلائل سبک و واژگان استناد می‌شود. شباهتهای قابل توجهی در واژگان مابین دو نامه وجود دارند، همین طور نیز اختلافات قابل توجه خاص دوم تسالونیکیان. در دوم تسالونیکیان ۱:۳-۱۲ جملات طولانی‌تر و پیچیده‌تر هستند تا در اول تسالونیکیان، به طوری که در این ویژگی دوم تسالونیکیان به آمار افسسیان و کولسیان نزدیکتر است در حالی که اول تسالونیکیان به آن نامه‌های انکار ناپذیر پولسی، نزدیک است. لحن دوم تسالونیکیان رسمی‌تر است تا اول تسالونیکیان؛ اشارات به زندگی پولس در دوم تسالونیکیان کمتر شخصی است، با این همه آن واقعیت می‌تواند قابل توجیه باشد اگر دوم تسالونیکیان کمی بعد از اول تسالونیکیان نوشته شده باشد و در این صورت نیازی برای تکرار آنچه که پولس هنگامی که برای اولین بار به تسالونیکیه آمد انجام داده بود وجود نداشت. از این گذشته «من، پولس، این تحیت را به دست خودم که علامت در هر رساله است بدین طور می‌نویسم» (۲- تسا ۳:۱۷)، بسیار شخصی است. مسلماً اولین بند در آن جمله در حمایت از اصالت است (اگر دوم تسالونیکیان مستعار است و عقیده تقلب می‌بایستی کنار گذارده شود، نویسنده به طور نمادین بر اصالت پیام اصرار می‌ورزد نه بر عمل نوشتن). از طرفی دیگر، بند دوم می‌تواند به نفع مستعار نویسی باشد زیرا «هر نامه» می‌تواند بیشتر قابل فهم باشد زیرا که روایتی بود که پولس نه فقط اول تسالونیکیان بلکه نامه‌های بسیاری را نوشته (که تنها نامه‌ای است که می‌دانیم قبل از دوم تسالونیکیان نوشته شده بود).

دلائل درونی زمان نوشتن نامه وارد بحث می‌شوند زیرا پولس در اواسط سالهای ۶۰ وفات یافت. استدلال شده که اشاره به معبد خدا در دوم تسالونیکیان ۴:۲ نشان می‌دهد که در زمان نوشتن این نامه هیکل اورشلیم هنوز بر پا بوده است، و بنابراین قبل از سال ۷۰ میلادی نوشته شده و نزدیک به زمان اول تسالونیکیان بوده است، از طرف دیگر، معبد الهی را می‌توان به طور نمادین تفسیر نمود (به پیدایش ۲۱:۲۲ مراجعه کنید). اشاره غیرمستقیم به نامه‌های تقلب شده پولسی در (۲- تسا ۲:۲، ۳:۱۷) به نفع یک دوره دیرتر است تا زودتر، نه فقط به این دلیل که پولس نمی‌تواند یک چنین مرجع کپی‌کننده در نزدیکی‌های شروع مأموریت بشارتی خود بوده باشد، بلکه همین طور به این دلیل که ما هیچ نمونه‌ای از یک اثر یهودی مستعار نداریم که به مردی منسوب شده باشد که هنوز زنده بوده. اگر «مرد شیر» در دوم تسالونیکیان ۳:۲ نماد *Nero redivivus* است (بیان‌کننده این انتظار که نرون از دنیای مردگان بازگشت خواهد نمود). آن امپراتور در سال ۶۸ میلادی خودکشی کرد، و بدین سبب دوم تسالونیکیان می‌بایستی بعد از این تاریخ و پس از دوران زندگی پولس نوشته شده باشد. **به نزدیکی دوم تسالونیکیان به آثار بعد از پولس** به عنوان دلیلی برای مستعار بودن اشاره شده است. به طور مثال، جو معلمین کاذب اغواکننده (۲:۲-۳، ۱۰-۱۱) و نیاز برای حفظ

روایات قبلاً تعلیم داده شده (۲:۱۵) به جو نامه های شبانی (۱- تیمو ۱:۶-۱۷، ۴:۱-۲؛ تیط ۱:۹) شباهت دارد. شباهت مابین مکاشفه دوم تسالونیکیان و مکاشفه یوحنا نشان دهنده تاریخی نزدیک به اواخر قرن اول است.

هدف از دوم تسالونیکیان به عنوان دلیلی عمده توسط هر دو طرف عنوان شده است، اما این موضوع بایستی در زیربخش خاص خود بررسی گردد.

هدف از نوشتن نامه دوم به تسالونیکیان

اگر پولس این نامه را نوشته باشد می‌توانیم حدس بزنیم که اول تسالونیکیان در حالی که توضیح می‌دهد که آنهایی که مرده اند هنوز هم سهمی در آمدن دوباره مسیح خواهند داشت، تمرکز زیادی بر آن حادثه می‌کند و قریب الوقوع بودن این اتفاق و انتظار برای آن را تشدید می‌نمایند. چنین انتظاری تشدید شده بود به توسط «مصائب و عذابهایی که متحمل می‌شوید» (۴:۱). در واقع بعضی‌ها ادعا می‌کردند که پولس گفته است که روز خداوند هم اکنون آمده است (۲- تسال ۲:۲)، و از انجام هر کاری دست کشیده بودند (۳:۱۰-۱۱). پولس اینک نامه دومی را می‌نویسد تا به تسالونیکیان اطمینان دهد که قبل از آمدن روز خداوند می‌باید نشانه‌های مکاشفه‌ای یافت شود. در بررسی این فرضیه که پولس این نامه را چند ماه بعد از اقامت نسبتاً کوتاه خود در تسالونیکیه، در اوائل دهه ۵۰ نوشته است، ما از توصیف نشانه‌ها تعجب می‌کنیم. آن شخص یا چیز مانع از بی‌قانونی که هم اکنون نیز در کار است کدام است؟ از این گذشته تأکید بر اینکه نشانه‌های قابل توجه می‌باید قبل از آمدن روز خداوند رخ دهد (۲- تسال ۳:۲-۵) می‌تواند با اول تسالونیکیان ۲:۵: «روز خداوند همانند دزد در شب خواهد آمد»، که به عنوان تشکیل دهنده تفکر مداوم پولس است، سازگار باشد؟^۴

اصالت نویسندگی پولس نیاز به درخواست تاریخی بسیار اولیه و زود هنگام برای دوم تسالونیکیان ندارد، با وجودی که این محاسبه معمولی‌تر است. به طور مثال پس از نوشتن اول تسالونیکیان پولس به احتمال زیاد در سر راه سفرهای خود به مکادونیه بارها از تسالونیکیه دیدار کرد (به ۱- قرن ۵:۱۶ مراجعه کنید، در پایان اقامت او در افسس حدود

۴- بعضی‌ها که مایل نیستند دوم تسالونیکیان را به عنوان نوشته بعد از پولس تلقی کنند، با ارتباط آن به اول تسالونیکیان مشکل دارند. برای توجیه اختلافات سبکی به تغییر منشی‌های پولس فکر می‌کنند، مثلاً سیلوانوس برای یک نامه، و تیموتائوس برای نامه‌ای دیگر. پیشنهاد شده است که دوم تسالونیکیان، که کمی بعد از اول تسالونیکیان ارسال گردید، به گروهی متفاوت در درون جامعه تسالونیکیه خطاب شده بود (با وجودی که اول تسالونیکیان ۲:۵ می‌گوید «به تمام برادران سلام برسان»)، یا اینکه به تسالونیکیان خطاب شده بود که به جامعه‌ای در همسایگی آنها فرستاده شود (فیلیپی، که پولس قبل از تسالونیکیه از آن دیدار کرده بود). در سال ۱۶۴۱ ا.ج. گروتیوس پیشنهاد کرده بود که ترتیب دو نامه را عوض کنیم: تیموتائوس از آتن فرستاده شده و حامل نامه دوم به تسالونیکیان بود (که قبل از آن هیچ نامه دیگری نبود: ۲:۲)؛ و نامه صلح جویانه اول تسالونیکیان از فرنتس ارسال گردید که در آن حدس زده می‌شود اهالی تسالونیکیه به دستورات قبلی پولس عمل کرده و فقط نیازمند تذکر چند نکته بوده‌اند (۴:۹ و ۱۳، ۵:۱).

تابستان ۵۷، و دوم قرن‌تیان ۵:۷، و اعمال ۱:۲۰-۶ قبل از دیدار نهایی او از اورشلیم در حدود سال ۵۸). این برخوردهای بیشتر می‌تواند موضوعات را در دوم تسالونیکیان توضیح دهد اگر این نامه بعد از این دوره نوشته شده باشد.

اگر پولس دوم تسالونیکیان را ننوشته باشد تفسیر به نحوی دچار پیچیدگی بیشتر می‌شود. این نامه نمی‌توانسته بسیار دیرتر نوشته شده باشد، زیرا که برای مارسیون و پولیکارپ قبل از اواسط قرن دوم نامه‌ای شناخته شده بوده. بعضی‌ها نامه را خطاب به وضعیتی متفاوت می‌بینند (خطر گنوستیک‌ها) که به کلیسای تسالونیکیان که در نامه قبلی توصیف شد ربطی ندارد. بعضی دیگر در این نامه تداومی از بعضی موضوعات اول تسالونیکیان می‌بینند. دانفرید در کتاب خود به نام «فرقه‌ها» می‌نویسد که دوم تسالونیکیان می‌توانسته کوتاه زمانی بعد از اول تسالونیکیان توسط تیموتائوس یا سیلوانوس (که همکار نویسنده دو نامه بوده است) تحت نام پولس نوشته شده باشد در حالی که او در سفر بوده.

شاید اکثریت محققین که مستعار بودن نام نویسنده را ترجیح می‌دهند نامه را خطاب به کلیسای تسالونیکیان در اواخر قرن اول می‌بینند، جایی که خطرات اصلاح شده زمینه‌ای بهتر از سالهای ۵۰ می‌یابد. (به این ترتیب حتی با وجود دهه‌ها فاصله زمانی استمرار حضور حضار در کلیسا مشهود است). در دهه ۹۰ حداقل در بعضی مناطق مسیحیان با چنین سختی‌ها روبه‌رو بودند (۲-تسا ۱:۴ و ۵:۶) و بدین سبب شروع به دیدن شیطان کردند که در سطحی جهانی برضد ایمانداران به مسیح کار می‌کند. آنها به مکاشفه یهودی که در شرایطی نظیر این نوشته شده بود رجوع کرده و بار دیگر از نمادهای آن استفاده نمودند، مثلاً توصیف دانیال از امپراتوریهای جهانی دشمن به عنوان حیواناتی وحشی. کتاب مکاشفه به طور نمادین یک شریر از ریشه شیطانی را شناسایی می‌کند، از طریق واسطه امپراتوری روم و پرستش امپراتور. به طور خاص امپراتور دومیتیان، کسی که سوء ظن و شک او به انحرافات مذهبی به نظر می‌رسد موجب مزاحمت‌های محلی برای مسیحیان شده باشد، و کسی که خود را به عنوان خداوند و خدا اعلام نمود و مظهر گناه شد. این امکان وجود دارد که دوم تسالونیکیان نیز در همین نور دیده شود چون اشاره به تعقیب و آزار و فریب شریر می‌کند و فعالیت شیطان را با آمدن مرد شریر مرتبط می‌سازد، که خود را عالی مقام‌تر از هر خدا نمود و با نشستن در هیكل خدا خود را خدا و مستوجب پرستش می‌دانست (۲:۳ و ۴:۹). در این رویکرد نویسنده‌ای که اول تسالونیکیان ۵:۱-۲ را می‌شناخت که حاوی هشدار پولس درباره زمانها و اوقات و آمدن روز خداوند همانند دزد در شب بود، تصمیم گرفت نامه‌ای با این طرح بنویسد. پولس که اینک یک ربع قرن بود که وفات یافته بود بار دیگر در میان انتظارات شدیداً مکاشفه‌ای

۵- در اول تسالونیکیان ۴:۱۴ به درد و رنج اشاره گردیده، اما آنها که در دوم تسالونیکیان توصیف شده به نظر می‌رسد که عمده‌تر بوده و باعث شده نویسنده نابودی ابدی را برای جفاکنندگان طلب کند (۹:۱) و موجب شود که بعضی از تسالونیکیان تصور کنند که پایان کار نزدیک است.

صحبت می کرد، و پیامی می داد که با اقتدار بود و می بایستی محکم نگاه داشته شود (۲-تسا ۱۵، ۳:۴و۶). او به افراد اخطار می کند که به وسیله اشتیاق برای معلمین کذب به گمراه نشوند (۳:۲) و نشانه های استاندارد آمدن دوباره خداوند که هنوز تأیید نشده اند را به شنوندگان یادآوری می کند. درست است، راز شرارت در کار است. با وجود این چیزی یا کسی مانع آن مرد شریر است؛ و وقتی که آن «بی دین ظاهر شود عیسی خداوند او را به نفس دهان خود هلاک خواهد ساخت (۲:۷-۸).

با بررسی دلائل موافق و مخالف نوشتن دوم تسالونیکیان توسط پولس، من به شخصه نمی توانم با اطمینان تصمیم بگیرم، حتی اگر قطعیت توسط بعضی از پیروان نوشته های بعد از پولس ابراز شود. با وجودی که موج فعلی تحقیقات برعلیه نوشته شدن توسط شخص پولس است، مطالعات کتاب مقدسی کمکی نمی شود، با اظهار اطمینان نمودن بر مسائل غیر مطمئن. بعلاوه باز نگاه داشتن هر دو امکان چالشی است برای خوانندگان که با تعمق و درک بیشتر درباره موضوعهای درگیر فکر کنند.

موضوعات و مسائلی برای تعمق

(۱) این یک نوع چالش است که تهیه نمودن فهرستی از اختلافات تعلیم و تأکید مابین اول و دوم تسالونیکیان و تلاش برای توضیح آنها خود نوعی مبارزه است. در ورای تفاوتهای آشکار در تعلیم مربوط به آخر زمان، اختلافات ظریف تری هم وجود دارند. به طور مثال در اول تسالونیکیان لحنی از التماس و درخواست وجود دارد، در حالی که در دوم تسالونیکیان توسل بیشتری به تعلیم با اقتدار و سنت دیده می شود (*paradosis*)، کلمه ای که در نامه های قبلی دیده نمی شد). در اول تسالونیکیان (۱:۵، ۲:۱-۹، ۳:۴) پولس به خود به عنوان یک نمونه متوسل می شود، و در دوم تسالونیکیان (۲:۱۵، ۳:۶، ۱۴) بیشتر به عنوان یک مقام رسولی صحبت می کند. آیا این ویژگیها دلیلی برای تاریخگذاری دوم تسالونیکیان به دوره بعد از پولسی ارائه می کند، زمانی که نام او به عنوان یک بنیانگذار کلیسا مورد احترام و تکریم بود (افس ۲:۲۰)؟

(۲) مسیح شناسی دوم تسالونیکیان چیست و چگونه می توان آن را با اول تسالونیکیان مقایسه نمود؟ به طور مثال، به به کارگیری واژه «خدا» در اول تسالونیکیان ۱:۴، ۵:۲۳، ۲۴ و استفاده از «خداوند (عیسی)» در جملات شبیه آن در دوم تسالونیکیان ۲:۱۳، ۳:۱۶، ۳:۳ توجه کنید. اگر دوم تسالونیکیان در زمانی دیرتر نوشته شده باشد، آیا ستایش و تمجید عیسی اینک پیشرفته تر است؟ به هر حال توجه کنید، که عمدتاً خداوندی عیسی به نظر می رسد که در رابطه با رستاخیز او نباشد، بلکه با دوباره آمدن او. آیا این ظهور مجدد مسیح شناسی گذشته است؟

(۳) بحثی عمده درباره هویت آن مرد شریر وجود دارد، پسر عذاب ابدی و واسطه شیطان، که در هیكل خدا می نشیند و خود را می نماید که خداست (که آمدن او با ارتداد مرتبط است ۲:۳-۵، ۹-۱۰) و هویت آن چیز یا شخص که اینک او را مهار می کند *to katechon : ho katechon*، از فعل «باز داشتن».) ما در اینجا فقط می توانیم موضوع را لمس کنیم، خوانندگان باید به تفسیرها درباره دلائل موافق و مخالف برای هویت‌های پیشنهاد شده رجوع کنند. برحسب تاریخی که برای دوم تسالونیکیان معین شده، آن مرد شریر اغلب به عنوان امپراتور روم که تظاهر به الوهیت می کند شناسایی شده (کالیگولا، نرون، دومیتیان) و بازدارنده نیز قانون روم یا نماینده آن است که از اجرای پرستش امپراتور جلوگیری نموده. پیشنهادات دیگر برای بازدارنده خداست که در طرز تفکر یهودیان فرشتگان شرارت را تا روزهای آخر بسته و زمان داوری را به عقب انداخته است، یا نقشه الهی که انجیل در تمام عالم اعلام شود. چند محقق (منجمله "گیبلین") *katechon/katechōn* را به عنوان قدرت/شخص «رباینده» دشمن خدا تفسیر نموده اند، یعنی یک پیامبر کاذب که تسالونیکیان را درباره روز خداوند به گمراهی می کشاند. بسیاری از بحث‌ها بر این اساس است که نویسنده در ذهن خود درباره هویت هم مرد شریر و هم بازدارنده او کاملاً روشن بوده. به هر حال غیرممکن نیست که نویسنده این تجسم را از روایات برداشت نموده، و اینکه، بدون اینکه قادر به تشخیص هویت آنها باشد، در وضعیت جاری، او باور داشت که فقط آن مرد شریر تا به حال نیامده است و بنابراین باز دارنده او باید در حال کار باشد. (اینکه به حضار درباره آنها گفته شده بوده و آنها را می شناخته اند (۲:۵-۶) بدین معنی نیست که هویت دقیق آنها هم افشا شده است).

امروزه خوانندگان باید درباره موضوعی بسیار مهمتر تعمق کنند. آیا ایمانداران هنوز هم باید در انتظار یک ارتداد، یک شریر، و یک بازدارنده باشند؟ در طی تاریخ مسیحیت مردم اینگونه فکر کرده، و اشخاص متفاوتی را به عنوان ضد مسیح شناسایی نموده اند. هم اکنون در زمانهای عهدجدید ما شاهد تلاش برای مقابله با چنین انتظاراتی در سطح کسل کننده تری هستیم: مؤلف اول یوحنا ۲:۱۸-۱۹ آنها را که از جامعه او مرتد شده اند به عنوان ضد مسیحیان می بیند. باشد که نمادگرایی دوم تسالونیکیان به سادگی به این عنوان که همیشه مخالفتی با ملکوت خدا وجود دارد پذیرفته شود، و اینکه قبل از آمدن نهایی آن ملکوت در مسیح و از طریق او مخالفتی تمام عیار وجود خواهد داشت. بعضی‌ها ادعا کرده اند که دوم تسالونیکیان آخرت شناسی را بی ربط می کند. تحقیق در این باره که چه اتفاق خواهد افتاد این بی ارتباطی را تشدید می کند، گویی که این یک موضوع مهم مذهبی است.

* * *

فصل بیست و هفتم

نامه به کولسیان

در رؤیای خود از مسیح، از جسم او کلیسا، و راز مخفی شده خدا برای زمانها، کولسیان واقعاً با عظمت و به طور مسلم نماینده‌ای ارزشمند از میراث پولسی است. این ارزیابی در میان بحث‌های محققین در این باره که آیا این نامه توسط خود پولس نوشته شده است یا نه، مسئله‌ای که بر بحث‌ها درباره این نامه سایه انداخته است، نباید فراموش شود. پس از زمینه، تحلیل کلی تعمقی خواهد بود بر اینکه در حقیقت در نامه به کولسیان چه چیزی به ما منتقل می‌شود. مطالبی همچون سرود مسیح شناسی (۱:۱۵-۲۰)، تعلیم غلط (۲:۸-۲۳)، ضوابط خانواده (۳:۸-۴:۱)، آیا پولس کولسیان را نوشت، از کجا و چه زمانی، موضوعات و مسائلی برای تعمق، و کتاب شناسی در زیربخشهایی بررسی خواهند شد.

زمینه

مسیری مهم از نظر اقتصادی پس از عبور از کوههای فریجیه، افسس در ساحل غربی آسیای صغیر را به ایقونیه و ترسوس در جنوب شرقی وصل می‌نمود. حدود ۱۱۰ مایل از افسس در امتداد این مسیر، در بخش آتشفشانی ناحیه فریجیه در استان آسیا که در معرض خطر زلزله است، دره رودخانه لیسوس قرار دارد. در ساحل رودخانه لائودکیه قرار داشت، که مرکز نسبتاً بزرگ تجارتنی و نساجی بود. از آنجا شخص یا می‌توانست از طریق یک راه فرعی به طرف شمال پس از طی حدود شش مایل به هیراپولیس برسد، که به خاطر داشتن چشمه‌های آب گرم طبی، معبدی برای آپولون، و رنگ ارغوانی؛ مشهور بود و یا اینکه جاده اصلی را برای یازده مایل دیگر به طرف جنوب شرقی ادامه دهد تا به کولسیه برسد، که این هم یک مرکز نساجی بود که به خاطر داشتن فرآورده‌های پشمی ارغوانی شهرت داشت. در زمان رومیها در میان این سه شهر که تقریباً همانند یک مثلث قرار گرفته بودند لائودکیه مهمترین و کولسیه کم‌اهمیت‌ترین شهر بود. سکنه این شهرها عمدتاً از فریجیه و یونان بودند، اما خانواده‌های یهودی از بابل کمی بعد از سال ۲۰۰ قبل از میلاد در آنجا سکنی یافته بودند. در زمان پولس جمعیت یهودیان ساکن ناحیه لائودکیه به نظر می‌رسد که بیش از ۱۰۰۰۰ نفر (بر طبق اشارات در تالمود) و کاملاً یونانی (هلنیستی) شده بود.

ظاهراً کلیساها در این سه شهر روابط نزدیکی داشتند، پولس از افراس نام می‌برد که در هر سه شهر سخت کار می‌کرد (کول ۴:۱۲-۱۳)؛ او می‌خواهد که نامه به کولسیان در کلیسای لائودکیه نیز خوانده شود، و کولسیان نیز «رساله از لائودکیه» را بخوانند (۴:۱۶)،

خلاصه اطلاعات اساسی

تاریخ: اگر توسط پولس نوشته شده باشد (یا توسط تیموتائوس، در حالی که پولس هنوز زنده بوده و یا به تازگی وفات یافته بود)، ۶۱-۶۳ (یا قدری دیرتر) از روم، یا ۵۴-۵۶ از افسس. اگر با نام مستعار در سالهای ۸۰ از افسس.

به: مسیحیان در کولسیه، در دره رودخانه لیسوس و فریجیه در استان آسیا، که توسط اپفراس مسیحی شده بودند، که به پولس درباره کلیسا و مشکلات آن اطلاعات داده بود.

اصالت: احتمال ضعیفی وجود دارد که توسط یکی از شاگردان پولس که به جنبه‌هایی از تفکر او نزدیک بوده (شاید جزئی از «مکتب» در افسس) که از فیلمون برداشت شده.

اتحاد و صداقت: به طور جدی مورد بحث نیست، احتمالاً در ۱:۱۵-۲۰ از یک سرود جاری برداشت شده.

تقسیم بندی رسمی:

A: دستورالعمل افتتاحیه: ۱:۱-۲

B: شکرگزاری: ۱:۳-۸

C: متن اصلی: ۱:۹-۲:۲۳ دستورات پولسی

۳:۱-۶:۴: الزامات پولسی (پند و اندرزها)

D: سلام و درود و دستورالعمل اختتامیه ۴:۷-۱۸

تقسیم بندی بر حسب محتوا:

۱:۱-۲: دستورالعمل افتتاحیه

۱:۳-۲۳: مقدمه‌ای حاوی شکرگزاری (۱:۳-۸)، دعا (۱:۹-۱۱)، ستایش خداوندی مسیح منجمله یک سرود (۱:۱۲-۲۳).

۱:۲۴-۵:۲: مقام رسولی و موعظه راز آشکار شده توسط خدا

۲:۳-۶:۲: خداوندی مسیح در برابر احکام بشری

۳:۱-۶:۴: عمل: گناهان، خوبی‌ها، قانون خانواده

۴:۷-۱۷: سلام و درودها، و پیام‌ها

۴:۱۸: دست خط خود پولس، تبرک

همچنین (۱:۲). این اشارات شخصی در ۴:۷-۱۷ قابل درک است اگر جامعه مسیحی در کولسیه یک گروه کوچک و متحد بودند که یکدیگر را به اسم می شناختند. این ناحیه توسط پولس مسیحی نشده بود و اهالی آنجا هرگز او را ندیده بودند (کول ۲:۱)،^۱ با وجود این چون پولس خود را به راهنمایی کولسیان موظف می‌داند آنها و لائودکیان را با احساسی از مسؤلیت شبانی خطاب قرار می‌دهد (۱:۹، ۲:۴، ۲:۱-۲)، و چون آنها علاقمند هستند که

۱- این عجیب است زیرا برحسب اعمال ۱۸:۲۳، ۱:۱۹ پولس در «سومین سفر بشارتی» خود در راه به افسس از ناحیه غلاطیه و فریجیه و نیز از سرزمین‌های داخلی (استان آسیا) عبور کرد. سفری که می‌تواند او را به جاده عبوری از دره لیسوس رسانده باشد. قصور از دنبال نمودن این مسیر می‌تواند این تئوری را تقویت نماید که اشاره کتاب اعمال به شمال غلاطیه است.

بدانند چه اتفاقی برای او می افتد (۷:۴، ۹) محتمل است که یک هیئت بشارتی پولسی مسیح را در دره لیسوس اعلام کرده باشد، شاید در ۵۴-۵۷ میلادی، هنگامی که پولس در افسس بوده. اعمال ۱۹:۱۰ گزارش می کند که طی سالهای اقامت پولس در آنجا «تمام ساکنین (استان) آسیا کلام خداوند را شنیدند». چنین ارتباط میان پولس با آنها که مسیحی شده اند توسط این واقعیت تقویت می شود که اپفراس، یک غیریهودی و یکی از آنها که به آنان حقیقت را شناسانده بود، و اینک با پولس بود (کول ۱:۶-۷، ۴:۱۲-۱۳).

پولس زندانی است (۳:۴، ۱۰) و بدین سبب با کولسی ها توسط این نامه که به وسیله تیخیکس و انیسیمس (۷:۴-۹) فرستاده شده ارتباط برقرار می کند، بدین سبب با وجودی که در جسم غایب است، می تواند در روح با آنان باشد (۵:۲).

تحلیل کلی پیام

دستورالعمل افتتاحیه (۱:۱-۲) تیموتائوس را به عنوان همراه - فرستاده معرفی می کند، همانند در فیلیپیان و فیلمون، در شکرگزاری (۱:۳-۸) پولس اظهار می دارد که از طریق اپفراس از وضعیت کولسیه اطلاع یافته و از آن خوشحال است. شخص این احساس را می یابد که، در نظر پولس، انجیل توسط مخاطبین به خوبی پذیرفته شده و در میان آنها میوه آورده است.

پولس به آرامی به بخش اخباری متن حرکت می کند (۱:۹-۲:۲۳) با توضیح اینکه او می خواهد که احساس آنها از کاملیت آن عمیق تر شود و به آنچه که آنها از مسیح، که در او پری خدا با خشنودی ساکن گردید، می دانند متوسل می شود. او این را از طریق یک سرود مشهور مسیح شناسی انجام می دهد (۱:۱۵-۲۰) که یک زیربخش خاص برای آن منظور گردیده است. پولس می خواهد که کولسیان مسیح را به عنوان راز خدا درک کنند که در او تمام گنجهای حکمت و دانش نهفته است (۲:۲-۳).

دلیل این تأکید خطری است که توسط تعلیم غلط، که مسیحیان دره لیسوس، که به معنی ضمنی از امتهای بودند را تهدید می کند، عرضه می شود (۲:۸-۲۳).^۲ زیربخش دومی در ذیل وقف تشخیص آن تعلیم خواهد شد، اما به خوانندگان از قبل هشدار می دهیم که آنچه درباره آن از انتقاد پولس می توانیم تمیز دهیم نامطمئن و ناقص است.^۳ آنچه که نامه به کولسیان به طور مثبت مورد تأکید قرار می دهد بسیار مهمتر است. به طور ضمنی برضد تعلیم انجیل، «کلام راستی» (۵:۱) است. کولسیان هم اکنون دانشی ژرف از طریق آشنا شدن با نقشه خدا

۲- آنها قبلاً جدا شده بودند (۲۱:۱): خدا اراده نمود تا دولت جلال خود را در میان امتهای آشکار سازد (۲۷:۱).

۳- به طور مثال، ۸:۲ اشاره دارد به هر کسی که کولسیان را اسیر سازد «با فلسفه و مکر باطل، برحسب سنت مردم و برحسب اصول دنیوی (و نه ویژگیهای روحی) این دنیا/جهان». با توجه به صراحت انتقاد پولس از خطرات در غلطیان و اول فرشتیان از ابهام در توصیف در کولسیان به عنوان استدلالی برضد نوشته شدن آن توسط خود پولس استفاده شده.

برای همه در مسیح به دست آورده اند (۳:۲). هیچ عنصر جهانی بر کولسیان اقتدار ندارد زیرا مسیحیان از قدرت ظلمت رها شده و به ملکوت پسر محبت خدا منتقل گشته اند (۱۳:۱). در واقع تمام ریاسات و قوات از طریق پسر خدا آفریده شده، و تمام چیزها، بر روی زمین و یا در آسمان، از طریق او آشتی داده شده اند؛ او از همه برتر است (۱۶:۱ و ۱۸ و ۲۰). ایمانداران به او، درباره خوردن و نوشیدن نگرانی ندارند (۱۶:۲)، زیرا مسیح از طریق مرگ خود آنها را در حضور خدا مقدس و بی عیب خواهد گردانید (۲۲:۱). اعیاد، ماه نو، و سبت فقط سایه چیزهای آینده است، لیکن بدن از آن مسیح است (۱۷:۲).

در بخش لازم الاجرای متن نامه (۱:۳-۶:۴) پیام پولس از مسیح شناسی به این که مسیحیان چگونه باید زندگی کنند تغییر می کند. آشکار نیست که آیا احکام او مستقیماً تحت تأثیر واکنش نسبت به معلمین کذب قرار داشته است. نویسنده شاید به طور غیرمستقیم، به کولسیان می گوید که این چیزی است که شما باید توجه کنید به جای توجه به استدلالات فریبنده معلمین. چون با مسیح برخیزانیده شده اید، باید بر آنچه که در بالا است تفکر کنید، زیرا وقتی مسیح ظاهر شود آنگاه شما هم با وی در جلال ظاهر خواهید شد (۱:۳-۴). نامه به کولسیان دو لیست هر کدام حاوی پنج گناه که باید از آنها اجتناب شود ارائه می دهد، و سپس لیستی از پنج فضیلتی که توسط آنها می شود که در مسیح انسانیت جدیدی بر تن کرده اند ظاهر می شود (۳:۵-۱۷). نهایتاً در دستوری درباره خانواده که در زیر بخش ذیل توجه خاصی به آن مبذول خواهد شد، نویسنده به طور دقیق تری با اعضای متفاوت خانواده مسیحی صحبت می کند (همسران، شوهران، فرزندان، برده ها، اربابان) و نشان می دهد که چگونه راز خدا که در مسیح آشکار شده بر هر جنبه ای از زندگی روزمره تأثیر می گذارد (۳:۱۸-۴:۲). در فصل نوزدهم، موضوع ششم، به لیستی در غلاطیان ۳:۲۸ اشاره شده در مورد کسانی که در میان آنها هیچ تفاوتی نباید فرض شود «نه یهود نه یونانی...» و این الزاماً به معنی ضمنی برابری اجتماعی نیست. و آن در اینجا نمایان می شود جایی که یک لیست مشابه در کول ۳:۱۱ با این دستورات دنبال می شود که مظهر نابرابریهای اجتماعی یک ساختار پاتریارکی است.

سلام و درود و دستورالعمل اختتامیه (۴:۷-۱۸) اشاره دارد به هشت نفری که در فیلمون به طور ضمنی اشاره شده بود. این تشابه برای بحث نویسندگی و تنظیم کولسیان در زیربخش های ذیل مهم است.

سرود مسیح شناسی (۱:۱۵-۲۰)

یک عنصر کلیدی از معرفی مسیح در کولسیان قطعه ای شاعرانه است که نقش او را در خلقت و آشتی توصیف می کند، قطعه ای که معمولاً به عنوان یک سرود در نظر گرفته می شود (برای سرودها در مجموع پولسی به زیر بخش در فصل بیستم مراجعه کنید). این سرود موضوع کتابهای گوناگونی بوده است که بسیاری از آنها به زبان آلمانی هستند، و بررسی

دقیق آنها در ورای امکانات این کتاب مقدمه ای است. با وجود این، این نکات ارزش اشاره شدن را دارند زیرا خوانندگان را با موضوعات آشنا می کنند:

* بسیاری فکر می کنند نویسنده نامه از یک سرود آن زمان استفاده می کرده که برای کولسیان و شاید تمام ناحیه مسیحی شده افسس آشنا بوده است. نویسنده کولسیان با توجه به اینکه ایده های موجود در سروده برای تصحیح تعلیمات غلط مفید است، با اضافه کردن جزئیاتی آنها را شیواتر نمود.^۴

* ساختار سروده مورد بحث است. اگر شخص پیشنهاداتی را که سطرها را به توازی کامل نظم می دهد کنار بگذارد، تقسیم بندیهای پیشنهاد شده سطور موجود حاوی: (۱) سه بندگردان (آیات ۱۵-۱۶، خلقت، ۱۷-۱۸a حفظ کردن، ۱۸b-۲۰ رستگاری)، (۲) دو بندگردان با طول نامساوی (۱۵-۱۸a، خلقت، ۱۸b-۲۰ آشتی)، یا (۳) دو بندگردان با طول تقریباً یکسان (۱۵-۱۶ و ۱۸b-۲۰) جدا شده توسط بندگردان (۱۷-۱۸a، که بعضی وقتها فکر می شود با مقدمه سرود ۱۳-۱۴ سازگار است). تقسیم بندیها در اینکه چگونه باید با ۱۷-۱۸a برخورد کرد متفاوت اما در این شناخت مشابه هستند که در این سروده برای پسر حبیب خدا، آشکارترین مشابهت ما بین توصیف ها در ۱۵-۱۶a «او صورت خدای نادیده است، نخست زاده تمامی خلقت، زیرا که در او همه چیز آفریده شد» و ۱۸b-۱۹ «زیرا که او ابتداست و نخست زاده از مردگان... زیرا که خدا رضا داد که در او تمامی پری ساکن شود».

* مسیح شناسی که بر تشابه نخست زاده متمرکز است چقدر متعال است؟ اگر عیسی قبل از دیگران از مردگان قیام کرده بود، آیا اولین نیز برای خلق شدن بود؟ در جواب منفی، بسیاری اشاره ای می بینند به منحصر به فرد بودن پسر، یک نخست زاده که قبل از تمامی خلقت وجود داشته (همان طوری که در سرود مقدمه ای یوحنا آمده). با وجود این نزدیکترین و عادی ترین زمینه مورد قبول برای توصیف در ۱:۱۵-۱۶a تصویر عهدعتیق است از حکمت متجسم شده مؤنث، تصویر نیکی خدا (حک ۷:۲۶) که با خدا همکاری نمود در برپاسازی تمام چیزهای دیگر (امث ۳:۱۹). - که این حکمت توسط خدا در ابتدا آفریده شد (امث ۸:۲۲؛ بنسی ۹:۲۴).

* در کنار حکمت مجسم شده زمینه های دیگری هم برای سروده پیشنهاد شده اند. یک متن قبل از مسیحیت که با افسانه منجی گنوستیک سروکار داشته، یک مرد نخستین که به حیطة مرگ نفوذ می کند تا آنهایی را که به او متعلق هستند از آنجا دور گرداند (بدین سبب «ابتدای خلقت خدا» و «نخست زاده از مردگان» در مکاشفه ۳:۱۴ واژه نگاری مسیحی هستند). لومیر با برداشت از موضوع «آشتی» در کولسیان ۱:۲۰a سرود را در زمینه روز

۴- دو جمله اغلب پیشنهاد شده: ۱:۱۸: «او بدن یعنی کلیسا را سراسر است» و ۱:۲۰: «تا به وساطت او همه چیز را با خود مصالحه دهد، از طریق خون صلیب وی».

کفار یهودی درک می کند هنگامی که خالق با قوم خدا مصالحه می کند. (آیا دلیلی وجود دارد که یهودیان این دوره با رعایت کردن یوم کیپور بر طرح خلقت تأکید می کردند؟) در همین جهت در ۱:۲۰ بازتابی از سال جدید یهودیان (Rosh Hashanah) می یابد. آنچه می توان گفت این است که در حالی که قسمتی از زبان سروده منعکس کننده توصیف های حکمت توسط یهودیان هلنیستی است، اما مشابه هایی نیز در واژه نگاری افلاطونی، هرمتیک و فیلونیک دارد نتیجتاً مسیح شناسی او که همان طوری که در ذیل خواهیم دید از مسیح شناسی وابسته به اتحاد عقاید معلمین کذب که در کولسیان به آن حمله شده بسیار متفاوت است، اما در بیانی جمله بندی شده که زیاد از آنها فاصله ندارد.

* تأکید سروده بر اینکه تمام چیزها در پسر خدا آفریده شد (۱:۱۶) برتری مسیح را بر تمام ریاسات و قوات مورد تأکید قرار می دهد. توجه خاصی نیز مبذول شده است به تمام **پلروما** (*plērōma*) (پری) در ۱:۱۹: «خدا رضا داد که تمام پری در او ساکن شود». در گنوستیسیسم والتین قرن دوم **پلروما** پری فیض هایی بود که از خدا جاری می شود، اما نه آن خدا که برتر از همه آنها بود. مجموعه هرمتیک می توانست از خدا به عنوان **پلرومای خوبی** صحبت کند و از جهان به عنوان یک **پلرومای شرارت**. اما هیچکدام از اینها مورد نظر کولسیان نیست جایی که ۲:۹ («تمام **پلرومای الوهیت**» در مسیح در جسم) ۱:۱۹ را تفسیر می کند. با انتخاب الهی، خدا در تمام پری خود در مسیح ساکن می شود. به این دلیل است که از طریق او همه چیز می تواند با خدا مصالحه کند (۱:۲۰a).^۵

تعلیم غلط (۲:۸-۲۳)

تعلیمی که در کولسیه خطرآفرین است از بحث خصمانه نامه برعلیه آن بازسازی می شود، و این لحن و محتوای تعلیم را برای ارزیابی دشوار می کند. به طور واضح وضعیت در کولسیه آن طوری نیست که در غلاطیان بازگویی شده، جایی که غلاطیان نادان در تعداد زیادی جذب انجیل دیگری می شوند. همین طور شباهت به وضعیت در فیلیپی ندارد که با وجود اینکه جامعه سالمی بود مجادله های سختی از پولس را موجب شد (فی ۳:۲) «از سگها برحذر باشید، از عاملان شریر احتراز نمایید، از مقطوعان [یعنی ختنه شدگان]» بپرهیزید). در واقع ما نمی توانیم مطمئن باشیم که مسیحیان در کولسیه حتی از مخاطره در کمین خودشان آگاه بودند و بعضی از توصیف ها ممکن است کاملاً بالقوه باشند (مثلاً کولسیان ۲:۸ «با خبر باشید کسی شما را نرباید»). به احتمال بسیار قوی، به هر حال در صحنه کسانی بودند به عنوان اقلیت که کولسیان را به دام می انداختند. اینکه آیا آنها اعضای خانه - کلیسا در کولسیه بودند، نمی توانیم بدانیم.

۵ - مقایسه کنید با دوم کولسیان ۵:۱۹ «خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه می داد».

به وسیله محتوا، بایستی توجه کنیم که شهرهای دره رودخانه لیسوس ناحیه‌ای را شامل بودند که در آن رسومات مذهبی نشان‌دهنده تلفیقی از فرقه‌های بومی فریجیان، وارداتی از شرق (ایسیس، میتراس)، الوهیت‌های یونانی-رومی، و یهودیت با تأکیدش بر یک خدا بودند. در توصیف تعلیمی که مسیحیان را در کولسیه مورد تهدید قرار می‌داد، عناصری که به نظر می‌رسد در رابطه با یهودیت توصیف شده‌اند، زیرا کولسیان ۱۱:۲ بر ختنه ناساخته به دست، ختنه‌ای از مسیح که به طور تلویحی بر ضد لزوم ختنه فیزیکی است، تأکید می‌کند. بعلاوه (۱۶:۲) بعضی‌ها مسیحیان کولسی را در رابطه با سؤالات مربوط به غذا خوردن و نوشیدن (هدیه شده به بتها؟) و رعایت مراسم یک عید، ماه نو، یا سبت‌ها (مراسم تقویم یهودی) داوری می‌نمودند.^۶ به هر حال با این حدس که نامه به کولسیان یک تعلیم غلط را مجسم می‌کند به جای اینکه مصیبتی از موارد کاملاً جداگانه، متن به نظر می‌رسد نیاز به چیزی پیچیده‌تر از تلاشی برای مجبور کردن غیریهودیان مسیحی کولسیه برای رعایت شریعت موسی جهت نجات داشته باشد. پولس هیچ استدلالی از عهدعتیق برای تکذیب نیآورده و صراحتاً هیچکدام از مراسم و آیین‌ها را با یهودیت مرتبط نمی‌داند.

در ۸:۲ پولس دریافت‌کنندگان را متوجه اغوای «فلسفه» تهی و گمراه‌کننده می‌کند که برحسب عرف بشری است. او می‌تواند به افکار یکی از فیلسوفان یونانی اشاره نموده باشد، یا به مذاهب اسرارآمیز که آنها نیز فلسفه نامیده می‌شدند. اما این نامگذاری هم نیاز به مستثنی کردن عنصر یهودی نداشت، چون ژوزفوس وضعیت فریسیان، صدوقیان و اسنیان را به عنوان فلسفه توصیف می‌کند، و در مرقس ۸:۷ عیسی فریسیان را به خاطر رد فرامین خدا به نفع سنت بشری خودشان محکوم می‌کند.

کولسیان ۸:۲ به توصیف اشتباه به عنوان قرار دادن تأکید بر «عناصر» (stoicheia) عالم/جهان می‌پردازد. در فلسفه یونانی اینها می‌توانند عناصری باشند که تشکیل هر چیزی را می‌دهند (زمین، آتش، آب، هوا). اما در زمانهای هلنیستی این واژه به حاکمان کیهانی یا ارواح اشاره داشته که بر جهان مسلط بوده‌اند، منجمله بر اجسام آسمانی که از نظر ستاره‌شناسی امور بشری را کنترل می‌نمودند. اشاره خصمانه کولسیان به «ریاسات» و «قوات» (۱۵:۲) و به فروتنی و «پرستش فرشتگان» (۱۸:۲) به این جهت اشاره دارد. آیا موضوع اعیاد، ماه نو، و سبت هم می‌تواند در پرستش درگیر باشد؟ (پولس در استدلال خود بر علیه واعظین یهودی‌گرا که مایل بودند ختنه و اعمال شریعت را به غلاطیان تحمیل کنند، بر علیه برده شدن به عناصر/ارواح جهان و رعایت روزها، ماهها، و اوقات سال اعتراض می‌کند: غلاطیان ۳:۴، ۹-۱۰). کولسیان ۲۳:۲ سختگیری جسمانی (آزار بدن) را تحقیر

۶- جشنها و ماه نو می‌توانند، اما لازم نیست، که رسومات یهودیان باشند؛ با وجود این در ادغام با سبت، آنها احتمالاً جزء رسومات یهودیان بوده‌اند. این سه واژه در هوشع ۱۳:۲، حزقیال ۱۷:۴۵ ادغام شده‌اند.

می‌کند. شاید ریاضت فوق‌العاده در ذهن او باشد وقتی که به «خوردن و نوشیدن» (۱۶:۲) اشاره می‌کند به جای خوراکی که به بتها تقدیم شده است - ریاضتی که اطاعت از عناصر روحی ریاسات و قوات را متجلی می‌کند؟

با تلفیق این عناصر، بسیاری معلمین کذبه را در کولسیه به عنوان تلفیق کنندگان عقاید مختلف مذهبی (سینکرتیسم) یهودی مسیحی توصیف می‌کند که در «فلسفه» آنها عناصر یهودی (هلنیستی)، مسیحی، و غیریهودی تلفیق شده بود: یک «مذهب خود-ابداع شده» (*ethelothrësikia*) در ترجمه مارتین از ۲:۲۳. در آن فرشتگان با ستارگان مرتبط بودند و در اعیاد پرستش می‌شدند، هم چنین در ماه نو، و در روزهای سبت به عنوان تقریباً الوهیت‌هایی که بر جهان و حیات بشری حاکم هستند - عناصری در یک طرح جهانی که مردم باید در زندگی به دنبال آنها باشند. (همانند «پسران خدا» در جایگاه‌های آسمانی، فرشتگان نیز می‌توانستند به عنوان مشابه به الوهیت‌های معبد یونانی - رومی درک شوند. این تلفیق عقاید مذهبی می‌توانست ایمانداران به مسیح را نیز جلب نماید به این شرط که آنها مسیح را به عنوان زیردست ریاسات و قوات فرشته‌ای ارزیابی نمایند. گذشته از اینها، مسیح جسم بود در حالی که ریاسات ارواح هستند.

دو عامل دیگر بعضی وقتها در تعالیم یافت می‌شوند، اول، بعضی‌ها تعلیم رد شده توسط کولسیان را به عنوان گنوستیسیسم توصیف می‌نمودند، به دلیل اشارات آنها به رؤیاهای، به مغرور شدن در ذهن جسمانی، به خشنودی جسم (۲:۱۸ و ۲۱-۲۳)، و به ارواح اصلی، اگر آنها به عنوان فیوضات خدا درک شوند. با وجود این اشاره‌ای مستقیم به «دانش» در انتقاد از معلمین نیست. در ارائه مثبت مسیح در کولسیان اغلب اشاره به «دانش»، «بینش»، «حکمت» وجود دارد (۱:۹-۱۰، ۲۸، ۲:۲-۳، ۳:۳، ۱۰:۳، ۱۶، ۵:۴)، و نیز به «پری» (پلروما)؛ و این را می‌توان به عنوان نقد تلویحی استفاده از همان زبان توسط معلمین کذبه دید. متأسفانه اطلاعات ما درباره گنوستیسیسم ابتدایی در قرن اول بسیار محدود است (در مقایسه با اطلاعات دقیق‌تر درباره سیستم‌های تکامل یافته گنوستیک در قرن دوم)، به طوری که شناسایی تعلیم به عنوان گنوستیک به دلیل ویژگیهای مبهم که اشاره شد، برابر است با توضیح دادن چیزی ناشناخته به وسیله چیزی کمتر شناخته شده، و این تصویر ما از وضعیت در کولسیه را چندان بزرگ نمی‌کند.

ثانیاً، نامه به کولسیان در بخش‌های مثبت از سر الوهیت (*mysterion*) صحبت می‌کند که از زمانهای گذشته مخفی بوده اما اینک در مسیح آشکار شده است - که کولسیان در آگاهی از آن سهیم شده‌اند (۱:۲۶-۲۷، ۲:۲-۳، ۳:۴). بعضی‌ها در آن انتقادی ضمنی از معلمین کذبه، به عنوان پیروان یک مذهب اسرارآمیز، می‌یابند. انسان می‌تواند به هیراپولیس به عنوان یک مرکز فرقه‌ای سی بل، خدای مادر آناطولی، اشاره کند، و به استفاده ممکن از

کلمه مبهم *embateuein* («وارد شدن به») با «رؤیایها» در ۱۸:۲ برای اشاره به آغاز اجرای مراسم مذهب سری. اینکه معلمین کذب بعضی روابط مذهب سری را داشتند یا از زبان مذهب سری استفاده می کردند ممکن است. به هرحال استفاده خود پولس از *mysterion* ناشی از یهودیت مکاشفه ای است و مطمئناً به در مقابل مذاهب سری قرار گرفتن او وابسته نیست.

اگر این بررسیها تصویری مملو از تردیدها به جای می گذارند، این تخمینی صادقانه از وضعیت دانش ما درباره تعلیم است. هارتمن و هامبل ۲۸-۲۹ در نامه به کولسیان مطالب مربوط به تعلیم کاذب را به: مسلم، محتمل، و ممکن تقسیم می کنند. آنهایی که با اطمینان زیاد درباره آن می نویسند تا حد قابل توجهی حدس و تخمین می زنند. البته حدس زدن اشکالی ندارد، به شرطی که همه آگاه باشند که چقدر حدسیات در این مورد درگیر است. در این فاصله زمانی و مکانی ما شاید قادر به رمزگشایی همه عناصر موجود در مکتب تلفیق عقاید مورد حمله در نامه به کولسیان نباشیم. خوانندگان معمولی می توانند با تشخیصی برای آنچه که واقعاً محتمل است راضی باشند: مخالفین، ایمان به مسیح را با ایده های یهودی و غیریهودی تلفیق کرده بودند تا تشکیل سیستم سلسله مراتبی موجودات آسمانی را بدهند که در آنها مسیح مطیع قدرتهای فرشتگان است که بایستی پرستیده شوند.

قانون خانواده (۱:۴-۱۸:۳)

این اولین از پنج لیست قوانین عهدجدید برای اعضای خانواده مسیحی است که ما با آن مواجه می شویم، و شاید قدیمی ترین آنها. هم در ادبیات حکمت عهدعتیق و هم در بحث های اخلاقی فلاسفه یونانی رفتار اعضای خانواده نسبت به یکدیگر مورد بحث قرار گرفته است. به طور خاص فلاسفه مشهور فهرست دقیقی از مسؤولیت های اخلاقی نسبت به مسؤولین حاکم، والدین، برادران و خواهران، شوهران، همسران، فرزندان، سایر بستگان و مشتریان در تجارت تهیه کردند. در جوامع در حال رشد مسیحیان ایماندار نیاز به راهنمایی داشتند، به طوری که کسانی که در بیرون بودند می توانستند تأثیر ایمان به مسیح را در زندگی ایشان ببینند و آنها را به عنوان اعضای مفید جامعه بشناسند. این نیاز در جاهایی بسیار ضروری بود که اکثریت مسیحیان از غیریهودیانی بودند که شناخت کافی از شریعت نداشتند.

شک اندکی می تواند وجود داشته باشد که قوانین خانواده در عهدجدید در شکل و محتوا تحت تأثیر ضوابط اخلاقی زمان خود قرار داشته اند. با وجود این انگیزه ای تازه نیز وجود داشت: «در خداوند» (کول ۱۸:۳، ۲۰، هم چنین «خداوند» ۲۲:۳ و ۲۴، «آقایی در آسمان» ۱:۴)، مسیحی که برتر از هر ریاسات و قوات است. اینها قواعدی هستند برای خانواده تحت خداوندی مسیح. در ۲۴:۳ به غلامان گفته شده «به خداوند مسیح بندگی کن»، اما می توان

تأکید شود - و هر تضاد با ۲: ۲۰-۲۲، که به کولسیان بر علیه قواعدی که مطابق دستورات و اعتقادات بشری است هشدار می‌دهد، را دور می‌کند. این نشان داده شده به وسیله این واقعیت که در هر کدام از این سه جفت (۳: ۱۸-۱۹ همسران/شوهران، ۳: ۲۰-۲۱ فرزندان/پدران، ۳: ۲۲-۴: ۱ بردگان/اربابان) به اولین طرف دستور داده شده که مطیع طرف مقابل باشند، همان طوری که اطاعت از خداوندی مسیح طریق خود را بر حسب فرمانبرداریها درون جامعه به طرف پایین هموار می‌کند. طرف دوم در هر زوج، طرفی که اطاعت از او لازم است، می‌باید نشان‌دهنده ویژگیهای خداوند باشد که برتر از همه است: محبت، نه رفتار از روی خشم، و عدالت. این موضوع که غلامان چهار آیه از دستورات را دریافت می‌کنند و اربابان فقط یک آیه می‌تواند بازتاب مقام اجتماعی مسیحی باشد: غلامان بسیار، اربابان ثروتمند اندک. (رابطه کولسیان با فیلمون، نامه ای درباره غلام/ارباب، نیز وارد تصویر می‌شود).

خوانندگان مسیحی زمانهای بعد چگونه باید دستورات اخلاقی را که به عنوان راهنما برای خانواده‌های قرن اول تدوین شده مطالعه کنند؟ (۱) یک رویکرد این است که موضوع را در سطح داخلی کتاب مقدسی بحث نماییم. در نامه‌های انکارناپذیر پولسی متونی وجود دارند که تمام مسیحیان را در هنگام تعمید در برخورداری از مزایای نجات برابر می‌دانند (غلا ۳: ۲۷-۲۹؛ ۱- قرن ۱۲: ۱۳؛ هم چنین مقایسه کنید کول ۳: ۱۰-۱۱). با ذکر اینها، بعضی‌ها اظهار می‌دارند که قوانین خانواده در نوشته‌های متأخر عهدجدید فساد هستند که نظم روز افزون پاتریارکی در کلیسا را نشان می‌دهند. در کنار اشاره به قطعاتی در نامه‌های قبلی پولسی که زنان را مطیع مردان می‌سازد (مثلاً ۱- قرن ۱۴: ۳۴-۳۶)، دیگران پاسخ می‌دهند که این نوشته‌های آخری همانقدر شرعی و معتبر هستند که نامه‌های انکارناپذیر پولسی. بعضی دیگر با قبول این موضوع تذکر می‌دهند که تمام نوشته‌های عهدجدید با عمقی مساوی در معانی ضمنی انجیل از مزایای مساوی نجات، تنظیم نشده‌اند، و شخص باید به دقت تنش‌های موجود مابین متون را بررسی کند بدون اینکه هیچ کدام از آنها را کنار بگذارد.

(۲) رویکرد دوم، بدون استثنای اولی، بحث کردن موضوع در سطح ترجمه تفسیری متون عهدجدید در رابطه با زندگی مردم امروزی است. (a) یک نظریه با توجه به موضوع فعلی قوانین را به عنوان قانون مسیحی که می‌بایستی به عنوان خواست ازلی خدا اطاعت شود، بررسی می‌کند. این نظریه طیفی را مقدور می‌سازد که در آن بعضی قوانین مهم تر از دیگران در نظر گرفته می‌شوند، اما یک سؤال اساسی باقی می‌ماند: آیا این دیدگاه یک نظم خاص قرن اول را شرعی و قانونی نمی‌کند، حتی اگر عهدجدید آن را به شکل «درخداوند» عرضه کرده باشد؟ (b) نظر اساسی دیگر در حال حاضر برای تجربه اجتماعی ما در ارزیابی قوانین

الویت قائل می شود. باز هم طیفی وجود دارد از شیوه هایی که در آنها مفسرین به دنبال ارزشی هستند که در فحوای کلام قرن اول القا می شود، و تلاش می کنند آن را به روابط اجتماعی امروزی ترجمه کنند. بعضی ها قوانین را این طور تفسیر می کنند که زنان مدیون احترام به حق شوهران خود هستند نه مجبور به انقیاد و فرمانبرداری از آنها. بعضی ها با قاطعیت بیشتر اظهار می دارند که ارزشهای انجیل می تواند خواستار آن شود که این راهنمایی ها دوباره جمله بندی شوند تا حدی که درست مخالف آن را بیان کنند. به بردگان امروزی (در یک سیستم اقتصادی یا سیاسی) باید گفته شود که اطاعت یا فرمانبرداری نکنند، بلکه شورش کرده و اربابان سلطه طلب خود را به زیر افکنند. به دلیل عدم برابری زن و مرد طی قرنها، به زنان باید گفته شود که نظرات خود را صریح بیان کنند و گاهی هم برضد شوهران خود تلاش نمایند. یک سؤال اساسی در این نظریه می تواند مطرح شود: آیا این موضوع متن کتاب مقدسی را به حد اطلاعات جالب باستانی کوچک و محدود نمی کند؟ در تلاش برای یافتن راهی مابین این دو خطر سخت بحث اقتدار کتاب مقدسی در فصل دوم به خوانندگان یادآوری می شود، نگرش انتخاب شده در جهت الهام، مکاشفه و تعلیم کلیساست. و محبت و از خود گذشتگی مسیحی. اینکه تعداد کمی مایلند راهنمایی داده شده به فرزندان را عوض کنند اخطاری است در این مورد که نظریه ای درباره راهنمایی ها به خانواده نمی تواند برای تمام زوج هایی که ذکر شد مناسب باشد.

آیا پولس نامه به کولسیان را نوشت؟

تا به حال من به کسی که کولسیان را مخاطب قرار داده با عنوان «پولس» اشاره کرده ام، به این دلیل که نامه او را به این طریق معرفی می کند. بعلاوه مقدار زیادی واژه نگاری، سبک و الهیات در کولسیان موجود است که مشخصاً پولسی می باشد، و اگر نام «پولس» از ۱:۱ و ۲۳:۴ حذف شده بود، مطمئناً هنوز می باید نامه را در فضای پولسی قرار داد. در سال ۱۸۰۵ و سپس به طور سیستماتیک در اواخر دهه ۱۸۳۰ چالش هایی در رابطه با نوشته شدن کولسیان توسط پولس به وجود آمد. همانند در نامه دوم به تسالونیکیان، نامه به کولسیان نیز موقعیت خوبی را برای ارزیابی نحوه استدلال عرضه می کند. **در حال حاضر حدود ۶۰ درصد از تحقیقات دقیق به این نتیجه رسیده که پولس این نامه را ننوشته است.** خوانندگان کمتر علاقمند به مسائل تکنیکی می توانند این داوری را بپذیرند و از جمع بندی استدلالات و ضد دلائل برای در نظر گرفتن کولسیان به عنوان نوشته ای بعد از پولس، ارائه شده در ذیل، صرفنظر نمایند.

از همان ابتدا باید توجه داشت که بحث به دلیل دو ایده کاملاً متفاوت درباره مستعار نویسی در رابطه با کولسیان مشکل می شود. بعضی از محققین در این باره فکر می کنند که

توسط شخصی نزدیک به پولس نوشته شده، در زمان حیات او یا مدتی کوتاه بعد از مرگ او، شاید با ایده‌ای از آنچه که پولس خودش می‌خواسته بنویسد. چندین دهه بعد دیگران درباره وضعیتی فکر می‌کنند، که شخصی از میراث پولسی ردای رسولی را بر خود می‌اندازد و درباره وضعیتی صحبت می‌کند که همین اواخر به وجود آمده است. به این ترتیب در کنار این سؤال که آیا امکان دارد که شخصی بجز پولس این نامه را نوشته باشد، باید انتخاب کرد که کدام یک از دو صحنه مستعار نویسی معقولانه است.

(۱) لغات. کولسیان از ۸۷ کلمه استفاده می‌کند که در نامه‌های انکار ناپذیر پولسی یافت نمی‌شوند (منجمله ۳۴ کلمه که در هیچ جای دیگر عهدجدید نیز یافت نمی‌شوند). با وجود این نامه فیلیپیان که اصالتاً توسط پولس نوشته شده و طولی مشابه این نامه دارد نیز از ۷۹ کلمه استفاده می‌کند که در سایر نامه‌های انکار ناپذیر پولسی یافت نمی‌شوند (منجمله ۳۶ کلمه که در هیچ کجای عهدجدید نیز وجود ندارند). اما در صد کلمات غیرعادی چیزی را ثابت نمی‌کند، و حتی اگر تعداد آنها در کولسیان بیشتر می‌بود، این نیز تعیین‌کننده نمی‌بود، زیرا نویسنده ممکن است از تعلیم کاذب که در کولسیان وجود دارد برای بعضی اصطلاحات تعیین‌کننده برداشت نموده باشد. اعتراض دیگر واژه نگاری در رابطه با نوشتن پولس، فقدان واژه‌های مورد علاقه پولس در کولسیان است: «عدالت/عادل شمردگی»، «اعتقاد»، «شریعت»، «آزادی»، «وعده»، «نجات». این آمارگیری کم‌اهمیت تر می‌شود اگر توجه کنیم که «توجه کردن» نیز در اول تسالونیکیان، فیلیپیان، و دوم قرنتیان یافت نمی‌شود و همین‌طور «شریعت» نیز در اول تسالونیکیان و دوم قرنتیان و «نجات/رستگاری» در غلاطیان وجود ندارند.

(۲) استیل (سبک). جملات بسیار طولانی در کولسیان وجود دارند که به وسیله صفات فاعلی و ضمائر نسبی به یکدیگر متصل شده‌اند (بعضی وقتها در ترجمه‌ها که جملات را کوتاه تر می‌کنند دیده نمی‌شوند) مثلاً، ۱:۳-۸، ۲:۸-۱۵. البته این حقیقت دارد که جملات طولانی در نامه‌های انکار ناپذیر پولسی هم یافت می‌شوند (مثلاً رومیان ۱:۱-۷)، اما سبک کولسیان توسط واژه‌های هم‌معنا که کلماتی را انباشته می‌کنند که یک ایده را انتقال می‌دهند مشخص شده.^۷ لوز صحبت از «سبک نیایشی سروده‌ای» می‌کند که تحت تأثیر سنت جاری است و به ویژگیهای مشابهی در سروده‌های نسخ خطی بحرال‌میت اشاره دارد. آیا اینگونه اختلافات با این موضوع که پولس کولسیان را نوشته است سازگاری دارد؟ با قبول اینکه پولس خود شخصاً اهالی کولسیه را مسیحی ننمود، آیا او توجه داشت که پیامی بفرستد به سبکی که تحت تأثیر سرودها و اعترافات نیایشی شناخته شده در آنجا قرار داشته باشد، و اصلاحاتی که او در تعلیم می‌نماید برای آنها بیگانه نباشند؟ آیا او کاتبی را به کار

۷-۱:۱۱: «صبر کامل و تحمل»: ۱:۲۲: «مقدس، بی‌عیب و بی‌ملامت»: ۱:۲۶: «دورها و نسل‌ها»: ۲:۱۱: «مختون شده با یک ختنه».

گرفت که کولسیه را می شناخت (اپفراس یا شخصی تحت تأثیر او؟) و بر همکاری او در جمله بندی مناسب تکیه نمود؟ این می تواند تا حدودی توضیح دهد که چرا حروف کوچک، قیدها و کلمات ربطی که معمول سبک اصیل پولسی است در کولسیان اغلب غایب می باشند. با وجود این چون اختلافات در سبک، به جمله بندی استدلالات کلیدی هم سرایت کرده، بسیاری از محققین خواهند گفت که توضیح در مورد کتابت نمی تواند برای کولسیان در نظر گرفته شود.

(۳) الهیات. مسیح شناسی، کلیسا شناسی و آخرت شناسی پیشرفته کولسیان در شکل استدلال اساسی بر علیه پولس، به عنوان نویسنده آن، عنوان شده. (a) از نظر مسیح شناسی، ارزیابی مشخصه پولس از مرگ/رستاخیز مسیح به عنوان سرچشمه عادل شمردگی، در کولسیان یافت نمی شود، با وجودی که در او ما آمرزش گناهان خویش را داریم (۱:۱۴)، و از طریق خون و صلیب او، صلح و آشتی را (۱:۲۰). انتقال تأکید به آفرینش از طریق مسیح و برتری او، بدون شک با آرزوی پاسخ گویی به تعلیم کاذب شکل یافته، اما آیا با افکار پولس تاریخی سازگار است؟ آنهایی که به این عقیده دارند اشاره به اول قرنیتیان ۶:۸: که «لکن برای ما ... یک خداوند است یعنی عیسی مسیح که همه چیز از اوست و ما از او هستیم» اشاره می کنند. در آن سوی طیف مسیح شناسی کولسیان ۱:۲۴ اجازه می دهد که پولس بگوید «من از زحمتهای خود در راه شما شادی می کنم و نقصهای زحمات مسیح را در بدن خود به کمال می رسانم، برای بدن او که کلیساست». با وجودی که پولس در هیچ کدام از نامه های انکار ناپذیر پولسی درباره ارزش نیابتی درد و رنجهای خود تا این اندازه صریح نیست، آیا این قابل توجه نخواهد بود اگر نامه به کولسیان در اواخر زندگی او نوشته شده باشد، بعد از حتی موقعیتهای بیشتری برای حمل نمودن صلیب؟ (b) از نظر کلیسا شناسی، در نامه های انکار ناپذیر پولسی، «کلیسا» اغلب به جامعه محلی مسیحی به عنوان «کلیساهای غلاطیه» و «کلیسای خدا که در قرنتس می باشد» اشاره می کند، با فقط چند مثال درباره استفاده بیشتر جهانی از واژه «کلیسا» (غلا ۱:۱۳؛ ۱- قرن ۱۲:۲۸، ۹:۱۵). استفاده محلی در سلام و درود در کولسیان (۴:۱۵-۱۶) یافت می شود اما در ۱:۱۸ و ۲۴ خداوند حاکمیت خود را بر تمامی جهان اعمال می کند، به عنوان سر بدن خود، یعنی کلیسا. بدین ترتیب کلیسا حتی بر قدرتهای آسمانی هم تأثیر می گذارد. در اول قرنیتیان ۱۲:۱۲-۱۴ و ۲۷ (هم چنین ۱۳:۱۵، ۱۰:۱۶-۱۷؛ روم ۴:۱۲-۵) پولس از جسم قیام کرده مسیح صحبت می کند که مسیحیان اعضای آن هستند، همان طوری که اعضای یک بخش فیزیکی منجمله سر، متفاوت هستند، اعضای یک جسم فیزیکی نیز متفاوت می باشند. با وجود این او هرگز از تصویر کلیسا به عنوان بدن مسیح استفاده نکرد، یا مسیح به عنوان سر - که یک موضوع مهم در کولسیان (یا افسسیان) است. از کولسیان می توان برداشت کرد که کلیسا جزئی از دست آورد

عالی مسیح است، و هدف فعالیت خود پولس (۱:۲۴). آیا چنین کلیساشناسی پیشرفته می‌تواند به زمان حیات پولس نسبت داده شود؟ (c) از نظر آخرت‌شناسی، مقام فعلی مسیحی بسیار عالی است. به کلامی دیگر، معادشناسی شناخته شده به نظر می‌رسد بر معادشناسی آینده غالب باشد. مسیحیان هم اکنون در ملکوت پسر حبیب خدا هستند (۱:۱۳). در تعمیم آنها با مسیح قیام می‌کنند (۲:۱۲، ۳:۱)، چیزی که هرگز در نوشته‌های انکارناپذیر پولس گفته نشده، و برحسب بعضی از محققین، او هرگز این را نمی‌گفته است. به هر حال چنین مخالفت‌هایی شاید نمادگرایی کولسیان را بسیار تحت‌اللفظی درک می‌کردند. درست است که پولس تاریخی که فیلیپیان ۳:۱۱-۱۲ و ۲۰-۲۱ را نوشت نمی‌گفت که مسیحیان کاملاً به جلال رسیده‌اند و دیگر نیازی به بالا برده شدن در رستاخیز جسمانی آینده برای ملاقات با مسیح رستاخیز کرده ندارند، اما کولسیان ۴:۳ که به آمدن نهایی مسیح و به، به جلال رسیدن مسیحیان در آینده اشاره دارد، نشان می‌دهد که کولسیان چنین آخرت‌شناسی کاملاً به دست آمده را تبلیغ نمی‌کنند. هنگامی که این سوء تفاهم را کنار بگذاریم، آیا «برخیزانیده شدن با مسیح» از تفکر اصیل پولسی «که همه در مسیح مردند اما اینک مسیح قیام کرده در مسیحیان زندگی می‌کند» می‌باشد؟^۸

نکته‌ای که در آخر پاراگراف قبل به آن اشاره شد در ارزیابی استدلال‌های الهیاتی درباره این موضوع که پولس نامه به کولسیان را نوشته مهم می‌باشد. بسیاری از محققین با یک استدلال فرضیه و ضد فرضیه تقریباً کار می‌کنند. آنها نسبت به شفافیت افکار پولس، که از مکاشفه‌ای که او دریافت نمود سرچشمه می‌گیرد، مطمئن هستند و با اطمینان می‌توانند آنچه را که برضد آن می‌باشد تشخیص دهند. (ما یک نوع افراط از آن را در عقیده‌ای دیدیم که رومیان ۹-۱۱ را به عنوان غیر اصیل رد می‌نمود زیرا پولس نمی‌توانسته درباره اسرائیلیان این چنین فکر کرده باشد). دیگران مکاشفه پولس را به عنوان مهربانی و فیض خدا در مسیح قضاوت می‌کنند که یک جهت‌گیری کلی الهیاتی ارائه می‌کند که شکل یافت و در موقعیتهایی که او با آن روبه‌رو می‌گردید بیان شد. با مقایسه غلاطیان و رومیان آنها می‌توانند تعدیل و پختگی قابل توجهی در بیان ببینند که تحت تأثیر هدف شبانی رومیان است. این استدلال که پولس به هیچ وجه نمی‌توانسته نظریات مسیح‌شناسی، کلیسا شناسی و آخرت‌شناسی که در کولسیان ارائه شده را داشته باشد اغراق‌آمیز است. با وجود این استدلال الهیاتی به خودی خود موضوع نوشته نشدن کولسیان توسط پولس را تقویت می‌کند.

(۴) تعلیم غلط. بوئر پولس را به عنوان نویسنده کولسیان مردود دانست زیرا بدعت‌گذاری توصیف شده در آن متعلق به قرن دوم است. این اغراقی است آشکار؛ اما بعضی

۸- به دوم قرن‌تیان ۵:۱۴-۱۵، غلاطیان ۲:۲۰، فیلیپیان ۱:۲۱ مراجعه کنید. رومیان ۶:۴-۵ گرچه مسیحیان را در جسم قیام کرده در آینده می‌بیند، اما شیوه جدید زندگی مسیحیان را با رستاخیز مسیح در ارتباط می‌داند.

از محققین اظهار می‌دارند که، با وجودی که تلاشی بر علیه یهودی کردن در زمان حیات پولس منطقی می‌باشد، مبارزه بر علیه تعلیمی که در کولسیان توصیف شده (چه گنوستیک، یا تلفیقی، و یا مذهبی اسرارآمیز) بعداً مفهوم بهتری می‌یابد. در تشخیص این تعلیم آنقدر حدسیات وجود دارد که هر استدلالی برای تاریخگذاری بر اساس آن شدیداً قائم به حدسیات است.

(۵) شخصیتها و شرائط. یک تصویر به طور غیر معمول جدی و پرابهت از پولس از خود - نامگذاری او به عنوان رسول به اراده خدا (۱:۱)، خادم انجیل و کلیسا (*diakonos*) بر حسب مشیت خدا (۱:۲۳-۲۵) ظاهر می‌شود. اِپِفراس نیز یک همکار - خادم مسیح در نام پولس است (۷:۱). تحمل درد و رنج نیابتی پولس برای کولسیان در (۱:۲۴) تأکید شده است. بعضی از مفسرین نویسنده کولسیان را به عنوان پولس خیالی، شخصیتی از گذشته، به عنوان یک قدیس می‌بینند؛ او «یکی از اولین نویسندگان مسیحی بوده که رؤیایی از پولس، رسول، و شهید داشته است».

اما درباره سایر شخصیتها، با وجودی که نامه دوم به تسالونیکیان به دلیل فقدان اشارات به شخصیتهای نمایشی و به اوضاع محلی، نویسنده‌ای مستعار ترجیح داده می‌شود، در نامه به کولسیان این اشارات به فراوانی و نیز شباهتهای قابل توجه به فیلمون دیده می‌شود. علاوه بر خود پولس، در فیلمون ده نفر دیگر نام برده شده‌اند، هفت نفر در جایی که پولس زندانی است، و سه نفر در مکان مقصد آنها. گرچه نه با همین ترتیب، نام هشت نفر از اینها در کولسیان نیز آمده است: همان هفت نفر در جایی که پولس زندانی است (به اضافه دو نفر که در فیلمون به آنها اشاره نشده: تیخیکس و یسوع ملقب به یسطس^۹) و یکی از همان افراد در مکان مقصد، ارخپیس (به اضافه یک زن یا مرد با نام نیمفاس که در فیلمون اشاره نشده). تنها دو نفری از فیلمون که در کولسیان به آنها اشاره نشده فیلمون و (همسر او؟) ایفا هستند - غیبتی قابل درک زیرا فیلمون به سوی آنها فرستاده شده بود تا با مشکل آنها در خانواده برخورد کند، که در کولسیان در مرکز توجه نیست. چگونه می‌توان این شباهت در شخصیتهای نمایشی و وضعیت را توجیه نمود؟ دو راه معقول وجود دارد:^{۱۰}

(a) هر دو نامه تقریباً همزمان توسط خود پولس (یا با هدایت او توسط یک کاتب) نوشته شده و در طی یک مسافرت توسط تیخیکس و انیسیمس، همراه او به منطقه کولسیه برده شد. این آسان‌ترین راه حل است. همان طوری که در فصل بعدی خواهیم دید بعضی‌ها افسسیان را که نامه‌ای کلی‌تر است و به وسیله پولس تنظیم گردیده و خطاب به کلیساهای مختلف در

۹- فیلمون ۲۳ صحبت از اِپِفراس هم بند و زندانی من در عیسی مسیح می‌کند، اما بعضی‌ها نقطه‌ای مابین «مسیح» و «عیسی» می‌گذارند و «مسیح» را اشاره به همکار دیگر پولس یعنی عیسی یسطس (یسوع ملقب به یسطس) که در کولسیان اشاره شده می‌دانند.

۱۰- این تئوری که هر دو نامه مستعارنویسی هستند با شخصیتهای فانتزی طرفداران چندانی ندارد، زیرا مشکل می‌توان درک کرد که چرا چنین زمینه نسبتاً کم‌اهمیتی می‌بایستی ایجاد شده باشد.

در این راه حل بر سر این است که در نامه به فیلمون می بایستی برای فرستادن انیسیمس خواهش شود، در حالی که در کولسیان ۹:۴ او به نظر می رسد فرستاده ای با اقتدار است. (b) پولس نامه به فیلمون را نوشت و نویسنده ای دیگر شخصیت‌های نمایشی و شرایط را از این نامه به عاریه گرفت تا کولسیان را تنظیم کند. در این فرضیه دو امکان زمانی وجود دارند. اگر هر دو نامه در کولسیه خوانده شده اند، نامه به کولسیان می تواند توسط تیموتائوس نوشته شده باشد، تقریباً در همان زمانی که پولس فیلمون را می نوشته، شاید به این دلیل که قوانین زندانی شدن پولس تغییر کرده بوده به نحوی که نامه نگاری بیشتری با دست خط خود یا دیکته کردن توسط او را غیرممکن می ساخته. تیموتائوس به عنوان همراه فرستاده معرفی شده او می توانسته با اقتدار به جای پولس که «کسی را مانند ما» نداشته صحبت کند (فی ۲:۲۰). با وجود این اگر تیموتائوس قبلاً می دانسته که پولس تصمیم به نوشتن چه مطلبی به اهالی کولسیه دارد و آن را خودش جمله بندی می نموده، او واقعاً به عنوان نوعی کاتب عمل می کرده است، و این موجب می شود که کولسیان را به عنوان مستعار نویسی، به معنی مطلق آن، طبقه بندی ننمائیم. این امکان مشکل تر کولسیان توسط شخصی دیگر و سالها بعد از اینکه پولس فیلمون را نوشته تنظیم گردیده، در زیر بخش مورد بحث قرار می گیرد.

از کجا و چه زمان؟

شخصیت‌های درگیر در فیلمون و کولسیان نمی توانستند مدتی بسیار طولانی در جایی بمانند و بدین سبب در هر راه حلی تدوین کولسیان می بایستی نزدیک به تدوین فیلمون حفظ شود، چه در واقعیت و چه به صورت تخیلی. در بعضی پیشنهاداتی که در زیر می آیند می توان بازتابی از اصل کاسمن را شنید: اگر کولسیان اصالتاً از زمان حیات پولس است آن را باید تا حد ممکن دیر تاریخگذاری نمود، اگر از دوره بعد از پولسی است، آن را باید تا حد ممکن زود تاریخگذاری نمود.

اگر کولسیان واقعاً توسط پولس هنگامی که او در زندان بود نوشته شده،^{۱۱} همان سه مکان برای منشأ آن که برای منشأ فیلیپیان در نظر گرفته شد (روم، افسس، قیصریه) می تواند در اینجا هم مدنظر قرار گیرد. اکثر محققین قیصریه را به عنوان پایگاه برای شروع فعالیت بشارتی کولسیان به سوی آسیای صغیر، رد می کنند. نتیجتاً انتخاب معمولاً مابین روم و افسس بوده است، دو شهر کاندیدی که در فصل بیست و یکم برای نامه به فیلمون بحث شده

۱۱- اسارتی که در کولسیان (و فیلمون و افسسیان) بدان اشاره شده به نظر کمتر خطرناک و ظالمانه می آید تا اسارتی که در فیلیپیان (۱:۲۰-۲۳، ۲۹-۳۰، ۱۷:۲) اشاره گردیده. اگر کولسیان توسط پولس نوشته شده باشد شاید این اشاره ای به مرحله ملایم تری از همان زندانی شدن توصیف شده در فیلیپیان باشد، یا اینکه دو اسارت متفاوت وجود داشته است. البته، اگر کولسیان و افسسیان هر دو مستعار نویسی هستند، تمام صحنه اسارت می تواند فانتزی باشد با استفاده استعاری از زندانی شدن تاریخی در فیلمون برای توصیف درد و رنج پولس.

است. با توجه به این که فیلمون در ناحیه کولسیه زندگی می کرده، از نظر نزدیکی جغرافیایی افسس معقول تر از روم به عنوان منشأ نامه فرستاده شده می باشد، و هیچ چیز در محتوای نامه مانع از تاریخگذاری فیلمون به حدود سال ۵۵ نمی شود. با وجود این چون الهیات کولسیان به نظر پیشرفته می رسد و چون شباهتهایی مابین کولسیان و رومیان یافت شده است، روم و تاریخگذاری دیرتری حدود سال ۶۱-۶۳ توسط اکثر طرفداران اصالت ترجیح داده می شود (آشکار است که فیلمون در این صورت می باید به آن مکان و تاریخ نسبت داده شود).

اگر کولسیان توسط پولس نوشته نشده باشد و شخصیتها و وضعیت از نامه پولسی اصیل به فیلمون کپی شده باشند در این صورت ما دلائل داخلی بسیار کمی برای منشأ و تاریخ کولسیان در اختیار داریم. برطبق دلائل بیرونی، ظاهراً ایگناتیوس (حدود ۱۱۰ میلادی نوشته شده) افسسیان را می شناخته و بدین ترتیب آن نامه به طور معمول بعد از سال ۱۰۰ تاریخگذاری نمی شود. چون نویسنده افسسیان احتمالاً از کولسیان برداشت نموده است (به جای اینکه بر عکس باشد)، تاریخی برای کولسیان دیرتر از دهه ۸۰ به نظر نمی رسد در هیچ جا اشاره شده باشد. تعدادی از شخصیتها اشاره شده در کولسیان (و فیلمون) در عهدجدید مرتبط با روم هستند. ۱۲ به هر حال اگر فیلمون پولسی از افسس نوشته شده بود (آنگونه که در فصل ۲۱ در بالا توضیح داده شده است) وابستگی کولسیان به فیلمون و تمام صحنه دره لیسوس، که از نظر جغرافیایی نزدیک به افسس است، در نامه به کولسیان آن شهر را محتمل ترین منشأ برای کولسیان مستعار نوشته شده می سازد.

اگر وجود تعداد قابل توجهی از نامه های بعد از پولسی را فرض کنیم، وجود یک مکتب پولسی از شاگردان در افسس، که بعد از مرگ پولس میراث او را در سالهای دهه ۸۰ ادامه دادند، غیر معقول نیست. با وجود این چگونه یک نویسنده از آن مکتب می توانست نامه به کولسیان را به مسیحیان دره رودخانه لیسوس که نامه ای در اختیار داشتند که بیست و پنج سال قبل برای فیلمون فرستاده شده بود، خطاب کند؟^{۱۳} احتمالاً برای آنها اهمیت می داشت اگر می دانستند که نامه به کولسیان علیرغم شکل ظاهری واقعاً توسط پولس که مدتها قبل از آن وفات یافته نوشته نشده بود. بنابراین اگر نویسنده تمایل داشته که بر ویژگی مستعار بودن نام نویسنده نامه سربوش بگذارد، می باید کولسیان را به عنوان نامه ای معرفی نماید که مدتها قبل، یعنی همان زمان فیلمون، نوشته شده اما جدیداً دوباره کشف گردیده است. در خطاب قرار دادن ناحیه اطراف کولسیه، که اینک در اثر وقوع یک زمین لرزه مخروبه ای بیش

۱۲- یک نوشته بعدی منشأ افسسیان را در روم قرار می دهد، و می تواند از منشأ رومی برای کولسیان نیز حمایت کند.
۱۳- به یاد بیاورید که فیلمون یک نامه خصوصی خالص نبود، زیرا جماعتی که در منزل فیلمون گرد می آمدند نیز مورد خطاب قرار گرفته بودند (فیل ۲). صحنه های دیگری هم قابل تصور است، مثلاً اینکه نامه به فیلمون در واقع هیچگاه ارسال نشد بلکه در مالکیت مکتب در افسس باقی ماند.

۱۴- یک زلزله شدید در سال ۶۰-۶۱ لائودکیه و نیز دو شهر دیگر را ویران کرد. هیچ چیز در کولسیان صحبت از فاجعه در گذشته نزدیک نمی کند. بعضی ها فکر می کنند که کولسیان بازسازی نشد و تا به دهکده ای تبدیل گردید. شواهد سکه شناسی وجود شهری رومی در آنجا را در قرن بعد نشان می دهد. لیست نامها در کولسیان ۷:۴-۱۷ شاید اشاره به جامعه کوچک مسیحی در آنجا دارد، به طوری که نیاز به فرض آبادی بزرگتری در آنجا نیست.

در مکتب پولسی دهه ۸۰ می باید خود را در ردای رسولی بپیچد و از فیلمون شخصیت‌های نمایشی را که تشکیل دهنده رابطه پولس با دره لیسوس بودند، قرض کند. یک تعلیم غلط مکتب تلفیق مذاهب اینک نسل بعدی مسیحیان را در آنجا تهدید می نمود، و هدف نویسنده می توانسته این باشد که به آنها یادآوری کند که مبلغین پولسی درباره مسیح به آنها چه گفته بودند و این مسیح شناسی را تکمیل کند، برای برطرف کردن این اشتباه جدید.

هیچ اطمینانی ممکن نیست؛ اما استدلال‌ات به سوی وضعیت مکتب، که در پاراگراف قبلی اشاره شد، متمایل است. آنچه که اطمینان داریم این است که نامه به کولسیان به میراث پولسی تعلق دارد. من آن را در این بخش بعد از پولس در این مقدمه مورد بررسی قرار دادم چون اغلب محققین دقیق آن را اینگونه بررسی می کنند.

موضوعات و مسائلی برای تعمق

(۱) سرود کولسیان اعتراف می کند که مسیح عیسی صورت خدای نادیده است. پسر خدا که در او همه چیز آفریده شد، که در او تمامی پری خدا از سکونت شادمان گردید، و از طریق او همه چیزها با خدا آشتی داده شده است. مسیحیان چگونه در طی پنجاه سال (حداقل) به این باور درباره واعظی جلیلی رسیدند که به عنوان تبه‌کار بر صلیب کشیده شده بود؟ همانند سروده‌های عهدعتیق، کولسیان ۱:۱۵-۲۰ چالشی ارائه می کند برای درک تکامل مسیح شناسی عهدجدید. با توجه به این واقعیت که اکثر محققین منشأ سرودهای موجود در نامه‌های پولسی را قبل از پولس یا غیرپولسی می دانند، شخص باید توجه کند که کجا اظهارات «والای» مسیح شناسی در این سروده‌ها به اظهارات در نثر نامه‌های غیرقابل انکار شباهت دارد، مثلاً کولسیان ۱:۱۶ را با اول قرنتیان ۸:۶ مقایسه کنید.

(۲) بر خلاف فلسفه معلمین کذب پولس مسیحی را توصیف می کند که برتر و عالی تر از هر ریاسات و قوات است. این پیام خطاب به یک جامعه مسیحی قرن اول بود که اندک زمانی قبل به وجود آمده بود. این برتری امروز چه معنی دارد، هنگامی که مسیحیان ایماندار اقلیتی از سکنه جهان هستند و نشانه‌های اندکی از برتری مسیح بر آنچه که اینک به عنوان ریاسات و قوات اعلام می شود وجود دارد؟

(۳) این موضوع که چه کسی کولسیان را تدوین نموده اهمیت دارد، مثلاً در اینکه کلیساشناسی در زمان حیات پولس تا چه حد پیشرفت کرده بود. به هر حال چه در زمان حیات پولس نوشته شده باشد یا بعد از آن در میان شاگردان مکتب پولسی، کولسیان کلیسا را به عنوان بدن مسیح توصیف می کند و رسول را به عنوان کسی مجسم می کند که به خاطر بدن مسیح، کلیسا، جفا دیده است. امروزه بسیاری از مسیحیان به محبت به مسیح اقرار می کنند اما نه برای کلیسا، با وجودی که در قانون ایمان نیکیه پس از سه بار تکرار بند «ما ایمان

داریم» که پدر و پسر و روح القدس را در برمی‌گیرد، بند چهارمی هم وجود دارد که می‌خواند «ما ایمان داریم به کلیسای مقدس، کاتولیک و رسولی». نامه به کولسیان درباره این محضور چگونه صحبت می‌کند؟

(۴) پنج قانون خانواده در عهدجدید و اختلافات مابین آنها را مقایسه کنید (هم به عنوان گروههایی که در یکی اشاره شده و در دیگری اشاره نشده و هم در لحن دستورات). آیا تفاوتها در شرایط اجتماعی جوامع مورد خطاب قرن اول قابل توضیح هستند؟ در بالا این سؤال مطرح شده است که قدرت این قوانین را امروزه چگونه باید تفسیر نمود.

(۵) از کولسیان ۱:۳-۱۴ در تعمق بر جوهره و شکل دعا بر حسب سنت پولسی، می‌توان استفاده کرد. تمرینی بسیار جالب است که شروع نامه‌های پولسی را با هم مقایسه نماییم تا ببینیم که او برای چه دعا می‌کند.

(۶) کولسیان ۴:۱۰ مرقس را به عنوان «عموزاده برنابا» شناسایی می‌کند و ۴:۱۴ لوقا را به عنوان «طیب حبیب» توصیف می‌کند. این شناسایی‌ها در فیلمون ۲۴ یافت نمی‌شوند. آیا ما در اینجا یک سرگذشت در حال تکامل قدیسان را می‌بینیم؟ سایر آثار در عهدجدید بیشتر درباره مرقس و لوقا گزارش می‌کنند، که در پاسخ به این سؤال مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

* * *

فصل بیست و هشتم

رساله (نامه) به افسسیان

در میان نوشته‌های پولسی تنها نامه به رومیان می‌تواند به عنوان کاندیدی برای اعمال بیشترین تأثیر در فکر و روحانیت مسیحیان، با نامه به افسسیان برابری کند. در واقع افسسیان که به عنوان «تاج پولس‌گرایی» نامیده شده برای بسیاری جذاب‌تر است زیرا آنها را از استدلال‌ات پیچیده رومیان معاف می‌کند. دیدگاه عالی افسسیان از کلیسای جهانی و اتحاد ما بین مسیحیان به طور خاص جذاب است، برای عصری کلیسایی. نویسنده آن به عنوان مفسر برتر، رسول (قبل از ظهور مارتین لوتر، بعضی از پروتستانها اضافه می‌کنند)، «بهترین شاگرد پولس» نامیده شده است.

این نویسنده کیست؟ در قرن شانزدهم اراسموس، با توجه به سبک افسسیان با جملات سنگین و دشوار آن که کاملاً از نامه‌های اصلی پولس متفاوت است فکر کرد که افسسیان می‌باید توسط شخصی دیگر نوشته شده باشد. در ۱۷۹۲ او انسون نویسنده پولس را زیر سؤال برد و طی قرن نوزدهم دلائل بر علیه پولس به عنوان نویسنده این نامه با نظم روز افرونی ارائه شد. با وجود این حتی در قرن بیستم دفاعیات مهمی از پولس به عنوان نویسنده وجود داشته است. تخمین منصفانه این خواهد بود که در حال حاضر حدود ۸۰ درصد محققین دقیق اعتقاد دارند که افسسیان را پولس نوشته. پس از تحلیل کلی پیام اساسی نامه، آن طوری که به ما رسیده است (که در آن پولس به عنوان فرستنده معرفی شده)، زیربخشهایی وقف خواهد شد به: کلیساشناسی افسسیان و «کاتولیسیم اولیه»، به چه کسی و توسط چه کسی، چه نوع، زمینه ایده‌ها، موضوعات و مسائلی برای تعمق، و کتاب شناسی.

تحلیل کلی پیام

پولس برای خداوند زندانی است (۱:۳، ۱:۴، ۲۰:۶)، و تیخیکس فرستاده می‌شود تا به دریافت کنندگان نامه درباره پولس بگوید (۲۱:۶-۲۲). بجز این داستانی دیگر در افسسیان برای شرح برخوردهای گذشته پولس با شنوندگان و یا جزئیاتی درباره آنها وجود ندارد. آنهایی که در دستورالعمل افتتاحیه (۱:۱-۲) به عنوان «مقدسینی که هم چنین به مسیح عیسی وفادار می‌باشند» مورد خطاب قرار گرفته‌اند می‌توانند هر مسیحی باشند، با وجودی که ذکر نام تیخیکس (به کولسیان ۴:۷-۸ مراجعه کنید) احتمالاً بدین معنی است که جوامع مسیحی در غرب آسیای صغیر همانهایی هستند که برای نویسنده شناخته شده بودند. پولس با وجودی که در ۱۳:۳ می‌گوید که از زحمات من به جهت شما خسته خاطر مشوید،

خلاصه اطلاعات اساسی

تاریخ: اگر توسط پولس، در سالهای دهه ۶۰، اگر با نام مستعار (حدود ۸۰ در صد محققین دقیق) در دهه ۹۰.

به: مسیحیان پولسی (احتمالاً آن طوری که در نواحی غرب آسیای صغیر تصور می شد).

اصالت: احتمالاً توسط یکی از شاگردان از پولس (شاید جزئی از «مکتب» در افسس) که از کولسیان و نیز از بعضی از نامه های انکار ناپذیر پولسی، برداشت نمود.

اتحاد: مورد بحث جدی نیست.

صداقت: «در افسس» احتمالاً در ۱:۱ اضافه شده، و گرنه مورد بحث جدی نیست.

تقسیم بندی رسمی:

A: دستورالعمل افتتاحیه: ۱:۱-۲

B: شکرگزاری: ۱:۳-۲۳

C: متن نامه: ۲:۱-۳:۲۱ دستورات پولسی

۴:۱-۶:۲۰: الزامات پولسی (پند و اندرزها)

D: دستورالعمل اختتامیه: ۶:۲۱-۲۴.

تقسیم بندی بر حسب محتوا:

۱:۱-۲: سلام و درود به همه مقدسین

۱:۳-۳:۲۱: بخش «خبری» یا آموزه ای

۱:۳-۲۳: حمد و ثنا، ستایش خدا به خاطر آنچه که او در عیسی مسیح برای

«ما» انجام داده (۱:۳-۱۴) و دعای شفاعت که شما (دریافت

کنندگان) این را بدانید (۱:۱۵-۲۳).

۲:۱-۳:۱۳: توضیح نجات، متحد شدن، آشکار کردن فعالیت خدا

۳:۱-۲۱: دعای شفاعت بیشتر (برای «تو») و حمد و ثنا («ما»)

۴:۱-۶:۲۰: بخش «الزامی» یا پند و اندرزها

۴:۱-۵:۲۰: اندرزها در رابطه با اتحاد، خدمت شبانی، دو شیوه زندگانی

(دوگانگی)، راه رفتن به عنوان فرزندان نور، بدون عمل ظلمت.

۵:۲۱-۶:۹: قانون خانواده

۶:۱۰-۲۰: زره در مبارزه بر علیه قدرتهای شیطانی، مخصوصاً دعا

۶:۲۱-۲۲: مأموریت تیخیکس

۶:۲۳-۲۴: برکت

دردآور وضعیت خود یا خطر قریب الوقوعی که دریافت کنندگان را تهدید می کند، را توصیف نمی کند. بلکه لحنی آرام درباره دست آوردها و تشویق دارد.

در ۱:۳-۱۴ اولین قسمت از **شکرگزاری** (۱:۳-۲۳)، با استفاده از زبان تقریباً نیایشی،

که در نیایش تبرکات یهودیان یافت می شود، پولس نقش مسیح و مسیحیان را در نقشه خدا

برای اتحاد همه چیز در آسمان و در زمین در مسیح، را تحسین می‌کند. در این راز اراده خدا، حتی قبل از خلقت جهان، خدا مسیحیان را به «فرزند خواندگی» در عیسی مسیح مقدر فرمود؛ و آنها از طریق خون او نجات، بخشایش گناهان، و غنای موهبت الهی را به دست آورده‌اند. آنها کلام حقیقت، انجیل نجات، را شنیده‌اند. سپس در (۱۵:۱-۲۳) پولس با سپاسگزاری ایمان و محبت دریافت کنندگان را تأیید می‌کند و دعا می‌کند که آنها در شناخت مسیح متعال که بر تمام قدرتهای حال و زمان آینده تسلط دارد رشد کنند. و تمام اینها برای کلیسا، بدن او، پری او که همه چیز را در همه مملو می‌سازد، است. بدین ترتیب پولس کلیسا را به عنوان هدفی در نقشه خدا می‌بیند، که شامل تمامی خلقت است. بنابراین، کلیسایی که دارای بُعد آینده است.

بخش خبری متن نامه (۲:۱-۳:۲۱) با این توضیح شروع می‌شود که چگونه این نقشه، متجلی کننده غنای بخشایش و محبت خدا، گناهکاران را به قدیسین و مردگان روحی را به زندگان روحی که اینک به وسیله ایمان نجات یافته‌اند، نجاتی که از فیض خداست (۲:۱-۱۰)، تبدیل می‌کند. «زیرا که صنعت دست او هستیم، آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا از قبل مهیا نمود». بعلاوه ۱۱:۲-۲۲ با احساس توصیف می‌کند که چگونه فیض خدا به امتهای نیز رسیده است، به طوری که آنهایی که زمانی دور بوده‌اند اینک نزدیک آورده شده‌اند. دیوار جدا کننده، دیوار خصومت، اینک فرو ریخته و جماعت اسرائیل و غیر یهودیان یکی شده است. آنها هم شهری‌ها در خانواده خدا شده‌اند که بر بنیاد رسولان و انبیا بنا گردیده و مسیح سنگ زاویه آن است (۲:۲۰). در ۳:۱-۱۲ پولس به شنوندگان توضیح می‌دهد (با وجودی که ممکن است تا بحال شنیده باشند) که چرا این به طور خاص شاخص است. به وسیله مکاشفه این راز آشکار شد که خدا او را که کمترین در میان تمام مقدسین است، خادم انجیل برای امتهای گردانیده است، که هم ارث و اعضای یک بدن و شریک در وعده خدا هستند. در واقع حکمت خدا اینک از طریق کلیسا به قدرتهای آسمانی نیز شناسانده می‌شود. پولس زندانی شدن و دعاهای خود را تقدیم می‌کند (۳:۱۳-۱۹) تا مخاطبین مسیحی محبت عیسی مسیح را متجلی شده در همه آنها درک کنند. محبتی که فراتر از دانش است. تا آنها با تمام پری (پلرومای) خدا پر شوند. پولس این بخش خبری نامه را با حمد و ثنا خاتمه می‌دهد، گویی فقط تفکر نمودن درباره مسیح موجب می‌شود که او خدا را ستایش کند (۳:۲۰-۲۱).

بخش الزامی یا پند و اندرز نامه (۴:۱-۶:۲۰) معانی ضمنی این نقشه بزرگ خدا را با سی و شش فعل در دستورات تشریح می‌کند. در ۴:۱ پولس می‌گوید که خدا «ما» را در مسیح انتخاب نمود قبل از بنای عالم تا مقدس باشیم و بدون عیب در حضور الهی، در ۴:۱ او ما را با راهنمایی‌ها برای زندگی کردن چنین حیاتی که شایسته چنین دعوتی باشد،

هدایت می‌کند. پولس ابتدا، هفت تجلی از یکی بودن یا اتحاد در زندگی مسیحی را بیان می‌کند (۴:۴-۶). او با این اشاره ادامه می‌دهد که چگونه مسیح صعود نموده انواع موهبت‌ها را جاری نمود تا مسیحیان را برای ساختن بدن مسیح مسلح سازد: رسولان، انبیا، بشارت دهندگان، شبانان و معلمین (۴:۷-۱۲). هنگامی که چنین موهبت‌هایی در اول قرن‌تین ۱۲ مورد بحث قرار گرفت، مسیحیان منقسم شدند؛ اما اینک بدون اینکه لازم باشد افراد را اصلاح کنیم، پولس می‌تواند اعلام کند که این موهبت‌ها به «مقدسین» کمک می‌کنند تا در ایمان متحد گردند، و تا به پری (پلرومای) قامت مسیح برسند، و بنابراین در مسیح که سر این بدن است رشد کنند (۴:۱۳-۱۶).^۱

چون امتها و یهودیان یکی شده‌اند، مسیحیان غیریهودی هم دیگر در ظلمت ناآگاهی نیستند و نمی‌توانند در ناپاکی و شهوت زندگی قبلی خود زیست کنند (۴:۱۷-۲۴). در ۲:۱۵ پولس صحبت از عمل مسیح در آفرینش انسان نوین از یهود و امتها می‌نماید، و به این انسان نوین دستور می‌دهد که در شکل زندگی گذشته، زیست ننماید. قواعد برای زندگی نوین بازتاب خواسته‌های ده فرمان است که چگونه با دیگران رفتار نمایند (۴:۲۵-۵:۵). پولس دو طریق متضاد «راه رفتن» را، مطابق با نور و ظلمت، شیطان و روح القدس، راستی و کذب می‌بیند. این دوگانگی تولید فرزندان نور و پسران نافرمانی، دانایان و نادانان می‌کند (۵:۶-۲۰). مسیحیانی که در ۱:۱ به عنوان مقدسین مورد خطاب قرار گرفته‌اند هیچ سهمی در اعمال باطل ظلمت ندارند. عبارت «ای تو که خوابیده‌ای، بیدار شو» در ۵:۱۴ احتمالاً از یک سرود می‌آید.^۲ مسیحیان باید به جای باده‌گساری بسرایند و برای خداوند ترنم نمایند.

افسسیان ۵:۲۱-۶:۹ شیوه زندگی مسیحی را به موجب یک قانون خانواده برای زنان/شوهران، فرزندان/پدران، بردگان/اربابان مشخص می‌کند. نقش کلی انقیاد/اطاعت طرف اول و وظیفه طرف دوم (که انقیاد نسبت به اوست) ویژگیهای مسیح را نشان می‌دهد که همان است که در قانون خانواده در کولسیان ۳:۱۸-۴:۱ آمده، اما قانون افسسیان یک سوم طولانی‌تر از کولسیان است و تفاوت‌های جالب توجهی در آنها وجود دارد. افسسیان (۵:۲۱) با این دستور شروع می‌شود که همدیگر را در خداترسی (احترام به مسیح) اطاعت نمایند، و البته این به وظایف شوهران در برابر زنان و نیز زنان نسبت به شوهران مربوط است. بدین ترتیب در شروع این قانون تعدیل قاطع تری نسبت به نظم برقرار شده در قانون کولسیان وجود دارد. زبان غزل مانند در ۵:۲۵-۲۷ (که بعضی وقتها تصور می‌شود که از یک سرود تعمیدی می‌آید) مسیح و کلیسا را به درون رابطه شوهر و زن می‌آورد، به طوری که

۱- برخلاف پند و اندرزهای مؤکد درباره فلسفه کاذب و پرستش فرشته در کولسیان ۲:۸-۲۳، اشاره در افسسیان ۴:۱۴ به خطر به این سو و آن سو پرتاب شدن توسط هر باد آموزه و فریبکاری بشری هم مختصر و هم کلی است. این می‌تواند در هر زمان و هر مکان بدون چیز خاصی در ذهن قابل اعمال باشد.

۲- آیا «برخیزانیده شدن از مرگ» به معنی رستاخیز بوقوع پیوسته در تعمید است؟ (به ۲:۵-۶ و بحث آخر زمان در کولسیان مراجعه کنید). افسسیان از رستاخیز مسیحیان در آینده یا آمدن ثانویه مسیح صحبت نمی‌کند.

به ترتیب به انقیاد و محبت مهر بی همتایی مسیحی زده می شود. وظیفه شوهران به محبت به طور گسترده تری بررسی شده تا وظیفه زنان به اطاعت، و هر دو در نقشه اولیه خدا برای اتحاد در ازدواج ریشه دارند (۵: ۳۱ = پیدایش ۲: ۲۴). دستور فرزندان/پدران نیز با نقشی از عهدعتیق غنی شده. تغییر افسسیان در رابطه غلام/ارباب بیشتر در بخش ارباب است، ارباب نه تنها باید در رفتار با غلامان خود بی طرف و منصف باشد بلکه طبق نامه به کولسیان، باید از تهدید نیز خودداری کند - با این یادآوری که مسیح ارباب اربابان یا رب الارباب است. حمله قاطعانه انجیل به سوی فشار وارد آوردن بر صاحبان اقتدار و قدرت است. با به کارگیری زبان استعاری زره و اسلحه، اندرزی نهایی در رابطه با نبرد ادامه دار با ریاستها و قدرتها (افس ۶: ۱۰-۲۰) داده می شود. ما شنیده ایم که مسیح متعال فوق از تمام ریاسات و قوات بر تخت نشسته است (۱: ۲۰-۲۱)، و حال نقشه سرّی خدا برای همگان از طریق کلیسا بر ایشان آشکار شده است (۳: ۹-۱۰). با وجود این ما در می یابیم که چنین آخرت شناسی تحقق یافته معادشناسی آینده را به طور کامل جایگزین نکرده، زیرا مبارزه الهی با قدرتها و حاکمان ظلمت فعلی ادامه دارد. پولس تقاضای دعا برای خود را دارد تا در این مبارزه بتواند سرّانجیل را اعلام کند. توصیف عالی نهایی از خود به عنوان «ایلچی در زنجیرها» (۶: ۲۰) نقش پیروز با کمک خدا را نشان می دهد، هیچ عامل بشری نمی تواند مانع پولس از پیروی از احساس وظیفه ای که در ابتدا اعلام کرده بود «رسول مسیح عیسی به اراده خدا» (۱: ۱)، بشود.

در دستورالعمل اختتامیه (۶: ۲۱-۲۴) پولس در درودی مختصر به همراه خود تیخیکس اشاره می کند که، همانند در کولسیان ۴: ۷-۸، به سوی مخاطبین فرستاده می شود.

کلیسا شناسی افسسیان و کاتولیسیم اولیه

تحسین کلیسا در افسسیان که از برآورد عالی در نامه به کولسیان فراتر می رود شایسته اظهار نظر خاصی است. حتی با وجودی که کولسیان تصویری جهانی از «کلیسا» دارد، نیمی از چهار استفاده آن از *ekklesia* مربوط به کلیسای محلی بود (۴: ۱۵، ۱۶). چنین اشاره ای به کلیسای محلی در نه بار استفاده از *ekklesia* در افسسیان وجود ندارد. تمامی آنها مفرد هستند و کلیسای جهانی را در نظر می گیرند. همانند در کولسیان ۱: ۱۸ و ۲۴، کلیسا بدن مسیح است و او سر آن می باشد (افس ۱: ۲۲، ۵: ۲۳). با وجود این در افسسیان کلیسا نقشی جهانی دارد. برحسب معمولی ترین تفسیرها از ۱: ۲۱-۲۳ مسیح سر همه چیز (منجمله قدرتهای فرشتگان) قرار داده شده است «برای کلیسا» و از طریق کلیسا (۳: ۱۰) حکمت خدا بر آن قدرتها آشکار شده است. جلال در کلیسا به خدا داده می شود (۳: ۲۰). مسیح کلیسا را محبت نمود و خود را برای آن داد (۵: ۲۵) - این تفاوت دارد با ایده ای که مسیح برای

گناهکاران مرد (روم ۵: ۸ و ۶)، یا برای همه (۲- قرن ۵: ۱۴-۱۵). هدف مسیح تقدیس کردن کلیسا بود، پاک کردن آن به وسیله شستن با آب توأم با کلمه، ارائه آن بدون لکه و عیب. مسیح به تغذیه نمودن و عزیز داشتن کلیسا ادامه می‌دهد (افس ۵: ۲۳-۳۲). در فصل بیست و هفتم، من اظهار نظر کردم که بسیاری مسیحیان امروزه ممکن است با تصویر پولس از درد و رنجی که به خاطر کلیسا متحمل شد، آن گونه که در کولسیان آمده، دچار مشکل باشند. چقدر بیشتر آنها باید با تصویر افسسیان مشکل داشته باشند، جایی که می‌گوید کلیسا هدف مسیح از خدمت و مرگ بوده است!

این موقعیت مناسبی است برای اشاره خلاصه وار به موضوع «کاتولیسیم اولیه» که فکر می‌شود کلیسا شناسی در افسسیان نمونه‌ای از آن است این واژه مشخص کننده مراحل اولیه کلیسا شناسی، اعتقاد به رازهای مقدس، سلسله مراتب کلیسایی، و دستگذاری است. به طور خلاصه شروع ویژگیهای خاص مسیحیت کاتولیک. در ابتدای قرن بیستم فون هارناک اظهار نمود که کاتولیسیم اولیه در عهدجدید وجود نداشته است، بلکه این الهیات و سازماندهی کلیسایی روند تکاملی بود که در قرن دوم تحت تأثیر روحیه یونانی شروع شد، و ویژگی بشارتی مسیحیت را (که بازنگری به آن رجعت نمود) خدشه دار ساخت. کاسمن در مقابل اظهار می‌دارد که «کاتولیسیم اولیه» در خود عهدجدید وجود دارد، اما در این مورد که این گونه روندهای تکاملی برای مسیحیت لزوماً تجویزی نبوده است، او به اصل «شریعت درون شریعت» باز می‌گردد. همانگونه که پولس مابین کلمه و روح القدس تفاوت قائل شد (۲- قرن ۳) مسیحیان نیز نمی‌توانند اقتداری لغزش ناپذیر از عهدجدید شرعی به وجود آورند بلکه باید روح القدس واقعی را درون عهدجدید تمیز دهند. در رابطه با پولس، برای کاسمن (یک لوتری) شخص نمی‌تواند به نوشته‌های بعد از پولسی به عنوان تفسیرهای با اقتدار انجیل پولسی متوسل شود؛ بلکه انسان در غلطیان و رومیان با روحیه عادل شمردگی به وسیله ایمان، به این موضوع نزدیکتر است.

به هر حال، این نوع داوری اختیاری است زیرا که در آن حق رد کردن این ندها در عهدجدید که انسان با آن موافق نیست حمایت می‌شود. سایر مسیحیان و یا حتی کلیساها ممکن است در قضاوتشان کمتر صریح باشند، اما در واقع همه تمایل دارند وزن بیشتری به بعضی قسمتها از کتاب مقدس بدهند. مثلاً کلیسایی که بر کلیسا شناسی افسسیان تأکید می‌کند به احتمال زیاد این کار را بدین دلیل می‌کند که کلیسا شناسی عالی خود آنها شبیه آن است. در هر راه حل واقعی شخص باید متوجه باشد که تفاوت‌های مهمی مابین کتب عهدجدید درباره موضوعاتی همانند کلیسا شناسی، اعتقاد به رازهای مقدس، و ساختار کلیسا وجود دارد. یک کلیسا (یا یک مسیح) ممکن است تصمیم بگیرد که از نظر مذهبی به یک نظریه توجهی بیشتر بنماید تا به نظرات دیگر. علیرغم این آگاهی از آنچه که در عهدجدید درباره جنبه دیگر

از یک موضوع گفته شده می تواند بعضی از ویژگیهای غلو شده یا قابل اعتراض در موضع خود شخص را تعدیل نماید. تکرار کردن قطعاتی از عهدجدید ممکن است اطمینان بخش باشد، اما گوش فرا دادن به نداهای کتب مقدسه در جهت مقابل، عهدجدید را قادر می سازد تا به عنوان وجدان عمل کند.

به چه کسی و توسط چه کسی؟

(۱) به چه کسی؟ از نظر متن خطاب مبهم است؛ زیرا جمله بزرگ نوشته شده در ۱b:۱، «به مقدسینی که در افسس هستند و/هم چنین ایمانداران در مسیح عیسی»، در نسخ خطی مهم وجود ندارد. سایر عوامل نیز این سؤال را بر می انگیزانند که آیا نامه خطاب به مسیحیان افسس نوشته شده است؟ پولس در اکثر نامه های خود در جایی به شرایط شخصی یا فعالیتهای گذشته خود اشاره می کند و در اواخر نامه به طور معمول سلام و درودهایی از افراد نام برده شده به افرادی که برای جامعه مورد خطاب اهمیت دارند ارسال می نماید. اینها در نامه به افسسیان یافت نمی شود، به استثنای اشاره به زنجیرهای پولس و به تیخیکس در (۶:۲۰-۲۱). پولس حدود سه سال در افسس به سر برد (۵۴-۵۷ میلادی اعمال ۲۰:۳۱) و بدین سبب غیرقابل تصور است که در نامه ای دوستانه به مسیحیان آنجا سلام و درودها و یادآوریهایی را ضمیمه ننموده باشد. بعلاوه در افسسیان ۱:۱۵ نویسنده می گوید «من از ایمان شما به خداوند عیسی شنیده ام». در ۳:۲ او حدس می زند که دریافت کنندگان نامه «تدبیر فیض خدا» را که به جهت ایشان به وی عطا شده است «شنیده اند» و در ۳:۷-۱۳ او خدمت بشارتی خود را به آنان توضیح می دهد. پولس چگونه می توانست این چنین غیرمستقیم از رابطه خود با مسیحیان افسس صحبت کند؟ افس ۲:۱۴ به نظر می رسد به عنوان عمل انجام شده، فرو ریختن دیوار خصومت مابین جوامع اسرائیل و امتها را بررسی می کند، آشکار نیست که این در افسس به انجام رسیده باشد یا در جوامع دیگری از مأموریت بشارتی پولس در طی زمان حیات وی. در واقع، چون افسسیان هیچگاه به یهودیان اشاره نمی کنند و ۲:۱۱ از «شما امتها در جسم» صحبت می کند، این تصور پیش می آید که افسسیان خطاب به جامعه ای کاملاً غیریهودی می باشد. این عقیده به زحمت در مورد وضعیتی که در اعمال ۱۹:۱۰ در اواسط دهه ۵۰ مجسم شده، هنگامی که مأموریت بشارتی افسسیان «یهودیان و امتها را مانند هم» تغییر ایمان داده است تأیید می گردد. بنابراین از سیزده نامه ای که در عهدجدید نام پولس را بر خود حمل می کنند، افسسیان ممکن است تنها نامه ای باشد که به سوی مقصدی اختصاصی تر از به مسیحیانی (احتمالاً عمدتاً در آسیای صغیر) که پولس را به عنوان رسولی بزرگ در نظر می گرفتند، هدف گیری نشده است.

اینکه افسسیان می توانست به تمام مقدسین در مسیح عیسی خطاب شود موجب شده که تعدادی از محققین آن را به عنوان نامه ای جاری که قرار بوده در بسیاری از شهرها خوانده شود مجسم کنند، با قسمتی سفید برای اضافه کردن نام شهرها هر بار نامه در آنجا خوانده می شود. (بنابراین نسخه خطی که عبارت «در افسس» را داشت برای خواننده شدن در افسس حفظ شده بود، و نسخه خطی مارسیون نسخه ای بود که برای خواندن در لائودکیه در نظر گرفته شده بود). به هر حال، شواهد برای استفاده از چنین نامه هایی در مسیحیت اولیه ناکافی است، به طور خاص برای ایده قسمتی سفید در نامه. یک رویکرد معمولی تر (که در ذیل بحث خواهد شد) این است که نوعی دیگر از ادبیات به صورت نامه پذیرفته شده.

(۲) توسط چه کسی؟ ارتباط با نامه به کولسیان. اگر افسسیان واقعاً نامه ای به مسیحیان افسس نیست بلکه نوعی کار کلی است، چه کسی آن را نوشته؟ در فصل قبل، ما این موضوع را که آیا پولس کولسیان را نوشته یا نه به تفصیل بحث کردیم و دریافتیم که (نه با قاطعیت) که یک نویسنده دیگر بجز پولس این نامه را به رشته تحریر در آورده. به گونه ای چشمگیر افسسیان در ساختار کلی و شباهتهای لفظی به کولسیان شباهت دارد. این را می توان به طرق مختلف محاسبه نمود، مثلاً مابین یک سوم تا نیمی از ۱۵۵ آیه در افسسیان مشابه کولسیان هستند، هم در نظم و هم در محتوا. یک چهارم از کلمات افسسیان در کولسیان و یک سوم از کلمات کولسیان در افسسیان یافت می شوند. جدول ۷ آن گونه که در اینجا ارائه شده موضوعات مشابه را نشان می دهد. ناگزیر واژگان، سبک، و استدلال الهیاتی که به آنها استناد شده بود در اینکه پولس کولسیان را نوشته در اینجا هم بر علیه نوشته شدن افسسیان توسط پولس به آنها استناد گردیده. این که در افسسیان تقریباً هشتاد کلمه وجود دارد که در نامه های انکارناپذیر پولسی یافت نمی شوند قدرت استدلالی خود را از دست می دهد اگر بدانیم که تقریباً همین تعداد واژه نیز در غلاطیان یافت می شود که تقریباً در طول جملات و تعداد کلمات با افسسیان برابری می کند. سایر اطلاعات هم قابل توجه هستند. یک سبک پر نقش و نگار همانند کولسیان اما حتی اغراق آمیز نیز (مثلاً با تقریباً پنجاه بار استفاده از «همه») جملاتی را با طول قابل توجه همانند افسسیان ۱۴-۳:۱ و ۱۶-۱۱:۴ به وجود می آورد. صفات و حالت های اضافی انباشته شده و سبک زائد و واژه هایی کاملاً بعید و غیرمعمول برای استفاده پولسی در نامه های انکارناپذیر وجود دارند. هم چنین مابین کولسیان و افسسیان تفاوت هایی دیده می شود که قضاوت درباره نویسنده را دشوار می کند. افسسیان طولانی تر است و دارای مجموعه ای از موضوعاتی است که در کولسیان یافت نمی شود، مثلاً بسیاری از سروده ۱۴-۳:۱ در افسسیان و اندرزها در ۱۴-۱:۴. از طرفی دیگر حمله بر ضد فلسفه کاذب در کولسیان ۲ و قطعه طولانی سلام و درود در کولسیان ۴ در افسسیان یافت نمی شود. موضوعات مشترک همانند «بدن [جسم]»، «سر»، «پری»، «راز» و «آشتی» اغلب

جدول ۷ مقایسه افسسیان و کولسیان

کولسیان	افسسیان	موضوع
۲۰-۱۴:۱	۷:۱	(۱) نجات، بخشودگی
۲۰:۱	۱۰:۱	(۲) مسیح همه - دربرگیرنده
۹و۴-۳:۱	۱۷-۱۵:۱	(۳) شفاعت برای خوانندگان
۲۷:۱ (امیدجلال)	۱۸:۱	(۴) غناهای میراثی باشکوه
۱۸-۱۶:۱	۲۲-۲۱:۱	(۵) حاکمیت مسیح
۱۳:۲	۵:۲	(۶) شما را که او زنده ساخت
۲۲-۲۱:۱	۱۳-۱۲:۲	(۷) بیگانگان را نزدیک آورد
۱۴:۲	۱۵:۲	(۸) لغو شدن فرامین
۲۴:۱	۱:۳	(۹) پولس زندانی
۲۶-۲۵:۱	۳-۲:۳	(۱۰) راز الهی آشکار شده به پولس
۲۵و۲۳:۱	۷:۳	(۱۱) پولس خادم انجیل جهانی
۲۷:۱	۹-۸:۳	(۱۲) پولس راز را به همه آشکار می کند
		(۱۳) آن زندگی را زیست کنید که شایسته دعوت شما باشد
۱۰:۱	۱:۴	(۱۴) با تمام فروتنی، بردباری، صبر، متحمل یکدیگر باشید
۱۳-۱۲:۳	۲:۴	(۱۵) مسیح اعضای کلیسا را متحد می کند
۱۹:۲	۱۶-۱۵:۴	(۱۶) طبیعت کهنه را کنار گذاشته طبیعت نو را بپوشید
۱۲و۱۰-۵:۳	۳۲-۲۲:۴	(۱۷) در میان شما هیچگونه فساد نباشد
۹-۵:۳	۶-۳:۵	(۱۸) در حکمت راه بروید و از وقت خود بیشترین استفاده را ببرید
۵:۴	۱۵:۵	(۱۹) سرود بخوانید، غزلها، و سروده های روحانی، و خدا را شکرگزاری نمایید
۱۷-۱۶:۳	۲۰-۱۹:۵	(۲۰) جدولی از وظایف شوهران، زنان، فرزندان، والدین، غلامان، و اربابان
۱:۴-۱۸:۳	۹:۶-۲۱:۵	(۲۱) پولس زندانی به اصرار در دعا نصیحت می کند
۳-۲:۴	۲۰-۱۸:۶	(۲۲) تیخیکس فرستاده شده تا کلیسا را درباره پولس مطلع سازد و آنها را تشویق نماید.
۸-۷:۴	۲۲-۲۱:۶	

دارای لحنی متفاوت در افسسیان هستند.^۳ در بحث درباره پیام ما سایر تفاوتها را نیز دیده ایم، مثلاً در قوانین خانواده و کلیسا شناسی.

با وجودی که بعضی از محققین به پذیرفتن پولس به عنوان نویسنده افسسیان^۴ ادامه می دهند مدارک موجود ۷۰ تا ۸۰ درصد محققین دقیق، منجمله تعداد قابل توجهی از کسانی که فکر می کنند که پولس کولسیان را نوشته است، را مجبور کرده که آن بینش را رد کنند. در این میان احتمالاً بسیاری نویسنده ای برای افسسیان فرض خواهند کرد که با شخصی که کولسیان را تدوین نمود متفاوت است. سایر جنبه های افسسیان باید مورد بررسی قرار گیرد تا اطلاعات بیشتری درباره نویسنده به دست آید.

(۳) به وسیله چه کسی؟ رابطه با سایر نامه های پولسی. شباهتهایی، کمتر از

مشابهت مابین افسسیان و کولسیان، مابین افسسیان و سایر نامه های پولسی شناخته شده است. یک لیست دقیق از شباهت ها به هفت نامه انکار ناپذیر (با مدرکی مبهم برای دوم تسالونیکیان) توسط جانستون تهیه شده است؛ که تأثیرگذارترین شباهتها با رومیان، اول و دوم قرنتیان، و غلاطیان است.^۵ اگر پولس افسسیان را نوشته او می توانسته از نوشته های قبلی خود برداشت کند (اگر آنها در زندان در دسترس او بودند)، اما آیا او مایل بوده است که از آنها بدین سبک استفاده کند؟ ما آن را بدین معنی تلقی کرده ایم که رومیان اولین تفسیر درباره غلاطیان است اما استفاده پولس از موضوعاتی از غلاطیان در رومیان نشان دهنده ظریف تر شدن ایده های خود او توسط متفکری خلاق است که با وضعیتی جدید روبه رو می باشد. بسیاری از محققین استفاده مجدد از نامه های پولسی را در افسسیان به عنوان شیوه ای فرعی تر تفسیر می نمایند.

طبق یک فرضیه، انیسیمس غلام توسط فیلمون آزاد گردید، به افسس برگشت و چندین دهه بعد از مرگ پولس در آنجا اسقف شد (به فصل ۲۱ در بالا مراجعه شود). با ظاهر شدن کتاب اعمال توجه به پولس بیشتر شد؛ و این موضوع انیسیمس را ترغیب نمود که کپی هایی از نامه ها در افسس جمع آوری کند و با استفاده از اینها نامه به افسسیان را به عنوان خلاصه ای

۳- در حالی که در کولسیان راز آشکار شده در مسیح نقشه خدا برای نجات امتهاست، در افسسیان این راز اتحاد یهودیان با امتها در همان جسم مسیح است (۳:۳-۶). در واقع، اتحاد همه چیز در آسمان و زمین در او (۱:۹-۱۰).

۴- بعضی محققین استدلال کرده اند که پولس افسسیان را نوشت و شخص دیگری ایده های آن را در کولسیان ادغام نمود. اگر پولس هر دو نامه را نوشته باشد، کولسیان می تواند در پایان «اولین» دوره زندانی شدن در روم (۶۱-۶۳ میلادی) نوشته شده باشد و افسسیان کمی بعد از این وضعیت و یا (بر اساس شواهد نامه های شبانی که پولس روم را ترک کرد و دوباره بازگشت) در طی «دومین» دوره زندانی شدن در روم (حدود ۶۴-۶۶). با وجودی که تیخیکوس که حامل نامه به کولسیان بود (کول ۴:۷-۸) به نظر می رسد که نامه به افسسیان را نیز حمل نموده باشد (افس ۶:۲۱-۲۲)، بعضی ها پیشنهاد کرده اند که پولس فیلمون، کولسیان، و افسسیان را همزمان نوشته و آنها را به وسیله تیخیکوس ارسال نموده است: فیلمون و خانه- کلیسای او به عنوان پا در میانی برای انیسیمس، کولسیان برای جامعه در کولسیه، افسسیان برای قرائت کلی به کلیسای متفاوت در همان نواحی.

۵- اگر شباهتهایی مابین افسسیان و نامه های شبانی باشد (افس ۲:۳-۷ و تیطس ۳:۳-۷) این وابستگی از طرف آخری است. شباهتها به لوقا- اعمال و مکاشفه قابل بحث است، و شباهتهای تأثیرگذارتر به اول بطرس شاید نشانگر وابستگی به یک سنت معمول باشد.